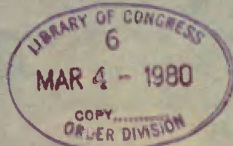
ژوندون

وزارت اطلاعات وکلتور





شنبه ۱۳ دلو ۱۳۵۸
۲ ، فبروری ۱۹۸۰
شماره ۳۹ ـ ۴۶
سال سی ویکم

صحنه از آزادی زندانیان سیاسی از باستیل مرگبار امین فاشیست
و باند جنایتکار وی

قیمت یکشماره ۲۰ افغانی

متن بیانیه ملی و تاریخی ببرك كارمل منشی عمومی كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموكراتیك افغانستان درباره مشی سیاسی دولت كه بتاریخ شش جدی ۱۳۵۸ انتشار یافت.

بسم الله الرحمن الرحیم

وطنداران رنجكشیده ومسلمان افغانستان

اسلام علیكم !

مردان و زنان قهرمان كشور !

ازهمه اولتر اجازه دهید ،تاقبل از ارائه مشی سیاسی دولت و حكومت جمهوری دموكراتیك افغانستان ، از طرف كمیته مركزی حـــزب دموكراتیك خلق افغانستان، شورای انقلابـی و حكومت جمهوری دموكراتیك افغانستان از طرف خود اینجانب ببرك كارمل عمیقترین تاثـرات وهمدرد یها ، عظیم ترین احترامات ودرودهای آتشین را بمناسبت رنجهای بیكران واشكهای خونین شما، بمناسبت جبس وزندان، تبعید ومهاجرت های جبری ، زجر وشكنجه هـــای وحشیانه وغیر انسانی ،شهادت وكشتار جمعی ده ها هزار مادران وپدران ما، برادران وخواهران ما، دختران ، پسران و كودكان ما كه از طرف حفیظ الله امین میر غضب وبدستور مستقیم این جلاد آدمكش بعمل آمده به پیشگاه شما تقدیم بدارم ۰ از سوی دیگر اعلام میگردد كه حفیظ الله امین، این دشمن غدار الله وامین كه بنام خداواسلام، بنام انسانیت و مـــلیت، بنام خلـــق و خلقی علیه خداو اسلام، علیه انسانیت وملیت ، علیه خلـــق و خلقـــی وحشیانه جنگید، این دشمن وطن وضد ملی كه اردوی آزادیبخش افغانستان را، بنفع دشمنان داخلی وخارجی پارچه پارچه كرد و بهتر یــن سر باز ان ، خورد ضابطان ، افسران قهرمان و جوانان مارا ، هموطنان شرافتمندو زحمتكش مارا، به فجیعترین وضع بزندانها وكشتارگاهها فرستاد ۰ حفیظ الله امین این نماینده (سی ۰ آی ۰ ای) وجاسوس توطئه گر امپریالیزم امریكا ، این خاین به وحدت حزب ودولت به قوای مسلح وانقلاب آزادیبخش ثور ، ایـــن قاتـــل وشیاد تاریخ كه حتی دربرابر شادروان نورمحمد تره كی رهبر عزیز و بنیاد گـــذار شرافتمند حزب ما، نخستین منشی عمومـــی ح۰د۰خ۰ا و نخستین رئیس شورای انقلابـی و صدراعظم جمهوری دموكراتیك افغانستان كه نام بزرگش جاویدان باد ! به میرمن بیمار، نجیب ودلیرش وبه خانواده شریفش رحم نكرد، استقلال افغانستان را مورد معامله ارتـــجاع خارجی قرار داد و معادل هزاران ملیون ثروت ملی ما را غارت و حیف ومیل كرد ، غیرت وشرف وناموس مردم غیور وبانگ افغان را مورد تحقیر و توهین قرارداد برای ابدازصحنه زندگی وطـــن محبوب مـــان افغانستان محو گردید وبنابر طوفان خشم ونفرت خلـق، قهرو غضب ملت در دادگاه عادلانه انقلابـی خلق و مستضعفین افغانستان یكجا با چنـــد چا كرش بسزای اعمال طاغوتی وشیطانی خود رسید ومیرسد ۰

هموطنان ستمدیده !

اكنون در این لحظاتیكه بر اساس اراده اكثریت مردم افغانستان وارد مرحله نوینی از انقلاب ملی ودموكراتیك كبیر ثـــور،میشویم دوران تاخت و تاز وحاكمیت دودمان امینی ها، این مستكبرین وخائنان به خلـــق و وطـــن بپایان رسید وجبهه ملی پدر وطن برهبری حزب دموكراتیك خلق افغانستان ، باااتكاء به اراده اكثریت عظیم توده های مردم كشور وبه كمك اردوی آزادیبخش افغانستان ، بخاطـــر دفاع از دست آورد های بزرگ انقلاب كبیرو پرجلال ثـــور ، قدرت حاكمه را بدست گرفت۰

اكنون ماایمان راسخ داریم ، كه انقلاب ما از عهده دشواریهای عظیم فعلی برخواهد آمد۰ تاریخ مردم مادر این لحظات یكی از بزرگترین وشگفت انگیز ترین چرخشی را انجام میدهد، كه برای احراز آزادی وزندگی مستقل مردم ما، اهمیت عظیم وبی پایان دارد۰ این چر خشی است ، از ظلم ووحشت بسوی خوشبختی ، كار وزندگی صلح آمیز، این چرخشی است از مصائب وآلام بی پایان ، ازاستبدادستمگران درنده خوی و استثمار گران خونخوار ازجامعه مصیبت زده ی طراز استبداد آسیایی، بسوی آینده تابناك دموكراسی واقعی، آزادی وبرابری ترقی وعدالت وایجاد جامعه واقعا دموكراتیك چرخشی است از جنگ ونفاق داخلی بسوی صلح ، بسوی اعتلای وحدت ملی وبرادری ملیتها ،اقوام وصاحبان مذاهب مختلف خلقهای ما، اعم از پشتون، تاجك ،هزاره ، ازبك، تركمن بلوچ، نورستانی وغیره ،و مذاهب ما، اعم از اهل تسنن وتشیع ودیگر مذاهب وقبایل دلیر ما، از اینجاست كه بر اساس اراده آهنین مردم افغانستان اعلام میگردد كه : تمام هموطنان مسلمانیكه در اثـــر ظلم وستم حفیظ الله امین خون آشام ،چه در خارج كشور پناه گزینند ویا در داخل ، ناآگاهانه ویا انتقام جویانه، در اثـــر تحریكات ستمگران و دشمنان داخلی وخارجی به برادر كشی مشغول اند ،برادرانه وصادقانه دعوت میگردد كه به سر زمین مستقل وصلحجوی پدری ومادری خود ، افغانستان محبوب باتمام آزادی واطمینان عودت كننـــد سلاحهای دشمن را بدولت انقلابی وملی خود تحویل دهند ، به برادر كشی خاتمه دهندو داوطلبانه آرامش ومصئونیت رادر كشور باز گردانند ،دولت جدیدانقلابی و ملی افغانستان، درحدود امكانات در تامین شرایط جبران خسارات مادی ومعنوی تمام هموطنانیكه از ظلم وستم امینی هاچون سگ های زنجیری اش اسد الله امین ، عبدالله امین، خساره مند شده اند جدوجهد خواهد ورزید ۰همچنان به رهبران وكادرهای حزبی ، به تمام ضابطان ، ماموران نظامی وملكی از بالا تا پایین و نو جوانان خلقی وطنپرست كه اشتغال بوظایف حزبی و دولتی دارند اطمینان داده میشود كه در صورت وفاداری وهمكاری بامرحله نوین انقلاب پر افتخار ثور، به استثنای عدهٔ انگشت شمار جنایتكار امینی ها، دیگر تمام حقوق حزبی،دولتی، نظـامـی ومعنوی آنان جدا رعایت خواهد گردید۰

اردوی آزاد یبخش وقهرمان افغانستان!

به تبلیغات دروغین دشمنان باور نكنید ! دلیر وبا انظباط از شرف وناموس مردم وطن تان آگاهانه وفدا كارانه دفاع كنید !

هموطنان رنجكشیده و عذاب دیده كشور!

معلوم وآشكار است كه بتاریخ ۷ ثور ۱۳۵۷ انقلاب ملی ودموكراتیك مردم افغانستان آغاز نهاد ۰ پیروزی انقلاب شكوهمند ثـــور ، ضربه شدید وتكاندهنده برپیكر ارتجاع فیودالی، ارتجاع منطقه وامپر یالیزم جهانی وارد آورد ودور نمای در خشانی را برای رهایی خلـــق زحمتكش وطن گشود و در اثر آن یك سلسله اصلاحات دموكراتیك وتحول انقلابی، اعم درساحه سیاسی ،اقتصادی اجتماعی وفرهنگی بنفع خلق افغانستان صورت گرفت ۰

ولی باكمال تاسف بنابر اشتباهاتی ،بخصوص بنابر رهبری توطئه آمیز وجنایتكارانه ضدحزبی ضد دولتی وضد انقلابی وضد انسانی حفیظ الله امین ، در بسیاری جهات ، حزب ودولت ،در انحراف وگمراهی ها، در كوره راههای مهلك ومدهش، مطابـــق به خـــواست ارتـــجاع و امپریالیزم ، سوق داده شد، كه هر گاه اكنون نیروهای اصیل انقلابی ووطنپرست ، ابتكار خلاق انقلابی را بناسی از اندیشه های مترقی انقلاب پر شكوه ثور در دست نمیگرفتند امكان آن برده میشد كه حاكمیت ملی ، استقلال وتمامیت ارضی وطن پرافتخار مان ، افغانستان محبوب وصلح منطقه درخطر جدی قرار میگرفت وافغانستان بیك گشتار گاه ملیونها فرزند خود تبدیل میگردید ۰ بدین جهت شورای جدید انقلابی جمهوری دموكراتیك افغانستان، خـود را ادامه دهنده وتكامل دهنده آرمانهای والای انقلاب كبیر ثـــور اعلام میدارد ووظیفه اولی خود میداند كه انقلاب رهایی بخش ثـــوررا در صراط المستقیم سمت دهد ، اشتبا هـــات وخطـاهای مهلك وغم انگیز را تصحیح واصلاح نماید ، فجایـــع را جبران كند وبحران رارفع نماید ۰

اصول اساسی كه نظام سیاسی افغانستان روی آن ها استقرار میابد ودولت جمهوری دموكراتیك افغانستان برمبنای تشكیل جبهه متحد ملی پدر وطن ما، به رهبری حزب طبقه كارگر وتمام زحمتكشان افغانستان (ح۰د۰خ۰ا) موظف بتامین ودفاع آنهاست عبارتنـــد از: حاكمیت ملی ، استقلال ملی ، تمامیت ارضی دموكراسی واقعی ، ایجاد سیستم دموكراتیك دولت واداره ، تحكیم بنیان قانونیت انقلابی دموكراتیك درحیات جامعه ودولت بسط وتوسعه سازمانهای توده یی ۰

در حالیكه وظیفه مستقیم ما، در شرایط كنونی «معمول داشتن» سوسیالیزم نیست ، دولـــت جدید جمهوری دموكراتیك افغانستان و ظیفه تاریخی ملی خود میداند كه : پایه های مترقی اجتماعی وسیاسی جمهوری دموكراتیك افغانستان این دستاورد بزرگ انقلاب ثور را بسط و توسعه واستحكـــام بخشد، انقلاب مـــلی و دموكراتیك ضد فیودالی و ضد امپریالیستی وضد كمپرادوری رابه پیروزی نهایی برساند ودر اولین فرصت ممكن وظایف مبرم زیرین را اجراكند:

۱ـ اعلام آزادی تمام زندانیان سیاسی، كه ازدم ساطور حفیظ الله امین تبهكار ،سر بسلامت برده باشند ودر شرایط لازم لغوقانون اعدام۰

۲ـ لغو تمام مقررات ضد دموكراتیك و ضد انسانی ، ومنع گرفتار یها، توقیف ها وتعقیبات خودسر انه وتفتیش منازل وعقاید۰

۳ـ احترام به اصول مقدس اسلام ،آزادی وجدان ، عقیده ومراسم مذهبی ،حـمایت از نظام كانون خانواده ، رعایت اصل مالـــكیت قانونی ، مشروع و عادلانه شخصی كه عاری از استثمار ستمگرانه اختلاس رشوه خوری،سودخوری، احتكار وقاچا قبری باشد ۰

٤ـ احیای امنیت ومصونیت فردی واجتماعی آرامش وصلح ونظم انقلابی در كشور ۰

٥ـ تامین شرایط سالم آزادی های دموكراتیك اعم از آزادی تشكیل احزاب مترقی ووطنپرست وسازمانهای توده ای یا اجتماعی ، مطبوعات تظاهرات ، اجتماعات ونمایشهای خیابانی، تامین حق كاروتحصیل، تامین آزادی ومحرمیت مكاتبات مخابرات ، مسافرت ومصونیت منزل ۰

٦ـ توجه وكمك جدی وبنیادی به نسل نوجوان و شاگردان مكاتب ، محصلان وروشنفكران كشور بدون تبعیض ۰

هموطنان گرامی !

در حالیكه ازبین بردن فقرمرض وعقب ماندگی اقتصادی جهل وبیسوادی ، بیكاری ونابرابری، ستم ملی واجتماعی در افغانستان ، ایجادیك اقتصاد مستقل ملی وتسریـــع آهنگ رشد اقتصادی ، بر طبـق پلان های علمی رشـــد اجتماعی، اقتصادی واز جمله تاسیس صنایـــع

مستقل ملی وصنعتی ساختن کشور واعتلای سطح زندگی توده های مردم اهداف عمو می انقلاب کبیر ثـور است • دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان ، در کوتا هترین زمان ممکن وظایف اساسی زیرین را انجام میدهد•

در رشته سیاست داخلی :

اجرای مراحل بعدی اصلاحات ارضی دموکراتیک الغای بقایای مناسبات فرتوت فیودالی، پایان دادن به تسلط تاجران خارجی ونمایندگی های انحصارات امپریالیستی بسط وتوسعه بخش عامه در عرصه های اقتصادی ،رهنمایی تشویق وحمایه اهل کسبه ، زمینداران وتاجران کوچك ومتوسط وسرمایه داران ملی دموکراتیك کردن بنیادی حیات سیاسی ،اجتماعی و دستگاه دولتی رشد وتکامل زبانها و فرهنگهای ملی تمام ملیت هاواقوام برادر افغانستان اجرای انقلاب فرهنگی طرد نفوذ بقایای استعمار کهن ، استعمار نو؛ امپریالیزم در تمام عرصه •

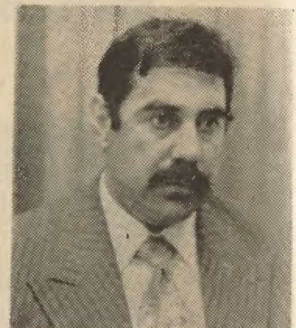
در رشته سیاست خارجی :

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان ، از • سیاست اصولی صلحجویانه، بر مبنای اصول بیطرفی مثبت و فعال و همزیستی مسالمت آمیز، از سیاست دفاع از صلح ودیتانت (تشنج زدایی)،از تحدید سلاحهای ستراتیژیك هسته ای وخلع سلاح عام وتام ازحقوق بشر و جنبش های آزادیبخش خلقهای تحت ستم ، بمثابه یك عضو وفادار سازمان ملل متحد وکشور های غیر متعهد، پشتیبانی وپیروی میکند و تمام قرار داد های منعقده ، میان افغانستان وکشور های جهان را رعایت واحترام مینماید وبانیروهای صلح دوست ،دریك جبهه وسیع جهانی ،علیه جنگ وجنگ طلبان ، استعمار کهن واستعمارنو، امپریالیزم وصهیونیزم، فاشیزم وراسیزم، اپارتاید ونژاد پرستی میرزمد ،و همبستگی بین المللی خودرا باسیستم جهانی اصالت اجتماعی ، جنبشهای جهانی کارگری ونهضت های آزادیبخش ملی و اجتماعی کشور های آسیا ، افریقا و امریکای لاتین بسط وتوسعه میدهد•

مردم ودولت جمهوری دموکراتیک افغانستان با رعایت کامل معاهده دوستی و همکاری مورخ ۷ دسامبر ۱۹۷۸ مطابق به شانزدهم قوس ۱۳۵۷ که ماهیتا ضامن صلح وامنیت دایمی

بقیه در صفحه ۶۸

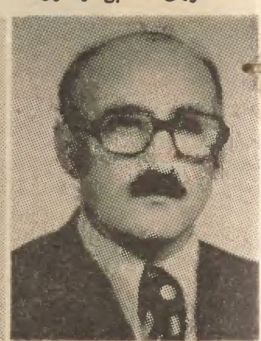

ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. رئیس شورای انقلابی وصدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان


اسدالله سروری عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی معاون شورای انقلابی ومعاون صدراعظم


سلطانعلی کشتمند عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی معاون شورای انقلابی معاون صدراعظم ووزیرامور پلانگذاری

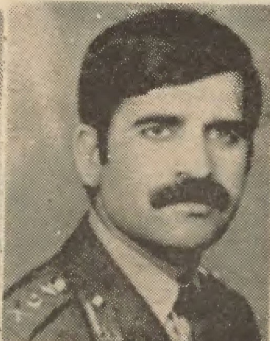

نور احمد نور عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی و عضو هیات رئیسه شورای انقلابی


دوکتور صالح محمد زیری عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی


دستگیرپنجشیری عضوبوروی سیاسی کمیته مرکزی


دوکتور اناهیتا راتب زاد عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی وزیر تعلیم وتربیه


جنرال عبدالقادر عضو هیات رئیسه شورای انقلابی


دگرمن محمداسلم وطنجارعضو هیات رئیسه شورای انقلابی ووزیر مخابرات


دگرمن گل آقا عضو هیات رئیسه شورای انقلابی

پلینوم کمیتهٔ مرکزی ح. د.خ.ا تصامیم مهمی اتخاذ نمود

ساعت پنج بعد از ظهر روز بیست جدی ۱۳۵۸ پلینوم (مجمع عمومی) کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در تالار عمارت چهلستون تحت ریاست ببرک کارمل ، منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان تشکیل جلسه داد وتصاویب آتی را بر اساس مصوبهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وشورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، مورخ ۸ جدی ۱۳۵۸، بعمل آورد :

لطفاً ورق بزنید

۱ـ اسمای اعضای اصلی وعلی‌البدل کمیته مرکزی اعلام شود .

۲ـ اسمای اعضای دفترسیاسی کمیته مرکزی اعلام گردد .

۳ـ اسمای اعضای دارالا نشاء کمیته مرکزی اعلام گردد .

٤ـ اسمای اعضای جدید حکومت جمهور ی دمو کر اتیک افغا نستان، که از طر ف کمیته مرکزی نامزد شده اند پس‌از تصویب شورای انقلابی جمهو ری دمو کرا تیک افغا نستان اعلام گردد .

٥ـ اسمای اعضای شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغا ـ نستان اعلام شود .

٦ـ اسمای اعضای هیات رئیسه شورای انقلا بی بار دیگر اعلام گردد .

در جلسهٔ پلینوم کمیته مرکزی فیصله بعمل آمد که

مطابق به اصول وموا زین اسا سنا مه وبر حسب شاـ یستگی در شرا یط لازم ، کمیته مرکزی، دفتر سیاسی کمیته‌مرکزی ودار الا نشاء کمیته مرکزی حزب دموکراـ تیک خلق افغا نستا ن وهمچنان شورای انقلا بی جمهور ی دمو کرا تیک افغا نستان، با انتخاب و انتصاب اعضای جد یدتوسعه یابند .

در شورای انقلا بی و حکو مت جمهور ی دموکرا ـ تیک افغا نستان ودر دستگاه اداره دولت، تنا سب لا زم از لحاظ جبههٔ ملی پدروطن جداً رعایت گردد .

در قدم اول، بحیث مقد مهٔ کار جبهه، سه عضو غیر حزبی ـ وزرای زرا عت، تجارت وصحت عامه ـ هم در حکومت وهم در شورا ی انقلا بی جمهور ی دمو کرا تیک افغا نستان، عضو یت حاصل نمایند ودر زما ن لازم، برتعداد اعضای غیر حزبی شورای انقلا بی افزایش بعمل آید .

درا دارهٔ امور دو لت ، تمام اشخاص با تجر به و پاك، متخصصان ودانشمندا ن ورو شنفکران غیر حز بی، بدو ن تبعیض ، بو سیعاً جلب شو ند.

مقامات رهبری حزب دموـ کرا تیک خلق افغا نستا ن ودولت جمهور ی دمو کراتیک افغا نستان، باتمام اشخاص، محافل وساز مان های ملی ودمو کرا تیک، تر قیخوا هان اسلامی وروحانیون وطنپرست مطابق به خط مشی حزب ودولت، مذا کرات دو ستا نه را آغاز نما یند . حزب و حکو مت، بمنظور تأ مین آزادی وا منیت مردم، احیای صلح و آرامش در کشو ر ، وایجاد شرا یط کار صلح آمیز برای مر دم و همچنان بمنظور امحای تجاوز ات تروریست‌ها، قطاع الطر یقان ،راهزنان وآدم کشان ومتجاـ وزان ارتجاع امپر یا لیستی ونو کران دشمنان استقلال ملی، حا کمیت ملی وتما میت ارضی کشور و دشمنا ن ضد مر حلهٔ نوین انقلاب کبیر ثور، تمام تدا بیر لازم را اتخاذ نما یند .

برای همو طنانیکه بنا بر ظلم وستمگری باند امین‌وامینی ها از وطن بخارج رفته اند، شرایط باز گشت مصئو ن به وطن تدارك دیده شود .

کمیتهٔ مر کزی ح.د.خ افغا نستان

اعضا ی دفترسیا سی کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ. افغانستان

به‌ترتیب حروف الفبا :

۱ـ ببرک کارمل منشی‌عمومی کمیته مر کزی حزب دمو کرا تیک خلق افغا نستان.
۲ـ اسد الله سروری .
۳ـ انا هیتا راتب زاد .
٤ـ سلطانعلی کشتمند .
٥ـ صالح محمد زیری .
٦ـ غلام دستگیر پنجشیری.
۷ـ نور احمد نور .

اعضای دارالانشای کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ. افغانستان

به‌ترتیب حروف الفبا :

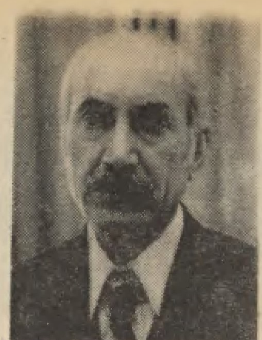
۱ـ ببرک کار مل منشی‌عمو می کمیتهٔ مر کزی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان.
۲ـ صالح محمد زیری .
۳ـ نور احمد نور .

اعضای اصلی کمیتهٔ مر کزی ح.د.خ. افغانستان

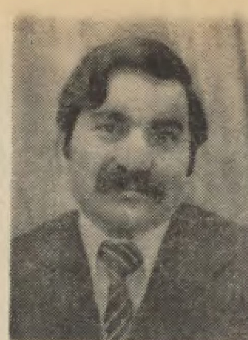
به‌ترتیب حروف الفبا :

۱ـ ببرک کارمل منشی‌عمو می کمیته مر کزی حزب دمو کرا تیک خلق‌افغانستان.
۲ـ اسدالله سروری .
۳ـ امتیاز حسن .
٤ـ اناهیتا راتب زاد دو کتور .
٥ـ حبیب الله منگل،دوکتور.
٦ـ خلیل الله ، جگرن .
۷ـ راز محمد پکتین،دوکتور .
۸ـ سلطان علی کشتمند .
۹ـ سید محمد گلاب زوی.
۱۰ـ شاه محمد دوست .
۱۱ـ شیر جان مز دوریار،جگرمن.
۱۲ـ صالح محمد زیری،دو کتور
۱۳ـ عبدا لرشید آرین .
۱٤ـ عبدا لظهور رز مجو ، انجنیر .
۱٥ـ عبدا لقادر ، جنرال .
۱٦ـ عبدالقیوم نورزی .
۱۷ـ عبدا لمجید سر بلند.
۱۸ـ عبدالوکیل .
۱۹ـغلام دستگیر پنجشیری.
۲۰ـ فدا محمد دهنشین.

بقیه در صفحه ٦٦



شاه محمد دوست وزیرامورخارجه



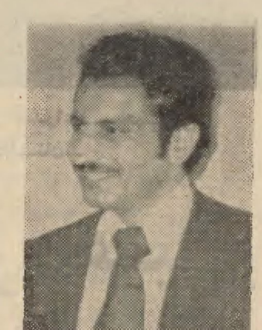
سیدمحمد گلاب‌زوی وزیرامور داخله



ډگرمن محمد رفیع وزیر دفاع‌ملی



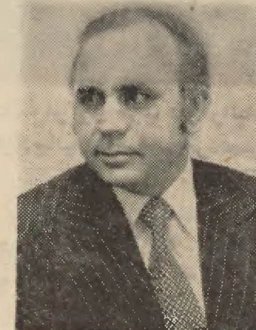
عبدالوکیل وزیر مالیه



عبدالرشید آرین وزیرعدلیه



عبدالمجید سربلند وزیراطلاعات و کلتور



ډگرمن فیض‌محمد وزیر سرحدات و قبایل



ډگرمن شیرجان مزدوریار وزیر ترانسپورت



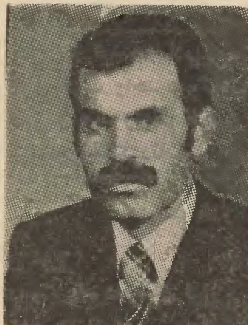
داکتر رازمحمد پکتین وزیر آب و برق



انجنیر محمداسماعیل دانش وزیر معادن و صنایع



گلداد وزیر تعلیمات عالی



انجنیر نظرمحمد وزیر فوایدعامه



فضل الرحیم مومند وزیر زراعت و اصلاحات ارضی



محمد خان جلالر وزیر تجارت



پوهاند محمد ابراهیم عظیم وزیر صحت عامه



ببرك كارمل منشي عمومـی کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان، رئیس‌شورای‌انقلابی و صدراعظـم جمهوری دموکراتیك افغانستان ، هنگام‌ایرادبیانیه درمراسم‌پانزدهمین سالگردتأسیس‌حزب‌دموکراتیك خلق افغانستان .

متن بیانیهٔ ببرك كارمل بمناسبت پانزدهمین سالگرد حزب دموکراتیک خلق افغانستان

متن بیا نیه انقـلابی ببرك کارمل منشی عمومـی کـمیتهٔ مرکزی حزب واحد دموکراتیك‌خلق افغانستان، رئیس‌شورای انقلابی و صد راعظم جمهوری دموکراتیك‌افغانستان، بمناسبت پانزدهمین‌سالگردتأسیس‌حزب واحددموکراتیك‌خلق‌افغانستان.

بسم الله الر حمن الرحیم

رفقای عزیز!

درست پانزده سال قبل در این روز حادثه مهمی درکشور مابو قوع پیو ست ، حـزب واحد دمو کرا تیك خلـــق افغا نستان باتشکیل نخستین کنگره آن در راسش شادروان (نور محمد تره‌کی) بخاطر امر بزرگ نجات طبقه کار گر و تمام تو ده های مورد ستمو سعا دتمند سا ختن انســان زحمتکش وطن در ین روزبنیاد گذاشته شد .

حزب‌دمو کرا تیك خلــق افغا نستان بمثابه مدافـــع را ستین منافع زحمتکشـــان کشور در عرصه پیکار طبقاتی راه خود را به پیش گشود و امکان تطبیق خلاق ایدیالوژی رهایی بخش طبقه کار گر را در شرایط مشخص جا معه ما بوجود آورد .

کار وپیکار خستگی نا پذیر حزب واحد دمو کرا تیك خلق افغا نستان این سلاح بران زحمتکشان دورا نساز کشور در عرصه مبارزه علیه ارتجاع وامپریا لیزم وبخاطر پایـــان بخشیدن به تسلـط جهنمـی طبقا ت وا قشار حا کـــم استثمار گر در جا معه مـــا، در عرصه جلب متحد یـــن طبقاتی طبقه کار گر کشور ، در عرصه مبارزه بخاطـــــر دمو کراسی ، ترقی و عدالت اجتماعی ، درعرصه تطبیق و تحقق آزاد یهای اجتما عـــی و ملی که‌باهم پیوندناگسستنی دارند حایز اهمیت عظیـــم و پر بها است .

حزب دمو کرا تیك خلــق افغا نستان طی تا ریخ پانزده ساله خو یش از مرا حـــل گونا گونی گذشته و تجارب فرا وانی در عرصه هـــای مختلف مبا رزات اجتماعی و سیاسی ، ساز مانی وایدیو-لوژیك کسب کرده است .

طی این سالهای جو شـــان مبارزه علیه ار تجاع و امپر-یالیزم بخاطر استقـــلال‌و دمو کراسی و در راه بیدار-کردن و متشکل ساختن مردم و حزب دمو کرا تیك خلـــق افغا نستان به پیروز یهـــای بزرگی دست یافته و بـــــه مشکلات عدیده ای بر خـورده است ، مساعی برای تامیـــن وحدت رهبری و ساز مانـــی حزب کـــه در ســـال ۱۳٥٦ بموفقیت انجامید،حادثه مهمی در تاریخ پر از نشیب و فراز حزب ماست که زمینه هـــای بسیار مسا عدی برای فعالیت انقلابی درکشور بوجود آورد، وحدت حزب دمو کرا تیـــك خلق افغا نستان به بزرگترین و عمده ترین منبع پیـــروزی های بعدی آن مبدل گردید .

طی یك دهه و نیم حـــزب دمو کرا تیك خلق افغانستان به محور اساسی پیکار انقلابی بخاطر تغییر انقلابی جامعه ما تکامل یافت ، حزب رسالـــت عظیم خود را در امر تـــدارك و رهبری انقلاب ظفر مندملی و دمو کرا تیك در کشوریعنی انقلاب کبیر ثور مو فقانـــــه بسر رساند و بد ینقـــــــرار تیوری انقلابی را با عمـــــل انقلابی بطور خلاق پیوند داد.

انقلاب شکو همند ثـــور و تحول بر جسته و مهم‌انقلابی اخیر که انقلاب مارا بمر حله تکامل یافتهٔ نوین وارد کـــرد بانام و کار خلاق حـــــز ب دمو کرا تیك خلق افغا نستان پیوند نا گسستنی دارد .

این یك حقیقت در خشـــان است که انقلاب ظفر آفریـــن ثور نمیتوانست بدون شرکت وسیع همه جانبه حـــــزب و دیگر نیرو های ملـــــــی و دمو کرا تیك د رامر تـــدارك و اجرای آن‌به‌پیروزی برسد،

نو آوری خلاق اخیریکه‌بخاطر وارد کردن انقلاب ملــی و دمو کرا تیك ما ، بمر حلــه نوین کیفی و تکامل یافتـــه انقلابی آن به ظهور پیوست، اهمیت و نقشی حـــز ب دمو کرا تیك خلق افغا نستان را ، بر جسته‌تر و درخشانتر ساخت ، تحو لات اخیـر در کشور شواهد انکار ناپذیر و نوینی است که حقانیـت و اصو لیت و حقیقت حزبی ما را به اثبات میرساند . اهمیت حیاتی حزب ما در آنست که منافع طبقه کارگر و همــه زحمتکشان کشور و تمــام طبقات و اقشار دمو کرا تیك ملی را بنحو دقیق و عمیــق منعکس میسازد و دریك‌جبهه وسیع ملی پدر وطن‌راه ترقی اجتماعی را هموار میکنــد و امکانات آنرا بوجود می آورد که به تمامی مسایل حـاد و بغرنج اجتماعی مرحله کنونی تکامل جامعه ما پاسخ مثبـت داده شود و پرا بلمهــا ی زندگی اجتماعی و اقتصا دی کشور یکی پی دیگر حـل و فصل گردد ، پرو گرام مرحله نوین تکا مل ا نقلاب ثور در معرض اجرا قرار گیردو هرچه زود تر شرایط کار صلح آمیز امنیت و آزادی وا قعـــی ودمو کراسی آماده گردد .

جا معهٔ ما بسر کرد گی‌حزب دمو کراتیك خلق ا فغا نستان در راهی پیش خواهد رفت که تجر به درخشان کشور های پیشرو عصر ما نشا نــداده است .

تحول جا معه ما بســوی پیشرفت و تر قی در جهت صنعتی‌کر دن کشور، جمعی-کردن زرا عت و ا نجام انقلاب فر هنگی، و ظیفه اسا ســی حزب دمو کراتیك خلـــق افغا نستان است که آنرا دریك جبهه‌و سیع به شا یستگی انجام خوا هد داد و باید هم انجام د هد .

رفقای پیکار جو !

اکنون عمده ترین مطلب که در برابر خلق کشود قـــرار گرفته د فاع از ا نقلاب در برابر ضدا نقلاب دا خلـــی ومدا خله گران امپر یا لیستی است و حزب د مو کرا تیك خلق‌افغا نستان در پیشاپیش این مبارزه قهر مانانه وشجاع ودلیر قرار دارد .

نیرو های ا ر تجـا ع وامپر یا لیزم، این د شمنان واقعی واصلی استقلال ملی‌و منافع حیاتی کشود هاوخلقها، اکنو ن‌از هیچ تلاش و تقلائی خود داری نمیکنند تاواقعیات رادر کشور ما دگر گون‌جلوه-گر سا زند ، وبهانه جدیدی برای تشدید مدا خلات خود در امور دا خلی کشور های منطقه واز جمله کشور مــا بدست آور ند .

نیرو های ا مپر یا لیستی دررأس امپر یا لیزم امریکـا وهوا داران سیاست ارتجا عی آن در منطقه ماکه از آ غاز پیروزی ا نقلاب کبیر ثــور مذبو حانه تلاش ور زیده‌اندتا بطرق گو نا گو نــی جنبش آزادیبخش خلق ما را مختنق سازند وراه پیشرفت و ترقی کشور ما را سد کننـــد- امپر یا لیزم به موا زات ایجاد تحریکات ار تجاعی‌مدا خله-گرانه و سیاست تہا جمی و تجاوز کارا نه خود در کشور مادر پی آن بود تا دست آورد های انقلا بی خلق ماراتوسط عمال و جوا سیس خود که‌در درون نفوذ داده بود تخریب نمایدولی سپاسگزارازبرخورد هشیارانه حزب ، خلق‌و کمك های بیشا یبه مادی و معنوی دوست وا قعی راه پیشر فت وتر قی، آزادی و استقلال‌ملی کشور ما، اتحاد شورووی‌وکمك به هنگام برادرانه آن که این تو طئه های دشمنان خار جی افغا نستان خنثی گردید،اکنون امپر یا لیزم ووا بستگان آن با گرفتن چهره حق بجا نب در واقع به‌خا طر بر افتا دن رژیم فا شیستی حفیظ ا لله امین خاین و خو نخوار ومرگ این جا سوس سا بقـــه دار امپر یا لیزم امریکاوامینی های جنا یتکار ش گر یه و نوحه سرایی میکنند ، رهبران‌کشور های ا مپر یا لیستی وسگهای زنجیری آنها بهسر دمداری آقای کارتر باظهارات‌مداخله-گـرانه و تلا شهای تب آ لود خویش صریحا در امور داخلی ما مدا خله مینمایند، مگــر میتوانند پنها ن کنند که هم اکنون به چه مقیاسی مصروف تدار ك برای تجاوز به حقوق آزادی و ا ستقلال خلق هاو کشور های مختلف جهـــان هستند؟ و نیرو های ارتجا عی ضد پیشر فت وضد تر قی‌را در نقاط مختلف جهان وازجمله در کشور ما مسلح میسا زند، آقا ی کار تر ماشین خون‌آشام امین این نو طئه گر رســوا وجا سوس سیا را (حکو مت رسمی) و قا نو نی‌و شخص او را بنام ر ئیس جمهــور افغا نستان یاد کرده استواز حفیظ ا لله ا مین چون فر زند وفادار امپر یالیزم‌امریکا دفاع میکند، وضع کا ملارو شــن است .

نیرو های ا مپر یا لیستی وار تجاع منطقه ،از امین‌وباند تروریستی وی بصراحت‌د فاع مینمایند وبااینوسیله خود را شریك جرم یك قاتل حرفه‌یی که‌ده‌ها هزار تن‌ازوطن پرستان وهموطنان مسلمان مارا بــه شهادت رسانده است نشان میدهند .

بنابه سیاست خارجـــی صلح آمیز ماست که در باره همسا یگان خویش ایــران ، پاکستان وچین وهمچنان‌برخی کشور هـای عربـی‌و مسلمان علی الرغم هر گونه تحریکات محافل‌ارتجاعی حرفی‌نمی‌گوییم ولی تعجب آور است که چگونه صدا های‌این کشور هاباصدای امپریالیزم امریکا ودیگرکشور های امپر یالیستی دریك‌جبهه هما هنگ گردیده است ؟

به قاطعیت و با اطمینـان کامل میتوان گفت که‌مساعی حلقه های امپر یالیستـی‌و ارتجاعی ضد انقلاب مابـرای واژگون جلوه دادن تغییـرات مثبتی که در زندگی خلق‌مادر کشور ما اخیراً بوقوع پیوسته است به شکست کامل مواجه میشود ، اکنون خلق کشورما هدف تبلیغات زهرا گیـــن امپر یالیستی و وابستگان‌آنرا بدرستی تشخیص مید هنـد وطنپرستان و هوا داران راه ترقی و پیشر فت ، دموکراسی واستقلال ملی در باره تحول انقلابی اخیردر کشور ودرباره مناسبات دوستانه وبرا درانه حسن همجواری‌که بین‌جمهوری دمو کراتیك افغا نســتان وهمسایه‌بزرگ‌شمالی‌مااتحاد-جماهیر شوروی وهمچنـان بادیگر کشور هـای برا درو صلحدوست موجود اســت مطابق به منافع ومصالح توده های مردم ما ارزیابی مثبـت دارند .

مناسبات عمیقا دوستانــه وبرادرانه که بین کشور هــا وخلقهای جمهوری دموکراتیك افغا نستان و اتحـاد شوروی موجود است وهمکار یهاو کمك های‌بزرگ وبی شائبه‌اقتصادی وتخنیکی ، سیاسی و نظامی اتحاد شوروی که از سالهای طولانی‌بااینسو بمنظورپیشرفت وترقی ، دفاع از دمو کراسی استقلال ملی و تما میت ارضی کشورما مبذول میگرددپیوسته با قدردانی از پشتیبانی وسیع مردم مابر خوردار بوده ومی باشد .

باین جهت ارائه پاسخ‌مثبت از جانب اتحاد شوروی بــه مطالبه دولت‌وحکومت جمهوری دموکراتیك افغا نستان‌مبنی‌بر اعطای کمك های سیاســی و معنوی‌به شمول‌کمك های‌عاجل نظامی مطابق‌به معاهده‌دوستی وحسن همجواری مــورخ ١٤ قوس ١٣٥٧ مطابق ٥ دسمبر سال ١٩٧٨ بین جمهوری‌دمو-کراتیك افغا نستان واتحــاد جماهیر شوروی‌به عکس‌العمل مثبت وفوق العاده مساعدخلق شریف وآزاده‌ما مواجه‌گردیده است .

بقیه در صفحه ٤٣

پیام هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به خلقهای مسلمان افغانستان وجهان

پیروزی ا نقلا ب ملی ودمو کرا تیک ثور درسرزمین باستانی‌ما مورد پشتیبانی و استقبال بیدریغ توده ها ی وسیع خلق مسلمان تما م ملیتها واقوام سا کن کشور پرافتخار ما قرار گرفت . انقلاب ثور بنا بر ما هیت عمیقاً ملی ودمو کراتیک خود مظهر نیرو مند اراده تو د ه های مسلمان خلق کشور در راه ایجاد عدالت واقعی اجتماعی و گام عظیم در راه بر آورده شد ن آرزو های دیر ینه مسلما نان‌پاک‌سرشت کشور ما بود . این ا نقلاب رسالت نجیبانه دفاع‌از مردم مظلوم و توده های زحمتکش ومؤمن مسلمان را بعهده داشت، از آنجائیکه منا فع توده های و سیع مردم با خواسته ها و نقشه ها ی استثمار گران جهانی درتضاد بنیادی است ، امپریا لیزم جها نخوار امریکا د ر سازش با رهبری چینی و ار تجاع دا خلی ومنطقه بخاطر د شمنی‌بامردم کشور، با مردم مسلمان کشور ما دست به تحر یکا ت و تو طئه ها زدند وبو سیله جا سوس مشهود سی،آی،ای امریکا، حفیظ الله امین خون آشام و دد صفت به عملی نمودن نقشهٔ خود در جهت سر کوبی انقلاب، محودست آورد های انقلابی وو طن پرستانه آن و جلو گیری از پیروزی نهایی انقلا ب برداختند.

امپر یا لیزم امریکابه کمك جاسوس ابلیس صفت وجبار خود حفیظ الله امین و دیگر متحدین و چا کران خود د ر

نظر داشت تا از نز د یکی بین‌خلقهای افغانستان، ایران وپا کستان جلو گیری نما ید ومیان خلقهای مسلمان و شرا فتمند این کشور ها که دا رای پیو ند های عمیق تاریخی، فرهنگی و مذ هبی اند ، نفاق ایجاد نماید، امین جلاد با دامن زدن آ تش اختلا فات نژادی، قومی،زبانی ومذهبی میخوا ست انقلا ب ثور را در انظار جها نیان‌لکه دار وبد نام سازد.

در تحت رژیم امین موجی از خون واشك کشور ما ر ا فرا گر فته بود، طبق مشوره امپر یا لستهای امریکایی امین ابلیس صفت وهمکاران جنایت پیشه اش به ترو ر خونین علیه مسلما نان‌صادق پر داختند، رو حا نیون‌شریف ودا نشمند را که از اندیشه ها واهداف انقلاب پشتیبا نی میکردند تحت تعقیب ،شکنجه وآزار قراردادند آنهاراجسماً و روحاً در هم شکستند وبالاخره به کشتار و سیع بیسابقه و ظالمانه بر علیه آنها دست زدند، مسجد ها، مدرسه هاو تکیه خانه ها از وجود علمای شریف رو حانی تهی گردیدند، جامعه‌روحانیت در عز ا ی سهمگین نشسته بود.

در کنار این جنا یات هولناك و حیوانی امین خا ین ودار و دسته خو نخوار ا و برای پیشبرد اهداف ضدملی ضد دمو کرا تیك وضدترقی خود از ایجاد تفر قه‌در میان ملیتها، اقوام و گروه ها ی مذهبی کشود ما کارمیگرفتند آنها میخوا ستند همو طنان را بر علیه همد یگراستعمال

کنند، جنا یتکا ران امینی بارو ی دست گر فتن پلان های تبعیضی ایکه از نها د ابلیسی شان حکا یت میکرد دربی امحای دستجمعی گروه ها و خلقهای مسلمان کشور بودند، از جمله رو شی راکه آنان دربرابر مردم شرافتمند مسلما ن شیعه و برا دران زحمتکش وطنپر ست و دلیر هزاره ما در پیش گر فتند و رو حا نیون و علمای اهل تسنن را تار ومار کر دند ، برای همیشه در دل تا ریخ کشور ما به سان لکه ننگی به دامان امین جا سو س وخاین با قی خوا هد ماند. بعداز حوادث انقلابی ماه جدی که‌به سلطهٔ مطلقه و خو نین امین ویا ران جهنمی‌اش‌پایان بخشیده شد و انقلاب ثور تحت رهبری حز ب د مو- کراتیك خلق افغا نستان باتکاء مردم مسلمان ا فغا ـ نستان و به کمك ار دوی قهرمان کشور درمسیر تکامل اصولی خود قرار گر فت، ده ها هزار مسلمان شر یف ومومن وطن آزاد شدند وایدالها و اهداف انقلاب احیا گردید.

با پیروزی مر حله نو ین در تکامل انقلاب ثور ار تجاع بین المللی، امپر یا لیستهاو در راس امپر یا لیزم امریکا بکمك شوو نیزم چین ودیگر نیرو های ار تجاعی منطقه که نقشه های شوم خود را برباد شده دیدند از وجود عدهٔ از مسلمانان افغانستان که از طرف دشمنان مردم ما فریب خورده اند سوء استفاده مینمایند و حدت مسلما نان‌را بر هم میز نند وبر ا سا س

منافع و مواضع غا ر تگرا نه و تجاوز کا رانه خود علیه استقلال ملی، حا کمیت ملی وتما میت ارضی کشور ما و علیه آزادی‌خلقهای مستضعف مسلمان کشور ما تو طئه‌و دسیسه میکنند، این د شمنان سو گند خور ده مر دم ما در برابر مقد سات اسلام به بی حر متی مبیر دازند و در کو شش هستند دین مقدس اسلام را بو سیله ای جهت دستیابی به اهداف شوم جهنمی خود به نفع‌امپر یالیزم ودشمنان اسلام قرار د هند ولی خلق های شریف کشور داغ‌دربر جبین این ابلیس‌های نقاب پوش خواهد کو بید.

در تحت چنین شرایطی که امپریا لیزم ،شوو نیزم چینی‌و تمام نیروهای سیا ه ابلیسی مرتجع منطقه در برابر منافع ملی وتوده های وسیع خلق مسلمان کشور ما صف بندی نموده اند حکومت افغانستان مجبور بود از اتحاد شوروی دوست صمیمی و صدیق خلق مسلمان ا فغا نستان تقا ضای کمك نماید واتحاد شوروی با کمك صادقانه به‌موقع، بیشا ئبه وبرادرانه خویش ثابت ساخت که‌دوست صمیمی خلق مسلمان افغا نستان وهمه مسلما نان جهان برای دفاع‌از استقلال ، آزادی وحاکمیت خلقها و ملل مظلوم میباشد، مسلما نا ن افغانستان ورود قوای محدود نظامی اتحاد شوروی راکه‌برای دفع تجاوزات خار جی حا میان امین وامینی ها دعوت شده‌اند وفوراً پس‌از محو خطر خارجی از کشور خارج خواهند شد

بقیه‌درصفحه۴۳



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلـق افغانستان ،رئیس شو رای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکـــرا تیـــک افغانستان هنگامیکه به‌سوالات ژور نــالستان کشورهای دوست پاسخ میدهند •

دارودستهٔ فاشیستی حفیظ الله امین این خائـن به خلق ووطن عزیز ما افغانستان سقوط کـرد وحاکمیت امینی های جنایت کار به پایـان رسید .

ببـرك كار مـل از طـرف كميتهٔ مر كزى حزب‌واحد دموکراتیك خلق‌افغانستان وشورای انقلابی جدید جمهوری دموکراتیك افغانستان به حیث منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی حـزب واحد دموکراتیك خلــق افغانستان ورئیس شورای انقلابی‌و صدراعظم‌جمهوری دموکراتیك افغانستان انتخاب شدند .

• • •

پانزد همین سالگرد تاسیس حزب واحـد پرافتخار دموکراتیك خلق افغانستان بعـد از ظهر ۱۱ جدی‌طی جلسه‌مشترك كميته مركزى حزب واحد دموکراتیك خلق افغانستان وهیات رئیسه شورای انقلابی ، اعضای حکومـت و بعضی ازفعالین حزبی‌در تالار عمارت چهلستون تجلیل گردید .

* * *

گروه ها ی بزرگی از زندانیان سیاسـی در کابل که ازدم تیغ امین جلاد جان بسلامت برده بودند از ششم جدی تا شانزدهم جـدی از محبس پلچرخی وولایات در حدود شش هزار تن رها گردیدند .

* * *

امین جلادوسفاك‌ده‌ها هزارتن ازروشنفکران روحانیون کارگران، کسبه کاران وزحمتکشان دیگر، انجنیران دانشمندان، اطباء ، نویسنـ‌گان وشخصیتهای سیاسی واجتماعی کشور بشمول عدهٔ از وزراء وصد اعظمان سابق واز جمله بیش از هزار تن از اعضای قهرمـان حزب دموکراتیك خلق افغانستان را که باز داشت وزندانی کرده بود سر به نیست کرده وبه شهادت رسانده است .

دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان سعی خواهد کرد تا جائیکه اسناد در دست است فهرستی از کشته شد گان وشهدا را بـه نشر بسپارد .

* * *

ومن قتل مومنا متعمد فجزاء جهنم .

دافغانستان ددموکراتیك جمهوری دولت د مخکینی فیصلی اعلامیی او خبرتیا له مخی .

زموږ رنځید لو ، کړیدلو خلکو نارینه وو که ښځی دجدی په ۲۳ نیټه په جامع جوماـ تونو او ښاری سالونونو کی په تـول هیواد کی دملی ماتم‌او خوا خوږی‌او فاتحی اخیستلو مراسم په ځای کړل .

* * *

دافغانستان د خلکو ددموکراتیك گونـد د مرکزی کمیټی عمومی منشی د افغانستان ددموکراتیك جمهوریت دانقلابی شورا رئیس او صدر اعظم ببرك كارمل دجدی په ۲۵نیټه د انقلابی شورا دمرکز په تالار کی دبهرنیو بین‌المللی خبری آژانسونو، رادیو تلویزیون او جریدو یوشمیر ژورنا لیستان او استازی دمطبوعاتی مر کی له پاره و منل .

* * *

جلسه مشترك بیوروی‌سیاسی کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیك خلــق افغانستان وهیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان در حالیکه وزرای دفاع و داخله‌نیز شرکت داشتند روز ۲۷ جدی ۱۳۵۸ در مقر ریاست شورای انقلابی (ارگ) در تحـت ریاست ببرك كارمل منشی عمومی کمیتـه مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصد اعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان انعقاد یافت .

* * *

دبهرنیو چا رو وزارت د اطــلا عا تـو مدیریت خبر ورکوی دافغانستان دخلکـو د دموکراتیك گوند د مرکزی کمیټی عمومی منشی د انقلابی شورا رئیس او صدراعظـم ببرك كارمل دجدی په ۳۰ نیټه له‌غرمی‌وروسته په پنځو بجو په کابل کی دمنگولیا د خلکو د جمهوریت لوی سفیر جلالتمآب مینگـــل جاویندانش د انقلابی شورا دریاست په مقر کی دپیژند گلوی کتنی لپاره ومانه .

* * *

مدیـــریت اطــلا عا ت و زارت ا مـــور خارجه خبر میدهد اسدالله سروری معاون ریاست شورای انقلابی ومعاون صدراعظـم ساعت ۱۱ قبل از ظهر ۳۰ جدی باجلالتـماب دیزوکیش سفیر کبیر جمهوری خلق هنگری مقیم کابل وساعت دوی بعداز ظهر باجلالتماب زنیك كار ملیتا سفیر کبیر جمهوری‌سوسیاـ لیستی چکوسلواکیا مقیم کابل در مقرصدارت ملاقات های تعارفی بعمل آورد .

طبق خبر دیگر مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه سلطان علی کشتمند معــاون ریاست شورای انقلابی ، معاون صدراعظـم و وزیر امور پلانگذاری ساعت نه ونیم قبل از ظهر ۳۰ جدی باجلالتماب دیزوکیش‌سفیر کبیر جمهوری خلق هنگری در کابل وساعت دونیم قبل‌ازظهر باجلالتماب مینگل‌جاویندانش سفیر کبیر جمهوری خلق مغلستان مقیم‌کابل در مقر صدارت ملاقات های تعارفی بعمـــل آورد .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد ببرك كارمل‌منشی عمومی‌کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خـلـق افغانستان رئیس شورای انقلابی‌و صدراعظم‌جمهوری دموکراتیك افغانستان ساعت پنج عصر دوم دلو جلالتماب ادوارد براجی سفیر کبیر جمهوریت مـــردم پولند در کابل را جهت ملاقات تعارفی در مقر شورای انقلابی پذیرفتند .

* * *

ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك‌خلق افغانستان‌رئیس شورای انقلابی وصدر اعظم جمهوری دموکراتیـــك افغانستان قبل از ظهر چهار دلو هیات سازمان همبستگی خلقهای آسیا وافریقا را در تالار مقر شورای انقلابی ملاقات کردند .

ببرك كارمل ضمن اظهار تشکر از اعلام پشتیبانی سازمان همبستگی خلقهای آسیا و افریقا با انقلاب ثور وبخصوص مرحله نوین آن گفتند از مطالعه ، ارزیابی و نتیجه گیری عینی وعلمی که شما از انقلاب ثور ، حزب ودولت جمهوری دموکراتیك افغانستان طی چند روز اقامت در کابــــل بعمل آوردید صمیمانه تشکر می کنم .

* * *

بوروی سیاسی کمیته مرکزی حـــزب دموکراتیك خلق افغانستان در جلسه تاریخی ٤ دلو ۱۳۵۸ خویش که تحت ریاست‌ببرك‌ـ کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حـزب ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان دایر گردید منجمله مصوبات دیگر فیصله نامه زیرین را بعمـل آورد که به‌غرض‌آگاهی‌واجراآت اعلام‌میگردد.

تمام لوحه ها ، تابلوها ، شعارها ونوشته هاییکه در جاده‌ها ، چار راهی‌ها در داخل و خارج عمارت واداارات دولتی وخصوصی در سر تاسر کشور نصب ، حك، نقاشی وتحریـر گردیده است واغلب آنها خصوصیت چپروانه داشته وبا مرحله کنونی انقلاب‌ملی ودموکراـ تیك ما مطابقت ندارد جمع وزایل گردد .

در صورتیکه در آینده ضرورت به نصب وتحریر شعار هااحساس گردد درتحت نظر کمیسیون تیوری وتبلیغات کمیته مرکزی حزب مطابق به ضرورت ومرحله کنونی‌تکامل انقلاب ملی ودموکراتیك ثور تصامیم لازم اتخاذ خواهد شد . همچنان تمام فوتو هـای رهبران حزبی ودولتی کشور اعم از گذشته وموجود هر گاه در ادارات دولتی وخصوصی در سر تاسر کشور نصب وتعلیق شده باشد پائین گردیده وجمع آوری شود .

براساس این فیصله نامه بوروی‌سیاسی کمیته مرکزی حزب تمام ادارات ومقامــــات مربوطه حزبی ودولتی اقدام ورزند•

* * *

سه شنبه نهم دلو ۱۳۵۸ ﻫ شں مطابق به دوازدهم ربیع الاول ۱٤۰۰ ﻫ . ق مصادف‌با روز مولود مسعود حضرت سرور کائنات‌محمد مصطفی(ص) پیامبر بزرگ عالم اسلام‌بوده واز ین روز خجسته ومیمون مردم متدین و مسلمان مادر سر اسر کشور تجلیل بعمل آوردند .

به‌مناسبت مولودمسعود حضرت‌محمدرسولـ الله (ص) ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدر اعظم ، میعاد باقی مانده حبس ٤٤۸ نفر از محبوسین و محبوسات جنایی مرکز و ولایات کشور را مورد عفو قرار دادند .

«موږ د نړۍ ټولو مسلمانانو ته د دوستۍ او ورورولۍ لاس ورغزوو او هغوی ته د سولې او آزادۍ، خپلواکۍ او ترقۍ او ټولنیز عدالت، ورورۍ او برابرۍ لپاره د ګډې مبارزې بلنه ورکوو.»

«ببرک کارمل»

شنبه ۱۳ دلو ۱۳۵۸ – ۲ فبروری ۱۹۸۰

«آزادی، ای طلوع مقدس!»

آنچه که گرامی تر وعزیز تر از همه ار زشهای جهان در نزدبشر وحتی سایر زنده جانها مقام ومنزلت شامخی دارد وهر چه را در پای آن میریزند هما نا نام مقدس آزادیست.

آری! انسان این آرزو وآرمان مقدسش را با خونش، با جانش، وبا رگ وپو ستش میخواهد ودرراه حصول آن هیچ مانع و مشکلی را نشناخته و بی باکانه به پیش میرود وهر گونه سدی را ولو سد سکندر هم باشد خورد وخمیر می سازد.

چنانچه در دراز نای تا ریخ – بشریت، شیفتگان این راه انسا – نیت برای بر آورده شدن این آرزوی انسا نی از هیچ چیز نهرا سیده وبا استواری و پایمردی هر چه تما متر وتز لزل نا پذ یر به پیش رفته اند وهر گونه موانع را سیل آسا از سر راه شان رو فته و به سر منزل مقصود رسیده اند، که ما منجمله مثالهای زندهٔ این مدعای ما نرا در کشور قهرما ن پرور و زنجیرشکن خود مان افغا نستان میتوان یاد آور شد و آن اینکه خلق آزاده و قهرمان مانه تنها هیچگاه ودر هیچ زمانی در برابر دشمنان آزادی و کرامت انسانی سر تسلیم خم نکرده و به کرنش و تضرع نپر داخته اند بلکه شجاعانه در برابر آنها رزمیده وبرج وبارهٔ آنانرا بخاک یکسان نموده اند که قیام دلیرانه و آزادیبخش ۱۹۱۹ خلق رزمنده افغانستان را در برابر استعمار انگلیس وانقلاب شکوهمند ثور را در برابر چاکران وریزه خواران استعمار بحیث مثا لی از ده ها مثال میتوان یاد آور شد.

ولی متا سفا نه گا هی این خواسته بر حق وانسانی خلق مارا استعمار گران انگلیس و امپریا – لستان جهانخوار امریکا دستخوش تلاشهای مذبو حانه و غیر انسا نی خویش نموده و برای بر آور دن مقاصد شوم استعماری وامپریالستی با ایجاد تفتین وتو طئه وبا بکار بستن نیرنگهای محیلانه، اجنت – هایشانرا در لباس خادم به خلق که در واقع خاین بخلق بوده اند فرستاده وکوشیده اند تا بدانوسیله سر نوشت خلق ما را در چنگالهای پلید خود داشته باشند.

هنوز تلخی خا طرات زهرآلود سقوط دوره امانی و رویکار آوردن حبیب الله وبه تعقیب آن به قدرت رساندن خا ندان نا دری توسط استعمار انگلیس، خلق مارا اذیت میکرد که امپریا لیزم جهانخوار امریکا نماینده راستین و چاکرگوش بفرمانش و «امین» سی، آی، ای آن حفیظ الا مپریا لیزم را در کشورتازه ازبند رسته ما بخد مت گماشت تا اهداف والای انقلاب شکو همند ثور رابه بیراهه بکشاند وخلق آزاده افغانستان سر بلند را به انواع مصایب رو برو سازد، زجر وشکنجه بدهد، در باستیل مرگبار پلچر خی بیاندازد و بالا خره سر به نیست نماید.

اکنو ن که خلق رنج کشیده ما با رهبری صادقانه و یورش بی امانش دژ های استبدادی امین خون آشام را از بیخ وبن بر کندند وچشم امید ارتجاع وامپریا لیزم جنایتکار امریکار ا کور ساختند، تصا دفی نیست که نو حه گران امپریا لیزم امریکا ومتحد ینش ضجه و نا له سر داده و اشك تمساح میریزند و آفتاب را به دو انگشت می پو – شانند (!) زیرا آنها نه تنها «امین» خود را از دست داده اند بلکه آرزو وامید شان بگور رفته و به امید های بر باد رفته شان حق دارند بگریند.

پس بجاست که نمی بینندکه با مر حله نو ین انقلاب ثور در های زندانهای مر گبار امین خونریز وباند جنایتکار ش بر روی همه زندانیان سیاسی آنهم بدو ن درنظر داشت مو قفهای طبقا تی، نژ اد ی، مذهبی، اید یا لوژیکی و غیره درهم شکست و هزاران، هزار زندانی بیگناه آزاد شدند و به فا میلهای منتظر و چشم براه شان پیوستند.

بجاست که آنها نمی بینند که با از میان رفتن امین، احساس مصونیت در کشور احیای مجدد یافت.

بجاست که آنها نمیدانند که دیگر در کشور ما ترور، اختنا ق، تعقیب وآدم کشی بادر گور شدن امین در گور شد.

باید اظهار داشت آنچه که این دشمنان آزادی و کرامت انسانی را از راه انسانیت کشیده است هما نا آز بی پایان وولع تسکین نا پذیر این چپاو لگرا ن و تا را جگران هستی خلقهاست که هیچ چیز رانمی بینند بجز منافع غارتگر انه و غیر انسانی خود شانرا، حتی انسا نیت را (!)

پس میتوان گفت که خلق آزاد منش افغانستان از مدتهاست که این جو فروشان گندم نما را می شناسند ودیگر به یاوه سرایی های این دشمنان بشریت گوش نمید هند و فریب آنرا نمی خورند ونمیگذارند باز هم در دامهای تزویر استعمار گران وامپریالستان یغماگر بیفتند و تقلا نمایند، آنها دیگر آزادی شانرا به قیمت سرو جا ن حراست می نمایند و به سروده این شاعر آزادی پرست ایمان دارند که گفته است:

« در دنیا،
اگر صدا ی
بماند
اگر سرودی
بماند
اگر کلمه یی
بماند
صدای انسان،
سرود انسان،
درین کلام است:
عشق من، ای رهایی پـر واز از قفس!
آزادی، ای طلوع مقدس!»







دورنمای از زندان مخوف پلچرخی کـه‌هزاران هموطن مادرآن محبوس گشته‌بودند

باباز شدن درهای زندان پلچرخی هزاران زندانیان سیاسی ازبند آزاد گشتند



زندانیان آزاد گشته ازبا ستیل پلچرخی بادوستان وعزیزان‌شان مصافحه‌می‌نمایند



تنی چند از زندانیان که از محبس پلچرخی آزاد شدند .

هموطنان ما اطلاع دارند که روز یکشنبه ۱۶ جدی عدهٔ زیادی از هموطنان شریف ما که‌در زندان پلچرخی محکوم بودند ازبند آزاد گشتند وبا این آزادی هزاران خانواده از سرگردانی و بلاتکلیفی نجات یافـــتند . شاید شما که این سطور را مطالعه میکنید جزء آنانی بوده باشید که از صبح وقت بـه انتظار عزیزان خود در پشت دیوار های زندان پلچرخی دقیقه شماری نموده باشید . درین صورت شما شاهد عینی هستید از آن ر و ز تاریخی که شاید بزرگترین اجتماع مردم ما در طول چند سال اخیر بوده است . منهم جز شما ها بودم وبه انتظار عزیزان خـــود دقیقه شماری میکرد م . عده‌ی زیادی در ناراحتی بسر میبردند زیرا آنها در طـول کمتر ازدوسال کوچکترین نشانه یی از عزیزان خود نداشتند .

امین جلاد ودارودسته اش چنان وضعی را بوجود آورده بود وباعمال وحشی صفت خود چنان زندگی را برمردم بی چاره و بلاکشیدهٔ ما تنگ ساخته بود که روزگار بیاد ندارد .

در این روز تاریخی ، هزاران جفت چشم بدر زندان دوخته شده است گـــویی این چشمان می خواهند از لابلای دیوار های قطور عبور نموده وعزیزان شانرا که اگر در پشت آن قرار داشته باشند بیابند بالاخـــره ایـن انتظار به پایان رسید ودر بزرگ زندان باز گردید وزندانیان سیاسی آزاد گشتند .

هوا آفتابی ونسبتا گرم است . بااینکه فصل زمستان وسرما است ولی مردم رنجدیدهٔ ماباهر وسیلهٔ که در اختیار داشتند به سوی زندان پلچرخی رو آوردند .

باباز شدن درب زندان هزاران زندانـــی از این دژستم وظـــلم بیرون گشتند وفریاد مستقبلین با دیدن زندانیان سیاسی دیوار های این زندان را به لرزه درآورد .

قبل ازینکه دروازه زندان باز گـــردد ، نظام الدین تهذیب و محمود بریالی بیانیـه پرشوری ایراد نمودند که باکف زدن های مستقبلین بدرقه شد .

بالاخره لحظه حساس، لحظه ی که شاید هرگز فراموش انسان نگردد فرا رسید .

صدا های گریه وآواز مستقبلین وزندانیان آ ز ا د گشتـه ا ز ظـــلـــم و ستـــم فضای وسیع پلچرخی را فرا گرفت . ایـن هاچـرا گریه میکنند؟ این این‌گریه خوشی‌واین گریه شادی از مردم رنج کشیدهٔ ما است‌که امین وامینی هازندگی رابر آنها تنگ‌ساخته بود .

پیر مردی رامی بینم‌که‌از خوشحالی زیـاد میگرید او در میان زندانیان پسر خودرا که شانزده ماه قبل باز داشت شده بود دیده‌است لحظه ای بعد پدر وپسر دست در گردن هم انداخته وتنگ یکدیگر خویش را درآغوش گرفته اند زیرلب چیز هایی میگویند کـــه برایم نامفهوم است. آنطرف دیگر زنی‌جوانی دست بگردن همسر خویش انداخته وبا آواز بلند میگرید . او پس از ماه ها بالاخـره

لطفا ورق بزنید



این‌هم گوشه‌یی ازسلول زندان پلچر خی‌سلولیکه گنجایش سی‌تا چهل زندانی‌راداشت‌ولی درآن صد تا یکصدو پنجاه زندانی را نگهداشتند

گمشدهٔ خویش را باز یافته بود این گریه نیز گریه خوشی است .

خلاصه در هر طرف شور و هیجان است، بی تابی است وانتظار وترس و امید . هزاران فامیل بالاخره پس از ماه ها گمشده های خویش را باز یافته اند . امین جلاد و دارودسته اش هزاران انسان شریف را، هزاران هموطن ما را بدون در نظر داشت کرامت انسانی وبدون در نظر گرفتن حقوق بشر در زندان پلچرخی نگهداشتند . وهزاران انسان‌را سر به‌نیست کردند و به شهادت رساندند .

این همه هموطن ماچه گناهی را مرتکب شده بودند، که ماه هادر زندان نگهداشته شدند ؟ این سوالی بود که مستقبلین از خود می نمودند . بهر حال برای اینکه خوانندهٔ خودرا درجریان‌این روزتاریخی بهتربگذاریم با چند تن از مستقبلین و پای و ازفان و باتنی چند از زندانیان سیاسی که تازه آزاد گشته اند گفتگوی به عمل آوردیم که اینك از نظر شما میگذرد :

از خانمی که در انتظار یکی از نزدیکانش چشم بدر زندان دوخته بود پرسیدم، شما انتظار چه کسی را میکشید؟ میگوید : یکی از نزدیکانم را که اسمش سیدامان الله‌است اوعضو خارنوالی ولایت کابل بوده وپنج‌ماه قبل از خانه اش اورا برده بودند ، در حالیکه صرف ۲۵ روز از عروسی اش میگذشت .

به اتهام اینکه در خانه اش اسلحه وجود دارد بازداشت کردند بایدبگویم که‌تمام این حرف ها جز دروغ وریا چیز دیگری نبود واوبی گناه این مدت رادر زندان سپری کرد . وحالا ما اینجا منتظر او هستیم و....

پیر زنی سپید موی میگرید ، علتش را جویا میشوم ، میگوید پسرم را جستجو میکنم، میترسم که در میان آزاد شدگان نباشد .

- پسرت چه کار میکرد ؟

- پیادهٔ وزارت زراعت بود ، اسمش محرم علی بوده وشش ماه قبل از سرکارش اورا بردند ، آیا علت زندانی شدن پسرت را نمیدانی ؟

- نی نمیدانم ، اما فکر میکنم که‌خصومت شخصی باشد ، شما میدانید که در وقت امین جلادودار ودسته اش چقدر ظلم بود.

هرکس که زور داشت هرکاری را میتوانست بربی چارگان ومظلومان تحمیل نماید . از همین سبب میترسم که پسرم، یگانه فرزندم از زیر تیغ امین جلاد جان به سلامت نبرده باشد .

عبدالشکور سرمعلم متقاعد ولسوالی نجراب درمورد برادر زاده اش که هشت ماه قبل زندانی شده است میگوید :

- برادر زاده ام متعلم صنف ۱۲ لیسه حربی بوده ازوقتیکه اورا به زندان افگندند تاامروز کوچکترین اطلاعی از او ندارم.

حالا در انتظار او هستم که آیا از زندان می برآید یا خیر، زیرا امین خون آشام ودارو دسته اش هزاران جوان مارا به خاك و خون کشیده است ، این جلاد خون آشام عطش فروکش نا پذیری داشت که خون بی‌گناهان را بریزد ...

مادری با چشمان اشکبار در انتظار فرزند زندانی اش بدرب بزرگ زندان پلچرخی چشم دوخته ، نزدیکش می روم ازش میپرسم: پسرت چه مدت است که در زندان است ؟

میگوید : بیش از پنج ما، نامش اسدالله نورزی است دریم ساتمن است اورا از مزار گرفتندوبعد شنیدم که‌به کابل آوردش ولی در این مدت کوچکترین نشانه یی دال برزنده بودنش نداریم . پدرش مریضی قلبی دارد میترسم که اگر پسرم نابود شده باشد، پدرش از غصه بمیرد ... هنوز حرفهای مادر تمام نشده بودکه صدای غریو مردم، صدای هلهله ، شادی و صدای فریاد هابلندشد. این صداها، این غریو و هلهله واین شادی بخاطر آزادی زندانیان سیاسی بود که . بالاخره پس از ماه ها دروازه زندان بر روی آنان باز شد .

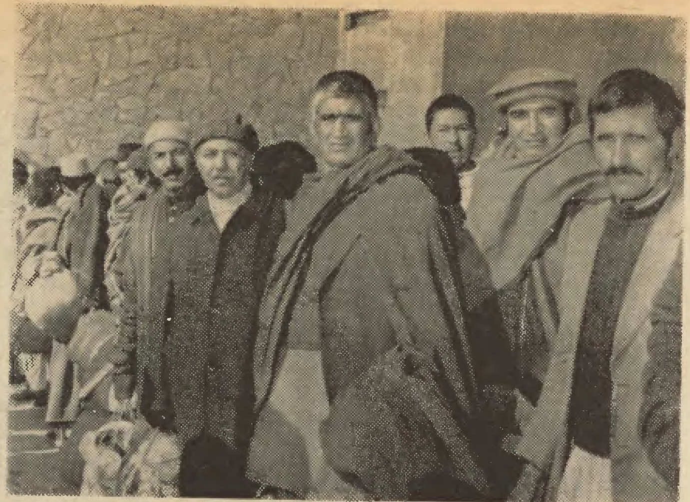
ساعت در حدود یازده قبل از ظهر است، آفتاب هنوزگرمی خودرا ازدست‌نداده سیل زندانیان سیاسی درحال خروج از دروازهٔ زندان هستند . به چهره های شکسته وخسته، به قیافه های آشنا بر می خورم، هریك از این زندانیان ماه ها زیر شکنجه دژخمیان امین و امینی ها قرار داشتند . بسیاری از زندانیان که از محبس پلچرخی آزاد گشتند صحت وسلامتی خودرا از دست داده اند .

برای اینکه خوانندگان ارجمند ژوندون تا اندازهٔ ازاحوال این زندانیان آزاد شده آگاهی حاصل نمایند با چند تن گفتگویی بعمل آوردیم که اینك از نظر شما میگذرد :

عبدالجبار معلم مکتب سردار جانخان اولین زندانی آزاد شدهٔ بود که باوی صحبت کردم . میپرسم چه مدت را در این زندان سپری کرده ، میگوید : ۱۹ ماه را در این زندان گذشتاندم از ظلم وزجری که بر ما



چندلحظه قبل ازبازشدن درب زنـــدان پلچر خی مستقبلین به انتظار عزیزان‌نزدیك دروازه زندان جمع شده‌اند.



زندانیان بعد از رهایی منتظر دیدار هریك‌ازفامیل های خویش می‌باشند

تحمیل شد نپرسید . اصلا باور انسان نمی شودکه این همه زجرو ظلم وستم رابر انسان تحمیل نمایند .

شمارا به چه اتهامی زندانی کردند ؟

لبخند تلخی لبان کرسمه بسته اش را از هم باز میکند و میگوید : کوچکترین گناهی را مرتکب نشده بودم نمیدانم چرا مرامحکوم به این مدت در زندان نموده بودند . اصلا تمام زندانی هارا که بپرسید شاید به شما بگویند که از جرم خویش خبر ندارند .

محمد اسحق محصل پوهنځی انجنیری که به‌تاریخ ۹ ثور ۱۳۵۷ زندانی شده بودمیگوید: برای امین ودارودسته اش محکوم نمودن انسان های شریف یك امر سادهٔ بود . اصلا در نزد این خونخوار ان کرامت انسانی مطرح نبود . هزاران جوان وانسان های شریف بدون کوچکترین جرمی به زندان افگنده شدند ، هزاران خانواده ،وده‌ها هزار فامیل ،بدبخت وبی چاره گشتند .

سید فیروز ولد سید گوهر که وظیفه معلمی دارد نزده ماه قبل بدون هیچ علتی به زندان افگنده شد ودر طول این مدت چه رنج هاوشکنجه ها که ندید ، لت وکوب ، برق دادن ها وشلاق زدن از جلمه کار های عادی وروزمره این جلادان خون آشام بود .

امین‌وامینی هاکثیف ترین انسان هایی بودند که حیف است بر آن نام انسان را گذاشت...

محمد سلیم معلم از ولایت بدخشان در علت زندانی شدنش گفت : هفده‌ماه وسیزده روز قبل مارابخاطر اینکه والی می آیدیك عده معلمین را به استقبال بردند ولی این حرف ها صرف یك دروغ شرم آور بودوبس.

واز همان تاریخ ما را به زندان افگندند علت اینکه چرا ما زندانی شدیم تا امروز برای ما نا معلوم است بااینکه آن‌دزخیمان بارها میکوشیدند که از ماحرف های دروغ بکشند ولی ما چیزی نداشتیم که برای آنها بگوییم با حرف ودلیل هم قناعت‌نمیکردند.

پس باکثیف ترین وپست ترین شیوه با ما رفتار میکردند تا دروغ بگوئیم ویك عده وطنپرستان دیگر را به آنها قلمداد نمائیم اما ما این کار را نکردیم وهر قدر امتناع میکردیم بیشتر مورد غصب وشکنجه قرار میگرفتیم .

فضل‌الدین از لیسه حبیبیه ، او را بخاطر هیچ به زندان افگندند ومدت ٥ ماه را بابد ترین شرایط سپری کرد .

او میگوید : برق دادن ها ، شلاق‌زدن ، لگد زدن قین وفانه کردن از جمله کار های بود که جلادان امین بر جوانان وروشنفکران روا میداشتند و ...

محمد داود که چهارونیم ماه قبل باز داشت گردید میگوید : من بیاد دارم که در ظرف پانزده روز متواتر به مدت ۱٤½ ساعت یك عده جوانان‌وطن پرست‌را شکنجه‌داده اند...

سید ناصر پیلوت میدان هوای بگرام در مورد مظالم بی شمار امین وامینی ها میگوید: بیست ماه قبل مرا به زندان افگندند و تا روزیکه از زندان آزاد شدم ، گناه خود را نفهمیدم ومانند من هزاران هموطن دیگر ما نیز به چنین سر نوشتی دچار بودند . گفتنی ها زیاد است ونمیشود بایکی دودقیقه این همه مظالم را بیان کرد ...

شاه وزیر معاون جنایی مرکزی وزارت داخله میگوید :

هشت ماه قبل مرا با فامیلم به زندان افگندند دراین‌مدت نمیدانستم که‌من وفامیلم چه گناهی را مرتکب شده ایم ولی بعد ها دانستیم که صرف خصومت شخصی وعناد شخصی یك عده من وفامیلم را درمدت هشت ماه‌در زندان نگهداشتند .

وزیر محمد جوانی دیگری است که تازه از محبس پلچرخی آزاد گشته او می خواهد هرچه زود تر به خانه‌اش به زندگی اش به پدر ومادرش که در انتظار او اند برسد . او که در صنف چهارم پوهنځی وترنری تحصیل میکرد شانزده ماه قبل او باز داشت گردید. قبل از اینکه او را باز داشت کنند ، خانه آنها از طرف باند امین چور وچپاول گردید. او در ضمن میگوید : در مدت شانزده ماه ندانستم که چرا مرا به زندان افگنده اند . مدت ها بود که از خانه وزندگی ام خبر نداشتم پس از سه ماه بالاخره این اجازه را یافتیم که‌پای واز بدیدن ما بیاید.

احمد جان معلم از ولایت بامیان می‌گوید:

پنج ماه قبل من ویك عده از معلمین دیگر را که تعداد شان به هژده نفر میرسد بدون کدام جرمی به زندان افگندند . دردوره منفور امین و امینی ها زحمتکشترین قشراز اقشارجامعه ما یعنی معلمین بدون هیچ دلیل وبرهانی به زندان افگنده میشدند . تا جهان وجود دارد مردم این خاك لعنت ونفرین به‌این دژخیمان وجلادان خواهند فرستاد.

گل‌جان ولد اخترمحمد معلم در لیسه حبیبیه یازده ماه قبل نظر به خصومت شخصی به زندان افگنده شد موصوف میگوید : در این مدت کوچکترین اطلاعی از فامیل و خانواده ام ندارم .

او در مورد آزادی میگوید : آزادی بزرگترین وزیباترین کلمه است که درعمرم شنیده ام .... آه ! آزادی چقدر زیبایی !

جوانی دیگر که اسمش محمد حسن و محصل پوهنځی طب کابل است میگوید : چهارده ماه قبل من زندانی شدم ، صرف‌نظر از شکنجه وعذابی دردناکی که در زندان دیدم وآن را تحمل کردم تاحال علت زندانی شدن خود را ندانستم و...

ـ خوب خوانندگان ارجمند ژوندون بایك تعداد زیادی از زندانیان سیاسی پلیچرخی‌که روز یکشنبه از زندان آزاد گشتند صحبت کردیم وهر یك از این از خاطرات زندان برای ما قصه ها کردند در تمام حرف ها و گفته های این ها یك چیز مشترك وجود دارد وآن زندانی نمودن بدون موجب آنان .

بهر حال دوره سیاه و منفور امین جلادو دار ودسته اش بالاخره باقهرمانی‌خلق‌نجیب وشریف ما برای همیش به گورستان تاریخ سپرده شد .

درود برروح شهدای که خون های پاك شان بخاطر میهن ریخته شده است



یکعده زندانیان‌را بعد از رهایی از باستیل‌پلچرخی مشاهده می‌نمایید.

امپریالیزم رهزن در لباس پاسبان

خون ناحق دست از دامان قاتل برنداشت   دیده باشی داغ های دامن قصاب را

لعنت ونفرین برامین این امانت‌دار منافع دشمنان انسان واسلام وبرروح شیطانی اواین روح سفاك وانسان دشمن، لعنت ونفرین برباند فاسد جنایتکار واوباش امین این دلقك های بلی گوی واین دژخیمان انسان دشمن و آزادی دشمن. جملات فوق شمه‌یی ازندبه ها وناله های خلق محنت‌کش وبیچاره ماست که‌ازاثرظلم‌وسفاکی‌و

خونخواری واستبدد داررودسته ی بسر دمداری امپریالیزم وودر قدم اول امپریالیزم آزمند و

مسلمان دشمن امریکا در هر خانه وهر کوی‌و برزن طنین انداز است •

مردم بلا کشیده ورنجدیده‌ی ما حالا دیگر کاملا فهمیده اندکه آن همه بیداد گریهایی‌را که در تحت استبدادظاهرا امین‌وامینی‌هامتحمل شده اند ،کار شخص‌امین وباند اوباش‌اونه‌بلکه درین بازی دست دشمن دیرین و آشتی ناپذیر خلق های جهان‌یعنی امپریالیزم‌قویا شامل بوده ومی‌باشد چه بعداز آنکه طوفان قهر مردم افغانستان این باند اس ـاس صفت وفاشیست را دفن تاریخ ساخت ووطن راازشرسفاکی ها وخیانت های آنان قهرمانانه رهانید علیه‌این

پیکار عادلانه ی آنها از آنسوی اوقیانوس هااز قصر سفید یعنی مرکز (سیا) وسیا هکاری‌ها نعره های اعتراض بلند شد واین عمل برحق خلق را عمل ظالمانه !؟ ومحوکننده‌ی حکومت قانونی !؟ قلمداد کردند وبه‌گفته‌ی معروف •

نیش عقرب نه از پی کین است

اقتضائی طبیعتش اینست :

آری خلق افغانستان به نیکی دانستند که نزد امپریالیزم وودر راس امپریالیزم امریکا

قانون وقانونیت چیست ؟ یعنی آوانیکه امین وباند نو کرش باوسعت بی پایان بر خلق‌ما ظلم روامی داشت ، طفل وشیخ وبرنارا بزنجیر می کشیدزنده ،زنده‌بگور می‌کرد، ناخن‌های‌بی گنا هان را باجبر وشقاوت می‌کشید میهن،خانه وناموس هموطنان ما مصون نبود هراو باشی صلاحیت قتل ، حبس وشکنجه ی انسان این سرزمین راداشت . زدوبندهای عدیده‌ای با ـ چپاولگران جریان داشت واز دارایی عامه یعنی دسترنج زحتمکشان هموطن ماملیون ها افغانی

جهت تطمیع را هزنان پرداخته می‌شد (بقرار گفته یی وزیر امور داخله‌ی افغانستان که حفیظ الله امین بیست وپنج ملیون افغانی به گلبدین حکمتیار پرداخت)وحتی برای‌دوام حکومت جهنمی خود امین جاسوس وطن واحد ومقدس مارا به معامله گذ اشت و با ز هم حتی نیم نفوس وطن را برای ادامه کامروائی خود تلف می نمود . به نظر امپر یالیزم مطابق دفا عی بی پایا نی که امپر یالیزم امریکاوانگلیس در عمل و نظر براه انداختند و می‌اندازند قانونی قلمداد کردن حکو مت امینی صحه گذاشتن و تا ئید آن همه جنایات می باشد آ ر ی ز ما نیکه امپریالیزم و متحد ین آن ، حکو مت امین را حکو مت‌قانو نی می خوانند وبرنعش کثیف او اشك تمسا ح می ریزند نتیجه گیری دیگری جزا ینکه قا نو ن نزد آنها به معنی جبر ، و ستم و کشتن و جا سوسی ووطن فرو شی می باشد ، چیز دیگری نمی توا ند با شدوهم چنان این دفاع بیشرمانه نمودار ما هیت و خا صیت امپر یالیزم نیز می با شد .

این درامه افتضا ح آمیز امپر یالیزم امریکا و انگلیس و ما نو ئیسم پکنی در همین یك پرده خلا صه نمی شود

پرده ی دوم آن ظاهر شدن شان در لباس مدافع اسلام ومسلمانان است و باز هم درین پرده کو شش می کنند که برا ی بد ست آوردن منا فع آز مندانه و سیاه خود لبا س سپید بپو شند و خو شنما تر اینکه اراده ی خلق مسلمان افغا نستا ن مبنی به در خوا ست کمك انسا نی از یك کشور دوست شان اهانت کنند و نام آنرا تجاوز ؟ واشغال بگذارند .

بیا ئید که با وجدان و را ستکاری با امپر یا لیزم ودر راس امپر یالیزم امریکا محا سبه نما ئیم .

آیا معاهده ی‌با لنور را که در نتیجه‌ی آن خلق عرب فلسطین تا امروز دور ازخانه و کا شا نه ی خود و بشکل آ واره‌وبیچاره زند گی می کند نتیجه فعالیت ها ،نقشه‌ها و دسا یس کیست ؟

ویرا نی و قتل و غارت را که‌صهیونیزم وسایر مرتجعین در لبنان درین شش سال براه انداخته‌اند ازکمك وپشتیبانی حاتم طایی ما با نه ی کی بر خور دار است و مدافع و مشو ق آن کیست ؟

تو سعه طلبی و تجا وز اسرائیل‌وژاندارم منطقه بودن آن که در اثر آن سر زمین های زیا دی را از پیکر های‌ممالك‌مختلفه‌ی عرب (مصر ، سوریه ،اردن) جدا ساخته و در اشغال ظالما نه ی خود در آورده از کجا آب می خورد و قلا ده دار این سگ زنجیری کی می با شد ؟ مسجد اقصاء یا اولین قبله گاه مسلمانان را کی به آتش کشید ، آیا این بزرگترین اهانت به دین مقدس اسلام و معتقدات پاك مذ هبی آن نبود ؟

آیا این امپر یالیزم و در پیشا پیش آن امپر یالیزم امریکا نبود که سالهای دراز بزرگترین شیا د ها و قا چاقبر ا ن منطقه یعنی پهلوی ها را بر خلق رنجدیده و مسلمان ایران تحمیل کر دند و همین حالا نیز و قیحانه و در زیر پرده‌ازومحافظت می کند ؟

آیا این امپر یالیزم ودر صفا ول‌امپر- یالیزم امر یکا نیست که سا دات این حفیظ‌الله امین مصری را برای درز اندازی و نفا ق در بین مما لك برادر عرب‌درآغوش گرفته وماهر ترین دسیسه ساز ا ن‌سی، آی ، ای را برای مشوره دادن و پیاده سا ختن نقشه های خود در پهلوی سادات در قصر «قبه» مسکون ساخته است ؟

آیا این امپر یالیزم ودر خط مقدم‌امپر- یا لیزم آز مند امر یکا نیست که نفت‌یا این طلای سیاه ممالك مختلفه ی اسلا می را غارت و مفت ستا نی می کند ؟ و...

آیا همین حالا از اثر چپاو لگری ها و مظا لم امپریالیزم امریکا نیست که خلق ایران بخشم آمده اند واین خشم خود را با اشغال سفارت یانکی‌هاوگروگان گرفتن کار کنان آن بروز داده اند؟

بهر صورت اینك تازه ترین پرده ی این درامه نیز در اسلام آباد بروی سن پیاده ساخته شد و آن نیز از اثر فعالیت های «میان مصری» یعنی سادات این اتحاد شکن نا مدار واین شیا د وطن فروش و به دایرکت «کارگردانی» امپر - یالیزم امر یکا نما یش داده شد .

ما برا ی اینکه به ما هیت این درامه خوبتر پی ببر یم شمه از نود و هفتمین اطلاعیه‌ی دا نشجویان پیرو خط امام مستقر در لانه ی جا سو سی امر یکا را که روز هفتم دلو ۱۳۵۸ صادر شده است در اینجا نقل می کنیم : «اخباری از تشکیل یك کنفر ا نس از سران کشور های اسلا می در پا کستا ن می رسد . هد ف از ین کنفر انس به ظاهر محکوم کرد ن کمك اتحاد شوروی به کشور برادر افغانستان است . بد یهی است که هدف از چنین کنفرانس با زی کردن با سر نو شت ملت های مستضعف و حیثیت انقلابی ملت ایران ایران و لکه دار کرد ن‌انقلاب اسلا می و منحرف و تسلیم نشا ندادن آن درافکار و اذهان عمومی جهان می‌با شد . بزرگترین اثر مطبوع این طرح برا ی امریکا اینست که بخیا ل با طل خود اذهان مسلمین‌منطقه و ملت ها را نسبت بخود منحرف کر ده و متوجه شوروی کند و خط انقلابی امام رادر بر خوردبا د شمن سر سخت اسلام و مسلمین که هما ن امر یکا ست منحرف سا زند ...»

در جای دیگری همین اطلاعیه گفته می شود : «تر دیدی نیست که چنین کنفرانسی با نقشه ی امریکا طرح ریزی شده است جهان اسلام می داند که تا امریکا راازین غا ر تگری ها و ظلم و ستم ها وآدمکش ها سا قط نکند مسا له ی حل نخوا هد شد و ملت ها ی مسلمان و جها ن اسلام میدانند که‌تاامریکایی خونخوار راازین بیعدالتی های بزرگ نزنند وسران‌جنایتکار امریکارابه‌محاکمه‌نکشندعدالت‌پانخواهد گرفت ما هر گز فرا مو ش نمی کنیم که دشمن شماره یك ملت های مستضعف، امریکای جهان خوار است ... » .

آری این امپر یالیزم امر یکا ست که در طول تاریخ خود با ملت ها و خلق های مسلمان جهان دشمنی و کینه تو زی کرده است نه کدام قدرت دیگر .

اگر سادات درصدد آنست که اسلام را به خلق مسلمان افغانستان بیا مو زد(در حا لیکه خود ش همین حا لا و د رهمین روز ها با بزرگتر ین و مخوف تر ین دشمن تاریخی اسلام یعنی صهیو نیزم در زدو بند و خیانت با اسلام است) کور خوانده است زیرا این خلق شجاع و وفاکیش افغانستان بود و است که صادقانه‌و بشکل سا لم آن پیرو و و فادار به اسلام بوده و است . واگر مرام از ین نوحه سرائی ها دولت انقلابی‌افغانستان است باید اذعان داشت که این دولت نه بلکه دولت مورد تا ئیدو حمایت امپرا یالیزم امر یکا (دولت امین وباندش) بود که بااسلام ومسلمان وبا وطن مسلمانان افغا نستا ن خیا نت و ظلم کرد و خو ن آن بردا مان امپر یالیزم امریکا نقش بسته است .

بعد از مر حله ی نوین انقلاب‌شکوهمند ثور هما نطور یکه همه امور در مسیراصلی وطبیعی خود مطابق خوا ست مردم ماانداخته شد برخورد با اسلام نیز فرزنه و صادقانه می با شد چنا نچه ببر ك کارمل منشی عمومی کمیته ی مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان رئیس شورای انقلا بی وصدراعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان شام جمعه ۵ دلو طی بیانیه رادیو ئی‌شان منجمله چنین فر مودند ! «... اعلام‌میدارم که دین مقدس اسلام ، رسوم و عنعنا ت ملی ما از اجداد و نیاکان ما بحیث میراث گرانها یه برای مردم ما بجا ما ند ه‌وهیچ کس حق ندارد علیه آنها قرار گیرد و از آنها رو برو گر داند . دین مقدس‌اسلام رسوم و عنعنات پسندیده اقوام و ملیت ها و خلق ها ی کشور ما اصول جدا نا پذیر نظام ملی و کلتور ملی وگنجینه های گرانبها ی معنوی وطن عزیز ما هستند... با قا طعیت اظهار می گردد کسا نیکه بخوا هند نسبت به معتقدات دینی‌ومذاهب نسبت‌به سنن و عنعنات مردم مابی احترامی کنند مردم مسلمان ما را بنا بر متعقدات شا ن مورد تحقیر و تو هین و تحت‌فشار قرار دهند و علیه دین مقدس اسلام قرار گیرند قا نو نا جلب و بر طبق قوا نین دولتی مجا زا ت خوا هند شد ...» .

در رو شنی همین بیا نیه جامع وصادقانه می توا ن به صرا حت اظهار داشت که

بقیه در صفحه ۶۵

هموطنان بلاکشیده مبارکتان بادکه :

امین وکام امین به کام مرگ فرو رفتند

هر که ناموخت از گذشت روزگار
هیچ نا موزد ز هیچ آموزگار

تاریخ به پیش میرود وهرکه راکه سدراه پیشرفت آن شود اگر چه خیلی محیل باشد اگر چه با ظواهر بو قلمون قد علم کنند اگر چه زد وبند ها گوناگونی با بزرگترین قدرت های ارتجاعی و عجالتا بزرگ داشته باشد اگر چه ... بابیرحمی خوردو خمیر ه ی‌کند . آری تاریخ حرکت می کند و این حرکت جهت وسمت مشخصی دارد ... و این حرکت در مجموع بطرف ارتقاء و تکا مل وپیشرفت بشریت است . نمی توان تردید داشت که درین حرکت بعضا سیر بجانب قهقهرا و تاریکی نیز دیده می شود ولی در عمل وتجربه ثابت شده است که این مراحل سخت کوتاه مدت وزود گذر است و اگر د، مجموع وکل تکامل تاریخ بدقت بنگریم سیر ارتقائی تاریخ بکلی مشهود است . از ین حقیقت روشن جز کسانیکه خیره سر وبدون ایمان مترقی وعلمی اند هیچکس نمی تواند انکار نماید یعنی هر آنکسیکه به استدلال علمی وتجربی موضوع را بررسی نماید به صدق کلام بالا صحه خواهند گذاشت .

با نگرش ژرفی به تاریخ تکامل بشر ی می توان مراحلی را در حیات هر جا معه دید که خیره سرانی چند مذبوحانه تلاش ورزیده اند برخلاف حر کت و سمت پیشرونـده‌ی تاریخ خودرا قرار دهند و برای نیل به‌اهداف ارتجاعی واهریمنی خود بوسایل ارتجاعی و اهریمنی متوصل می شوند . اگر این‌نگرش را متوجه تاریخ کشور و بویژه تاریخ معاصر آن بنماییم مثال های روشن وگویای نمودار خواهند شد که خیلی آموزنده و پنددهنده هستند :

آوانیکه مردم سلحشور و شجاع افغانستان در دومین جنگ افغان و انگلیس بر علیه بزرگترین قدرت استعماری وقت شوریدند و بزور بازو وبقیمت جان های شیرین شان این قدرت تجاوزگر یعنی انگریزرا وادار به عقب نشینی ومواجه با شکست ساختند دارو دسته‌ی استثمار گر ودرباری وقت به سردمداری امیر عبدالرحمن نه تنها نگذاشتند مردم وطن ما از دست آورد های این‌فداکاری به نفع مادی ومعنوی خویش مستفید شو ند بلکه این امیر دست نشانده، اردوی تارومار شده وآبرو ریخته ی دشمن را با عز ت وحرمت زیاد از خشم وطنپرستان رهانید وسلامت به هند رهسپار ساخت .

آوانیکه خلق دلاور وبا شرف افغانستان با ریختن خونهای گرم شان ونثار جان های شیرین شان در طی سومین نبرد قهرمانانه‌ی خویش باانگلیس ، استقلال سیاسی کشوررا تحصیل ودرصددرفع عقب ماندگیهای اقتصادی و اجتماعی خویش برآمدند باز هم در فضای روشن و آزاد کشور ما جغد کور دیگری پدیدار گشت که همه نیرو های اریستوکرات و استثمارگر را بدور خود جمع کرد و به شکل بسیار ناجوانمردانه ومحیلانه مطابق دساتیر امپریالیزم خلق مارا نه تنها ازدست آورد های حاصله از جانثاری شا ن محروم ساخت بلکه هرچه آزاده وآزادیخواه هرچه وطنپرست و مترقی یافت به سیه چال های مخوف گسیل داشت وپنجاه سال تمام او و خلافش این کشور قهرمان وخلق آزاده‌ی آنرا از پیشروی باز داشت .

چون مضمون تکامل جامعه عبارت از پیشرفت وسیر دایمی بشر وجوامع بشر ی در جهت آرمان اساسی شان، یعنی تا مین سعادت مادی و معنوی فردی و جمعی کلیه‌ی انسانهامی باشد ، بازهم مطابق همین حکم عام، خلق آزاده ومبارز افغانستان بخود جنبید و اینبار و درین جنبش گردان و رهبر پیش آهنگ وعلما آماده شده ای (حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، پیش آ هنگ طبقه‌ی کارگر وسایر زحمتکشان افغانستان) بمثابه قطب نمای جنبش وجود داشت .

خلق های ستمدیده ی افغانستان به پایمردی حزب قهرمان خود ، آهنگ تحصیل استقلال اقتصادی وتحکیم همه جانبه ی استقلال سیاسی را نمودند . آری مردم ما اینبار انقلاب رهایی بخش ، ملی و مترقی کشوررا بارشادت و مردانگی بی مانندی به پیروزی رسانیدند وبا سرعت ممکنه به تحکیم دست آورد های انقلاب شکوه آفرین ثور همت گماشتند وتحت رهبری حزب زنجیر شکن دموکراتیك خلق افغانستان برای بهروزی وبهزیستی خود ومعمور نمودن کشور خو د میان همت بستند . مردم کشور ما با امید وآرزوی فراوان سر شار از روح وطنپرستانه باخلوص نیت با دولت مترقی خود همنوا و همگام بسوی روشنایی ها رهسپار شد ند .

ولی این بار دشمن کینه توز تراز دیگران سفاك خون آشام ، هتلردهه‌ی هشتم قر ن بیست، اجنت نامداروثابت شده‌ی امپریالیزم- خون خوار و جهان خوار امریکا سادیست فرومایه وبی بهره از علم و فر هنگ که قلم باعار وننگ نام سیاه اش را رقم می کنند یعنی امیر حفیظ خان امین منافع اسلاف و همکاران تبهکارخویش (امیرعبدالرحمن خان، امیرمحمد نادرشاه خان ووالاحضرت محمد هاشم خان وغیره)، در عرصه‌ی کشور بلا- کشیده‌ی ما قدعلم کرد وپس از آنکه اولین منشی عمومی‌کمیته‌ی مرکزی حزب‌دموکراتیك خلق افغانستان ، نخستین رئیس شورای انقلابی و صد راعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان شادروان نور محمد تره‌کی را بابی شرمی وقساوت زیاد از بین برد و شهید ساخت با دارو دسته‌ی او باش و رهزن خو د براریکه ی قدرت جهنمی تکیه زد و مطابق پلان انتقام جویانه‌ی دشمن دیرین مردم ما وبدستور دژخیمان امپریالیست امریکایی فضایی را بر خلق بلا دیده‌ی ما مستو لی ساخت که روی آدمکشان و دژخیمان معروف تاریخ چون آتیلا، نیرون، هلاکو، چنگیز ، هتلر و... را سفید ساخت وبا تاسف با ید گفت که اگر مردم ما قصه های ظلم وبیداد وآدم کشی و آدم سوزی وزنده زنده بگور کردن هیتلر را در فلم ها وقصه ها و کتاب دیده وخوانده و شنیده بودند آنرا برگوشت وپوست خود وعزیزان وهموطنان خود احساس کردند و دیدند امین وداره مارهای متحدش با آنچنان درنده خو یی و سفا کی با خلق ما برخورد کردند که روح نا آرام همه آدم - کشان تاریخ را آرام ساخت چه آنها دیدند که این موجوددمنش وخونخوارچندین برابر ظالمانه تر و رذیلانه تر، انسان یعنی انسان شریفترین موجود طبیعت را آزار و شکنجه ومعدوم کرد .

اگر با پیروزی انقلاب ثور همه مردم ما، همه فامیل های زحمتکشان و آزادیخواهان ما وبالاخره همه تمام مردم شریف افغانستان خورسند وامیدوار به آینده بودند ، در اثر توطئه، دسیسه ترور و اختناق، جبر وا کراه وشکنجه وقتل امین این روسیاه ترین عنصر تاریخ کشور ودارو دسته ی سفاك واو باش او، همه مردم ما، همه فامیل های شر یف ووطن پرست همه خلق آزاده‌ی افغانستان سوگوارشدند ونقش خنده های شان‌درخون‌و عزای عزیزان شان غرقه گشت و به جای دست خوشی وسرور زانوی غم در بغل گرفتند امین این جاسوس وفادار وباستانی (سی،آی،ای) این بی خرد و بی فرهنگ ومتظاهر به مترقی بودن !؟ این جبار دون‌صفت نه تنها با اعمال غیر انسانی خود روز تاروز ولحظه به‌لحظه ماهیت اصلی یعنی سیاه و «سیای» خود را برملامی ساخت بلکه بناء بدستور ونقشه‌ی باداران امپریالیستی خویش با جا زدن خود بحیث یك انقلابی ومترقی !؟ می خواست انقلاب وترقی را نیز چون خو د سیاه و «سیا» جلوه دهد، امین فاشیست واجنت در طول روز ودر ملای حزب و دولت وخلق با مهارتی که داشت وتمرینات‌ابتدایی آنرا نزد متخصصین (سی، آی، ای) بیست سال قبل کا ملا فرا گرفته بود ، یك انقلابی تمام عیار !؟ می نمود ولی در طول شب ودر واقعیت امر دروس وهدایات همکاران اصلی وجاسوس خویش را تکرار می نمود وتوسط شبکه‌ی وسیعی که بقیمت عر ق ریزی های خلق ، وخلق های زحمتکش دولت های امپریالیستی درراس امپریالیزم امریکا تمویل می شد . تازه ترین و محیلانه ترین‌هدایات آنها را برای به بند کشیدن خلق ماوبدنام ساختن انقلاب وترقی بدست می آورد وعمل می نمود . امین وباند فساد پیشه واس ، اس صفت او بجای اینکه (مطابق تظاهر شان) در جهت بهبود حیات خلق تکاپو نمایند . برای کشف واختراق وآموزش طرق شکنجه وآزار خلق وبسط خدمتگذاری به امپریالیزم و سی.آی.ای در تکاپو بودند .

در ینجا لازم است که جهت رنگین شدن وموثق شدن کلام خویش نکاتی چند ازگفتنی های ببرك کارمل منشی عمومی کمیته ی مرکزی حز ب واحد دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان را نقل نماییم . ایشان در مصاحبه ی مطبوعاتی ای که شام سیزدهم جدی ۱۳۵۸ باژورنالستان داخلی وخارجی انجام دادند در جواب‌سوالی خبرنگار آژانس باختر منجمله چنین‌فرمودند: «.... بنابر شناختی که ما ازوی (حفیظ الله امین) داشتیم ، بنابر شواهد ودلایلی که در دست بود ، بنابر تمام ظلم وتفتین و توطعه ودسایس نقشه های محیلانه‌ای که در بین خلق افغانستان، درداخل حزب، در داخل اردوی آزادیبخش افغانستان، در داخل جمهوری دموکراتیك افغانستان ا و پیاده می کرد ، گام به گام ، قدم به قدم ما همه آنرا مطالعه می کردیم . تجزیه و تحلیل می نمودیم .

آخرین اطلاعات وکشف چیزی بود که به صورت مشخص پا سخگوی سوال شماست ، امین با شبکه های دقیقش باسیا (سی.آی.ای یعنی سازمان جاسوسی امریکا) مشترکا در تبانی وطرح توطیه بود . او ظاهرا خودرا زیر ماسك اصطلاحات وترمینولوژی انقلابی چون مارکسیزم ، لیننیزم سو سیا لیز م و کمونیزم می پوشاند اوبصورت یك‌اکلکتیست مفاهیم واصطلاحات را نادرست وتوطئه گرانه گلچین می کرد، وتبلیغ می کرد تابه این ترتیب به موازات استبداد وحشتناك خود اندیشه ها ی مترقی ، آزادی ، تر قی ، پیشرفت ، دموکراسی وغیره وغیره را بد نام سازد ...»

آری امین با روح شیطانی و خودپرستانه‌ی خود با اکت های عوامفریبانه وماکیاولیستی خود نه تنها بردل همه مردم آزاده‌ی ماداغ های عمیق گذاشت وهمه را به ماتم نشانید باستیل ساخته شده از طرف ارتجاع‌سلطنتی را از آزادیخواهان ووطن پرستان مملوساخت ودسته دسته آنها را به شکنجه گاه ها و قتل گاهها فرستاد ، بلکه همه‌کشور را به یك زندان عمومی مبدل ساخته بود .

موجودیت ، کسب اقتدار واعمال امین ودارودسته ی اوباش او در پهلوی آنکه زجر وشکنجه‌ی روحی وجسمی نصیب مردم آزاده‌ی افغانستان نمود وهمه را متالم وسوگوارساخت تجربه‌ی بزرگی بر گنجینه‌ی تجارب تاریخی خلق افغانستان افزود وآن اینکه اولا خلق ما دانستند کسانیکه دانش و سوابق انقلابی ووطنپرستانه‌ی روشن نداشته باشند نه تنها نمی توانند به آنها مصدر خدمتی شوندبلکه برای ارضای خواست های شیطانی ودون خود از هیچنوع ظلم ، ستم، توطئه، دسیسه ،

بقیه‌در صفحه۵۸



نسخه های قدیمی قرآن‌شریف که بدستورخلیفهٔ مسلمین ،حضرت عثمان ترتیب‌گردیده(۱۲۰۰) ،دونسخه آن مفقود شده‌وسو مین‌آن درتاشکند وجود دارد.

ترجمه حبیب الله آهنگر

چگونه‌مسلمانان‌دراتحادشوروی سوسیالیستی درراه‌زندگی‌ومناسبات‌نوین پیکارمی کنند

خلق های مسلمن در اتحاد جماهیرشوروی سوسیالستی از هر گـونه آزادی مـذهبی برخوردار بوده وبه آزادی میتوانند مراسم مذهبی شان را در هریك از نقاط کشور اجرا نمایند .

شیخ یحیی عباس بایف طی مصاحبه یـی بانمایندهٔ بی‌بی‌سی در تاجکستان گفته است که نظام سوسیالیستی نه تنها آزادی هـای مذهبی رابه خلق مسلمان اتحاد شوروی بـه ارمغان آورده بلکه عملا در پهلوی این آزادی وفرت نعمات مادی رانیز به ودیعه گذاشته که خلق مسلمان ازقید هرنوع بی بندو باری های اقتصادی، فقر وبدبختی نجات یافته انـد و توانسته که خلق این منطقه رابه فـرهنگ وتمدن جدید آشنا سازد .

موصوف علاوه نموده است که سوسیالیزم به هرنوع رقابت های بی بندوبار فیـودالی که برگرده خلق سنگینی می نمود پـایـان بخشید وبه حیـث یك فرد مسلمان عقیـده دارد که نظام سوسیالیزم همان طوریکـه ماهیت وجوهراسلام خواهان صلح وهمزیستی است صلح وهمزیستی را تشـویق و از آن سرسختانه دفاع می نماید و در سایه صلح وامنیت است که خلق ها میتوانند فرهنگ و کلتور شان را همپای پیشرفت های مـادی زندگی بهبود وتکامل بخشند .

شیخ یحیی به خبرنگار مذکور گفته‌است که خلق های مسلمان اتحاد شوروی امسال در حالیکه در ماسکو- اوفا- کزان سرمای شد ید جریان داشت توانستند به مراسم عید قربان پرداخته ومانند خلق های مسلمان سایر کشور ها قربانی هایی انجام دهند.

در حالیکه در تاجکستان ، فرغانه به‌تاریخ دهم نوامبر آنقدر برودت وسردی و جـود نداشت مردم به مساجد رفته نماز عید را بـه جا آوردند درست ساعت هشت ونیم صبح‌بود که مرد ها داخل مسجد شده وزنان دربیرون محوطه مسجد اجتماع بزرگ راتشکیل دادند بعد از ادای نماز ملاامام مسجد دعایی به‌روح پاك پیغمبر اسلام نموده وراجع به سجایای این روز در پرتـو ترندهای نوین ز ندگـی خطابه‌های پرشوری ایراد نمود.

جاکیز فورنیر رهبر فرقه کاتولیك ها که در زمان میلاد پیغمبر اسلام در تاجکستان‌بود نظرات خود را در مورد چنین ابراز نمـوده است: مردمی که‌درمسجد اجتماع نمـو د ه بودند بعد از ختم اجتماع به اتاق دیگر رفته شرینی های را که به غرض سر گرمی ترتیب شده بود با هم یکجا صرف نمودند درین‌زمان صحبت های شیرین ودوستانه میان مردم‌صورت میگرفت . بعدا یك نفر مفتی به اتاق دیگری رفته نغمه سرور آمیز را نواخت که مردم‌همه به پا خاسته رقص های شادی وشعف انگیـز را اجرا نمودند بعد از ختم مراسم مفتی‌خاطرات سفر خود را در کشور عربستان که در جلسه شورای مساجد جهانی به حیث یك فـــرد مسلمان اشتراك نموده بود بـه حاضرین باز-گو نمود .

اسلام یکی از دومین مذهب بـزرگ در اتحاد جماهیر شوروی حساب میشود که در آن جا چهل نوع مذهب عمومیت دارد مساجد بزرگ در تاجکستان ازبکستان ، قزاقستـان، قرغز ، ترکمنستان ، آذربایجان ، داغستان وتا تار وجود دارد . چار شورای مذهبی‌اسلامی در اتحاد شوروی تاسیس گردیده که آنها مسوول نشر آثار کلاسیك اسلامی خصوصآ قرآن هستند همچنان این‌شورا وظیـفه دارد که مساجد وتدریس اصول دینی وفتوا های مذهبی را انجام دهد شورای مذکور هم چنان مسوولیت ارسکل محصلین اتحاد شوروی را به دانشگاه های بزرگ اسلامی در کشورهای عربی داشته وهم امور ارسالی حاجیان را نیز تنظیم و اداره می نمایند .

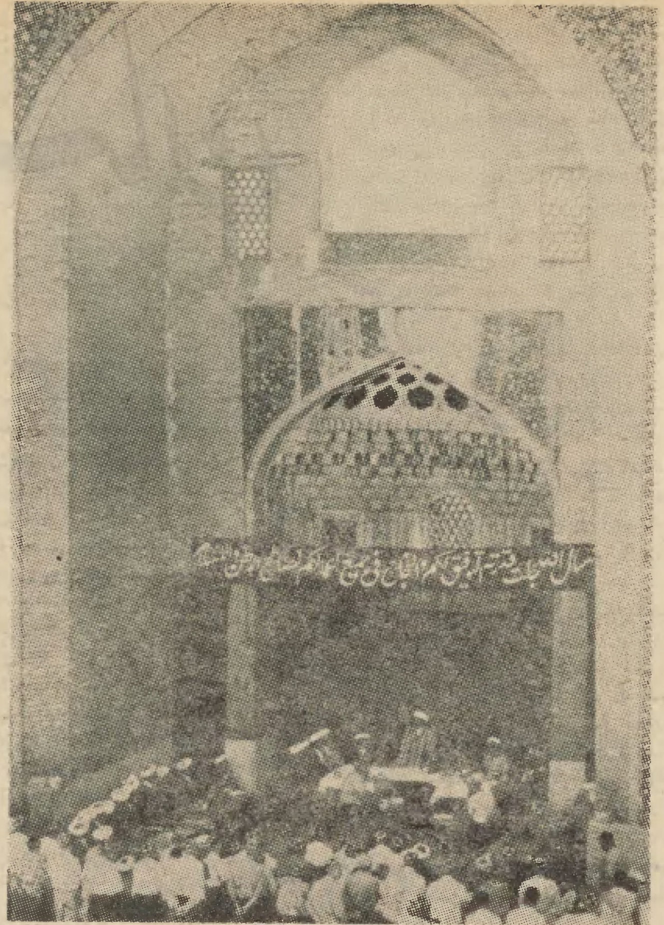
ملاامام و رهبران مذهبی از میان مـردم بصورت آزاد و رای گیری مستقل انتخاب می شوند ملاامام از مردم اعانه جمع نموده و آنرا صرف امورات مذهبی می‌نما یند که‌هرقدر در آمد سالیانه مردم‌زیاد باشدبه همان‌اندازه امداد مردم نیز زیاد تر صورت می‌گیرد .

محمد سقا امینی سکرتر جنرال شورای‌اسلامی در اتحاد شوروی گفته است که مردمـان مناطق اسلام نشین در اتحاد شوروی از مالیات و بر عایدات معاف هستند .

درزمان تسلط تزار ، اسلام موقف خوبی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی نداشت و مسلمـان هـاتحت شکنجه، فقر و بد بختی زندگی میکردند اما بعد از انقلاب کبیر اکتبر که نظام سوسیالستی در اتحاد شوروی بـر قرار گردید در پرتو اندیشه های رهبرسترگ انقلاب کارگری خلق مسلمان مناطق مختلف



مسلمانان در اتحادشوروی سوسیالستـی،مصروف ادای فرایض مذهبی دیده‌می‌شوند



اتحاد شوروی آزادی های سیاسی . مذهبی دریافتند هرنوع بی عدالتی . امتیازات میان خلق ها مردوددانسته شد و تساوی کامل ملیت ها بصورت درست عملی گردید .

درست بعد از برانداختن قدرت تزاری بود که دولت سوسیالستی به رهبری، رهبربزرگ کارگران جهان در قدم اول کوشید که حیات وزندگی مردم مسلمان مناطق آسیای مرکزی سایبریا را تضمین نموده آنها را از چنگال مرگ ومیر که ناشی از فقر و گرسنگی بود نجات دهد ودر قدم دوم کوشید تا بی سوادی را از میان خلق ها بر دارد .

شمس‌الدین بابا خانوف که مسوول امور مذهبی در اتحاد شوروی است از مکتب در اتحاد شوروی فارغ وبعد به دانشگاه مذهبی تاشکند مصروف تحصیل گردید . بعدا موصوف به قاهره رفته واز دانشگاه جامع‌الازهر درجه دکتورای خود را گرفته است او میگوید که پدرش از سال ۱۹۴۳ الی ۱۹۷۵ مسوول رهبری خلق مسلمان در اتحادشوروی بوده است . داکتر بابا خانوف سه مرتبه به زیارت خانه خدا نایل گردیده است .

در سال **۱۹۷۸** به اساس گفته داکتر شمس‌الدین بابا خانوف تعداد زیاد خلق مسلمان ملیت های مختلف اتحاد شوروی به زیارت خانه خدا رفتند که مسن ترین‌حاجیان به سن ۷۰ سالگی و جوانترین آنها به سن **۳۰** سالگی قرار داشتند که مفتی عبدالباری یکی از رهبران مسلمان دیگر اتحاد شوروی گفته است که وی چند بار حج نموده وحج آخری که او در نظر دارد گفته است که بهترین و پر شور ترین دوره است که مردم مسلمان جهان به تجلیل هزارو چار صدومین سالگرد هجرت نزدیك میگردند .

وی هم چنان گفته است که نظریات متعددی درمورد مردم مسلمان‌در اتحادشوروی خلق گردیده بود که‌تعداد زیاد این نظرات قابل قبول نبود روی آن لحاظ بود که صدها هزار برادران مسلمان از کشور های مختلف باما ارتباط برقرار نمودازین دیدوباز دیدآنها واقعاً درك کردند که خلق مسلمان دراتحاد شوروی از نعمت ها وآزادی های سرشاری بر خوردارند چون صلح وتفاهم متقابل اساس ایدیولوژی اسلامی را تشکیل میدهد به‌حیث یك شخص مسلمان همیشه امید واریم که چنین فرصت های دید وباز دید وتبادله فرهنگی میان خلق های مسلمان سراسرجهان صورت گیرد .

ابوحمزه رئیس دانشگاه اسلامی پاریس گفته بود که وی با گنجینه دانش اندك در اتحاد شوروی سفر نمود اما در ختم‌مسافرت وی گنجینه بزرگتری را که حاوی معلومات، درك ودانش وسعیتری‌درموردااسلام ومسلمین در اتحادشوروی بود باخود همرا آورده‌است .

در ختم مسافرت ابوحمزه که نقاط مختلف اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی را بازدید نموده بود گفت که‌وی خریطه کوچك دانش خودرا همین جا گذاشته وبا خریطه بزرگ وعالی که مملو از صداقت درك و دانش وسیع از خلق مسلمان و شیوه زندگی مردم اتحاد شوروی است کشور اتحاد شوروی رابه قصد پاریس ترك میگوید .

ترجمه‌ی کامکار

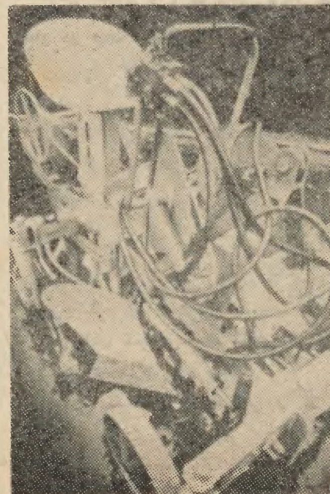
تخنیک معاصر در خدمت زراعت



تراکتور تی-۳۰۰ مجهز با قلبه

در کنار رشته های مختلف دیگر تخنیك یکی هم صنایع ماشین سازی برای افزایش تو لیدات زراعتی و ساده سا ختن کار انسان دردشت‌ها ومزارع است . مو سسات بزرگ‌در اتحاد شوروی متشکل از هجده فابریکه ترا کتور سازی وتور سازی باچهل ودو فابریکه تولید ماشین آلات دیگر زراعتی وچهل وشش - کار خانه ای سازنده پرزه جات ، و بخش های مختلف ماشین ها می باشد. فعلا در اتحاد شوروی به همان اندازه ترا کتور ها وماشین های زراعتی سا خته می شود که در ایالات متحده، انگلستان، فرا نسه‌و المان غرب تو لید می گردد که به بیش از شصت کشور جهان صادر می گردد .

درسال گذشته تنها در کشورهای پیشر فته سر ما یه داری یازده ، اعشباریه پنج‌هزار تراکتور، پنجصد بلدوزر و بیش از یکهزار نیمه تریلر زراعتی به فروش رسانیده شد . ترا کتور سا خت فابر یکه‌ی مشهور مینسك بر تری خویش را در جزیره مدغا سکر (در ینجا یکهزار ماشین فر ستاده شد) جاپان و پیرو ثابت سا خت . بلدوزر ها و ماشین های صادر شده‌به‌بسیاری کشور هامانند افغانستان ،ایران ،ایتو پی، موزمبیق نتایج مثبت در کار بجا گذاشته است .



ماشین برای ریختن کود مایع در زمین

در امورزراعتی نه‌تنها از تراکتور ها، ماشین های قلبه، ماله و غیره استفاده می شود بلکه در کمباین ها وماشین های‌جمع کننده‌ی محصولات زراعتی نیز استفاده به عمل می آید. در پهلوی این ماشین ها، مجمع‌های دیگر برای‌خشك ساختن حفر کانال ها، نهال شانی ، آبیاری مصنو عی دادن کود مایع بز مین وغیره بکار می رود .

مقیاس وسیع اقلیمی در کشور پهناور اتحا د شوروی باعث شده‌تا ماشین های عصری تر برای کار در شرایط سر مای شد ید شمال در سا یبریا و بخش های غربی کشور سا خته شود. این تخنیك برای اعمار سیستم های آبیاری ، خشك سازی، مرطوب سازی مقدماتی‌ز مین که ساحه میلیون ها هکتار را احتوا می کند نیز در نظر گر فته می‌شود.

باید تذکر داد که بسیاری عملیات در زراعت حتی در گذشته ای نه چندان دور به قسم دستی پیش برده می شد که د هقان زمان و نیروی زیاد کار را به مصرف رسانیده و محصول کم بد ست می آوردند .اما امروز مجمع های بزرگ زراعتی سا خته شده که عملیات دشوار را انجام‌میدهد . کمپاین های‌مخصوصی ساخته شده که نباتات را پاش داده آبیاری نموده ، جمع کرده و حتی حاصل آنرا سورت می کند .

دکتور اسدالله حبیب

صداها در کوهستان

قسمت دوم

مرده هارا گورکردند . وقتیکه میخواستند دعا کنند مارزك صدا کرد: برادر ها! هیچ وقت آنقدر هیجانی دیده نشده بود رنگش پریده بود و گلویش را بغض میفشرد. مارزك گفت : جنگ را چه کسی به ده تان آورد ؟ دشمنان تان ، آنانیکه همه دشت های خدا را قباله کرده بودند وسالها شما مزدوری شانرا می کردید. وقتیکه باداری شانرا گرفتند ، زمین هایشانرا به شما دادند که حق تان بود به کشتن تان وبه سوختن ده کمر بستند. در میان شما هستند کسانیکه هنوز نمی فهمند و آنانرا دوست خویش می پندارند. اجنه وسایه ها به شما کاری ندارند . خونخور ترین دشمنان شما همان آدمها استند .

آدمهاییکه نیاز محمد را کشتند ، صوفی یاسین را کشتند و اگر شما متفق نشوید تمام ده را به خون سرخ خواهند کرد نیاز محمد را خدا بیامرزد . با مرگ او ده پدرش را از دست داده است ...

سکوت تلخ و سهمگین حکمفرما بود صدای گریه پسر نیاز محمد بالا شد با گلوی گرفته نالید : پدرم ! صدای گریه چند پیر مرد هم بالا شد و مردم به مراسم دعای عمومی معطل نشدند از شدت غم دستی به رو کشیدند و به راه افتادند .

راه پیمایی با سکوت همراه بود .

در وسط های گورستان و ده ناد- خدابه گوش مارزك گفت :

عثمان با تو گپی دارد خصوصی میگوید . متعاقب آن عثمان نزدیك آمد .

در حالیکه زیاد مواظب اطرافش بود گفت : سلام علیکم . من به شما چیزی میخواهم عرض کنم نیمه شب یك آدم ناشناس با پای زخمی به خانه من آمد . خواست او را پناه بدهم . فردا گفت به دنبالش می آیند و میبرندش .

مارزك گفت : کی بدنبالش می آید

عثمان گفت : خوب معلوم است که نفر های عبدالروف خان .

مارزك گفت : تو تمام شب در خانه بودی ؟

عثمان گفت : بلی بودم .

مارزك گفت: صدای تفنگ ها را که حتمی شنیده ای چرا نبرامدی به کمك نفر های عبدالروف خان ؟

عثمان گفت : ده خودم را آتش میزدم ؟ مردم خودم را می کشتم ؟

خدا نگاه کند . عجب آدمی استید .

مارزك گفت : پس چطور دشمن مردم خودت را جای داده ای ؟

عثمان گفت : همین است که گفتم . پنهان نکردم که . دستش را بسته به دست تان میدهم . زنش طلاق هر که دروغ بگوید .

مرد ناشناس را که گلوله مارزك شب بالای پل رانش را را سوراخ کرده بود پهلوان مردان ، جمعه وبرهان الدین به ولسوالی بردند . مردم ده نخست مطمئن نبودند که جمعه و برهان الدین با دو تفنگ چره یی از عهده این ماموریت برآمده بتوانند . امکان حمله گماشتگان عبدالروف خان وجود داشت . پهلوان مردان خودش داوطلب شد. مارزك مردم ده‌را مخاطب ساخته گفت :

-چه میگویید ، پهلوان هم برود؟

مردم گفتند : اگر او برود خاطر ما جمع خواهد بود . پهلوان مردان یك شهر را بس است . مارزك ماشیندار خود را بوسید وبه دست پهلوان داد و گفت :

این امانت را هم به پهلوان دلاور ده می سپارم . خدا همراهت . شیر محمد آهسته گفت : مارزك زود اعتماد میکنی .

مارزك گفت: من به خلق‌همیش‌اعتماددارم

شیر محمد گفت : پهلوان تا دیروز در پهلوی دشمنان خلق قرار داشت .

مارزك گفت : هیچ دلیلی وجود ندارد که‌او در صف دشمنان خلق‌بایستد.

شیرمحمد گفت : مگر واقعیت چیز دیگری میگوید .

مارزك گفت : بلی واقعیت همین را می گوید که اشتباه و قصد را باید از هم جدا کرد .

شیر محمد گفت : خوشبینی تو زیاد است .

مارزك گفت : شاید واقع بینی کلمه بهتر باشد . هر دو خندیدند .

سر ازآن شب مردم ده پنج پنج نفر تعیین می‌کردند تا پهره بدهند.

خیمه مارزك و رفقایش را از پشت گردنه جمع کردند و خود شان را در میان ده در یکی از خرگاه های کنار دریا جای دادند . آنان شب با غرش یك آهنگ دریا به خواب میرفتند و صبح با صدای عندلیب ها بیدار می شدند .

حلیم وشیر محمد میرفتند بدره بالا که باگروپ رفقا ئیکه در آنجا مصروف توزیع زمین بودند کمك کنند . مارزك دست های تب آلودش را در آب سرد دریا فرو می برد وبه اطفال ده که در کنار دریا برای تشله بازی جمع می شدند ترانه یاد میدادند :

ای انقلاب سرخ
ای لاله گون شفق
مارا زآمد آمد خورشید مژده ده
ما با تو زنده ایم
دل با تو بسته ایم
از پرتو سعادت جاوید مژده ده
آسودگی خلق
امید گرم ماست
از خنده کردن گل امید مژده ده ...

در آن سه چهار روز مارزك بسیار لاغر شد . تبش یکسان بود . نه کم می شدو نه زیاد .

زنان ده هر روز نهار یك کاسه آب تلخ برگ بید را میدادند که بنوشد ، اما تاثیری نمی کرد . هر چه رفقا اصرار می کردند که برود به خانه ، به تداوی و استراحت بپردازد نمی پذیرفت . سخت مخالفت می کرد . میگفت : به زودی جور خواهم شد و آنوقت بدون درنگ در همان نقطه بلند اولی مکتب را دو باره خواهم ساخت ومردم را خواندن ونوشتن یاد خواهم داد . از این حرف ها برق خوشی در چشمانش رونما می شد .

یك روز شام پوسته رسان از شهر آمد . در ده جنب وجوش افتاد .

نان شب را که خورد از طبراقش دو سه نامه کشید که یکی آن به مارزك نوشته شده بود .

مارزك نامه را در روشنی چراغ نیلی جویده جویده خواند .

مکثی کرد و سطر هایی از آنرا باز خواند، باز خواند وبه فکر رفت .

چند نفر که متوجه شدند پرسیدند : خیریت است ؟

مارزك گفت : خیریت ، پدرم مریض شده است .

حلیم گفت : پدرت ؟ افسوس ... چه مریضی ؟

مارزك گفت : اما من به مادرم گفته بودم که تا چیز مهمی نباشد به من ننویسند .

شیر محمد گفت : خوب مساله مریضی پدر مهم است آخر .

یکی به دیگری پس پس کردند ومردمی که در آن خرگاه مانند دیگر شب ها برای ساز و ساعت تیری جمع شده بودند از شوخی و خنده باز ماندند . الله یار دنبوره اش رادرپوششش داخل نمود واندوه‌گین به چوب خرگاه تکیه کرد .

مارزك گفت : الله یار امشب دو بیتی های سیاه موی وجلالی را بخوان ؟

الله یار گفت: مارزك لالا باز کدام شب دیگرکه دل ها شاد باشد .

مارزك گفت: بیادبیارسیاه‌موی‌راکه در «برج آشکارا» زندانی بودند . جلالی میخواند :

صدف از موج دریا میزند سر
چو لعل از سنگ خارا میزندسر
طلوع صبحدم روی سیاه موی
ز برج آشکارا میزند سر

باز الله یار گفت : مارزك لالا امشب دل نمیخواند . خدا غم را دور داشته باشد بارها برایت خواهم خواند .

در میان خرگاه به تدریج دامن دیگر سخن ها چیده شد .

یکی از دیگری می پرسیدند که کدام اسپ بهتر است که فردا مارزك را به ولسوالی ببرد . عثمان با پسر نیاز محمد در یك گوشه خصوصی گپ زدند و بعد گفتند که اسپ نیاز محمد فردا تیار خواهد بود . یك کسی دیگر هم باید همراه مارزك برود . مارزك باز هم قبول نمی کرد، نی می‌گفت ودلیل می‌آورد . مریضی پدرش را جزئی نشان می داد . مگر تصمیم گرفته شد .

آنشب دهاتیان زودتر از دیگر شب ها گرفته وغمگین خرگاه مهمانان شهری را ترك گفتند . فردا تمام ده از نامه ییکه به مارزك آمده بود با خبر بودند پسر نیاز محمد اسپ سمند پدرش را قشو- وصافی کرد. بال ودمش را شست و آنچنانکه برای پدر خود آماده می ساخت حتی سمهایش را با تکه تر پاك کرد . اسپ را که زین کردند هوس تاخت- وتاز در رگ هایش دوید . به جلو و عقب خودش را می کشید . گوش هایش را وچ کرده بود . گاه نقطه های دوری را با کنجکاوی میدید و گاهی هوایی راکه در سینه قید کرده بود با سر و صدا از بینی خارج می کرد . چشمانش هر آن براق تر می شد .

مردم ده که برای وداع جمع شده بودند از تماشای بهترین اسپ ده لذت می بردند .

از دهن دره تا ولسوالی بیابان فراخی خفته بود .

مارزك رابا دعای خیر بر اسپ سوار کردند . از هر خانه گوشت پخته ، کلچه روغنی و تخم جوش داده آوردند در خور- جینی گذاشتند وآنرا هم پرپشت زین بسته کرد . به پدر مارزك شفا خواست . به کسی که قرار بود همراه مارزك برود هم

بقیه درصفحه۵۸



ستاژران‌طب، حین بررسی تصفیهٔ مواد کاربونیك دیده میشود.

ترجمه : حفیظ الله عمادی

چگونه کاربن در تداوی ونجات بعضی ازامراض بکار می رود؟

زمانیکه برای اولین بار گازات کشنده در جنگ جهانی اول مورد استفاده قرار گرفت در حدود اضافه تر از ۶۰۰۰ نفر جان شان را ازدست دادند.

از آن زمان به بعد دانشمندان ومتخصصین در صدد آن بر آمدند تا وسایل ضد گازات مضره وکشنده را کشف وبوجود آورند .

بعد از تپ وتلاش های زیاد کیمیا دان معروف اتحاد جماهیر شوروی نیکولای زی- لنیسکی موفق شد که‌ماسك رابری ضدمواد کیمیاوی کشنده رابوجود آورد که در ین روپوش ویاماسك، کاربن به‌حیث خشك -



تکنیشین های ورزیده ،حین انجام تحقیقات وبررسی تاثیر مواد کاربن

کننده و یا فلتر خشك کننده مورد استفاده قرار گیرد، که‌به‌تدریج این ماسك ها در اردوی اتحاد شوروی وبعد ها به کشور های دیگر نیز سرایت نموده. ازآن زمان محققین دریافتند که‌چگونه کاربن را در نجات انسان ها نیز میتوانند مورد استفاده قرار دهند .

انکشافات سریع مواد فلزی ودستگاه های کیمیاوی که حاوی مواد سلفوریك و سایر مواد خام بود بکار افتاد به تدریج در کشور های دیگر نیز صنعت دی سلفاید مورداستفاده قرارگرفت.

بنا برین دانشمندان درصددآن شد ند که چگونه زیادتر بتوانند از شیوع و پخش چنین گازات جلوگیری نمایند .

دانشمندان عقیده دارند که مواد مضره میتواند توسط موجودیت کاربن به حیث مواد جذب کننده این امر را بصورت دقیق انجام دهد .

متخصصین عقیده دارند که‌ماده جذب کننده نهایت موثر تمام شده میتواند چنانچه ماده مذکور رادر پایپ هایی که‌ازآن دودستگاه ها خارج میشود قرار داده و ماده مذکور درتصفیه وپاك سازی دود داخل پایپ ها خیلی ها موثر بوده واین تجربه در موسسه صنعتی ماسکو مورد آزمایش قرار گرفت ونتایج خوبی از آن بدست آمده است .

امروز در صنعت گاز کاربن بحیث تصفیه کننده د رمورد آب های نوشیدنی هنوز هم مورد استفاده قرار می گیرد این امر در مورد طبابت وادویه جات نیز مورد استعمال قرار دارد .

مادری زمانی که‌بیرون می‌رفت د ختر پنج ساله اش رادر خانه تنها گذاشت دخترك مذکور چند تابلیت خواب‌آور را خورد زیرا اوفکر میکرد که‌فقط شیرینی است دختررابه شفاخانه انتقال دادند و توسط تزریق گاز کاربن توانستند حیات او رانجات‌دهند.

چندین سال قبل موسسه بزرگتری طبی مسکو توسط دانشمند بزرگ اتحاد شوروی یوری لوپوچنن افتتاح گردید این موسسه فقط به‌منظور تصفیه گاز کاربو نیك که در خون تاثیر داشته شروع به فعالیت نموده است .

در صورتی که‌خون در شرایین لخته شود گاز کاربن میتواند در تصفیه وعادی گردانیدن جریان خون نقش مهم ایفا نماید که در گذشته ها کمتر درین مورد فکرمی شد .



لابراتوار یکه درآن تحقیقات طبی‌رامحصلین انجام میدهند.

متخصصین طب در جهان امروزی عقیده دارند که‌بشر درآینده نزدیك قادر خواهدبود تا چنان کارهای بزرگ را ا نجام دهد که در گذشته های دور وحتی در شرایط فعلی انجام چنین عملیات وکار ها، بعید به نظر می رسد آن زمان است، که‌حیات و مصئونیت حیاتی آدمیزاد در مقابل هر گونه مصائب جسمی تضمین خواهد شد .

یکی ازمتخصصین ورزیده چنین می اندیشد که اگر طب وطبابت فقط در خدمت کسانی باشند که آن را فقط وسیله درآمد ومنافع شخصی میدانند، طبابت به‌سطح نازل تنزل خواهد نمود واین امر در جوامع سرمایداری زیادتر مروج بوده زیرا قانونمندی جوامع سرمایداری که بر شالوده منافع شخصی استوار است همه چیز را فقط با معیار پولی ارزیابی میکنند امادر جوامعی که‌مالکیت‌شخصی به‌مالکیت دسته‌جمعی مبدل‌گردیده این‌امر کاملا جنبه اجتماعی پیدا نموده وحیات انسان والاتر وبالاترازهمه چیزقرارمیگیردوتلاش‌های‌متخصصین در جهت بهبود وسایل طبی و حفظ حیات انسانها مبذول میگردد نه ازدیاد درآمد شخصی .

ترجمه : دستگیر

پیروزی نهایی از آن خلق فلسطین

جوانب منفی معاهدهٔ کمپ دیوید و اثرات زیان بخش آن در امر غلبهٔ جهان عرب برصهیونیزم که به قسم دو جانبه در پشت پرده به امضاء رسیده باگذشت زمان برملاتر شده وموقف های دو همبازی کمپ دیوید با اشارهٔ امپریالیزم بین المللی روز تا روز آفتابی می شود .

چندی قبل نشرات رسمی ایالات متحدهٔ امریکا در مورد تیزس انعطاف پذیری وتمایل واشنگتن به معضله فلسطین سخن پراگنی نموده و از رسیدن به تدویر دیالوگی با سازمان آزادی بخش فلسطین درآیندهٔ نزدیك چیزهایی نوشتندکه حوادث بعدی ثابت‌ساخت که این مشورت ها وگفتگو ها نتوانست ا ز سطح یك مانور دیپلوماتیك خارج شود . بروز به اصطلاح تمایل مذاکره با سازمان آزادی بخش خلق فلسطین وسیلهٔ ارعاب دیگری است که امپر یالیزم در مقا بل کشور های عربی ودر قسم اول در برابر دول مولد نفت حوزهٔ خلیج فارس بکار برده وبدین ترتیب در صدد استحکام نفوذ خویش برآمده است .

واقعیات نشان داد که در نتیجهٔ نارضایتی اسرائیل وحامیان آن در ایالات متحده، قصر سفید با عجله وشتاب زدگی اعلام داشت که در سیاست امریکا نسبت به فلسطین وسازمان آزادی بخش آن هیچگونه تغییری رونمانشده است .

رویداد های سیاسی گواه بر آنست که حلقه های ضد فلسطینی در واشنگتن به‌حقوق حقهٔ خلق فلسطین برای تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل فلسطین احترام نداشته وسازمان آزادی بخش فلسطین رابحیث یگانه نماینده قانونی خلق عرب‌فلسطین برسمیت‌نمیشناسند. بطور مثال در مصاحبهٔ که اخیرا در روزنامهٔ «نیویارك تایمز» به‌چاپ رسیده ، سعی شده تا پرابلم فلسطین به سطح خود مختاری داخلی پایین آورده شده ودر برابر تشکیل دولت مستقل فلسطینی جبهه گیری شود .

درین حال واحوال سیاست طرد سازشکاری سازمان آزادی بخش فلسطین ضربهٔ مهلکی برخیال خام وباطل دیپلوماتهای جهان امپریالیستی وارد نموده وبه آنها ثابت شده که این سازمان در برابر حقوق غیر قابل انکار خلق خویش به سازشکاری و تسلیم طلبی متوسل نخواهد شد .

استعفای نمایندهٔ دایمی ایالات متحده د ر سازمان ملل محتد بخوبی واضح ساخت که چگونه حلقه های صهیونیستی و هواداران اسرائیل، زمامداران اسرائیل را در راهی‌که پیش گرفته اند تشویق وترغیب می کنند .

حمایت بی چون وچرای سیاسی، نظا می واقتصادی تل ابیب از جانب کشور ها ی امپریالیستی، به تهاجم نیرو های صهیونیستی برکشور های همسایه توانایی بیشتر داده و باعث می شود تا حق انکار ناپذیر خلق فلسطین زیر پا و زمینهٔ تجاوز بر دیگران بیشتر از پیش فراهم گردد . تشدید پروسهٔ ترور وفشار که سمت عمدهٔ سیاست اسرائیل رادر مناطق اشغالی تشکیل میدهد انعکا س دیگری ازین پشتیبانی محافل بین المللی است . منفجر ساختن متجاوز از بیست هزار خانه مسکونی وزندانی ساختن واز بین بردن بیش از هفت هزار میهن پرست فلسطینی در زندانهای اسرائیل، تخریب مناطق مسکونی عربی تحت اشغال واعمار مناطق جدید نظامی بجای آن، چکیده هایی از سیاست دولت اسرائیل در قلمرو های اشغالی می باشد .

مهاجمین اسرائیل برای از بین بردن نهضت فزیکی مقاومت فلسطین تلاش نموده وهمواره قسم ثابت به تجاوزات خویش در جنوب لبنان یعنی محل اقامت فدائیان فلسطین ادامه میدمند که تاکنون خسارات مالی وجانی به اهالی غیر نظامی لبنان وفلسطینی ها و همچنان ضربات جدی بر پیکره اقتصادی‌لبنان وارد آورده است .

پلان به اصطلاح «خود مختاری فلسطین» در تل ابیب تهیه ودر معاهدهٔ بین مصر و اسرائیل با شرکت ایالات متحده شامل گردیده که د ر آخرین تحلیل به ایجاد موانع برای تشکیل دولت مستقل فلسطینی و زیر سلطه نگهداشتن مناطق اشغالی با جبر وزور می انجامد . آنچه مربوط به داعیه فلسطین می شود در سخنان بیگین لومری وزیر اسرائیل «خودمختاری جمعیت ، بدون خودمختاری برای سرزمین» ذکر شده است .

تبادل نظر میان بیگین و سادات در مورد «خود مختاری فلسطین» در کمپ دیوید وهمچنان مذاکرات در شهر اسرائیلی «حایفا» تمایل بیگین را برای پیدا نمودن و گماشتن «فلسطینی های معتدل» نشان میدهد تا درحل به اصطلاح «خود مختاری فلسطین» باهمبازی های کمپ دیوید از در سازش پیش آیند .

درحال حاضر نیروی فعالی که در صدد حمایت از امپریالیزم وصهیونیزم برآمده رهبری کنونی مصر است که حق خودارادیت وتعیین سرنوشت خلق فلسطین بدست خود شان وتشکیل دولت مستقل فلسطینی و شناسایی سازمان آزادی بخش فلسطین رابه صفت یگانه نمایندهٔ قانونی آن ببادفراموشی داده است • تاجرت دالری دربدل‌آن‌دریافت ولباس ژاندارمی را برای ایفای نقش دست نشانده امپریالیزم در شرقمیانه و قارهٔ افریقا بازی نماید .

اکنون این پلان آزمندانه افشاء تر شده وسیمای واقعی دشمنان خلق عرب بر ملا می شود . تمام نیرو های ترقیخواه ، نهضت های رهایی بخش ملی وجهان عرب از حق خودارادیت خلق فلسطین وتعیین سرنوشت شان بدست خود شان حمایت می نمایند و بدون شك هرنوع زدوبند یکه اعاده حقوق خلق فلسطین را در مشارکت با سازمان آزادی بخش آن در نظر نداشته باشد . د ر شرقمیانه محکوم به شکست ورسوایی خواهد شد چه سیر تاریخ در گذشته ورویداد های اخیر شرقمیانه بیانگر آنست که با وجود فتنه گری های ارتجاع جهانی و امپریالیزم بین المللی پیروزی نهایی ازآن خلق قهرمان فلسطین است .

پایان



قهرمانه غشی ویشتو نکی‌دخپلی‌لو بی دتمرین په حال کی لیدل کیږی .

ژ غورندوی

دشوروی اتحا د تکړه غشی ویشتو نکی

دشوروی اتحاد دخلکوسترگی په لاره دی چی دمسکو داولمپیك په مسابقو کی به ددوی د هیواد تکړه غشی ویشتو نکی پیغله طلا یی مدال تر لاسه کړی . دا تکړه پیغله زیب النساء نومیږی او دشوروی اتحاد دتا جکستان د جمهوریت په مرکز یعنی ددو شنبی په ښار کی استو گنه لری .

دا تکړه غشی و یشتو نکی دعالی دار المعلمین د وروستی ټو لگی محصله ده او ددی د دیپلوم ددفاع مو ضوع د لوبو او ورزش سایکا لوژی ده چی ددی مو ضوع ددفاع نه به وروسته دیپلوم او شهادتنا مه تر گو تو کړی . دمسکو دغشو ویشتونکو دټیم مشر عقیده څرگندوی چی دا پیغله به دمسکو داولمپیك په لوبو کی طلا یی مدال تر لاسه کړی . دغشی ویشتلو په لوبه‌کی یواځی‌دنبنی ویشتل کفایت نه کوی بلکی لازمه ده چی داهنر به بشپړه تو گه زده شی او په عین وخت کی باید لوبغاړی به فزیکی او روانی ښه تربیه ولری څکه مسابقه دختمیدو نه څو شیبی مخکی نتیجه ور کوی .

دی پیغلی د لومړی ځل لپاره په ۱۹۷۰ کال خپل لومړی غشی‌له لیندی ځینی خو شی کړ. له هغی نیټی نه تر اوسه دی څو واره‌دغوایی هغه ستر گه چی قطر یی دولس سانتی متره ده د لیندی په غشه ویشتلی ده . او ددی ویشتنوشمیر نږدی زر ځلو ته رسیږی . ددی قهرمانی پیغلی دسپور تی جایزو کلکسیون د شوروی اتحاددقهرمانی مدال ، د ۱۹۷۵ کال طلا یی جایزی، دار وپا د قهرمانی طلا یی مدالو نو او د ۱۹۷٦ کال دمونتر یال له مدالو نو څخه عبارت دی او داسی اټکل شوی چی دمسکو داو لمپیك دلوبو طلایی مدال به هم ددی په کلکسیون کی اضا فه شی .

جمهوری خلق انگولا در مسیر سوسیالزم

از نیوتایمز
ترجمه : احسان آذری

بتاریخ یازدهم نومبر سال جاری خلق های انگولا چهارمین سال تاسیس جمهوری خلق انگولا را جشن گرفتند . این کشور انقلابی افریقایی در طول چهارده سال تحت شرایط فوق العاده دشوار بر ضد امپریالیزم ، قوای تبعیض طلب افریقای جنوبی واستعمار پرتگال مبارزه نموده است . وبعد ازین تاریخ مجدانه درراه اعمار جامعه فاقد بهره کشی گام نهاده است . در اولین کانگرس جنبش خلق برای آزادی انگولا درسال (۱۹۷۷) تاکید بـه‌عمل آمد که این جنبش پیش آهنگ طبقـه کارگر این کشور می‌باشد . وبا ایدیالوژی دوران ساز طبقه کارگر مجهز می‌باشد .

خلقهای انگولا سالجشن جمهوری خلقی رادر حالی استقبال می نمایند کـه اگوستنیونتیو رهبر فقید آنکشور درمیان خلق آنجا نیست، اگوستونیتو رهبر انقلابی خلق های انگولا بتاریخ دهم سپتمبر سال جاری در گذشت . او خلقهای این کشور را در سال های جنگ عادلانه خلقهای این کشور برضد استعمار پیروز مندانه رهبری نمود . چنانچه درسو- گواری این رهبر انقلابی ده‌ها هـزار انسان زحمتکش این سرزمین اشتراک نمودند.

بعداز انقلاب‌خلقی درین کشور سیمای جامعه بصورت دینامیك تغیر نموده است . ترقیات مزید کنونی اقتصادی اجتماعی این کشـور دینامیزم تغیرات انقلابی رابه وضاحت نشان می دهد . در ماه های می وجون سال جاری بیش از یکصد هفتادو هفت دستگاه هـای بزرگ ترانسپورتی تجارتی وغیره در لوندا (مرکز انگولا) ودیگر شهر های این کشور تحت کنترول مستقیم دولت گرفته شد. مثال چهارم انقلاب بنام‌سال‌تربیه کادرها وپرسونل فنی اعلام شده است .

ذخایر نفتی این‌کشور کاملا تحت کنترول دولت می‌باشد. وعرواید محصولات وتولیدات نفتی این کشور تزئید قابل ملاحظه ایجاد شده‌است. تولیدات نفت این کشور درهرسال هشت ملیون تن میباشد . در تعداد فابریکات صنعتی ودستگاه های بزرگ انرژی بـرق نیز افزایشی بعمل آمده است. منازل‌مسکونی ورهایشی برای فامیل های زحمتکشان درسر تاسر انگولا تحت اعمار می باشد . ودولت انقلابی‌انگولابرای بهبود سطح‌تولیدات‌نعم مادی در کشور اقدامات موثر را روی کار گر فته است . در دهات نیز پیوسته رزم های رادیکال انقلابی تحقق می‌یابد . برای بلند بردن‌سطح تولیدات زراعتی بهبودشرایط زندگی دهقا نان تامین وهم‌بستگی‌دهقانان باکـارگـران واقشار زحمتکش‌دیگردولت‌انگولابیش‌ازدوهزارفارم بزرگ در گوشه وکنار کشور تاسیس نموده است. اکثرامور مربوط به فارم ها وغیره باکار های رفیقانه وداوطلبانه جوانان وزحمتکشان تحقق می یابد . بطور مثال در ماه اکتبر بیش از شصت تیم جوانان وزحمتکشان این کشور به روحیه رفیقانه در یك فارم بزرگ زراعتی در حصه شمال شهر لوندا کار نمودند . در دهات ایـن کشو ر مـنـا سبا ت قـر و ن و سطا یـی و پاتـریکـال و همچنا ن رشد طبیعی وکنداقتصاد خاتمه یافته‌است،رهبر این‌کشور علاقمندی خا صی به بلند بـردن سطح کلتوری ومعنوی مردم انگولا دارند . بمنظور تطبیق اصل مدر نیزه کردن امور زراعتی‌دولت انقلابی انگولا سیستم کوپراتیفی رادر سرتاسر آنکشور تعمیم نمـوده‌است.

تابحال درین‌کشور چارصدوپنجاه کوپراتیف بزرگ زراعتی وساحه بیش از چهار ملیون هـکـتـا ر ز میـن را احتـوا میـکـنـد کمیته مرکزی حزب کارگر انگولا در مـاه دسامبر سال ۱۹۷۸ فیصله بعمل آورد. که دولت باید صنایع کوچك خصوصی وبورزوازی ملی متوسط وکوچك را تشویق وترغیب نماید در سراسر کشور مغازه های بزرگ خلقـی تاسیس شده است که‌نیاز مندی روزمـره زحمتکشان‌را باتنزیل درقسمت ها رفع‌می‌نماید طبقه کارگر این کشور در اثر مساعـی دولت وحزب کارگر جمهوری خلق انگـولا از لحاظ شعور سیاسی به سطح عالی تریـن قرار گرفته است . دولت انقلابی انگولا برای امحای بیسوادی که میراث شوم رژیم هـای استعماری گذشته می باشد اقدامات‌ارزشمندی را در ساحه عمل پیاده نموده است . تا بحال در طی دوره کوتاه بعد از انقلاب به تعـداد یکصدو نود هزار نفر از نعمت سواد بهره‌مند گردیده اند . حزب کارگر انگولا ودولـت خلقی آنکشور ریشه های عمیق تـوده ای و مردمـی دارد . ودرائر مجاهدت آنها و حدت موجه بیشتر شما طبقات زحمتـکش واقشار مترقی تحقق یافته است .

چنانچه کمیته های با صلاحیت حزبی در بیش از هفده ایالت این کشور تاسیس‌شده است . ودرین کمیته ها هزاران زحمتکش و روشنفکران مترقی شرکت دارند ودر حـال حاضر تعداد اعضای این حزب بیش ازهشتاد هزار نفر می باشد .

در جلسه های سر تاسری حزب کارگـر جمهوری انگولا درماه مارچ‌خاطر نشان گردید که دولت باید سطح تولیدات مادی را بلند ببرد . ودر تمام ارگان ها وموسسات دولتی واجتماعی باید دسپلینی کارگری حکمفرما باشد .

دولت انقلابی‌انگولا برای‌تدریس ایدیالوژی و اندیشه های طبقه کارگر بیش از هفـت موسسه تعلیمی را تاسیس نموده است . اتحادیه های کارگری این کشور نیز نیرومند شده است وبیش از نیم ملیون کارگـران در این اتحادیه ها عضویت دارند سازمان های جوانان وزنان این‌کشور نیزمنسجم ترگردیده است .

ولی این پالیسی خلقی وضد امپریـالستی انگولا باعث نگرانی قوای ارتجاع‌وامپریا لیـزم گردیده است. وازینرو درراه تحقق اهـداف انقلابی جمهوری خلق انگولا دسیسه هـا و توطئه های خرابکار را می‌چینند . درین مورد حکومت ارتجاعی وتبعیض پسند افریقای‌جنوبی ازهمه قوای امپریالیستی پیش قدمی می‌کند. وچندین باربه قلمرو های جمهوری خلق‌انگولا تجاوز نموده است . چندی قبل در قسمت‌های جنوبی جمهوری خلق انگولا قوای تجاوزکار رژیم ارتجاعی ودست‌نشاندهٔ امپریالیزم افریقای جنوبی دوبار تجاوز نمود . که در تیجه آن چندین پل ویران شد وبیش از بیست نفـر اشخاص بیگناه ملکی بقتل رسیدند .

امپریالیزم بین‌المللی به چنین تجاوز های غیر قانونی وضد اعلامیه حقوق بشر اکتفـا نکرده . وبطور مداوم باند هاو دسته هـای تروریستی رادر ین کشور مـی فـرستند . امپریالیزم بین‌المللی بعدازمرگ‌اگوستینونیتو رهبر انقلابی آنکشور آرزو داشت تـا این کشور از مسیر سوسیالیزم طفره خواهدرفت. وراه رشد پر از رنج وعذاب کاپیتالیستی را اتخاذ نمود.

ولی این خواست امپریالیزم بین المللی نیز نقش برآب شد. در اجلا سیه تا ریخی ماه سپتمبر کمیته مرکزی حزب کـارگر جمهوری خلق انگولا جوگن ادوارد ودوش را بحیث رئیس جدیدحزب انتخاب نمود . که به اساس قانون اساسی انگولا وی رئیس جمهور آنکشور نیز می باشد . درین اجلاسیه جوس، ادواردودوس خاطر نشان نمود، کـه دولت انقلابی خلق انگولا به اساس پرنسیپ های اصولی وعلمی ایدیالوژی دوران ساز طبقـه کارگر، در مسیر ظفرمند سوسیالیسم به‌پیش خواهد رفت . ودرین راه تمام موانع راکه ارتجاع محلی آنکشور وامپریالیزم آبروباخته بین المللی ایجاد می کند یکی پی دیگری عقیم خواهد ساخت .

همچنان او اعلام نمودکه «حزب کـارگر جمهوری خلق انگولا ودولت انقلابی بـا درك رسالتمندی تاریخی خـود، راه را کـه اگوستینونیتو در برابر خلق انگولا گشـوده بود با متانت وپی‌گیری تعقیب خواهد کرد.

روابط دوستانه بین اتحادشوروی وجمهوری خلق انگولا از همان زمانی آغاز یافته است که خلق ها ی انگولا تحـت شرایط دشوار برضد ارتجاع داخلی و امپریالیزم در جنگ بودند . همکاری های این کشور با کشورهای دیگر جامعه سوسیالیستی وتمام کشور های صلحدوست ومترقی جهان گسترش می یابد .

اتحاد شوروی درقسمت صنایع‌ترانسپورتی، مخابرات، جیولوژی وغیره کمك های فراوانی باآن کشور نموده است وعده زیـادی از محصلان آنکشور در پوهنتون های اتحاد - شوروی به‌کسب تحصیل می‌پردازنـد ، و کادر های فنی زیادی این کشور در اتحاد - شوروی تربیت فنی وتخنیکی یافته اند .

جمهوری خلق انگولا دوست وفا دار تمام جنبش های ملی وضد امپریالیستی قـا ره پهناور ا فریقا وسراسر جهان می بـا شد ومبارزات ضد امپریالیستی این کشور بخش از پروسه انقلابی جهان را تشکیل میدهد. به جرئت می توان گفت‌که انگولا در آینده نزدیکی در شاهراه سوسیالسم موفقیت های مزیدی را نصیب خواهد شد . وتوطئه هـا ودسایس امپریالیزم بین المللی جـز نقش برآب شدن چیزی دیگری رادر قبال نخواهد داشت .



از سپو تنیک

ترجمه (نیزک)

برادران کیو- شعبده- بازان نامی شوروی



امیل کیو (برادر بزرگ) همـراه‌باموتر دریك چشم بهمزدن بـدون باقی ماندن اثری از خود وموتـراز مقابلی چشمان تماشاگران غایب می شود .

مد تنها است که دیگر کسی بـه کار های خارق العاده و غیر طبیعی باور ندارد . معهذا نیم قرن نمایش شعبده باز نا می شوروی ا میل کیو خلاف این ادعا را بیان می کند. او در نمایش های خود آدم ها را در دربرابر چشمان‌حیرتزده تماشاگران نا پدید میسا خت ، پیا نو یی‌بزرگ رابدون آنکه بان دست بزند بـه حر کت در میاورد و علي الرغـم قانون جاذبه آن را در میان هوا معلق نگهمیدا شت . او دختر زیبایی رادر درون قفسی بزرگ از سقف سیرك میا و یخت وبعد در یك چشم بهم زدن دختر زیبا را به شیری درنده بدل میسا خت . دختری دیگر ر ا باره یی بزرگ (از نیمه قطع) میکرد ودیگری را بدون اینکه کو چك ترین آسیبی به وی بر سد به درون شعله های آتش‌پرتاب میکرد. اوداوطلبانی از بین جمعیت می خواست، آن‌هااو را درون‌صندوقی بزرگ قفل‌میکردند ولی در مدت کمتر از یك دقیقه امیل کیو از ردیف های بالایی تیاتـر ظاهر می گردید .

روز نا مه های بسیاری کشورها کیو را یکی از بر جسته تر یـن شعبده بازان عصر ماویکـی ا ز معما های قرن بیستم تو صیف کرده اند . او با نمایش های مهیج و ، شگفت انگیز خود سر تا سر اروپا آسیا و افریقا را فتح کرده بود . مرد مان عا می از شگرد ها و چال های او در شگفت میشد ند واستا- دان فن مهارت و توانایی بی نظیر او را می ستودند . نام کیومترادف کارهای ناممکن وحتی به ضرب‌المثل مبدل شده بود. مثلا و قتی کسـی می گوید (من که کیو نیستم) مرادش اینست که نمی تواند کاری ناممکن را انجام دهد .

امیل تیو دورو یچ در سال۱۹۶۵ جهان را وداع گفت . جسد اوبروی صحنه سیرك جایی که اودهها‌سال برآن حکومت میکرد قرار داده شد، هنر مندان هنر پیشگان ودیگـر علاقمندان در مقابل جسد ش بـه صف ایستا دند تا آخر ین درود و احترام خود را نثار این نمایشگر بزرگ کنند. شام همان روز کلمه‌ای آشنای کیو یکبار دیگربرسردرو- رودی سیك ظاهر گشت . مرد با- یك اندا می در حا لیکه نیمه تنه و نکتایی سفید بتن داشت بـر روی صحنه سیرك پا گذا شت.چشمانش غمزده واند و هگین می نمو دند با بار غمی که بروی شانه ها یشـ سنگینی می کرد او می دانست که پسر کیوی‌بزرگ حق‌ندارد احساس شخصی وغم مرگ پدر را ظاهـر سازد او تصمیم گرفته بود علی‌الرغم مرگ پدر واندوه ناشی از آن نمایش را اجرا کند . این ، پسر بـزرگ شعبده باز فقید بود که نام امیـل یعنی نام پدر را بر خود نهاده‌بود. روز بعد برادر ش ایگور نیز بـه نمایش های سیرك پیو ست .

امیل نخستین بار و قتی فقط دو سال داشت بروی صحنه سیـرك ظاهر گشته بود واقعه چنان بود که وقتی پدر و ما در ش خود را برای اجرای نمایش آماده می کردند در پشت ستیژ کسی اوراذیت کردواو هم از لج خود را درون صـندوق جادویی پدر پنهان کرد و قتی نمایش آغاز شد صندوق به صحنه سیرك انتقال داده شد ودر آن باز شد تا نشان‌داده شود که‌درون آن خالیست که ناگهان امیل از درون صندوق ، بیرون پرید البته تما شا گران بـه حساب اینکه این هم یك شو خی و جزیی از نمایش است شروع‌به‌کف زدن کردند !

دومین ظهور او بروی صحنه هم بسیار جالب بود خود ش در یـن مورد می گو ید :(من درآن زمان‌سه سال داشتم و همراه پدر و مادربرای اجرای نمایش به سیرك رفته بودم. پدرم و مادرم بروی صحنه مشغول اجرای نما یش بودند و من ایشان‌را نظاره میکردم . مادر درون جعبـه بزرگ چو بی خوابید ، پدر اره ای بزرگی را در دست گر فت و شروع کرد به اره کردن ودو نیم کـردن صندوقی که مادر در آن خوابیده‌بود من بروی صحنه پریدم وبامشت های کوچکم شروع کردم به زدن پدر در حالیکه فریاد میزدم (اورا آزاد کن! آزادش کن) همهمه عجیبی‌برپا شد. بالاخره مادر بدون اینکه آسیبی‌دیده باشد از درون صندوق بر خاست‌مرا بو سید دو باره بر جایم نشانید ! امروزه خودم همسرم را بـر روی صحنه درون جعبه می گذارم واو را

(اره) می کنم در حا لیکه صدای کف **زدن ها وتحسین تما شاگـــرن را** می شنوم).

ا میل از کودکی چندان به کـار سیرك شیفتگی نشان نمیدادوکـار پدرش غلاقه او رازیادجلب نمیکرد در حالیکه برادر کو چکترش ایکور همراه **با**گروه سیرك باطرف کشور سفر می کرد امیل در مسکو می‌ماند ودر درس ها یش غـرق می بود ، ونمرات خوب می‌گرفت.او مخصوص در فزيك ،رياضی وکیمیا شـاگـرد **لایقی بود . درســال ۱۹۶۰ او از ازانستیتوت‌انجنیری ساختمانی‌مسکو** فارغ التحصیل شد وبه حیث انجنیر **شروع به‌کار کرد .. ولی بایددرون** او جرقه یی‌بوده‌باشد که‌یکبار ‎ه‌سر کشید .روزی‌فرارسیدکه امیل‌حس کرد نمی‌تواندبدون‌سیرك زندگی‌کند او**بشوخی** میگوید :ندای اجداد من مرا بسوی سیرك فرا خواند.شورای خانوادگی دایر شد همه کـوشش **میکردند اورا** متقاعد سازند کـه‌از تصمیمش باز گردددولی اوباآرامش **وقاطعانه‌بر تصمیم‌خود اصرارمی‌کرد اوحس میکرد درغم ها وشادی های پدرش به حیث يك نمایشگر سهیم است .**

وقی امیل نخستین نمایش حرفوی **خودرا انجام داد برادر جــوانترا**و **ایکور قبلا يك نمایشگر سابقه دار** سیرك بود .أز آوان کودکی صحنــه **سیرك بمثابه خانه او بود ، خاطرات** اواز هاهوبیروبارو فضای شادسیرك انباشته‌بود. امیل‌تیود دورویچ(پدر) تشخیص داد ‎ه‌بود که ایگور وارث حقیقی او می‌باشد وبنابـران تمـام رازهای حرفه خودرا باوی درمیـان گذاشت . **از ینرو ایگور بخوبــی** آمادگی یافته‌بود.اودر پانزده‌سالگی **نماایش حرفوی خودرا اجرا کــرد**

.روزی پیشس آمد کرد که امیـــل تیودورو پچ‌مریض شدوبه‌شفاخا نه انتقال داده شد. همه حیران بود که چه بایدکرد ؟ چگونه جای پرنشدنی **امیل تیودو رویچ راپر کرد؟ ایگور** بعد از آن تقریبا نیم نمایش را به تنها یی انجام داد .

حتی امروز نیز وقتی ایگور آن ، زمان را بخاطر میاورد به هیجـــان میاید . او میگو ید :

من بروی صحنه ایستا دم بدون **اینکه تما شا گران را ببینم،** احساس گیچی میکردم . وقتی نمایش راتمام **کردم کارگردان نزدیك آمده مــرا** بو سید . وبالای شانه هایش سوار کرد من معتقد شدم که موفق خواهم **شد .** من دو ماه تمام به تنها یـــی نمایش را اجرا میکردم تا آنکه حال پدر خوب شد و من دو باره به‌حیث **اسیستا نت او به کار پرداختم .**

بعد از مرگ پدر ، هر دو برادر یکجا به کار پردا ختند و لی چندان **کاری ازپیش نبردند.**آن هاشخصیت هاو کار اکتر های نا متجانس بودند طبیعیت ها وذو قهای مختلفـــی **داشتند .** وبالاخره از هم جدا شدند وبین شان شکاف ایجاد شد . ایگور جوان نقش و کار پد را به ارث برد. امیل پذیر فت که تقبل يك چنیـن نقشی بسیار دشوار خوا هد بود . بالاخره او و نمایش های خاص خودرا **بوجود آورد اسیستانت های رابکار** گرفت ، شگرد ها وچال ها یی راکه از پدر آمو خته بود وچیز های راکه خودش اختراع کرده بود بنمایشـــ گذاشت .

قبل از ینکه نمایش های جد ید شکل گیر ند و عملی شو ند شب‌ها وروز های بسیاری ، طراحـــــان متخصصین نورو مکا نیك، کار کنان قدیمی سیرك وبسیاری دیگرتلا ش های خود را برای تحقق بخشیدن ایده های ایگوردر عمل‌بکاراندا‌ختند.

تاکنون امیل کیو(برادر بزرگتـر) بیش از پنج هزار نمایش در تقریبا تمام سیرك های عمده جهان انجام داده است . در هر جایی مردم در برابر غر فه های فروش تکت‌ازدحام میکردند و مطبو عات نمایش های‌او را ستایش میکردند .

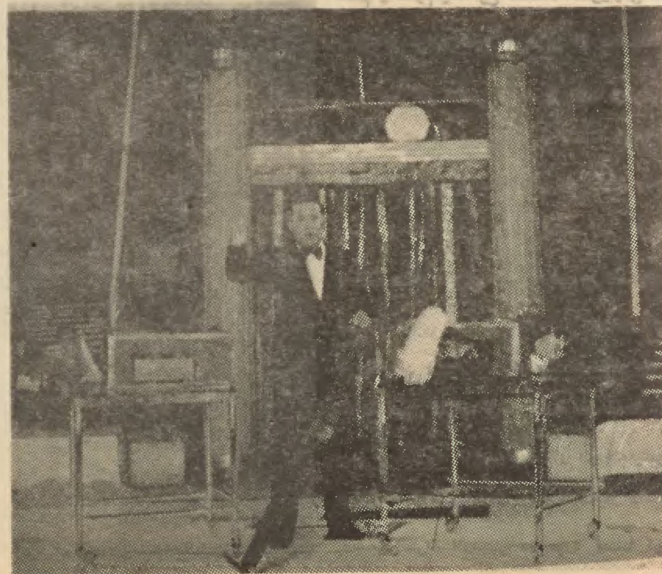
در جریان نمایش ها گا هی وقایع جالبی برای او رخ داده است مثلا يك روزی مردی به‌پشت صحنه آمد و ویاالتماس ازوخواست‌دریافتن زنش که‌ناپدیدگردیـده است او را یاری کند .

ایگور عالیترین جایزه هنری سیرك وجایزه اسکار راکمایی‌کرده‌است .در **جـاپـان گروهی‌از برجسته تریـن** دانشمندان بحث عمومی رادربــاره شگردهای باورنکردنی این نمایشگر شوروی دایرکردند . حتی ازوپرسیده شد جای دخترانی راکه‌در نمایش‌آن هارامی سوزاند . چگونه پرمی‌کند . اوبا سخن کنایه آمیزی جواب دا د من‌باری از دختران بهمراه دارم .این ذخیره تاختم سفرم کفایت می‌کند در سیرك شو روی دو کیو وجود دارد . شگرد ها وچال های آن هــا بعضا با هم شبا هت دارند .

ایکور شخصیتی مسلطوپر تحرك است . در حا لیکه برادر ش مردی آرام ومحجوب ودوورونگرا است.این دو چهره ها یی نام آور سر کـــس شوروی اند و مر تبا چیز های تازه یی بر میراث هنری پدر شـــان می افزایند .



ایگورکیو اسیستانت خودرابدون‌اتکایی دربین زمین وهوا مغلق‌نگهد- اشته است .



ایگورکیو اسیستانت‌زیبای خودرااز نیم تنه اره کرده است .

شگفتی های [illegible] جهان

کهن سال ترین موجودات تاریخی

کهن سال‌ترین‌آثار تاریخی که قدامت۳۱۰۰ سال دارد در جهان تاکنون کشف نگردیده‌بود اما دانشمندان مربوط باستان شناسی به اثر زحمات وتلاش های شباروزی‌شان توانسته‌اند کهن سال ترین موجودات تاریخی رادر یابند این آثار تاریخی عبارت از مجسمه ده حیوان است‌که روی عاج کنده شده ودر پوهنتون توبنگن در معرض نمایش‌عامه قرار گرفته‌است• این مجسمه های کوچك‌که درحدود چند سانتی مترطول داشته ودر آن شاخ اسب های‌وحشی بصورت برجسته نشان داده شده است •



به اثر تحقیقات که‌به عمل آمده ودانشمندان در مورد آن ابراز نظر نموده گفته اند که‌این آبدات در حدود ۳۱۰۰ سال قبل وجود داشته است آثار مذکور در قسمت شهر هیدن هیم کشف گردیده است •

استفاده‌همه‌جانبه‌ازباغهای وحش

باغ و حشی که در سوا حل بحیره سیاه در حصص شمالی شهر وار نا موقعیت دارد اخیرا بحیث یك مرکز بزرگ تحقیقا ت زو لو ژیکی مبد ل گشته است • گروه بزرگی از دانشمندان امور زو لوژیکی از کشورهای مختلف حوزه با لقان هر سا ل در این‌مرکز سرازیر شده در چو کا ت سمپو زیوم ها وسیمینار ها به بحث ومذاکره میپر دا زند

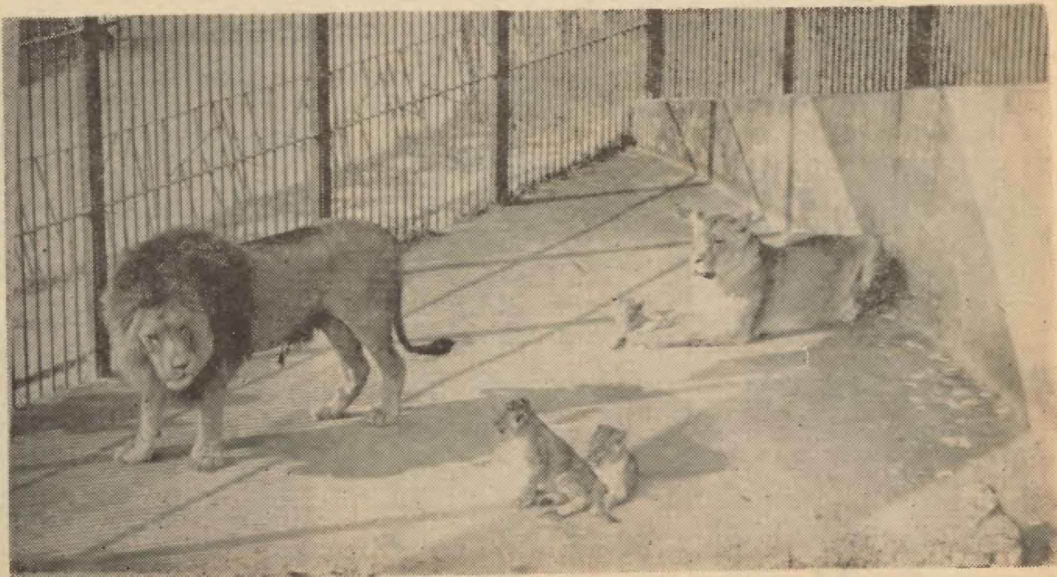
با غ وحش بحیره سیاه نه تنها اکنو ن یك انستیتو ت تحقیقات امور زو لو ژ یکی در حوزه بالقان بشمار میرود بلکه در عین حال در جلب و تشویق توریزم نیزنقش مهمی را بازی می کند .

در این با غ انوا ع واقسا م پرند گا ن حیوا نا ت و خزند گا ن که نظیر ا ن در سا یر دو ل کمتر دید ه میشو ند جمع آوری و به نما یش گذاشته میشود . در او اسط تا بستا ن سا ل جاری در یك فا میل حیوا نا ت از یك شیر ماده چهارشیر نر تو لد گردید که اکنو ن تعداد حیوا نات این قفس به شش میر سد . بمنظورجلوگیری از معدوم شدن نسل حیوا نا ت بخصو ص حیو انا ت درنده در نظر است الی او ا خر سا ل آیند ه سه پرو گرا م نسل گیری در باغ های وحش بلغاریا تحت‌نظرزولو-جستا ن تطبیق و عملی گردد. کشور خلق بلغا ریا یگا نه کشور ی است که درحوزه با لقا ن در مورد احیا ی نسل حیوا نا ت درند ه مسا عی زیادی را بخر ج مید هند .

دستگاه‌جدید برای‌اندازه‌گیری فلزات

اخیرا عده از دانشمندان امور فلزکاری شهر بور گاز موفق به بکار انداختن یك دستگاه جدیدی شده اند که با استفاده ازآن میتوان عمق و ضخامت انواع و اقسام فلزات را اندازه گیری نمود •

دوسال قبل در یکی از لابر اتوار های شهر بلا گوگراد چنین احساس گردید تابمظور اندازه گیری مقاومت انواع واقسام فلزات‌خیلی محکم و مقاوم یك نوع دستگاه الکترونیکی‌تحت ساختمان گرفته شود • دوتن از دانشمندان شهر بور گاز حاضر شدند تا نقشه ودایگرام این دستگاه را پی ریزی نمایند . دراواخر سال (۱۹۷۸) امور ساختمانی آن بپایان رسید وپس از آنکه راپوری در زمینه نشر گردید دستگاه متذکره برای اولین مرتبه در انستیتوت تحقیقات فلزی شهر بور گاز بکار انداخته شد• طوریکه در راپور تذ کار رفته دستگاه جدید اندازه گیری فلزات ازسه حصه علیحده‌متشکل بوده توسط یك ترانزیستور بکار انداخته‌میشود دستگاه فوق‌الذکر به‌یك ولتا ثابت‌نیاز داشته به‌نصب ترانسفارمر در مورد فعا لیت احتیاجی بنظر نمیخورد •



گوشهٔ از زندگی یك جفت شیران بانوزادان آنها

انسان و دستگاه‌های خود کار بروی مهتاب

درسال ۱۹۶۹ کشتی فضائی بنام «ابولو ـ ۱۱ » یك مسافرت وماموریت فضائی را بالای سطح کره ماه انجام داد طوریکه دو نفر سر نشینان آن بنام هـای نیل آرمسترانگ و

آدوین الدرین بروی سطح ماه فرود آمدندو

میخائیل کالوین در مدار معین مهتاب بخاطر کنترول سفینه شان باقیماند

اولین ماهنورد خود کار شوروی در جنوری ۱۹۵۷ بفضا پرتاب گردید . درهمین سال یك ماهنورد تحقیقاتی دومی از نزدیك ، سطح

مهتاب را اندازه گیری کرد وماهوارهٔ سومی که در ماه اکتوبر همان سال پرتاب گردید

مدار مهتاب رادور زده واز سطوح مختلف آن عکاسی نمود .

خیلی مشکل است که ما اهمیت اولین نشستن کوتاه مدت استیشن خود کار شوروی (لونا ـ ۹) را بروی کره ماه تخمین نمائیم

حادثهٔ مذکور در اقیانوس طوفانها بتاریخ ۳ فبروری ۱۹۶۶ اتفاق افتاد وسفینهٔ مذکور

برای اولین بار عکس های از سطح مهتاب گرفت که معلومات بیشتری را نسبت به مشاهدات تلسکوپیك چندین قرنهٔ دانشمندان راجع به مهتاب ، در اختیار منجمین گذاشت

به همین قسم برای اولین بار الکسی لیونوف در حالیکه به سفینهٔ اتصال داشت خارج از آن در فضای خارجی قدم گذاشت .

بعداً دانشمندان شوروی در پروگرام های تحقیقاتی شان پیرامون مهتاب اساس‌قضیه‌یی را گذاشتند که نظر بـه آن با استفاده از

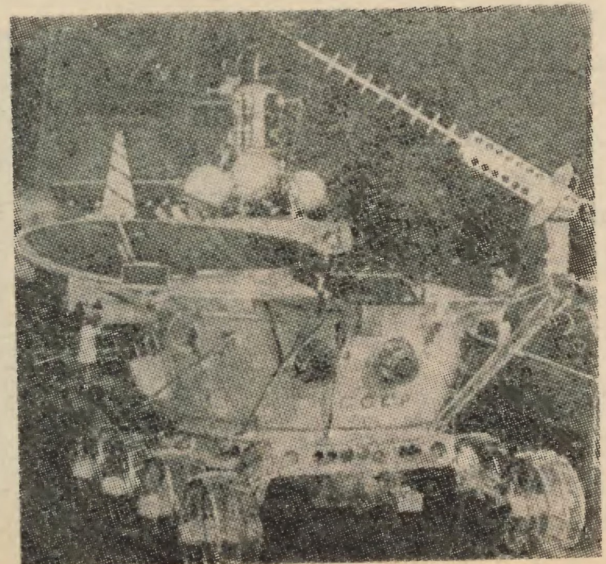
ساینس وانکشاف‌انجینیری‌می بایست یکتعداد آزمایش های ضروری بکمك دستگاه هـای خود کار انجام داده شود .

پرواز ماهنورد جدید شوروی بنام (لونا ـ ۱۶) درسپتمبر ۱۹۷۰ ثابت کردکـه یـك دستگاه خود کار بدون انسان قادر است کار هایی را طور منظم انجام دهد که یـك انسان بروی کره ماه انجام میدهد . سفینهٔ مذکور نمونهٔ سنگ های مهتاب را بزمیـن انتقال داد .

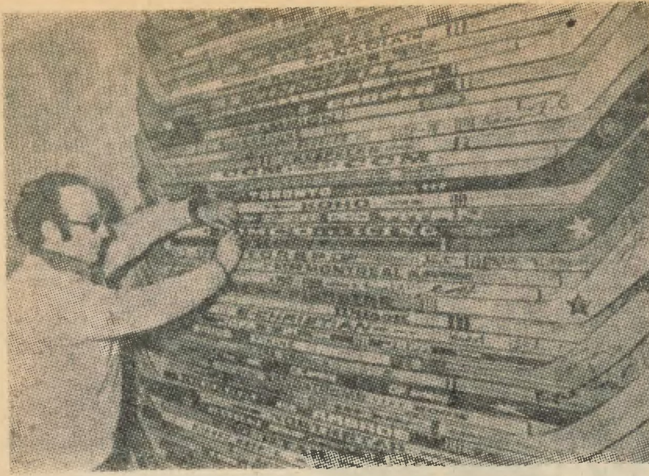
اگرچه مسافرت به‌مهتاب مستلزم پیاده‌کردن انسان بروی کره ماه بود مگر مسافرت‌بدون انسان یك مزیت داشت وآن عبارت ازین بود نشست دورادور آن ساحه رانیز تحقیق‌وکشف نمایند بعدتر این موضوع بس ازینکـه (لونا ـ ۱۷) شوروی اولین دستگاه خود کـار را به سطح مهتاب پیاده کرد آشکار گردید

که عمل پیاده شدن مذکور توسط یك‌دستگاه مسافرتی خود کار بصورت موفقانه انجـام داده شد . در آینده بشر قادر خواهد بود که در جوار دستگاه های خود کار ، خودش به تحقیقات فضایی بپردازد به این صـورت

اهمیت سترگ پرواز های فضایی را که تحت پروگرام های اپولو صورت گرفته است نمی‌توان تخمین کرد زیرا پرواز های مذکور یـك حادثهٔ بزرگ درتحقیقات فضایی بشر شمرده که فضا نوردان توانستند علاوه از ساحـهٔ می‌شود.



دستگاه خودکار «لونا خود ـ ۱»



والری هنگام ترتیب کلکسیون چوب های‌هاکی دیده میشود

یک کلکسیون عجیب

انجنیر والری زلوبین یك مشغولیت عجیـب دارد او چوبهای هاکی جمع کرده وچوگـان های نامبرده رابه‌سلسلهٔ‌نامگذاری‌شان ترتیـب داده است که بدون استثناء اکثر این‌ستیك های کلکسیون مذکور به بازیکنان مشهور هاکی جهان در دو دههٔ اخیر مربوط بوده و تماماً مزین به امضای خود مصنف می باشد همچنان والری مخصوصا افتخار جمع آوری آن ستیك هایی را دارد که توسط پلیـران شوروی : وینیامین الکساندر وف ـ الکساندر ـ راگولین ـ ویکتور کوزین اناتولی فیرسوف و پلیران کانادائی : پروفیسور گوردی‌هاوی ـ بابی‌هوم ـ فیل‌اسپیتو ـ بابی‌وت ـ ودیگران طور ماهرانه واستادانه مورد استفاده قـرار گرفته است .

این کلکسیون تاریخ قهرمانی تمام جهان واروپا را از سال ۱۹۵٤ تا کنون نشان‌میدهد زیرا والری اسمای تمام اشتراك کنندگان مسابقات قهرمانی هاکی را بیاد می آورد .

یکی‌ازین چوگان‌هابنام«ستك سویدبرگی شناخته شده‌است‌که بمناسبت مرگ تراژیك بیك پلیر سویدنی (لینارد سویدبرگ» بنام مذکور مسمی گردیده است .

اگر چه‌والری هرگزبه‌بازی‌هاکی نپرداخته است او باعلاقهٔ عطش ناپذیر به تحریـك و تشویق این بازی وقت خود را وقف نموده است موصوف هیچیك از مسابقات مهم‌انفرادی

را مس نکرده وتوجه زیاد به دایر شـدن چنین جلسات تربیوی داشته است او نـزد چوگان سازان ـ پلیران ـ دوکتوران خیلی مشهور وشناخته شده است واز طرف ایـن اشخاص تشویق میگردد تا والری کلکسیون خود را توسعه دهد .

تیلفون بداخل موتر

دریوران در آینده نزدیك قادر خواهند بود که دستگاه تیلفون را بداخل موتر های شان جای داده وحیـن رفتار درحالیـکه از ضیاع وقت وانرژی جلو گیری خواهند کرد به‌غرفه های عمومی تیلفون ارتباط بر قرار نمایند .

شبکه بزرگ تیلفون وتلگراف (نیپون)یـك کمپنی جدید را به منظور فعال ساختن سرویس تیلفون (موبل) به اشتراك شرکت موتر سازی وبعضی موسسات مالیاتی جاپان تاسیس خواهد کرد شبکه مذکور قبلا اشتراك غیر یکهزارموتر را بختاطر سرویس تیلفون های اتومات‌پذیرفته است وتوقـــع میرود که ماه آینده تعداد این اشتراك کنندگان دو چند خواهد شد همچنان پیشبینی گردیده است که سال آینده ساحهٔ سرویس مذکور از شعاع پنجاه کیلومتر تجاوز نموده ودر بیشتر از ۲۳ سمت تاشهر اوساکا توسعه پیدا کرده و در آینده تعداد مشترکین این سرویس به بیشتر از یك میلیون یونت خواهد رسید .

مشترکین این سرویس تیلفون تعهد کرده‌اند که برای بکار انداختن این تیلفون های‌بی‌سیم مبلغ هشتاد هزار ین (واحد پول جاپان)وبرای هربار تیلفون کردن شش ثانیه یی ده ین بر علاوه محصول ماهانهٔ (سی هزار یـــن) بپردازند .

برای اینکه سرویس تیلفون مذکور بتواند کار کند ۱۳ استسیشن فرعی بی سیم در شهر توکیو اعمار خواهد شد. ودر یوران در ساحه قابل تماس شان می‌توانند دستگاه های تیلفون را بداخل موتر های شان نصب نمایند.

این شبکه از دریوران خواهد خواست که آنها هنگامی که‌حرکت سریع دارند ویازمانی که از دحام ترافیك بوجود می‌آید نباید تیلفون نمایند .

گروه های مخالف به نسبت اینکه سرویس جدید باعث‌بوجـود آمدن‌واقعـات هـا ی ترافیکی خواهد شد انتقاد نموده اند .

ترجمهٔ : داود (زهدی)

سینما در چکوسلواکیا

سلواکها ، اکنون بکلی با ادبیات و هنر های زیبای اروپا آشنایی‌پیدا نموده و مو سیقی و شعر وادبیات آنها در میان کشور های ارو پایی بلند آوازه و مجسم کننده زندگانی نوین آنان شده است .

گذشته از مو سیقی و اد بیات تولید و تهیه فلمهای سلواکی نیز امروز اهمیت خوبی را در جهـــان سینما کسب نموده و نما یا نگـر کلچر درخشان در ساحات گوناگون زندگانی‌مردمان مختلف چکوسلواکیا میباشد .

پیشر فتها و تر قیاتی که درین اواخر نصیب‌سینمای چکو سلواکیا گردیده است در جهان سینما کـم نظیر و چشمگیر میباشد.

در چکو سلوا کیا سینما در سال ۱۹٤٥ ملی گردید و ا زآن بعد در ساحه هنر سینما و سینماتوگرافی یك سلسله کار ها و هنر نمایـــی های ارزنده یی صورت گرفت .

هنگا میکه یك دوره یی ده ساله از ملی شدن سینما در چکو سلواکیا گذشت سر عت عمل در جهـــان سینمای آن سر زمین، جان گر فت و یك سلسله تلاشها و کـــوششش های متفرق و پراگنده در کار تولید فلم و هنر سینما شروع گردیـــده در آغاز این دوره فلمی بنـــــام (زمین را میخور ند) توســــــط پرو فیسور (کاریل پلیکا) که‌مستند و شاعرانه بود تهیه گردید و بـــا درنمایش گذاشتن این فلم جهان‌هنر در چکو سلوا کیا تکان خـــورد و دو ستدا ران هنر سینما از فلــم مذکور که خیلی عالی و ممتاز تهیه شده توصیف ها و تمجید هـــا نمودند .

زیرا این فلم نمایشگر زندگانی واقعی سلواکیا است و کار هـا و کار نامه های دلیرانه و خلاق آنهـا را تمثیل میکند .

با تولید فلم مو صوف در چکو- سلواکیا این امید و آرزومنـــــدی رونما گردید که تهیه فلم‌وپیشرفت سینما در آن کشور امید بخـشـس است .

فلم«زمین را میخورند» گذ شتــه از شهر های چکو سلواکیا در اکثر کشور های ارو پایی نیز بمعـرض نمایش قرار داده شد و مـــــورد استقبال گرم مردم واقع گردید ودر جهان سینما سرو صدایی را بـراه انداخت .

نقا دان هنر سینمای لندن نیز این فلم را فلم خوب خواندند و هم در بعضی قسمت ها از آن انتقـاد نمودند .

همین توصیف ها و انتقـــادات کار کنان سینما های ممالك اروپایی هنر مندان و تهیه کنند گان فلم را در چکو سلوا کیا سخت تحـریك کرد تا بیش از پیش در بوجـود آوردن فلمهای عالی و بی نقـص بکو شند و در این راه از هرگونـه فدا کاری و خود گذری مالـــی و جسمی خود داری ننما یند .

در زمانی که فلم ،«زمین رامـی خورند» درچکو سلواکیا تهیه‌گردید وموفقیت های درخشانی را کسب نمود هنوز سینمای آن کشورجوان بود و عمر زیاد نداشت .

بعد از آن روز گار صنعت فلم گیری روز بروز در چکو سلواکیا به پیشروی و کسب شهـــرت و افتخار آغاز نمود و بمرور زمان به تر قیات و پیشر فتهای شا یانـی رو برو شد و معرف کلتورملـــی سر زمین خود گردید ایــن فلم ترسیم کننـده ادبیـات غنـــی ، مو سیقی جذاب، وکت هاورقـص های دل انگیز سلواکیا میباشد .

اکنون درچکسلو اکیا علا قمندان ودو ستدا رن هنر سینما خیلـــی زیاد بوده وسا لانه‌یک عده جوانان برای تحصیل در رشته هنر تمثیل و سینما داو طلب میباشند .



صحنه ای از موفقیت هنر مندان‌چکو سلواکیا



ستاره ای از ستارگان جهان‌فلم‌چکو سلواکیا

اکا دمی فلم ، مکتب های‌موسیقی و دا نشگاه اکت و تمثیل تیاتــر سالانه شاگردان زیادی رامی پذیرد و بعد از يك دوره تربیه بجامعـــه تقدیم میدارد .

امروز کار کنان سینما هـــای چکو سلوا کیا پلان بزرگـــی را رو یدست گرفته و در نظر دارندتا ۲۵ سال آینده صد ها فلم مستند **و هنـری و هزاران فلـم کوتاه** علمی و تربیتی را تهیه و بنمایشش قرار دهند .

اکنون همه یی کار گران وهنر۔ پیشگان چکو سلوا کی مصـــروف مطا لعات دامنه دار و تجارب‌ارزنده در زمینه های مختلف سینما بوده و میکو شند تا خود را با ترقیات و انکشا فاتی که در سایر رشتـه های زندگی با آن مقابل هستنـد موافق سازند و در باره تاریخ کهن و زندگی نوین مردم خود و سایـر کشور ها اندو خته هایی داشتــه باشند ، تا فلمهایی را تولیـد و تقدیم مردم کشور خویش وسایر کشور ها بکنند که نما یشگـر واقعیت های گذشته و پدیده های زند گانی امروزی مردم کشور شان و مردمان جهان باشد .

علاوه برین امروز اکتور هــای سینما ، دایر کتر های فلم،داستان نو یسان و کسانی که کمـــره فلمبر داری را در چکو سلواکیـــا بدست گرفته اند خویـــشس را در مرحله انکشاف و ترقی دیده‌ترقیات **درخشانی را در ساحه های مختلف** زندگی خو یشس روی پرده‌تلویزیون کشور خود مینگرند .

در نظر است که در چکوسلواکیا مرکز فلم (برا ستیلا وا) عنقریب افتتاح شود .این مرکز بـــزرگ فلم که خیلی مطلوب و شا یستهٔ اعمار گردیده و با آلات عصری و مدرن مجهز می باشد سالانه از ۱۵ تا ۲۰ فلم هنری ، از پانزده تــا بیست فلم تمام قد و از بیست تا بیست و پنج فلم تلویز یونی و يك تعداد فلمهای کوتاه و آموزنده‌تهیه کند .

سرعت انکشـا ف اقتصا دی و اجتماعی که در سر زمین چکـو۔ سلوا کیا هم اکنون دیده میشــود ایجا بگر این است که انکشا فات گسترده تری در ساحات مختلــف حیاتی مردم بو جود آید و انکشاف هنر سینما نیز شامل انکشا فــات مذکور باشد . لذا خوا ستهای‌جدید و تقاضا های نو مردم ، هنـــر پیشگان جهان سینمای آن دیار را وا داشته تاباکاروان تمدن وترقی کشور شان یکجا پیش بروند ودر جهان سینمای خویش تازه‌هاییرا بوجود آورند .

اگرچه چکو سلوا کیا يك‌کشور زراعتی وآب هوای آن برای زراعت خیلی مساعد است مگر با آنهـم کشور مذکور خو را در ردیـــف عصری ترین ممالك صنعتی قــرار داده و همه ای نیرو و قدرت‌بشری خویشس را وقف ساحه صنعــت نموده و این خود میرساند کـــه صنعت فلم گیری نیز در آن کشور ترقی خوبی نموده وبه پیشر فــت های در خشانی نایل خواهد گردید

همینکه چکو سلوا کیا در قطار صنعتی ترین کشور های جهــان محسوب میشود کافی است که از موجودیت سینما تو گرافی خوبــی در چکو سلو اکیا و پیشر فتهای‌آن اطمینان داشته و قبول کنیم کـــه کشور مذکورباملی ساختن سینما۔ تو گرافی ، سلوا کیا پیشرفتهای قابل وصفی را نصیب گردیده ودر آینده نیز ترقیات شانداری رابدست خواهند آورد .

از فلمها ییکه درین اواخـــر در چکو سلوا کیا تهیه شده یکی هم (جستجو کنند گان روسی) می **باشدکه توسط(میرو آرنگ)دایرکت** گردیده و سمبول عمده صنعت فلم گیری در چکو سلواکیا شناخته شده و نمایا نگر موفقیت های محســوب میشود که در ساحه فلم و هنــر سینما نصیب سلوا کیا گردیـــده است .

مو ضو عات کمیدی هنوز جایی برای خود در فلمهای سلوا کیــا اشغال نکرده اما انتظار میرود در آینده نزدیك سلوا کیا بتوانند و بخواهند که فلمهای کمیدی وخنده دار را نیز در اختیار دو ستداران سینما بگذارند .

چگونه تیاتر، راهش رادرمیان توده هاباز میکند

هنر تیاتر یکی از بهترین هنرهایی است که تاثیر زیادی بر تماشاچیان وارد می‌نماید این هنر از زمانه های باستان تا کنون در جهان رواج داشته وروز به روز رونق می‌یابد •

بزرگترین تیاتر که تاکنون در جهان وجود داشته تیاتری است در آلمان فدرال که درین تیاتر ۳۵۲۷ اکتور (۲۳۱۱ مرد ۱۲۱۶ زن)۹۲۷ آواز خوان مرد و۶۰۹ زن هم چنان ۲۷۲۴نفر مردو۷۷۱نفر زن در امور رقص و ٤٠١٠ نفر دیگردراموراركسترآن مصروف‌کارند،این‌تیاتر درسال ۱۹٦۵ در حدود ۱۷٤۲ نمایش را انجام داد که در حدود ۱۲۱ نمایش آن در جملــه نمایش های مسابقات تیاتر بین‌المللی صورت گرفته بود •

مصارفیکه برای پیشبرد تیاتر مذکور صورت گرفته از سال ٦٦ـ ۱۹٦۵یعنی در مدت‌یکسال بـالـغ بر٥١٥ ملیـون مــارك ر سیده بـود امـا عـایدات تیـا تـر مـذ کـور به شکل خالص آن بالغ بر.۱۵۳ ملیون مارك درسال میگردد •

دولت وسایرموسسات‌شخصی وسایر‌تصدی هادر امور مالی و اقتصادی‌تیاتر مذکور را کمك ومساعدت می‌نمایند •

یکی از مسوولین مربوط تیاتر عقیده دارد که تیاتر در مفکوره دهی وسازمان بخشیدن عقاید ونظریات مردم نقش ارزنـده و مهم بازی میکند او میگوید ثیاتر وکار کنان تیاتر طوری باید کار کنند که بینند گان را از حالت جمودیت بیرون کشیده افکـار جد یـدی رادر ذهن آنها تزریق کند وآنها را میتواند در جهت خاص ترغیب ورهنمون گردد •

متخصصین مربوط تیاتر هم چنین اظهارعقیده میکنند که تیاتر باید عینانقش مکاتب ومدارس

بقیه در صفحه ٦٤



یکی از صحنه های تیاتر

عصر شگفتن ها و شگفتی ها

م . عاقل پیرنگ کوهدامنی

دوران ما، دوران رستاخیز ملت هاست ، دوران نفی ارزش هـــای ازپیش ساخته ی استعماری ، دوران شگفتن لاله های آزادی وبهاران اندیشه های پیشرو وزمستان اندیشه های زمان زده وطاعونی، طاغوت‌های جهانخواره از اریکه های قدرت های اهریمنی وکـذابی خویش با نیروی ملت ها واراده‌ی مردم به خاك می نشینند . روزگار ننگین فراعنه به پایان رسیده‌است،عصرما، عصرپیروزی‌حق‌است برباطل، اهورا است براهریمن ، خرد است بربی خردی ، روشنایی است برتاریکی ،ملت هااینك برپا خـاسته انــد ومشعل راه شان اندیشه های پیشرو زمان است، ملت هـــا بیدار شده اند ، قطره ها دیگر قطره نیستند، قطره هابه دریا ها پیوسته ودریا شده اند .

ماهم ازقطره گی برآمده ایم به در یـــا پیوستیم وخود دریا شده ایم . ما همگـــام کاروان بشریت مترقی به سوی سپیده دمان راستین می رانیم ، به سوی شگفتن ها و شگفتی ها. مارا پیام آوران دروغ گو دلقك هـــا ی بـــی ا ر ا د ه ، بسیا ر روز هابه سپیده های دروغین فریفتند، مـا دیگر دروغ وفریب را می شناسیم، ما باهر چه بیداد است وستم به ستیز برخاسته ایم. شب راوشب پرستان * را، آن‌دلبستگان‌ظلمت رانابود می‌کنیم ۰ « مارا دیگر ازبردگـــی و تیرگی هراسی نیست ، ما مرغـان آتشیم و شب را به زیر سرخ پر خویش می کشیم ! مارا دیگر صبح‌های کاذب وروشنایی هـای دروغین نمی‌تواند بفریبد »* مادیگر، یکـی، دوتا ، سه‌تا نیستم ،دست‌همه‌ی بـــرادران باماست ، «من» های مابه «ما» ها تبدیـــل شده‌است، «ما» درهر جاپراگنده ایم* ، در کار خانه ها ، در کوهپایه‌ها ، ودر کشتزارها. ما بسیاریم ، دست همه‌ی یاران باماست ، آن مشعل های پراگنده ،آن فروغ های اندك، آن لاله های سرخ جدا مانده اکنون یگانه شده اند وهم بسته .

درمیهن آزاد ما ناقوس های دروغین بسیار نواخته اند ، اکنون گوش های ما آواز های آشنارا وآواز های مزدوران را وبیگانگان را به خوبی درمی یابند . در سرزمین ما دشمنان باشمایل مختلف باقیافه های متفاوت وجامعه های گوناگون بسیار ظهور کرده اند . وبه اغفال مردم پرداخته اند وچه دردناك است این که ما از کاروان تمدن گام ها به‌دوریم. مارابه دور نگاه داشتند، « مـــاز روز ازل این نبوده ایم». * ماز اول در بند نبودیم، آزادگان بودیم ، اما در اسارت مان گذاشتند به تاریکی ها مان خو پذیر ساختند . بیداد- گران نادری وامیران وسلاطین پیش از او همه غارتگران بودند، تفسیر گران اندیشه های منحط ارتجاعی، سردمداران شکنجه‌وعذاب زمامداران خود سرو پادشاهان خودنگر وخود ستاهـــمه در فکـــر آن بـــو د ند کـــه جیـب هارا غـا ر ت نمایند و مـال هـــای مردم را وناموس های شان را برباد دهند . دولت های ستمگر همیشه ازملت دور بودند.

رنج فرزند یتیم را، اندوه . بیوه زنان را غم کشاورزان را، فقر کـــارگران را کسی نمیدانست ، زمام داران برمرکب مراد خویش سوار بودند ودو اسپه به سوی سعادت های احمقانه شخصی می راندند . باغ و سـرای وعقار تدارك می‌دیدند آن امیران ،آن پادشاهان وآن ارباب های محلی همه بیداد گــــران بـــودند.

استعمار وامپریالیسم در درازنای تاریـخ در سرزمین ما، در آشیانه ی عقاب ها وکنام شیران ، نمایندگان سر سپرده وسگهـــای زنجیری خویش را فرستاده ، گاهی دزدی را به‌امیری رسانیده وزمانی بی خردی را بـــه پادشاهـــی وخاینـــی را به‌حکم روایـــی . د ست نشا نـــد گـــان استعمار بو د ند آنان برای مردم چه کردند . نادر چه کرد و ظاهر چه وداود چه ، آیا سرکی ساختـن ، شفاخانه ای بنیاد نهادن ومکتبی افتتاح کردن پیشرفت است ؟! که‌بلند گویان اجیر آنـان صفحه‌ها سیاه می‌کردند وبه‌مدح وثنامشغول بودند ، ما اکنون چه داریم ازآن پاسداران استعمار وسر سپردگان امپریالیسم به ماچه به‌میراث رسیده است؟

حفیظ الله امین که امپریالیسم اورا د ر لباس انقلابی (!) به‌این سامان فرستاد بـه خاك چه کرد، جنایت او دو چند ان است که در لباس انقلابی گری دســـت بـــــه کشتار زد ، برومندترین فرزندان انقلابی این آب وخاك را روانه زندان ها کرد وگورستان ها، وثروت های ملی را برباد داد. بیداد او را تاریخ نمی بخشد، خود سری هایش را و جنایات اورا، شعار های او همه قلابی بـود مصوونیت، قانونیت وعدالتی راکه او از آن دم می زد ، خیانت بود، رذالت وجنایت، تحرك، تشبث وابتکار او، درحقیقت تجسس، توحش واختناق بود. در زمان سیطره‌ی او. هیچکس احساس امنیت وآزادی نمی کرد، زن، مرد، کودك ، پیرو جوان همه .

بااعمالی که انجام داد نام او در کنارهیتلر وموسولینی وچنگیز وضحاك قرار می گیرد . آن ستم باره‌ی بی‌خرد درذهن همه‌ی افـــراد ملت ما کوبیده شده است . اکنون کـــه سایه‌ی شوم اواز سرمابه پایمردی فرزندان راستین این آب وخاك پس شده است وهمه احساس امنیت، آزادی وشادمانی می نماییم . امپریالیسم امریکا ووابستگان اوبه دفاع از آن جنایت کار معلوم الحال برخاسته اند . دفاع ازحفیظ الله‌امین، دفـاع از استبـداد، دفاع از تاراج وآدمکشی ودفاع از اختنـــاق ووحشت وترور .

سنگر گیری امپریالیسم امریکا وسگهای زنجیری او ومتحدان خاین او بازگو کننده‌ی این واقعیت است که امین نماینده ی «سیا» بود وجاسوس امپریالیسم جهانی وبا تغییر این قیافه‌می‌خواست‌وطن‌آزادگان را،افغانستان ارجمند را در کام آن غول جهانخوار اندازد . وگرنه چنین است ومنافع امریکا به خطـر نیافتاده این تقلااین شایعه سازی هاویاوه‌- سرایی هاچیست ؟ این زوزه کشیدن هـــای کارتر ومتحدین او راببین چه معنـــی دارد ؟ بااین بازتابی که‌مرحله نوین انقلاب‌شکوهمند ثور در کشور های امپریالیستی و استعماری یافته است دیگر جای هیچ تردیدی باقـــی نمی ماند که حفیظ الله امین ، امینی هـا و دارودسته ی او خدمت گاران امپریالیسم و استعمار بودند وراه نابودی این سرزمین را در پیش گرفته بودند ونقشه های شومی را در سرمی پروراندند . واقعیت اندیشان هرگـز وهیچگاه به تبلیغات خصمانه مطبوعات ورسانه های گروهی غرب گوش فرا نمی دهند و فریب این غول خون آشام را نمی خورند . کمك های معنوی ونظامی همسایه‌ی کبیر ما اتحادشوروی‌برای دفاع از ارزش‌های انقـلاب شکوهمند ثور ورهایی‌هزارتن ازهم‌میهنان‌دربند کشیده‌ی مابه‌معنی مداخله درمیهن مـانیست. این عمل هرگز با منشور ملل متحد ضدیت ندارد . اتحاد شوروی وظیفه‌ی انسانـــی و انترناسیونالیستی خویش را انجام داده است. دست همه‌ی کشور هـــای آزادی خواه و طرفداران صلح وترقی با ماست ، ما تنهـــا نیستیم، ما بسیاریم و تلاش های مذبوحانه امپریالیسم امریکا ووابستگان غارتگراو هم به جایی نمی رسد . حق باماست .

یادداشت ها

*- من مرغ آتشم ،
شب رابه زیرسرخ پرخویش می کشم
درمن هراس نیست زسردی وتیرگی
من ازسپیده های دروغین مشوشم
«سیاوش کرایی»

*- تصویرها در آیینه هانعره می کشند
مارا زچار چوب طلایی رها کنید

نادر، نادرپور

*- مادر هر جا پراگنده ایم
درصیدا، در صدر، در رمله -
شعر مقاومت درفلسطین

*- «من» اگر «ما» نشوم
«تو» اگر «ما» نشوی
دو منظومه ، حمید مصدق

*نه شبم نه‌شب پرستم که‌حدیث‌خواب‌گویم
چوغلام آفتابم، همه زآفتاب گویم .
مولانا جلال الدین بلخی رومی

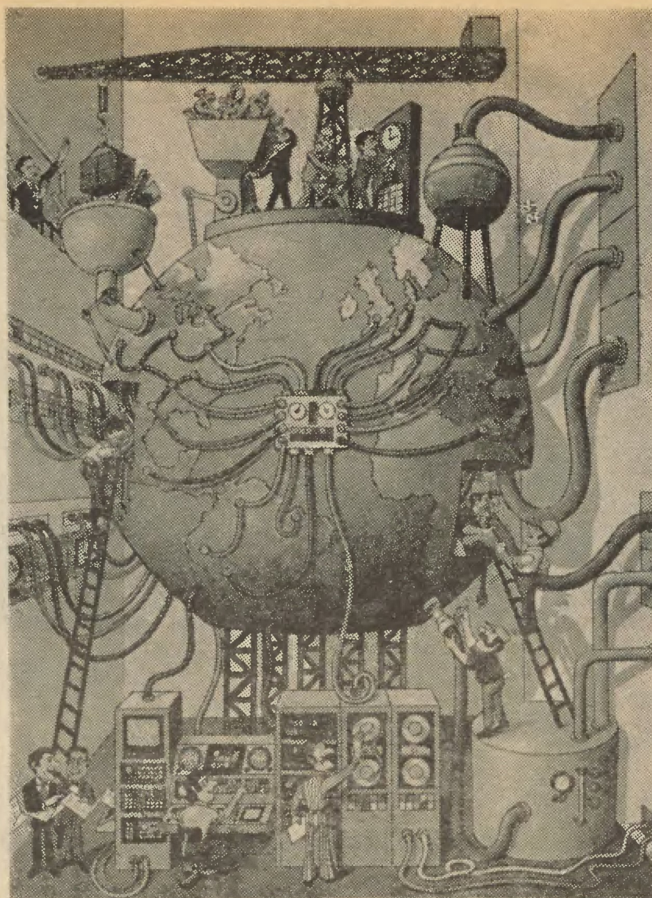
باوجود شهرت خرا بی که آتیه شنا سان (۱)اقتصادی در سا لها ی اخیر کما ئـــی کردند هنوز هم احتیا ج زیاد به پیشگو نی های اقتصادی محسو س است .

مو دل اکا نو متر ی رسا لتی واکــــه به اسا س متود سیمو لیشن میکا نیـــــزم اقتصادی انجام داده مو فقیت آمیزبوده است البته بیجا نخوا هد بود اگر در اینجـــــا افزو ده شود که جهت حصول منظور فو ق‌از کامپیو تر استفاده شده است .

درصورتیکه کمپیوتر تحت پـلا ن معیـــن ودقیق پرو گرا م شود که در آن سیستـــم معادلات نشان دهنده تصویری از اقتصــاد مملکت باشد میتوان تو سط آن فی الفــور پیشرفت واقعی اقتصادی ، انفلاسیـــــون، سهم فیصدی در عایدات ملی ، تعداد کارگــر مصر و ف کار ، تعداد بیکا ر ، عاید کار، افزا یش مفاد و پر داخت و غیره راپیشگوئی ومعین سا خت .

مبتکر این نو ع مو دلها لار نس کلا ین پرو فیسور پنجا ه و پنج سا له دیپارتمنت مالیه وتجا رت یـــونیورستی تـو مـــا س ورتوان شهر پنسلو انیا ست • اواز سی سال به این طرف‌مصر و ف تنظیم مو د ل اکانو متر یك اقتصاد ایا لات متحده امر یکا بوده است .

مو دل و ر تو ن که تو سط پرو فیسور کلاین نظارت میشود غـا لبـآ پیشگـو یـــی مطلو ب اقتصادی رابد ست مید هد .تائیر کلایـن را بر مود لهای دیگری کــــه بـــا آنها بصورت غیر مستقیم ار تباط دا شت نیز میتوان دریافت•



مودل اکانو متری

میبا شد تا مودل مذ کور به تفصیل اثرا ته عوامـل مختـــلف سیـاسی را نشـان داده بتواند مثلا تاثیر (۱۰) فیصد تقلیـــــل ما لیه را بر حجم مصا ر ف استهلا کی معلوم نمودن . علما ی اکا نو متر ی از عهـــده روابط بین عوا مل اقتصادی بر آمد ه‌میتوانند تقر یبا د رهر مودل بطور مثال معاد لـــه وجود دارد که نشا ن دهند ه روابط بیـــن مصارف و عواید مستهلکین است . عیـــن همین مو دل دارا ی معادله ایست که روابط بین عا یدا ت و تو لیدا ت عمومی ملی را نفی مینما ید که از آنجمله جزء مهـــــم آنرا مصا رف استهلا کی تشکیل داده است بنا برا ن با ید اندازه مصا ر ف را بدانیم تا بتوا نیم بلند رفتن عا یدا ت را پیشبینی کنیم و عا یدا ت در معادله که حجم‌استهلاك را نشا ن مید هد با ید واضح با شـــد تقریبا هر متحول اقتصادی بصورت بـــا ـ بواسطه با بقیه متحولیـــن ار تبـــاط دا رد بزرگتر ین مشکل تخنیکی را یا فتـــــن قیمت وا حد دا خلی برای هر متحو ل‌مختلف تشکیل مید هد . که برای این کا ر ازمتود تجر به و سهو به کمك کا مپیو تر استفاده میشود . در مود ل یو نور ستی وا تو ن تو سط متود فو ق در حدود (۱۷۰) متحول‌را قیمت گذاری میکند .از مصا رف برای لباس گر فته تا پو لی که جهت تعمیر دستگا های صنعتی و تجهیزات آن بکا ر میرود در بـر دارد .

بعضی از متحو ل ها بصور ت استثنا ئی پر مشکلات است و مودل یو نو رسنی ور ـ

مترجم : دکتور جیلانی فر همند

پیشگوئی آینده توسط مودل اکانومتری

پرو فیسور کلا ین در چند ین مملکت شهرت کسب کرده است . او زیاد سفـــر میکند تا معلو ما ت جدید علمی در سا حه اکانو متری حاصل کند وآنرا بین رفقـــای هم مسلکش انتشار دهد بطور مثال درجریان رخصتی علمی شش ما هها ش در سا ل۱۹۷٤ در انستیتو ت مطا لعات پیشر فته » در ویانا یك سلسله لکچر ها در مورد پرابلـــــم های سا ختما نی مودل ایراد کرد که بعـــد از آن در چند ین کنفر ا نس اختصا صـــی که در شهر ها ی مختلف ارو پا دایر شد ه بود اشتراك کرد.

(۱)
اتیه شنا سی : علمی که مورد بحث ان متود های پیشگوئی آینده ذریعه تست هـــــای علمی تشکل آینده جامعه ، مـــودل کلتـــور ان ، عوا مل سیستم ارز شها و انتخا ب ها ایجاد فرضیه ها در مورد طرق استهـــلاك ، کلتور عمومی ، انکشا ف اقتصادی و پـــلان های تو سعو ی و غیره است . (مترجم)

پیچیدگی فرضیه :

مودل اقتصادی طوریکه تذکر دادیم فر ضیــه ایست که‌تعامل اقتصادی رادر بردارد میتوان آنرا تو سط عبا را ت ساده بیا ن دا شــت واکثر نو یسند گا ن مود ل به نسبـــت پیچید گی ومغلق بودن مو ضوع تر جیـح مید هند که از معا دلات کا ر گیر ند .

مو دل ها ی اقتصادی که در آن ازمتود های متمیتیك یا ر یا ضی استفاده شـــده با شد بنا م مود لها ی اکا نو متری یـــاد میشو د که این اصطلاح در سا لها ی ۱۹۳۰ استعما ل و سیع دا شت . اگر ایجاد کننده مودل ، میکا نیزم فعا لیت ها ی افتصادی را بصورت نسبتاً ساده مانند شرح لکـــــه های آفتا ب که نتیجه حر کت دو را نـــــی آفتاب است بیان‌کند به تحریر چنــــــد معادله راضی میشـــود . اکثـــر دانشمندان علم اکا نو متری یك تعداد زیاد معا د لات را بکا ر میبر ند مثلا در مو دل یو نورستی وا تو ن تعداد این معا دلات به (٤۰۰) میرسد به این معنی که صد ها فهر ست مختلـــف ما نند فیصدی اسناد بها دار منتشره دیپار ـ

تمنت ما لیه و عر ضه مو تر ها ی جد یدرا تذ کر مید هد . تنها شعبه اخیر الذکـــر هفت ماده یا هفت متحو ل را در بر میگیرد که‌از آنجمله عاید بالقوه امـــوا ل قیمـــت موتر ها به مقایسه قیمت دیگر اشیـــــای استهلا کی و اندازه بیکا را ن را میتوا ن ذکر کرد . تعدا داو صـ اف نیز مر بـــوط به هدف مودل است .

عا لم اکا نو متری پیشگو ئی اقتصادی‌را صرف به‌اساس اجزاء مهم تولید ات عمـومی ملی چو ن مصا رف استهلا کی ، مصا ر ف تجا ر تی و صنعتی و غیر تنظیم نموده به ده یـادوازده معادله اکتفا میکند• اگـــر مشتری های پیشگو ئی مذکـ ور تجار با شند در آن صورت پیشگو ئی شا مل معلو ما ت‌مفصل درباره ارزش ومفاد در شعبه از صنـا یـع خوا هد بود .

اگر عالم اکا نو متری مودل را در امور سیا سی حکو مت بکا ر میبر د درانصورتـ پیشگو ئی شا مل معلو ما ت مفصل تـــر بوده واز اجزاء بیشتر در آن استفاده شده

تون مثل‌دیگرمودلها باید همیشه عیار شود• در ست است که پیشگو ئی که تو سط کا مپیو تر صورت میگیرد دقیق ترو کا ملتر است .

پیشگو ئی اقتصاد یو نی که از کا مپیوتر استفاده نمیکنند اما از طر ف دیگر نتا یجی که با سا س مود ل اکا نو متر ی حا صل میشود با ید همیشه با حقا یقی که بصورت غیر الکتر و نیکی بد ست آمد ه عبـــار گر دد .

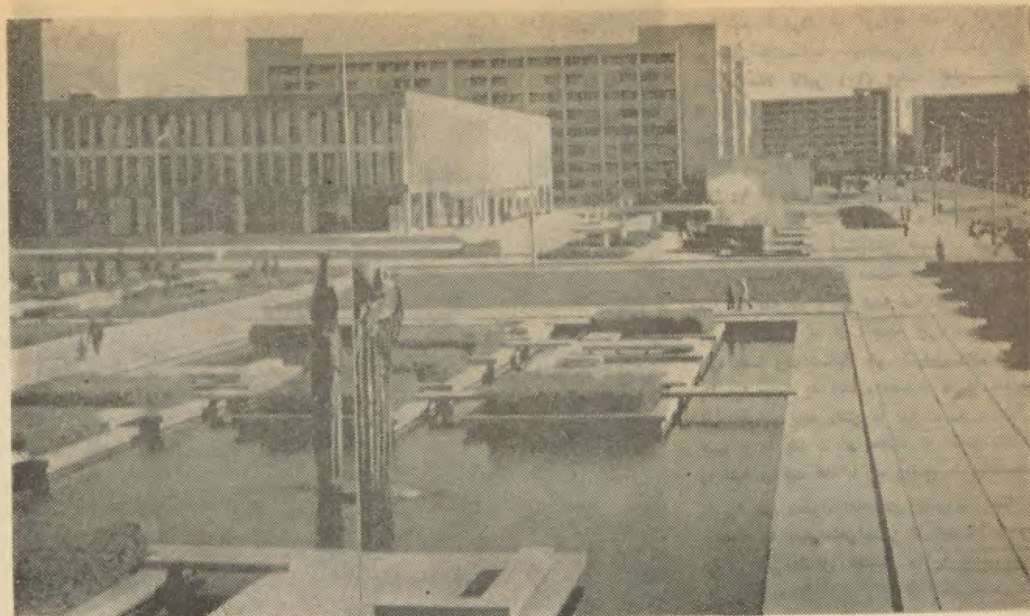
ضرورت های متنوع :

پیشگو ئی ها ئی که به اسا س مو د ل یو نو رستی و ر تو ن تهیه میشود خا ص بر ای‌استفاده علمی میبا شد و یا در مقابل پر داخت معین به دستر س تجار هـــــم گذ ا شته میشود . از مود لها ی اقتصادی‌به صورت کا مل فعلا دو مو سسه در ایا لا ت متحده استفاده میکند . یکی دفتر تحلیــــل دیپار تمنت تجارت امر یکا است که از یکی از مودلهای او لی اصلاح شده یونیو رستـی

بقیه در صفحه ٦۷



پیکره «زنان آب ده»



میدان بزرگ شهر نوایی

ترجمه کاو شکر

از : سپو تنیک

کلك‌های هنر آفرینی که‌شهر رامی آراید

پیکره های که میدان شهر زیبای نوایی را زیبایی خاصی بخشیده است حاصل کار انگشت های هنر آفرین بوریس سوینی است که خودش اهل لیننگراد میباشد وقتیکه آدم به یکی از این مجسمه‌ها نگاه‌میکند فکر مینماید که یك انسان با تمام صفای باطنی وروانیش در حالیکه نور دانش وآگاهی از سیمایش‌ساطع است وجدل وی رادر برابر سیاهی هادر درازی سده هانشان میدهد ، قرار دارد.

جای دیگر نزدیك برگه کوچك چشم انسان به اژدهایی‌می‌افتد که دهان باز کرده است‌وبه جای شعله های آتش آب‌گوارا ومست اژدهانش بیرون می‌آید • این اژدها نمادی از نبـــرد گذشتگان انسانی در برابر نیروهای اهریمنی طبیعت بود که سعی میکرد در کمندرام انسان نیفتد گردنش به اسپ های بیابانی ودمش‌به شکل حلقه یی که سمبول جاویدانگی است‌دور خورده است• در افسانه های کهن اژد ها به بزرگی کوه های بلند تصور می‌شد • درکارگاه های سفال سازی ازبکستان این سمبول هنوز هم برپشت ظروف نقش می‌یابد وجاودانگی‌این اسطوره هارا نشان می‌دهد •

تابه همین تازگی‌هاشما نمیتوانستید شهری رابه‌نام «نوایی» در روی نقشه بیابید• و لی حالا این شهر یکی از بزرگترین شهر های صنعتی ازبکستان‌است• درآن ساختمان‌های‌چند اسگوبه ، با تفر یحگاه ها، باغ هاو بوستان های بزرگ همراه با میدان های وسیع قرار دارد •

آرایش وتزئین میدان بزرگ شهر قریحه واستعداد بسیاری از معماران ونقاشان رابه نبرد می‌طلبد در این شهر که درجه حرارت‌تاـ مثبت ٤٥ میرسد دیگر نمیتوان ساختمان هـا وبنا های آن رابه شکل قراردادی بر پاداشت• دراین صورت میدان بزرگ شهر بـــه «تابه سوزان» بدل خواهد شد • در اینجـا معماران با همدستی هنر مندان تصمیم گرفتند تایك مجموعی از ٢٧ برکه راکه بتواند هوای میدان رامر طوب نگهدارد بسازند •

حالا اگر علی شیر نوایی این شاعر معروف قرن ١٥ و١٦ پای به‌شهر بگذارد بافرهـاد قهرمان مورد علاقه اش دیدار خواهد کرد •

پیکره این دلداده نامدار درو سط میدان قرارـ دارد • در افسانه ها آمده است که فرهاد بانیروی‌اراده وباز ویش توانست کو هی‌را از سرراه رسیدن آب به شهر بر دارد و به‌انسان آب، این سرچشمه حیات رابیاورد•

سوینی پیکره فرهاد رادر لحظه یی ساخته است که تمام نیروی‌جان وتنش‌به‌اوج سازندگی رسیده است • بازوهای پولاد ینش به هم گره خورده‌و آب زلال وگوا راز سنگ سرخ خارا بیرون آمده است• باآنکه‌قهرمان دراوج تلاشش قراردارد ولی آرامش بازوی‌راستش نشان‌میدهد که‌او در لحظه یافتن به هدفش قرار دارد •

چشمه، آب حیات بخش بیرون داده‌است‌این آب‌که بانور زندگی ساز خورشید تابان آسیا دیدار نموده است وباغرور تالارتفـاع ٣٠متر قدمی افزاید وبر که را باروان زلالش پرمی‌کند سه زن در حالیکه سه کوزه راکه هر کدام نمادی از دریاهای سه گانه از بکستان است‌به دوش می‌کشند این آب را که حاصل تـــلاش طاقت فرسا و نبردبی امان فرهـــاد دربرابر طبیعت است بـــه سوی زمیـــن های لـب تشنه می‌برنـــد • این سه زن که دراساطیر کهن نمونه یی از باروری و حیات اند ایـــن هدیه را به کشتزار های آب ندیده مـــی



پیکره «فرهاد» که جوی شیررا روان‌میسازد

بخشند .از دهان کوزه های آنها آب‌زلال وزندگی بخش می ریزد .

سو ینی می گوید : «برای من درو نمایه های اسا طیری شکوه دارند زیرا جا ودانه اند . این جاودانگی پیونـــد نا گسستنـــی به امروز دارد .»

در بر که بو ستان دیگر نیروی پـــر- توان بشت یك گاو نر که این خودسمبول نیرو و کار است سر از آب بیرون کرده است . بر پشت آن دختر نازك اند ا می به نام یورو پـــه نشسته است چهره شرقی این‌دختر راد ها ن کو چك و لبان گو شت الود زیبایی خاص می بخشد . ولی اگـــر ازنیمر خ به‌آن نگاه کنیم زیبایی هـــای دختران یو نانی در برابر چشم هـــای آدم تصویر می شود .

پیکر تراش در مورد چنین نظر دارد: «افسا نه کهن در باره زیو س ویو روپه به من توا نایی آن راداد تادر مورد دو سر چشمه فنا نا پذیر زندگی یعنی زن و مـــرد آثاری بیا فر ینیم .زندگی‌ا حساس اســـت این خود یك نیروی جا ودانی برای زندگی است . در این پیکره زیو س نما دی از عناصر مردانه دارد که همه آنها را با تمام روشنی و بی پر دگی ابرا زمیدارد.

زیوس چو ن عناصر طبیعت است ما نـند مو جی که میتوان جلوان را گر فت و لی نمیتوان از آن فرار کرد. نیروی مجسمه‌دیگر در نقطه مقابل زیو س قرار دارد اوظرافت‌های زنانه و زیبا یی آن را در خود نهفتـــــه دارد . »





از بالا به پائین : پیکره های ار تفا عـــات‌لیمبو لوا » پیکره «اژدها » در کنار بر که بزرگ

شما هکار آثار هنری سو ینی را میتوان پیکره یاد گاری «ار تفا عات لیمبو لو » دانست . این پیکره هابه خاطر جا و دان سا ختن نام آنانی برپا شده است کـــه در راه دفاع از میهن جان به کف گر فته اند . اینا ن مدا فعان شهر محاصره شده لیننگراد اند .

در چهره ها ی پر اژنگ این مدا فعان خطوط ملایم آرامشی را نمیتوان دید سر ها شا نه ها و با زوان شان چو ن‌صخره ها یی اند که بر زمین هموار قرار گرفته با شـد نام مجمو عی این قهر ما نا ن «خلـــق» است .

پیکر تراش میگو ید : « بر خی می‌گویند که مجسمه احسا س گنگ و صامت است من با این زبان خاموشی سعی کرده ام تـا بهتر ین عنا صر احسا س که درو جـود انسا ن چو ن : دلیری ، زیبا یی و عاطفه قرار دارد بنما یا نم ».

به نظر سو ینی در شهر ها ی عصر ی ونو که بیشتر بنا ها رنگ خشك را مـــی گیرد نقش آرا یش بادست آورد های‌هنری مهمتر از پیش پر اهمیت میگردد . یاد گارها پیکره ها، مجسمه ها، برکه ها ، آبشار ها فواره ها و رنگ ها ی رو شن چـــون رنگ سبز محیطی را خلق میکند که بـــه زاد گا ه او لی انسا ن یعنی طبیعت نزدیك می با شد .

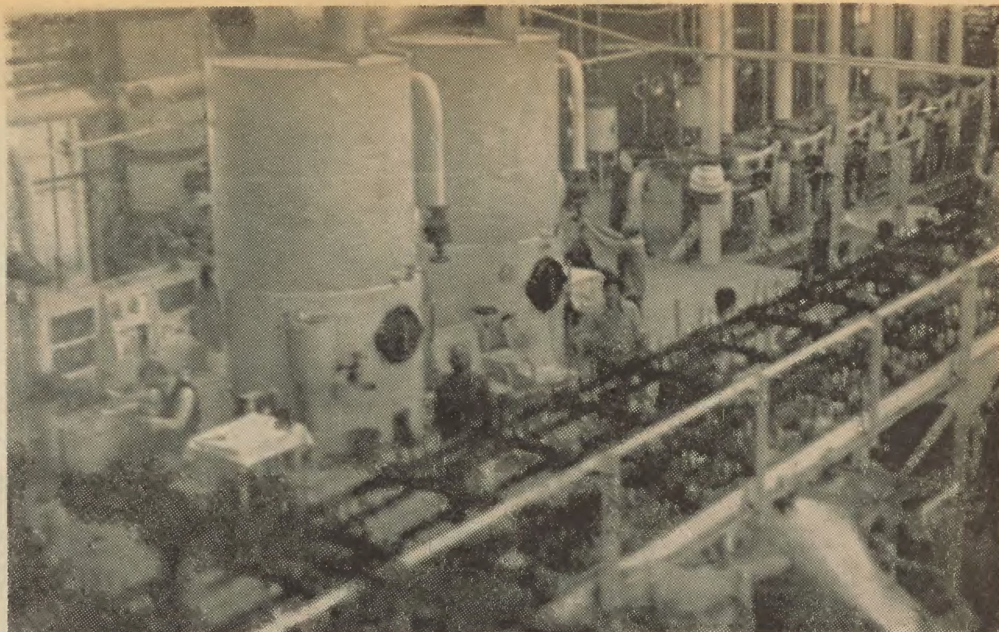




پیکره «دایره توازن » اثر سو ینـــی‌پیکره نوا یی



سوینی پیکر تراش در کار گا هش



گوشه یی از فابریکه قندبغلان که کارگران را بداخل فابریکه درحال فعالیت نشان میدهد

گزارش از: م.ز.ن

باتاسیس فابریکه توسعوی در جوار فابریکه قندبغلان ظرفیت تولیدی آن سه برابر خواهدشد.

فابریکه قند بغلان در سال ۱۳۱۷ به همکاری و مساعدت کشور دوست چکوسلواکیا تاسیس گردیده وبشکل یك تصدی(۹٦فیصد سرمایه‌گذاری بانك ملی و٤ فیصد سرمایه خصوصی در سال ۱۳۱۹ بفعالیت خود شروع کرد ، در ابتدا ظرفیت تولیدی فابریکه به ٦۰۰۰۰ تن لبلبو میرسید که بعداً در سال ۱۳٤۹ با نصب کورهٔ بخار جدید ، ماشین فلتر وغیره دستگاه های جدید ظرفیت تولیدی فابریکه به هفتاد هزار تن در سال بالا رفت . اعلا ظرفیت تولیدی فابریکه هفتاد هزار تن است مگر در صورتیکه مواد خام اضافه باشد تا یکصد هزار تن را می تواند استهلاك نماید

با وجودیکه مدت فعالیت فابریکه خیلی کم (از سه‌ونیم الی چهار ماه در سال) می‌باشد با آن هم دوازده فیصد احتیاجات داخل کشور را از نگاه شکر مرفوع ساخته می‌تواند .

انجنیر عبدالقدیر رئیس فابریکه قندبغلان در مقابل این سوال که چرا فابریکه نمیتواند در طول سال فعالیت نماید گفت که چون‌مواد خام (لبلبو) را برای مدت زیاد نمی توان حفاظت کردمخصوصاً درموسم گرما که‌سیلو ها ومراکز ذخیرهٔ لبلبو به تعداد کافی و گنجایش زیاد وجود نداشته وبنا برآن لبلبو خراب وگندیده می‌شود فابریکه نمیتواندسال تمام بفعالیت خود ادامه بدهد . سیلو های موجود فابریکه گنجایش پنجهزار تن لبلبو را دارد که باقیمانده یعنی در حدود شصت‌و-پنج هزار تن لبلبوی دیگر برای فعالیت‌چند ماه فابریکه در میدان وهوای آزاد روی هم انباشته می‌شود که تااوایل ماه حمل امکان سالم ماندن آن موجود است . بنابر آن علت فعالیت نکردن سال تمام فابریکه از یکطرف مشکل ذخیره نشدن مواد خام برای مدت‌زیاد واز جانب‌دیگر ظرفیت‌کم تولیدی‌خود فابریکه می‌باشد ، برای رفع این مشکل وبالا رفتن ظرفیت تولیدی فابریکه اخیراً وزارت معادن وصنایع به ابتکار جدیدی دست زد وآن‌عبارت از تاسیس فابریکه توسعوی در جوارهمین فابریکه می‌باشد که‌کار ساختمان آن شروع گردیده است ودر آینده نزدیك به اتمام رسیده وبفعالیت شروع خواهد کرد .

موصوف افزود که‌ظرفیت تولیدی دستگاه جدید درحدود سه برابر ظرفیت فابریکه‌سابق است رئیس فابریکه شکر بغلان در مورد چگونگی تهیه مواد خام فابریکه یعنی لبلبو روشنی انداخته اظهارداشت که‌لبلبو از فارم های دولتی واز دهقانان به اساس قرار داد خریداری می‌شود . به اساس این قرار داد دهقانان همه ساله باید پنجم قسمت زمین شانرا لبلبو بکارند . تخم لبلبو را دهقانان مجانی در یافت میدارند ودر صورتیکه مطابق قرار داد نتوانند لبلبو را به فابریکه تحویل بدهند فقط پول تخم لبلبو را قسم جریمه باید تحویل فابریکه نمایند. فابریکه جهت‌مساعدت به دهقانان پول پیشکی بنام تقاوی یا قرضه به آنها میدهد که البته سی فیصد آنرا بعد از قرار داد بنام خیشاوه پولی دریافت می -دارند . همچنان فابریکه ، کودکیمیاوی را خریداری نموده وبه دهقانان قسم قرضه توزیع مینماید . بهمین قسم تفاله و میلاس لبلبو به دهقانان به قیمت نازل مساعدت میگردد که مواد متذکره بهترین غذا برای حیوانات شان می باشد .

موصوف همچنان اضافه می کند که : ساحه کشت لبلبو در حدود ۱۸۰۰۰ جریب زمین را احتوا می نماید وقرار داد با دهقانان به اساس فیصدی مواد قندی لبلبو صورت می گیرد به عبارهٔ دیگر فی تن لبلبو به‌قیمت ۱۰۲۰ افغانی از دهقانان خریداری میشود .

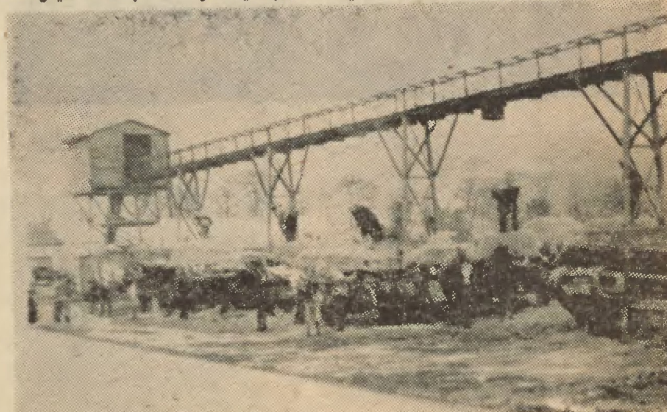
انجنیر عبدالقدیر راجع به تعداد کارگران فابریکهٔ شکر بغلان اظهار داشت که :

درین فابریکه در حدود هفتاد نفر کارگر ماهر فنی ، هشتاد نفر کارگر عادی و۸۰۰نفر کارگر موقتی کار می کنند البته کار گران دایمی به اساس لوایح ومقررات کارگری ماهوار معاش دریافت میدارند ومزد کارگران موقتی قسم روز مزد تعیین میگردد که از ۲۵ تا ۳۰ افغانی به اضافه سه وقت نان میباشد. حقوق وامتیازات کار گران فنی مطابق حقوق‌و امتیازات مامورین محاسبه می گردد بعد از انقلاب‌شکوهمند ثوربه‌حقوق کارگران توجه زیادی‌مبذول گردیده است که‌حق بیمهٔ‌صحی کارگران رامیتوان طور مثال تذکر داد.

انجنیر عبدالقدیر رئیس فابریکه قند بغلان فعالیت تولیدی فابریکه را بعد از انقلاب شکوهمند ثور به مقایسه سالهای قبل ازانقلاب مثبت و امیدوار کننده خوانده وگفت که : یك افزایش قابل ملاحظه یی در تولیدات فابریکه بعداز انقلاب‌شکوهمندثوررونماگردیده است ، همچنان در بسا موارد در امور اجتماعی و عمرانی ولایت بغلان بصورت داوطلبانه سهم گرفته وازین مدرك مبالغ هنگفتی بدولت عاید گردیده است.

موصوف فعالیت‌فابریکه‌را بعدازانقلاب‌شکوهمند ثور (درسال ۱۳۵۷) با یکسال قبل از آن یعنی سال ۱۳۵٦ طور مختصر چنین مقایسه نمود :

درسال ۱۳۵۷ مقدار ۷۳۱۹۱ تن لبلبوبرای فابریکه خریداری شده و لبلبوی مذکور را در مدت ۹۸ روزکمپاین (فعالیت) خوداستهلاك نموده و ازآن مقدار ۹۱۸۸تن شکر سفید وپنجاه هزار کیلو گرام شکر زردتولیدنموده است در حالیکه در سال ۱۳۵٦ از جملهٔ ۷۲۳۸۷ تن لبلبو در مدت یکصد روزفعالیت خود مقدار ۸۷۰۰ تن شکر سفید و۳٤۳۰۰ کیلو گرام شکر زرد تولید کرده است . که اگر ارقام مذکور باهم مقایسه گردد مقدار لبلبو در هردو سال تقریبا مساوی‌بوده وفابریکه در سال ۱۳۵٦ مقدار ۷۲۳۸۷ تن لبلبو را در مدت یکصد روز کار کرده است در حالیکه در سال ۱۳۵۷ همان مقدار لبلبو را در مدت ۹۸ روز استهلاك نموده و مقدار ٤۸۸ تن شکر نیز بیشتر تولید گردیده است که به این اساس از مصرف دو روزهٔ کمپاین فابریکه جلوگیری شده ومبلغ هنگفتی ازین



محلی که تفالهٔ لبلبوقسم مواد اضافی ازداخل فابریکه خارج گردیده وبدسترس دهقانان قرار داده می‌شود

بقیه در صفحه ٦۵

توپیر غوښتونکی رژیمونه د ځنګدن په حال کی



د زمبا بوی ، رود یشیا د وطنپالویو مبارز

په رود یشیا کی چــی اوس د زمبابوی ، رود یشیا په نا مه‌یادیږی دابل موزور یوا ګوډ اګی رژیم‌ته‌واك ورکړ شوی ،چی پدغه هیوادکــی د چارو‌واکی په لاس کی واخلــی. لاتر اوسه پوری پدغه هیواد کی د توپیر غوښتنی پر ضد دوطنپالــو نهضت د پخوا په شان پیاوړی دی.

دغه هیواد چی اوس د جګړی په یوه ډګر او ښتی ، د هغه د کرنی دمځکو په نهه لسمه بر خه کــی هیڅ کرنه نه کیږی او هم د دغــه هیواد له بودجی څخه دورځی ۱ر۶ ملیونه امر یکایی ډالره د جګــړو لګښت ته اختصا ص مو ند لی. مګر باید وویل شی چی دغه ملا ماتونکی بیځایه لګښت د رود یشا پر بودجه باندی له دی کبله تحمیلیږی چــی پدغه هیواد کی دوه سوه زره تنــه سپین پو ستکو د دغه هیواد پــر ۸ر۶ ملیو نه تنه اصلی اوسیدونکو یعنی تور پو ستکو باندی لکه دتیرو وختو نو په شان دوا کمنانو پــه توګه پاتی شی . یا په بله ژبه دغه بیځایه لګښت د توپیر غو ښتونکی رژیم د واکمن ساتلو ورځنی خرڅ ده .

دایوه ښکاره او څرګند حقیقت دی چی په رود یشیاکی د توپیــــر غوښتو نکی رژیم د بقا د تامیــن په مقصد له بهر نیو امپریا لستی او ار تجاعی ټولنو څخه د دغـــه انسانی ضد رژیم سره بی پایانــه نظامی او اقتصادی مرستی کیــږی چی د دغی خبری د اثبات یوڅرګند مثال د انګلو رود یشیا د ټولنــــی شته والی ده چی د هغه د غړوپه ډله کی د رودیشیا د پار لمــــان محافظه کارو غړو او د رود یشیاد عدلیی د وزیر زوی شامل دی . او د هغه د ریاست ویاړ د سا لزبری واکمن ته ورکړ شوی . همدا رنګه ځینی نوری ټولنی هم شته چــی د امپر یا لیستی ټولنو او د رودیشیا د توپیر غو ښتو نکو تر منځ دنږدی اړیکو شته والی ثابتوی لکــه په بریتانیه کی د رودیشیا د پر مختګ شورا ، د رود یشیا د سکا تلیندی ملګرو ټولنه او یو شمیر نور هغــه ټولنی چی په رود یشیاکی توپیــــر غوښتو نکی رژیم د بقا د تامین د پاره د اجیر شوو عسکرو پـــــــه را برابرو لو او د هغه د لګښتو نو په منلو سره هر راز مرستو تـــه چمتو دی . د سکور پیون ټولنـــه د هغو سپین پو ستکو سره هرراز اقتصا دی مرستی کوی چـــی د زمبا بوی ، رود یشیا څخه برتانیی ته ستنیږی .

په لنډه توګه ویلی شو چــی د امپریا لستی او ار تجاعی ټولنو له خوا د رود یشیا سپین پوستکــو سره هر ډول اقتصا دی او نظامی مرستی کیږی . په عکس کی تاسی یو زره پوش وینی چی د یو سپین پوستکی ملاك په واك کی ایښــودل شوی او ملاك د هغی څخه پـــــه استفاده د خپل مځکی (چــــی په حقیقت کی د زمبا بوی ، رودیشیا د تور پوستکو ملکیت دی) خارنه کوی. (له دغو ټولو هلو ځلو سره سره بیا هم په نړی کی‌هیڅ‌یوه‌داسی قدرت نشته ، چی نوز په زمبابوی رود یشیا کی د توپیر غو ښتونکو د رژیم بقا تامین کړی داځکــه چی اوس د دغه هیواد خلکو غـــــوڅ تصمیم نیولی چی د توپیرغوښتونکو تر بشپړی نا بودی پوری به خپلی وسلی پر مځکه کښیږ دی .

که څه هم د رودیشیا په پولوکی نورد (رود یشیا ته ښه را غلاست) لوحی نه لیدل کیږی ، چــــی سپین پو ستکو د پاره دغه هیوادته د راتګ بلنه ور کړی ، مګر سپین پوستکو دا ځانله ښه بولی چی د خپلو غنیمتو نو سره یو ځای لـــه رود یشیا څخه وتښتی .

په پای کی باید وویل شی چی اوس اپار تاید دخپل مړینی‌وروستی سلګی وهی .



یو ملاك له خپلی ښځی سره د خپل زره پوش تر څنګ ولاړ دی

ترجمه از عباس

احیای مجدد کشتی های بادباندار و صرفه‌جوئی در انرژی

یــك سلسله تحقیقاتیکه توسط انجـنیران مرکـــــز کشتی ساز ی نـــپان کو کــن جاپان از یك سال باینطرف صورت گرفته است ، به اثبات رسیده که نصب باد بانهادر کشتی های بار بری وتجارتی ، صرفه جویی خیلی مفید برای انرژی میباشد. از نیروامکانات بسیار موجود است که این نوع کشتی ها در آینده قریب وارد صحنه عمل گردند .

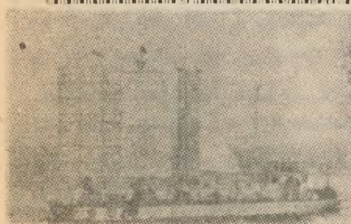
ساختمان این کشتی های بادبان دار توسط مرکز انکشاف کشتی سازی جاپان طرح وپی ریزی گردیده است . آنها تجارت خویش رادر اپـــریـــــل امسال ، درجهـــیـــل آ یسی واقع در ایالت ها نشو ، بالای یك کشتی آزمایشی بنام دایو انجام داده اند .

این کشتی آزمایشی دارای ظرفیت ۸۳تن میباشد و ۱ بر ۱۵ برابر کوچکتر از اصل سایز آن که دارای ظرفیت ۴۶۰.۰۰۰ تن است ساخته شده است . این کشتی مجهز باسه بادبان بوده که‌دوی آن بشکل مربع و یکــی ازآنها سه گوشه‌ای میباشد.

تجارب بالای کشتی مذکور تحت شرایطو حالات مختلف از قبیل تغییر در سرعت وسمت حرکت جریان باد، استفاده محض از بادبـان ویا استفاده ازباد بان وماشین مــو فقـا نه انجام پذیرفته است .

درین اواخر ازنتایجی که بدست آمــده چنین اثبات گردیده که اگر سرعت باد بیست مترفی ثانیه باشد یك کشتی بادبان دار سریعتر ازکشتی های مجهز باانجن حــرکت مینماید ، یعنی اگر وقتی که باد مستقیما از یك جانب کشتی ویا کمی از عقب کشتی بوزد، باد بانها عینامثل انجمن وحتی بهتر ازآن کا ر میدهد . اما بهترین شرایط برای کشتی باد باندار وقتی است که‌باد بزاویه یکصدو بیست درجه از عقب کشتی بوزد که تحت‌این شرایط کشتی دارای سرعت ۴۰۸ کونت میباشد (لونت واحد بسرعت کشتی میباشد) در حالیکه یك کشتی‌مجهز باانجن تحت همین شرایط دارای سرعت ۴۰۲ کونت میباشد.

نتایج تجارب بالای این کشتی جدیدشودو غوغایی درکمپنی های کشتی سازی جهــان برپا نموده است . اگر چه یگانه نقص‌این کشتی همانالمت گزاف آن میباشد که اگریك کشتی بادباندار بــه ظرفیت ۲۰ر۰۰۰ تــن بسا زنــد قیــمت آن در حــدود یکـصد وپنجاه ملیون ین جاپانی تمام‌خواهدشد.



کشتی آزمایشی جدید بادباندار

نویسنده سوزان کلینگ‌زور نالست امریکائی
مترجم: مرتضی کیوان

وضع سالخوردگان در ایالات متحده امریکا

اکثریت قریب به اتفاق سالخوردگان در سر زمین وسیع من ، ایالات متحده امریکا در واقع با معضلات ومشکلات فراوان دست به‌گریبان اند ، زیرا آنها کارگران‌ودهقانان دیروزی اند که امروز در تمام جبهه هااحساس بی امنیتی میکنند : آنها با عواید محدود خود چگونه میتوانند غذا ، لباس وادویه تهیه‌نمایند وسقفی‌بالای‌سرخویش داشته‌باشند،

وچه بر سر آنها خواهد آمد وقتیکه دیگر نتوانند از خود مواظبت نمایند . آنها توسط حقوق تقاعد نا چیز خود در شرایط انفلاسیون افسار گسیخته امروزی امرار معاش میکنند، بسیاری کار میخواهند ولی نمیتوانند به علت سن‌خود کاری برای خود دست وپا کنند،

بسیاری بیمار وعلیل ومحتاج تداوی اند ،ولی قادر نیستند حتی از عهدهٔ پرداخت مصارف مراقبت صحی متوسط برآیند .

بسیاری سالمندان ما برای خوراك خود غذای سگ میخرند . زیرا از غذای انسانها ارزانتر است . بسیاری مجبورند از سوپر مارکیت ها غذا بدزدند وغالباً دستگیرمیشوند، زیرادر شغل دزدی فقط آما تور هستند .بنا بر گفتهٔ دکتور رابرت بتلر از انستیتوت ملی سالخوردگان ، در ایالات متحده امریکا یك ششم تمام مردم‌نسبتامسن درکلیه های‌زندگی میکنند که پائین تراز سطح رسمی فقر قرار دارند .

این سا لخوردگان گروه کوچکی را تشکیل نمیدهند : تعداد آنها بر ۲۳ ملیون بالا تراز شصت سالگی ، یعنی تقریباً ده‌فیصد تمام‌نفوس ، بالغ‌میگردد • وضع‌این گروه قابل ملاحظه ای از مردم در یکی ازسرود های مشهور کار گری به وضاحت تصویر گردیده است :

«این‌مابودیم که‌چمن زارها راشخم‌زدیم ، شوره ها رابرای تجارت آنها سا ختیم،
«معادن را کاویدیم ، کارگاها را ساختیم،
خط ریل را هزاران میل‌کار گذاشتیم،

«ولی ، اکنون ، درمیان اعجازی که‌کرده‌ایم مردود ، دربدر وگرسنه‌ایم ...»

کلمات ومفاهیم‌این سروددرمورد سالمندان کشور من کاملا صادق است . آنها ، بعد ازینکه کشور را باخون زندگی خویش غنی ساختند اکنون حتی از امنیت فریبنده درآوان دوران سالخوردگی خویش محروم ساخته میشوند • لورتیا سمیونس ، عضو شورای اتباع سالمندان پولندی امریکائی درشیکاگو، در سخنرانی خویش در یکی از اجتماعات عامه. دربارهٔ مسایل اتباع مسن چنین گفت:

«... مادرمیان دو جنگ جهانی، شکست بازار ذخایر مواد . ریکارد اقتصادی وکساد، کوریا ، ویتنام ، زندگی کرده ایم ... ما در بسیاری دوران های سخت آزمایش زندگی را تحمل کرده ایم . اکنون محکوم به‌مجازات هستیم ، صرفاً به علتی که تحمل کرده ایم.»

یك زن ۷٦ ساله میگوید ، « من در «اردوی نجات» (سازمان خیریهٔ مذهبی که در آن فقرا بطور مجانی تغذیه میشوند) غذا میخوریم وباقیمانده را با خود بخانه میاوریم.»

زن ٦٧ ساله دیگری اضافه میکند که «من به ماهانه ۷۷ دالر حقوق تقاعد امرار معاش میکنم وازآن‌جمله ٤٨دالرکرایه میپردازم .» نویسندهٔ ۹۰ ساله ، کورابیت لرد ، کتاب دلچسپی بنام «لیمبو» (فراموشی خانه) (فرهنگی که بحیث جایگاه غفلت یا فراموشی تعریف گردیده است) در بارهٔ اقامت خود درپرستار خانه جهت تداوی افلیج بدن خود مینویسد، وناشران کتب ازچاپ آن‌خود داری ورزیدند، زیرا آنها به صحت چشم دید های وحشت آوری باور نداشتند .

اعمال وحشیانه دیگری نیز وجود دارد و آن عبارت از جدا کردن زن وشوهر هنگام ورود به پرستار خانه ها است ، زیرا مقامات‌اداری هیچگونه «حقه بازی» ، یعنی مسایل جنسی رادر موسسه خود اجازه نمیدهند . پس از مبارزه طولانی، اینك یکعده موسسات به اجازه دادن برای زندگی یکجایی و بدست آوردن آنچه که آنها اتاقهای محرمیت مینامند آغاز نموده اند.

البته ، برای سالخورد گان تعداد زیاد آسایشگاه های متعلق به سرمایه داران انفرادی انحصارات سرمایه داری وجوددارد، ولی قیمت های آنهاقوس صعودی می پیماید واکنون به هفته سه صددالر، صرف نظر از مصارف مربوط به مراقبت ومعالجه صحی، ادویه وغیره. رسیده است . برای اینکه شخصی بتواند سبسایدی شدهٔ حکومت به خانه برگردد، باید تمام اسناد مربوط به عواید ، پس انداز ها وبیمه ها را قبلا امضا وارائه کرده باشد . در عوض، برای آنها غذا، مسکن ومعالجه‌ای صحی به اضافهٔ حقوق ناچیزی برای مصارف آنها و در آنجمله مربوط به‌اصلاح سرویش وغیره، داده‌میشود. کمیته ملی بیمه صحی اینها را بر حق «پرورشگاهای نیمه داخلی» «باطله دانی های ملی سالخوردگان » مینامند !

نیلسون کروگشانگ رئیس شورای ملی اتباع سالمند ، در سال ۱۹۷٦ در بیانیه ای چنین گفت :

«تاوقتیکه صد ها هزار سالخوردگان انبار شده در پرورشگا های «دام آتش» طوری دست وپا بزنند که هیچ هدفی درزندگی‌برای شان باقی نمانده باشد به جز آنکه به نفس کشیدن ادامه دهند تا یکعده ما لکین پرورشگاه ها میتوانند سود های حرام ونا مقدس از وجود درد دیدهٔ آنها بدست آورند. انقلاب امریکا انجام نا شده باقی میماند ....»

از سوی دیگر ، جنایات فراوانی علیه سالخوردگان انجام می یابد . ارقام ادارهٔ پولیس شیکاگو گزارش میدهد که از ۱۸ اگست تا ١٤ سپتامبر ۱۹۷۷، تنهادرشیکاگو ١٤٨٠ مورد سوء قصد وراهزنی علیه‌اشخاص ٥٥ ساله و مسن تر صورت گرفته است . شخص پیری که دو بار در خانه اش مورد دستبرد قرار گرفته بود میگوید ، «اولین بار آنها ، تمام‌جواهرات ، ساعت دیواری ، وسایل زینتی نقره‌ای وچیز های کوچك دیگری با خود بردند . بار دوم ، آنها تمام ضروریات برقی ، رادیو ، تلویزیون ، ماشین تایپ ، خلاصه هر چیز ، به استثنای موبل وفرنیچر، دزدیدند . زن ۸۲ ساله که در پروژهٔ مسکونی اهالی سالمند زندگی میکرد ، در روزروشن، یك بلاك دور تر از اپارتمان وی مورد دستبرد قرار گرفت . وی نخست در پیاده رو جاده مورد لت وکوب سه جوان قرار گرفت و سپس چیز هایکه باخود داشت از نزدش ربودند . این زن بیچاره ، بعلتی که بدنش مجروح وپایش شکسته بود ، چندین هفته را در شفاخانه سپری نمود .

چندی بعد که بااو مصاحبه‌ای انجام دادم، چنین گفت ، «وقتی به دفتر شاروالی شکایت کردم برایم گفتند که اشخاص مانند من باید همیشه باخود ویسل داشته باشند وحینیکه در خیابان با مشکلاتی مواجهه میشوند باید آنرا بصدا درآورند تاپولیس بداند حادثه ای رخ داده است . ادارهٔ پولیس میگوید اگر شما بخواهید متجاوزین را مورد تعقیب قرار دهید، وظیفه شماست که گزارش بدهید، هویت اورا تشخیص بدهید وسپس درجریان محاکمه حضور بهم رسانید وآنوقت شا هد مجازات او گردید . شما خود تان فکر کنید که من چگونه میتوانم همیشه باخود ویسل داشته باشم ؟ وچگونه میتوانم با پای شکسته وبدن نحیف خود جریانات محاکمه را تعقیب نمایم وتقریباً نیم وظایف پولیس را انجام دهم؟ چرا حکومت تعداد زیاد پولیس را در خیابان ها موظف نمیسازد ؟ واز همه مهمتر اینکه چرابرای بچه های ولگرد کاری د ست وپا نمیکنند تا مجبور به چنین کار های ضد اجتماعی نشوند وزندگی خود را به دزدی و راهزنی سپری نکنند ؟ »

هزاران زن ومرد سالخورده در خانه های زندگی میکنند که‌مجبورند برای آن تقریبا ۲٥ فیصد عواید خودرا بپردازند واین چیزی هست که در ایالات متحده امریکا به‌اصطلاح کرایه اسمی مینامند . بسیاری مریض ، علیل وناتوان اند ، ولی از ترس فرا رسیدن روز وحشتناك عاقبت نهایی ،یعنی پرورشگاه سعد میکنند به وضع رقت بار خود سازش کنند ازخود سخت جانی نشان دهند واز رفتن به پرورشگاه خوفناك خوداری ورزند .

از جمله‌تمام مسایل ومشکلاتیکه سالخوردگان در زندگی روز مره خود به آن مواجهه اند، بزرگترین مساله عبارتست از مساله ای صحت ، طبق آمار منتشره توسط کمیته ملی بیمه صحی . ۸٥ فیصد مردم ٦٥ ساله وبالاتر از آن، که خارج از موسسات زندگی میکنند (در حدود پانزده ملیون نفر) حداقل به یکی از امراض مزمن مصاب میباشند مرض قلب. مرض شکر. افلیج. ارتریتش وغیره در پهلوی مسایل مشکلات سمعی وبصری وغیره، که تمام بار مصارف معالجهٔ آنها بردوش نا توان سالخورد گان سنگینی میکند•

سناتور ادوارد کنیدی در مجمع عمومی شورای ملی سالخوردگان منعقده درواشنگتن به تاریخ ۹ جون ۱۹۷۸، گفت : «سالخوردگان بیشتر و متناوب تر از سایر نفوس، برای مدت طولانی مریض میشوند و کمتر آمادگی دارند تا از عهدهٔ احتیاجات اساسی روزافزون خویش برای مراقبت صحی برآیند، همچنین اکثر سالمندان فاقد بیمهٔ صحی ؛

بقیه درصفحه ٦٤

از : انتر نشنل افیرز
ترجمه : غلام رحیم

فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان

این فدراسیون در اول دسامبر ۱۹٤۵ به تعقیب اجلاس کانگرس جهانی زنان متشکل از نمایندگان هشتاد ملیون زن از چهل و یك کشور در پاریس تاسیس شد .

در میان موسس این فدراسیون، کمیته ضد فاشیستی زنان سویدی را در سال ۱۹۵۶ به کمیته زنان شوروی مسما شد قرار داشت . در حال حاضر این فدراسیون به یك سازمان وسیع بین المللی تبدیل شده که در صفوف خود یکصدوبیست ونه سازمان زنان را از یکصدوچهارده کشور جهان متحد می سازد . اهداف عمده آن مبارزه به‌خاطر تامین حقوق مساوی زنان در جامعه، حمایت حقوق طفل و مادر، دفاع حق زندگی ، تعلیم ورفاه اطفال وهم چنین مبارزه به خاطر صلح، دموکراسی همه خلق ها تعیین شده است .

ارگان عالی فدراسیون عبارت ازکانگرس آن می باشد که هرپنجسال یك مرتبه اجلاس می کند . کانگرس، رئیس فدراسیون را انتخاب نموده، پروگرام وسایر دستورالعمل هارا برای فعالیت فدراسیون به تصویب می رساند . کانگرس ، شورای رابه خاطر اداره امور در فواصل دو کانگرس انتخاب نموده ، که این شورا به نوبهٔ خود هر دو سال تشکیل جلسه میداد .

تصامیم کانگرس وشورای توسط یك‌بیورو (دفتر اجرائیوی) تعمیل می گردد. این بیورو متشکل ازرئیس وهشت مرستیال سکرترجنرال واعضاء که همه توسط شورای انتخاب میشوند می باشد. هیا ت اجراییه فدراسیون یك دارالانشا که متشکل از سکرتر جنرال ، سکرتر ها وخزانه دار می باشد تشکیل‌میدهد و در حال حاضر رئیس فدراسیون فریده‌برون (اتریلیای) وسکرترجنرال آن‌مرجام ویوتومینن (فنلاندی) می باشند .

فدراسیون ، در اجرای امور مربوطه توجه خاص به حل مسایل حیاتی زنان و حل‌مسایل عمده جهانی مبذول می دارد . یکی از اهداف عمده آن تثبیت سهم زنان در جنبش به‌خاطر صلح وخلع سلاح عام و تام می باشد . فدراسیون در سال ۱۹۶۹ یکی از مسوولین کانگرس صلح جهانی که جنبش سرتاسری رابه نفع صلح آغاز نموده وبه جمع آوری امضا برای تقاضا های اول ودوم استاکهلم مبادرت ورزیده بود .

فدراسیون به طور قاطع علیه تجاوز امپریالیسم برویتنام مبارزه نموده وبه اساس ابتکار وی (کمیته بین المللی همبستگی) باویتنام در سال ۱۹۶٤ تاسیس شد . فدراسیون وسازمان های ملی آن سهم فعال در کانگرس ها ، کنفرانس ها ، ومجامع مختلف که ازطرف شورای صلح جهانی وسایر سازمان هابه خاطر خلع سلاح برگزار می شود می گیرد .

یکی از عناصر اهم فعالیت فدراسیون عبارت از سهم گیری آن در جنبش خلق های اروپایی به خاطر امنیت اروپا وتطبیق مصوبات کنفرانس هلسنگی می باشد . فدراسیون رول پر ارزشی در مبارزه برای بهتر ساختن شرایط زندگی زنان، امحای فقر ، گرسنگی وبی سوادی آغاز نموده وهمچنین سهم آن در مبارزه برای رفاه زندگی اطفال ، تحصیل زنان، تعلیمات حرفوی وحق کار قابل تذکر است .

مبارزه فدراسیون به مثابه یك قهرمان خستگی ناپذیر حقوق انسانی برای استقلال ملی ، ضدیت با استعمار و اپارتاید از طرف زنان تمام کشور ها حمایت میشود .

فدراسیون در طول فعالیت های خود رول متبارز را در جریان ۱۹۷۵ بازی نمود ، زیرا این سال از طرف ملل متحد ، سال بین‌المللی زن توام با شعار «مساوات، ترقی وصلح» اعلام شد . در ین سال که مجمع عمده‌نیز کنفرانس جهانی ملل متحد منعقده شهر مکسیکو مرکب از نمایندگان ۱۳۳ کشور و بیش از صد سازمان غیر حکومتی وکانگرس جهانی منعقده برلین مرکب از دو هزارنماینده از ۱٤۱ کشور وهشتاد سازمان بین المللی برگزار گردیده وفدراسیون در هردو مجمع سهم فعال گرفت . مصوبه های مربوطه این مجامع، سفارش های مفید به سازمان های حکومتی ، بین المللی واجتماعی در مورد امحای عدم تساوی زنان با مردان وسهمگیری هرچه بیشتر شان در امور سیاسی، اقتصادی واجتماعی تقدیم نمود ووظایف مشخص را به منظور تا مین مساوات واقعی زنان در دوسال یعنی بین سالهای ۷۶-۸۵ تعیین نمود . سی وسی‌ومین مجمع عمومی ملل متحد این سالها را «دهه زنان» اعلام نمود وهدف آن تامین (پلان جهانی عملی) مصوبه کنفرانس مکسیکو وسایر اسناد مهم که در جسان سال زن به تصویب رسیده بود تعیین شد .

کمیته زنان شوروی به حیث یك سازمان ملی فدراسیون دموکراتیك بین المللی زنان در تمام فعالیت های آن حصه می گیرد . د رماه می ۱۹۷۸، مسکو محل جلسات شورا وبیورو این فدراسیون بود . فدراسیون یك نشریه سه ماهه تحت عنوان «زنان تمام‌جهان» به السنه انگلیسی، فرانسوی، عربی، اسپانوی جرمنی وسویسی وردوبولیتن اطلاعاتی به السنه انگلیسی، اسپانوی ، جرمنی وفرانسوی‌انتشار میدهد . منابع مالی فدراسیون ازسهم سازمان های عضو وهدایا تشکیل می گردد . لسان های رسمی فدراسیون عبارت از انگلیسی ، روسی، اسپانوی، آلمانی وفرانسوی بوده وسکرتریت فدراسیون در برلین (آلمان‌شرق) موقعیت دارد .

مترجم : «سرخ رودی»

فستیوال هنری کودکان در شهر «زبنیك»

بمنا سبت سال بین المللی کودك

ششس لسان نوشته ام ۰آنهارا به‌تخصیصین

اخیرا یك فیستوال هنری به اشتراك کود کان بیشس از پنجاه هزار کودك از سی و شش کشور جهان و شهر (زبنیك) واقع در کشور یوگو سلاویا دایر گردید .

فیستیوال که به کمك یو نسکو از تاریخ بیست و سوم برج جون الی هفتم برج جولای (۱۹۷۹) دوام نمود به اشتراك کنند گان موقع آنرا فراهم نمود تا در سواحل (اور یا تیك) پارچه های جالب،

بالقان اشنایی زیادی نداشتند در خلال فیستوال یك تعداد فلم های تلویز یونی و سینمایی نیز در معرض نمایشس قرار گرفت .در روز ششم فیستوال کود کان جمهوریت دمو کراتیك کوریا از شهر های زاگریپ ، زبنیك و بلگراد دیدن نموده یك سلسله پرو گرام های اکرو با تیکی را نمایشس دادند .

در فیستیوال کودك که بمناسبت تجلیل از سال بین المللی طفل در شهر (زبنیك) بر گزار شد نماینده‌



گوشه ای از انسامبل آهنگهای‌فو لکلو ریك که توسط انسامبل گروپ کودکان کشور های آسیایی‌در شهر «زبنیك» اجرا گردید .

مو سیقی ، رقص و آهنگ های فو لکلو ریك را اجرا نمایند طبق راپور یکه در ینمورد انتشار یافته در فیستوال پارچه های هنری‌سال کودك، کودکان کشور های پرتگال، چکو سلوا کیا ، سویدن ، اتحاد شوروی ، جمهو ریت فد رالی‌المان

و جمهو ریت دمو کرا تیك کوریا نیز اشتراك نموده بود . کود کان دول اشتراك کننده طبق پرو گرام مرتبه در بیشس از یکصد تیاتر و

انسامبل رقص ، مو سیقی و نمایشات اکرو با تیك نقشس فعال گرفته خا طرات بسس فراموش نا شدنی را از خود بیاد گار گذاشتند . بمنظور فراهم آوری تسهیلات بیشتر برای آن عده از کود کانیکه با کلتور فرهنگ و ثقافت یوگو سلاویا و دول حوزه

گان ارگان ها و سازمان های‌جوانان و زنان با کودکان کشور های اشتراك کننده در تماس شده پیرامون تربیه و پرو بلم های‌اطفال در جهان معاصر مذاکره و تبادل افکار صورت گرفت .

طوریکه در راپور تذکار رفته درین فیستیوال برای اولین مرتبه چهار سمپوز یوم وسه ورکشاپ تر بیوی و معلو ماتی نیز دایر گردید که طی آن کودکان کشور های اشتراك کننده . پیرامون تبادلات فر هنگی و تعلیمی بین جوانان و اطفال به بحث و مذاکره پر داختند .

قرار است در این اواخر سال بین المللی کودك یك اسامبله بین‌المللی به اشتراك کود کان پیشس‌از شصت و دو کشور جهان در شهر زا گریب بر گزار گردد .



بسوی فردای روشن

باکشتی شکسته بدریا شتافتیم
سوی سپیده در دل شبها شتافتیم
از موجهای سر کش توفان خشمگین
زی آسمان آبی فردا شتافتیم
چون برق ازحرارت خود سوختیم لیک
با درد ورنج و آفت تبها شتا فتیم
تا خنده بر لبا ن غمین بشگفد چوگل

در راه پر مصیبت غمها شتافتیم
حقا که ما فدا یی را ه مجتبیم
تا تنگنای معر که تنها شتا فتیم
بیداد رهزنان نشود مانع و صا ل
با بال عشق تا به ثر یا شتا فتیم
خوش سوختیم وشکوه نبردیم پیش غیر
پروانه سان نگرکه چه زیباشتافتیم
۲۴ر۸ر۱۳۵۸

پلچرخی
«سلیمان لایق»

مرثیهٔ شکوه شهادت

ای ساکنان شهر شهادت !
ای خیل بی گناه مهاجر !
امروز رزمنامهٔ آزادی ـ
با شعر خون تان شده جاوید.
هر یاد تان حماسهٔ خشمی است .
آتشفشان کینهٔ نسلی است .
شطی است سوی چشمهٔ خورشید .

* * *

در گور های کوچك گمنام
در لحظه های پاك نجابت ،
این خواب نقره یین شمادانم ـ

خواب شقایق است
دیدار در نهایت میعاد است .
هر قطره خون تان به دل خاك ،
باغی پر از ترانهٔ مرجان است
آلاله های وحشی فرداست.
فواره های آتش و فریاد است .

* * *

هان ای کبوتران مسافر !
درشهر سرخ خنجر وخون وخاك ـ
فریاد کودکان برهنه ،
پرخاش مادران گرسنه .
اندوه همسران علیل تان ـ
رهتوشه های هجرت تان باد .
مرثیه های ملت اندوهگین تان ـ
نذر رهٔ شهادت تان باد.

* * *

آنکس که دستهای سیاهش را ،
با خون گرم تان به حنابست ،
افتاده است لاشهٔ سنگینش ـ
در پرتگاه نفرت ونفرین .
گندیده روی زانوی عفریت شب تنش .
خون هزار رستم دستان به گردنش .

لطیف ناظمی

دسپین غره په خوکی کښی

چی یی ملا تینګه تړلی
هم شمله نیفه تـو مبلـی
تور بریتونه یی تاوکړی
دښمنان یی پیـــږ ندلی
دوطن‌دمور ناموس نه
خفـو لـی ، خفلـو لی

دا افغان دی، دا افغان دی
دآریـــا زوی قهرمان دی

سری ، سری‌سترګی‌لحتی ، لحتی
دا پیا وړی قـــوی متـــی
داخـوانی اودنګه ونه
چـــی جار یږی له وطنـــه
پښتنی مور زیـــږ ولی
دغیرت درس یی ورکړی

دا افغان دی ، دا افغان دی
دآریا زوی قهرمان دی

وسله لاس کی ښه بیدا ردی
ددښمن سر ته ګنار دی
په کنډ وباندی نظر دی
ډیر بی شانه زړور دی
پروت په پربتو او پانو دی
داسی خوی دښنو زمرودی

دا افغان دی ، دا افغان دی
دآریا زوی قهرمـــان دی

ددفاع وسله په لاس کی
ندی هیڅ هم په‌وسواس کی
نه غولیږی په ډالـــــر و
نه غـــولیږ ی په خبـــرو
یوآزاد مرغه په شانته
الوتل کړی په وږ رو

دا افغان دی ، دا افغان دی
دآریا زوی قهرمـــان دی

دوطن و آبـــادی تـــه
د انسان و آزادی تـــــه
دراتلونکی کړی فکرونه •
په‌تینګ هوډ نړی تکلونه
لنډ وی اوږده مـــز نونه .
ور کوی پاتی غمو نـــه

دا افغان دی ، دا افغان دی
دآریا زوی قهرمـــان دی

شپی اوو رځی په سنګرکی
یاروان وی په لښکر کـــی
په سړو اوپه تودوکی
کله سمو کله غرو کـــــی
یر غلګروته په ځاروی
په آزاد وسر درو کی

دا افغان دی ، دا افغان‌دی
د آریا زوی قهرمـــان دی

چی په خوله می ویل‌نشی
په قلم می لیکل نه شی
هو مره زیاتی کارنامی دی
دپتمنو افسانـی دی
خودبه ویلم ، خو دبه‌ویلیم
چی می‌داشان پرګنی دی

بل څوک ندی دا افغان‌دی
دازیازوی قهرمان دی

درمحمد افغانیار

مکن رنجه

چون تیغ بدست آری مردم نتوان کشت
نزدیك خداوند بدی نیست فـــرامشت
این تیغ نه از بهر ستمگـــاران کردند
انگور نه از بهر نبیذ است‌بـچر خشت
عیسی بر هـــی د یـــد یکی کشته فتاده
حیران شد وبگرفت بدندان سرانگشت
گفتا که کرا کشتی تاکشته شدی زار
تا باز که او را بکشد آنکه ترا کشت
انگشت مکن رنجه بدر کو فتن کس
تا کس نکند رنجه بدر کوفتنت مشت
«حکیم ناصرخسروقبادیانی»

آزادی

خنجری داده مرا بر دست
و مرا گفته ست :
«برو از جاده به دشت ،
وبه‌شهر ازدشت
وبکشی هر که دلش گشته زمن بی‌نقش
وبه هر خانه در آی ،
وبگو مرد وزن وکودك هرخانهٔ شهر ،
زسحر گاهان ،
همه تا کوچ زمان با مهر ،
نام پر نور مرا
به‌زبان رانند
ومرا سجده کنند ؟
همه باقلب وزبان
دیده ودست
همه شب
در همه منزل
همه شهر »
خنجری داده مرا بر دست
ومرا گفته ست :
رو به میدان وسیع شهر
دل شبرنگ هر آنکس را
که در آن نیست زمن سودا
بدر آر
وبینداز به سوی باد
وبه بادی که گذر دارد از آفاق بلند
نعره زن سخت ، بگو :
«ببرش تا ظلمات ! »
خنجری داده مرا بر دست
ومن از جاده به دشت آمده ام
وبه شهر از دشت
می‌کشم هرکه دلش گشته زاوبی‌نقش
«رضا براهنی»

خلک او هیواد

دهیواد په سردرو کښی
پدی سموپدی غرو کښی
دپکتیا په‌زرینو غرو کښی
دهلمند په لوړو غرو کښی
دهلمند دسینه خپوکښی
دپامیر په لوړه څوکه
داسمار توراو درو کښی
دشمشاد په لوړه تړه
ددی سپین غره‌په اوږدو کښی
پرگنی او و لسو نـــه
داخواره واره قومونه
پدی سمواودی غرو کښی
داسی وایی په نارو کښی
چی هیواددی تل آزاد وی
دهیواد دښمن بربادوی
داسی وایی زموږ خلك
دلته خلك میړنی دی
اولسونه همتی دی
ننگیالی دی غیرتی دی
دلته خلك افغانان دی
په یودین اویو ایمان دی
جنگیالی او ننگیالی دی
دوی زمریان دی یا تور ان دی
دهیواد په دښمنانو
تندرونه داسمان دی

دهیواد آبادی غواړی
ددښمن بربادی غواړی
داوطن افغانستان دی
دغه تاج دایشیا ده
دغیرت او ننگ له خوانه
پیژندلی ټول دنیا ده
دا هیواد افغانستان دی
داهیواد دهر افغان دی
ټول جهان پدی پوه شوی
دلته ژوند دنور و گران دی
داوطن، وطن دخلکو
داگلشن گلشن دخلکو
انقلاب دلته کامیاب شو
نوره ورکه ظالمان شول
دبز گر ژوندون سمیږی
خکه محو فیوډالان شول
داهیواد به وی د خلکو
دغه خلك به دهیواد وی
شی به‌یوموټی داتواړه
له وحدت څخنی به ښاد وی

(فاروق‌حریق)



خاك‌خورشید

ستاره های شب من در آسمان دلم
– رقص می کنند و هنوز
– صدای شرفه‌ی عصیان شان بگوشم‌هست
میان قلب من و آفتاب راهی است
– که با درخشش خود چشم غیررا سوخته.
من از پناه شبی آمدم به غربت روز
ودر فروغ زمان راه خویش می جویم
به مشتم خاك خورشید است
– که می کشم در چشم .

بشیر سخاورز



ترجمه ونگارش   رسول یو سفزی

اطفال را از دهشت و تشدد به هر شکلی که باشد حفاظت باید کرد

ایجاد محیط سالم ومصئوون‌شرطاساسی برای رشد درست خردسالان است .

* * *

اخیرا بمنا سبت سا ل بین المللی طفل محفلی در خانه دوستی در مسکو دایر شدکه در آن بر جنبه ها ی مختلف رشد سا لـم اطفال و مراقبت ها ی لازمه محیطی از خرد سا لان تا کید بعمل آمده .

جمیز فرا سر رئیس انستیتوت تحقیقا ت بین المللی برای اطفال وادبیا ت خردسالان در جمله شر کت کنند گا ن این جلسه بود که در آن طور مفصل راجع با طفال واینده سیاره مااز این رهگذر بحث شد جمیزفراسر درین جلسه تا کید کرد او با اظها رات اناتولی الکسیـن نو یسنده بر جسته اتحاد شوروی را جع با طفال درین فکر هـم عقیده است که با ید حفظ محیط اخلا قـی وفکری اطفال ما نند حفظ محیـط طبیعـی ا ز آلودگی توجه نهایی بعمل اید . همه کشور ها در تحقق این هدف که سلا مت اینـده جا معه بشری در آن مضمر است مسوولیت بزرگ دارند .

در موسسه تحقیقا ت بین المللی در مورد اطفـال و ادبیات خـرد سالان کـه در سال ۱۹۷۰ در فرا نکفو رت تا سیس شد(۲۰۰ شر کت کننده محقق از (۳۲) کشور بشمول اتحادشوروی راجع به‌مسایل مربوط با طفال فعالیت دارنـد. ایگورا مـاتا شوف منقد ادبی اتحاد شوروی سمت معا و نیت ابـن موسسه را دارد .

این موسسه وظیفه تبادل اطـلا عات و تحقیقات در سا حه ادبیا ت طفل را بعهده دارد . مفید یت کا ر این موسسه نـزد همگا ن واضح است زیرا علی الر غـم مو جودیت اختلاف در ادبیا ت طفل درکشور های گـوناگون برین نکتـه تـا کید مـی شود که با ید همه کتب اطفال صرف نظر از کشور و ملیت چنا ن جها نی را پیش چشم اطفال بگشا ید که بتوا ند بهتر یـن او صا ف انسا نی رادر آنها تو لید نموده وآن ها را از جمیع انواع ظلم و شکنجه‌های روحی نجات بخشد وان ها را از جمیع‌انواع تشد د دور نگهدارد .

متخصیصین امور اطفال طی تحلیل - های که‌در مورد چگو نگی رشد سالم اطفال بعمل میاورند برین نکته تا کید می نمایند که باید کتب اطفال وظیفه محوله راکه تربیه سا لم وانکشا ف سریع ذهن خورد سالان است به بهتر ین و جهه انجام دهد . چه هر گونه اهمال راجع به تهیه کتـب درست وآموزندهٔ برا ی اطفال اثرات نا گواری بر سلا مـت روحی و جسمی اطفال خوا هد داشت در کشور ها ی مختلف کتب و نو شنه هـای خصوصی موافق به ذوق وفکر اطفال چـاپ وتهیه می‌شود . اتحاد شوروی یکی از کشور های است که به‌تربیه طفل اهمیت خـا صی قائل است و کتب متعدد در زمینه بـــه چا پ میر سد مجله (ادبیات طفل) چــاپ مسکو یکی از مجلات مشهور جها ن را جع باطفال است که در آن مطالب جا لب وخوا- ندنی را جع به خورد سالان به چاپ میرسد

در ایا لات متحده امریکا نیز در مکا تـب، پو هنځی ها و پو هنتو ن ها دو کتو ران ومتخصصین زیادی مشغول تحقیقات را جـع با طفال و مسا یل مربو ط با نها است متخصصین اطفال در کشور ها ی مختلف طورعمده راجع با ین مسا له نگرا ن اند که اطفال شا ن چه میخوا هند و چگو نه‌پرو- گرام های فلم وتلویزیونی به انهـــا تهیه وارائه‌می‌شود. متخصصین مخالفت شان راعلیه هرگونه مساعی مبنی براستخبـدام اد بیات طفل پرو گرا م ها ی فلمی وتلو یزیو نی خورد سالان برای اهداف کلان سالان و غایه سیاسی ابراز نموده و تا کید می نما یند که اهدا ف سیا سی با ید از جها ن اطفال بکلی محو گر دد چه با ید مر حله طفولیت را با طفال بگذاریم تا آنرا بخو شی وآرامی سپری کنند . دوره طفو لیت بحدی کو تاه ودر عین حال مهم است که گنجا یش آنرا ندارد که ما آنرا با مسا یل بزرگ وپیچیده آغشته سازیم . البته با ید اطفال بر ا ی معا مله موثر باپرا بلم ها ی که معلو م می شود ازطرف کلان سالان ایجاد می‌گردد اماده باشند ولی این معنی آنرا نـدار د که‌مـا به یکبـا ر گـی آن چه از کـلان سـالان توقـع داریـم از خرد سالان نیز تـوقـع داشته با شیم گذاد ر تهیه ادبیا ت فلـم وتیا تر خا صی اطفال مسا یل بخصو صی خورد سا لان مد نظر گرفته شود . دریـن صورت ما با اطفال نیرو مزید حسی معنوی وفکری مــیبخشیم تاقادر باشند هنگـام مواجه شدن بامسایل با نهـا بر خـورد درست و موثر بنما یند .

درچوکات سال بین المللی طفل و با در نظر داشت اعلا میه ملل متحد در مورد حقوق طفل که بیست سا ل از آن می گذرد لازم است تااقدامات بیشتری از طرف جمیع‌کشور ها برا ی مصئوون نگهدا شتن اطفال از هر نوع تشد د مخصو صا تهد یدا ت جنگـی بعمل آید .

گالینا پشکو د او امدیر نشر یه(ادبیات طفل) در مسکو معتقد است‌که ادبیات طفل باید نخست را جع به کره خود ما و ماحول سخن گو ید را جع به خو شی ها و نگرانی های خلق ها راجع به صلح و حفا ظت‌محیطی



وموضوعات روز • موصوف گفت ما اداراتی برای تراجم کتب اطفال از السنه های مختلف داریم و بهترین آثار را در مورد ادبیات طفل بدسترس داریم . ما همچنان فیستوال های نمایش کتب اطفال راوقتا فوقتاً دایرمی سازیم ودر جمیع فیستوال های بین المللی کتب اطفال با علاقمندی تمام شرکت میکنیم . در یکی از فیستوال های اخیر نمایش کتب برای اطفال که در مسکو دایر شد (۱۲۰) موسسه طبع کتب از (۲۲۵) کشور مختلف شرکت جستند. اتحاد شوروی از زمره شرکت‌کنندگان دایمی در مسابقات نمایش اطفال میباشد . دلایل زیادی برای دلچسپی خارجی ها با دبیات اطفال اتحاد شوروی موجود است زیرا در کتب مخصوص اطفال چگونگی ذوق ورشد سالم استعداد های خرد سالان و نوباوگان در نظر گرفته شده است . با در نظر داشت این امرامکانات توسعه همکاری با کشور های مختلف در زمینه تبادله کتب اطفال موجود است .

نکته مهم در مورد کتب اطفال این است که این کتب علاوه بر مساله رشد ذهنی طفل باید داعیه های عالی بشری چون صلح میهن پرستی انسان دوستی و خدمت به خلق رادر اطفال تقویه وپرورش دهد و آنرا از آینده روشن امید وار گرداند .

شکنجه اطفال باید متوقف گردد:

یکی از موضوعاتیکه در سال جاری که‌سال بین المللی طفل نیز می‌باشد جلب توجه کرده است موضوع توجه بحال اطفال در کشور های عقب مانده وجوامعی است که هنوز تسلط استعماری از آن‌جوامع کاملا برچیده نشده است موجودیت بحران های اقتصادی واجتماعی عدم تسهیلات مناسب تعلیمی و صحی برچگونگی رشد جسمی و ذهنی خرد سالان اثرات ناگواری می گذارد .

حبس اطفال شکنجه و آزار آنها وگماشتن اطفال به کار های شاقه وثقیل جرم صریح علیه وجدان بشریت پنداشته می شود همچنان جدایی اطفال از والدین در سنین اولی مستقیما بر حیات اطفال تاثیر سئو می کند .

این یك حقیقت روشن است که در یک عده کشور ها اطفال در نتیجه شرایط استبدادی نظام های استعماری تحت‌فشار شکنجه و تبعیض های گوناگونی قرار دارند که میتوان وضع اطفال رادر کشور های جنوب شرق آسیا افریقای جنوبی وینز ویلا وغیره یاد کرد . در همچو کشور هاکه درآنها رژیم های‌ضد خلقی واستبدادی حکمفرماست اطفال صرف نظر از محدودیت های غذایی و صحی تحت انواع مختلف شکنجه های روحی و جسمی نیز قرار می گیرند . نکته دیگر در مورد اطفال نجات آن ها از فقر است اطفال باید به حدامکان به بهترین چیز های مورد نیاز دسترسی داشته باشند ولی کشور های موجود است که اطفال این کشور ها حتی از حداقل خوشی محروم بوده مسایل سئو تغذیه بی سوادی و فقدان کمك های طبی آن هارا رنج میدهد . در چنین کشور ها سطح زندگی طور روز افزون به نفع طبقات استثمار گرحاکمه بالا میرود و فامیل های بی بضاعت نمیتوانند طور درست از عهده سرپرستی اطفال شان بدر آیند .

کشور وینز ویلا یکی از کشور های است که شرایط دشواری برای اطفال ووالدین در آن موجود است کار های ثقیل پشت اطفال را درین کشور خم میکند و اثرات ناگواری بر رشد ذهنی و جسمی آن ها میگذارد درین کشور فقط از هر (۱۰۰) طفل (۳۰) طفل دارای سن اند که میتوانند در مکاتب ابتدائی شامل گردند و قادر به تکمیل تعلیم می باشند .

جوانان و شاگردانیکه ازنعمت تعلیم وتربیه درین گونه کشور ها محروم می‌گردند براه های خرابی سوق داده شده واز آن ها دزدان قاتلان معتادین مواد مخدره و افراد بار دوش جامعه بار می آید درهمچو کشور های دارای رژیم های منحط موسسات تربیه مجدد و دار التادیب ها بنا میباشد وکاری را از پیش نمی برند .

کذا در چنین کشور ها اطفال خیلی با امراض مبتلا می گردند و مریضی اطفال خانواده های بی بضاعت را که بسوتغذیه مواجه است زود از پای در میاورد • در همچو کشور ها اکثر یك طفل چهار ساله از لحاظ انکشاف ذهنی مانند طفل (۱۲)ماهه معلوم می شود بدون شك همچو اطفال نمیتوانند طوردرست دروس مکتب را فراگیرند چه قدرت اخذ مطالب ومفاهیم را ندارند .

تنظیم خراب خدمات صحی قلت پرسونل طبی وتربیوی وتسهیلات غیر مکفی ادویه وشفاخانه از مسایل رنج دهنده برای اطفال درین‌قبیل کشور هااست.

مسئله محبت برای اطفال :

یکی از مسایل مهم در مورد اطفال‌موضوع محبت وایجاد صمیمیت با این طبقه است چه‌از طریق محبت بااطفال میتوان بانها یک محیط خوش و مصونی ایجاد کرد . یک معلم یك پدر و مادر باید علاوه برنیازمحبت وصمیمیت با طفل خود از اوصاف نیك برخوردار بوده شخصی مهربان با عاطفه با حوصله قابل اعتماد و مجهز به دانش امروزی باشد چه در پرتو فضای محبت و صمیمیت میتوان یك تفاهم خوب را بین طفل و محیط زیست او ایجاد کرد و همکاری او را باعث شد اطفال که هرگز کینه بدل نمی گیرند با صمیمیت خاص از محبت والدین مربیون وکلان سالان استقبال می کنند . محبت با طفال در تربیه روحی‌وجسمی طفل وایجاد یك ماحول خوش مسعود و مطمئن برای او تاثیر بزرگ دارد .

خشونت وروية ناهنجار دربرابر اطفال وعدم پاسخ درست به سوالات آن ها عکس العمل های نامساعد و بعضا عقده های را نزد اطفال بارمی آورد که این امر بذات خود درمحیط آموزشی و پرورش طفل تاثیر خراب وارد می کند .

موجودیت کودکستان ها و شیرخوارگاه ها برای تربیه اطفال و خورد سالان

اهمیت کودکستان ها و شیر خوارگاه درجمیع کشور ها دارای اهمیت بسزای است .یکی از کشور های که در آن‌کودکستان های فراوان و تسهیلات خوبی برای اطفال وخرد سالان موجود است کشور اتحاد شوروی میباشد . وبرا نظروف مدیر یکی از کودکستان های مسکو اخیرا گفت در کودکستان مربوطه او دو صد طفل یك تا هفت ساله موجود است این اطفال مربوط به کارگران ، ماموران انجنیران و تکنیشن ها و غیره اقشار زحمت‌کش میباشد.

این کودکستان ازخود معلمان تربیوی موزیك منیجر دوبی ونگهبان دارد .

اطفال از ساعت ۷- الی ۳۰-۸ هر صبح به کودکستان اورده می شوند و بعد از اینکه همه اطفال آمدند تمرینات صبح‌آغاز می گردد بعد از تمرینات نا شتای اطفال داده می شود . لست غذای اطفال در کودکستان مذکور شامل غذا های متنوع‌از لحاظ مقادیر مکفی کالوری پروتین ویتامین های ضروری برای رشد بدن میباشد اطفال بعد از صرف نان چاشت فعالیت های ورزشی و نوشتن و خواندن و کشیدن رسم را انجام میدهند . فعالیت های اطفال درخارج اتاق های کودکستان طبق موسم و هوای مساعد تنظیم می گردد .

کذا بمنظور رشد استعداد ذهنی‌اطفال وقتا فوقتا فستیوال های نمایش فلم کتب مربوط با اطفال دایر گردیده و پروگرام های جالب و دیدنی برای سرگرمی مزید اطفال عملی می شود تا آن ها از هر حیث احساس آرامش اطمینان ومصونیت نمایند و با ینوسیله جوانان با درك و با احساس برای جامعه خویش بار آمده در عمران جامعه و خدمت به خلق و میهن خویش سهم عملی و موثر گیرند.



اطفال درکودکستان ها از تربیه وپرورش‌خاص برخوردار میگردند

از مجله پولند

ترجمه ی « زهدی »

شور جاز در پولند



دو ستاره هنرمندی از پولند

تاریخ جاز در پولند از سال ۱۹۵۶ که نخستین فستیوال جاز در « نیوپورت » برگزار گردید آغاز شد.

امروز مردم پولند نه تنها به شنیدن موسیقی جاز علاقه دارند بلکه جاز را بحیث موسیقی ای میشناسند که در آن شور و هیجان نهفته است.

در چند سال محدود جاز در پولند تکامل و پیشرفت چشمگیری نموده حتی در امریکا محبوبیت پیدا کرده است چنانچه سالها قبل «ویلیس کانووا» که بحیث بنیان گذار « ساز امریکا» شناخته شده ، چندین کنسرت خوب جاز پولندی را در شهر وارسا شنید و سه پروگرام مکمل را که هر یک آن چهل و پنج دقیقه را در بر میگرفت ترتیب نمود و روی پروگرام های مذکور جاز اروپائی نام گذاشت و به هنر دوستان شنوانید . پروگرام های وی بقدری مورد علاقه مردم واقع گردید که اکثر مردم بارها آنرا شنیدند .

در فستیوال جاز ۱۹۵۹ که در «نیوپورت» دایر گردید تاسین روبلوسکی سکسفون نواز پولندی ، سکسفون نواخت وبه شهرت عالمگیردست یافت .

«روبلوسکی » اکنون از کمپوزر های معروف گیتی محسوب میگردد. وی نخستین کسی است که نکات برجسته موسیقی محلی را شامل موسیقی جاز گردانید .

در فستیوال جوانان مسکو (کریزستوف ماتی : کومیدا) یکی ازبرجسته ترین نوازندگان بود. فعالیت های هنری

«اندرز کور یلو یس » بقدری در فستیوال جوانان ۱۹۵۹ که در «وینان» برگزار شد چشمگیر و پر آوازه بود که محبوبیت وی را دو چندان ساخت .

کنسرت های «کومیدا » در کلپ عمومی جاز فرانسه در سال ۱۹٦۰ چنان موفقیت هارا نصیب او گردانید که وی را بر روی پرده تلویزیون درخشاند و به شهرت جهانی رساند .

یکسال بعد (اندرز کور یلو یس)این هنرمند معروف پولندی با رفقای خویش در کلپ جاز پاریس و المان غربی کنسرت هایی داد که باعث شهرت و محبوبیت بیش از پیش وی گردید .

موسیقیدانهای جازپولندی (گروه هنری ستانیسلا کالو نیز کسی) بارها در هنگری و جمهوریت دموکراتیک آلمان ، کنسرت دادند وهر بار به پیروزی ها و موفقیت های چشمگیری رسیدند .

امروز آرکستر های زیاد جاز درپولند فعالیت دارد و جاز عصری از جاز سابق بیشتر عمومیت پیدا نموده است . با این هم بعضی گروه ها ، جاز مروجی نیز مینوازند که این جاز از جاز اوسط اروپائی نمایندگی میکند .



یکی ازرهبران آرکستر جاز پولنددر حال ایراد بیانیه .

تماسهای جاز پولند باجاز سایر ممالك تنها بافر ستادن جاز نوازان محدود نمی‌ماند بلکه باتبادله آهنگها و آهنگهای مشترك نیز توام میباشد •

درفستیوال‌دوم «ثپوت» درسال۱۹۵۷پولندی هابحیث میزبان برای نوازند گان چــکی ، ایتالوی وامریکایی چون «البرت نیکولاس » ، «بیگ بیل رمزی» و «چکی فرونت گونیت» کنسرت هایی دادند که مورد پسند آنها واقع گردید •

کمپنی «آز،سی‌ای» ریکاردهایی‌ازموسیقیدانان جاز پولندی ثبت نمود که مدتها بازار گرم داشتند وشنوند گان فراوان •

نخستین گروه های معروف جاز نوازن‌پولند در سپتمبر سال ۱۹۵۸ در وار سا جلسه نمودند •

گروهی «هیجولیمنس » که یکی از گروه‌های جاز نوازان در فستیــوال دوم « ستو ر ی ویـلا» شهرت ومحبوبیت پیدا نموده امروز آهنگهای تقدیم شنوند گان جاز پولند مینماید که شور و هلهله فراوانی را براه میاندازد•

دربهار سال ۱۹۵۰ گروهی مشهور نیکـرو های امریکا یی که عبارت از جاز نمره یــك نیویارك بودند باگروهی «سولمین» هنگامیکه کلوپ های جاز پولندی تازه بفعالیت‌آغاز نموده بودند وارد پولند شدند ودریك اجتماع بزرگ که‌اکثریت آنرا متعلمین ومحصلین پولـندی تشکیل میدادند ، آهنگهایی نواختند •

در خزان همین سال گروهای جاز پولند فستیوال دیگری رادایر کردند ودر آن نغمه‌هاو ترانه های انتخابی پولندی شنوانده شد ومورد دلچسپی فوق العاده اشتراك کنندگان بشمول موسیقیدانها وجاز نوازان‌واقــع‌گردید امروز جاز نوازان پولند اتحادیه ای‌را تشکیل داده‌اند واین اتحادیه بر علاوه سایر فعالیت هــا مسابقاتی را نیز بین‌گروهای جاز نوازان‌برگزار مینماید تا استعداد های اعضای هر گــروه شگوفان گردد •

امروز موسیقی جاز وجاز نوازان پولند در اوج شورو شهرت قرار دارند موسیقی نوازان



کلوب جاز «کراکو» که‌درآن‌ملاقات هاومنا‌قشه های زیادی پیرامون ، موسیقی ، نقاشی وآثار ادبی صورت میگیرد •



رهبر آرکستر جاز بولیندر حال رهبری •

آن کشور همیشه چیز های بکرو مهم وآمیخته احساس نوگرایی وپشتکاروزحمتکش آنهاست• مینوازند که این معرف استعداد های سر شار،

ازسال ۱۹۵۹ باینطرف عقیده به جاز در پولند فرق‌کرده است • در آغاز مردم پولند جاز رایك چیز بیگانه وزشت میدانستند (حتی مادران دختران شان را اجازه نمیدادند کــه بکنسرت های جاز بروند) اما امروز نه تنها جاز رابحیث یك هنر ممتاز میشناسند بلکـه اکثریت مردم به شیندن آن علاقمند میباشند این عقیده تازه زاده‌این حقیقت‌است که نواهای موسیقی جاز راه اش را روز بروز بیش ازبیش در میان مردم باز مینماید •

از چند سال باین طرف بر علاوه ای که در هر شهر پولند کنسرت های متواتر داده میشود توسط آموزش موسیقی‌جاز در پروگرام های مکاتب‌نیزشامل گردیده‌که گروه های‌هنری مکاتب توسط ارکسترای فیل هار مونیك‌پولند رهنمایی واداره می‌شوند •

بهترین و معروف ترین کلوپ جاز پولند کلوپ جاز «کراکو» است این سالون در یك عمارت باستانی قرار دارد ودر آن در همه ساعات روز فعالیت‌های هنری‌صورت می‌پذیرد•

این کلوپ با مکتب موسیقی پولند نیــز همکاری دارد • همچنان درین کلوپ گاه گاهی آرتست ها کمپوزر ها، اکتورها وخبر نگاران مجلس ملاقات‌مینمایندو موسیقی نوازان‌بزرگ، نویسندگان وهنرمندان پیرامون موسیقی وآثار ادبی وهنری بحث ومذاکره مینمایندو نمایش های هنری را ترتیب میدهند •

پس باید اظهارنمود که جاز امروز در پولند شوری رابر پا نموده وفکر جوانی را بوجود آورده است • چنانچه اداره پولند وبرخی از موسیقیدانهای جاز پولندمثل «ویلیس کانوور» میگویند :

«اگر مــوسیقی وجـاز نوازان ما بهمین سرعـــت ترقــی کنند و پیشبرونـــد در ظرف چند سال آینده در راس جــاز جهان قرار خواهند گرفت•

د ماکسیم گور کي لیکنه

ژباړونکی : احسان آرینزی

یاشکا

―دوهمه برخه―

داوخت ځواني ښځي د ملك ستړگي شونډي، مخ او تنده بنکل کړل . یا شکا هك اريان پاته شوی ووځکه داشیان یې نه اور یدلي وو او نه لید لي . دا ټول شیان ور تـه نوي وو او دده پر مخ یې‌داحساسانو دیوی نوي نړۍ ورونه ور حلاصول بنځه ولاړه، یا شکا په خیالونو کې ډوب شو اونهه ورځی‌یې په دې خوږو خیالونو کې تیري کړي. پـه دغو نهو ورځو کې یا شکا به خلې روغتون ته را غله او یا شکا په دې نهو ورځو کې‌له داسې ناپېژند لـو احسا سا تو سره لاس او گر يو ان وچې دټول بدن رگ رگ یې لـه خوښی څخه ډك کړی وو .

ځوانه بنځه به چې کله روغتون ته راغله ، یاشکابه یې دروغبـړ د نشې کلمې پر ځای بنکل کړ ، بیا به خپل وررور ته ور غله او هلتـه به دکټ پر داسې ځای کښینا سته چې‌یاشکا به‌یې هم‌لیدلی شوای .

یاشکا به خو شا له سو ، پـه خیره به‌یې خوا نی بنځی ته وکتل، ځوانی بنځی به هم ور تـــه وکتل. یا شکا د ځوانی بنځي‌دورور په وړاندی سخت حسا دت پیـدا کړی وو. غو بنتل یې چې ژرمړشي او ځوانه بنځه یوازی دده د پو- ښتنی له پاره روغتون ته راشي .

دځوان بریتور ناروغ زگیرو یـــو به یا شکا خو شاله کاوه :

―لکه چې مری ، کا شکي چې مړ شي !

خو ځوان بر یتور ناروغ نـــه مړ کیدی او یا شکا به تل غمجــن وو. یا شکا په خپل ټول ژو ند کې دلو مړی ځل له پاره له دا ســي نیکمر غی سره مخا مخ شوی ووخو بریتور اوږده ناروغ دده دنیکمر غی په لاره کی دبری اچولی . ځوانـه بنځه به‌تل دخپل وررور پر کـټ کینا سته او کله نا کله بـــه یې یا شکا ته هم وکتل . یا شکابه دځوانی بنځی لاس‌راونیوه او لـه زار یو څخه په ډکو ستر گو بـه یې ور ته وکتل، په دغه ټوله مو ده کې به یا شکا خبری نه کو لـــی‌او ځوانه بنځه به یې وروو، وروو خپلی خوا ته را کښله ، بنځی به وروخپل لاس د یا شکا له ډنگرو منگو لــو څخه خلاص کړ او بیر ته به خپل لومړنی ځای ته ستنه شوه .دځوانی ښځی وررور تر دغه وخته لا لـه یاشکا سره دوه حبري هم نـــه وی کړي ، له خپلي خور سره یـي هم دوني خبري نه کو لي . کلـه به چې هغه ځوانه بنځه له رو غتون څخه ولاړه یا شکا به غو بنتل چـې وررور ته یې بنی سپکی سپـور ی کنځاوی وکړي او خپل زړه پـری تش کړي ، زړه به یې وځور یـد اوپه ستر گو کی به‌یی او بنکــی راپیدا شول . یاشکا نهه ور ځـی په داسې له خور او نیکمر غـــی څخه به ډکو شیبو کی تیری کړی.

یوه ورځ سهار کله چی یا شکا له خوبه را پا څید متو جه شو چی اوږ د بر یتور ناروغ پر یوه‌تد کره پرتدی ژر یې له یوی پر ستا ر ی‌څخه پو بنتنه و کړه :

― چیری یی وړی ؟

―په تا یې څه ؟ .. مه ویر یږه، تاهلته‌نه وړی ، خو ورځی ورو سته رخصتیږی او خپل کور ته به لاړ شی، ته دلته ډیر شیطان شوی !

یا شکا بیا پو بنتنه وکړه :

―مړ سوی دی ؟

―هو ... ژوندی سړی خو بـــه تذکره باندی نه باروی !

―مړ سوی دیء ،هه ؟؟

یا شکا دغو بنی له دغی بی‌حر- کته او ډار وو نکی مجموعی څخه لږ وډا ر شو ټوله شپه یې ځـوان بر یتور ناروغ ، دهغه زگیر وی او ټوخی په خوب لیدل ... یا شکـا یوه شپه مخکی ډاډه شوی وو چی‌د ناروغ د ژوند د ډیوه غوړ تمام شوی دی ... خولږ ځند ورو سته خوشاله شو او دروازی ته‌یی وکتل چی‌کله به‌ځوانه بنځه دده دپو بنتنی لـه پاره رو غتون ته راځي .

یا شکا کولای شول چی د لکنی په مرسته له خپله ځایه پاڅیږی وپه خو نه کی قدم ووهی ، خو خـو ب پری زوررور شو او پخپلو رویا یی خپو کی یی لاهو کړ. یاشکا ډاډه و چی هغه به راشی او بنکل به یـــی کړي. یا شکا د ځوان ناروغ پــه مړینه څخه خو شا له شوی وو چی نور نو هغی ځوانی بنځی وررور نه درلود او دا دبل چا په کټ نـــه کینا سته . کله به چی دا خبـری یاشکا ته ور یادی شوی په ټــول وجود کی به یی دیوی خو ند وری خو ښی خپی خپری شوی ...

―هغه به هرو مرو دلته را شی‌او زما خنگ ته به کینی ، یا شکاډاډه ووچی هغه ځوانه بنځه به رو غتون کی بل څوك نه لری ...

خو هغه را نغله او یا شکا د ا مو ضوع په ډیره خوا شینی داسی تفسیر کړه :

―شایی چی هغه ناروغ یـــی د عملیات له پاره وی ، هو ، کـــه داسی وی نو بیر ته به را ځی او دلته به زما سره چای ځښی او کتاب به راته لولی ... هرو مرو. خو هغه رانغله یوه ورځ، دوه ورځی ، خـو ورځی تیری سوی خو هغه رانغله... اویاشکا په هغو پنځلس ور خو کی کی چی په رو غتون کی یا تـــی وو هغه ونه لیده ...

کله چی یاشکا له روغتون څخه ووت په ټول ښار کی یی د هغـی دپیداکولو لټون پیل کړ . یا شکا تصمیم نیولی‌وو چی‌دخپل ژوندانـه له هـــر څـــه نه تیـــر سی خو (هغه) پید کړی . هره یکشنبه‌اوکله ناکله به نوری ورځی د ښارداعیانو په‌برخه کی گرځیده او هغه به یـی لټو له. خو مخکه چاو دلی او هغه پری ننو تلی وه ... ډیری (هغی)ته ورته وی، هری یوی به یاشکاپه‌تیرو خوږو خاطرو کی ډوب کړ، یا شکا به‌په هرشی او هره خوا کـــی دا شیان محسو سول: یو بنکلی‌سپین نازك مخ ، دوه غټی توری هو سناکی ستر گی، نر می او سری شونډی تر تور نازك ټوکر لاندی سپیــــن اندا مو نه توره بنکلی خو لی او ... دی ښکلا و به ورځ په ورځ د یا- شکا د تنکی زړه تسخیر و لو تــه ادامه ور کو له خو دا ور که وه او یوازی د یا شکا په زړه کی لیـدل کیدای شوای .

دا مهال غمجن یا شکا پــــه ژړغو نو ستر گو او غوږو خیر نو جا مو د مطبعي د کار گرانو له‌پاره لږ بیگانه او غیر عادی غو نــدی ښکار یدی ،خپل ټول پخوانی عاد- تونه، مستی، ټوکی ټکالی اوخندا- وی یی له لاسه ور کړی وی، درو- غتون د نهو خیالی ورځو ژوندددهد ژوند ټوله خوښی او مستی پخپلـو لمبو کی لاهو کړه او ایری‌یی ترینه جوړی کړی .

اور یدلی می دی چی وا یـــی تقدیر دا نسان پر سر نو شت‌لوبی کوی، دا با لکل سمه ده ، همـدا وجه وه چی یاشکا بیا هم (هغـه) ولیده .. یا شکا له خپلو ملگروسره له ښار څخه وتلی‌یوه بڼ ته‌تللی وو په غبر گون کی یی د گپو ونو لـه مینځ څخه په یوه گاډی کی‌ولیده.که څه هم چی دروغتون ددیدن څخـه دوه کاله تیر سوی وو خـــو دی هیڅ تو پیر نه وو کړی او عمغسی جذابه او په زړه پوری وه . در ی آسیزی گاډی له لاری څخه در ندی خاوری دوړی پور ته کو لی ، دهغی څنگ ته یو بل نفر ناست وو چی پوځی جا می‌یی‌اغو ستی وی . یاشکا ډاډه وو چی دا (همغه) ده ...

یاشکا څو شیبی غلی او ار یان وددرید، بیایی چیغه کړه او پـــه گاډی پسی یی منډه واخستـه ، ده هم چیغی وهلی او هم منډی، د گاډی دټایرونو په شور ماشوراود گاډی په دوړو کی د یا شکا منډو اوچیغو دچا پام نه سوای ور جلبو لای ،تر ډیرو منډو او ډیرو چیغو ورو سته پرخمکه ولوید اود خپلی ما تـی او مایو سی په ویاړ یی ښه ډیـــر وژړل .

وروسته ، بیاهم د«هغی»په لټه کی شو ،په در یمـه ورځ یی یـوه گاډی ونیو اود (هغی) دگاډی پـه خط السیر روان شو، په لاره کی به یی له خلکو څخه پو ښتنه کو له چې دری ورځی مخکی یوه ځوا نه ښځه له یوه پوځی ما مور سره له دې ځایه څخه تیره شوه ، تا سو ته معلو مه نـــه د ه چـــی چیـــر ی

پاتی په ۵۸ مخ کی

بقیه صفحه ۷

متن بیانیه ببرک کارمل...

کمك های محدود نظامی اتحاد شوروی که بخاطر جلو گیری از تجاوزات پی هم دشمنان خارجی افغانستان از خارج سر حدات بخاطر دفاع از استقلال وحاکمیت ملی افغانستان تقاضا گردیده است بصورت قطع مطابق به منشور ملل متحد وحقوق بین المللی بوده وتخلف از اصول عدم تعهد بوده نمیتواند .

مطابق به ماده ۵۱ منشور ملل متحد هر کشور حق دارد در صورت لزوم از دولت دوست خود کمك در خواست نماید هر وقتیکه حکومت و دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان خواسته باشد و تجاوزات خارجی بر قلمرو کشور مان افغانستان از میان برود ، صلح و امنیت منطقه تضمین گردد ، قطعات محدود و کوچك اتحاد شوروی با رضایت خاطر خاك افغانستان را ترك میدهند. ما بنابرعشق آتشینی که به شرف و ناموس خاك وطن خود داریم با بانگ رسا و بی هراس به جهانیان اعلام میداریم که هرگاه دشمنان خارجی افغانستان دست از تحریکات وتجاوزات در ساحه قلمرو ملی مان بر دارند ما بر اساس اراده مردم افغانستان کمك های بیشتری از اتحاد شوروی و دیگر کشور های صلحدوست جهان بخاطر دفاع از دستآورد های انقلاب کبیر ثور بخاطر دفاع از استقلال و حاکمیت ملی و ساحه خاك مقدس خود چون روش ویتنام قهرمان ، کیوبای قهرمان حبشه و انگولای قهرمان ، ملل قهرمان اعراب و عرب فلسطین و غیره در خواست خواهیم کرد. باز هم باصدای بلند اعلام میداریم که بزرگ ترین افتخار و غرور ملی مردم آزاده و صلحدوست افغانستان ازینجا ناشی می شود که سیاه ترین محافل امپریالیستی و ارتجاعی علیه یورش انقلاب به کاخهای استبداد و ارتجاع استعمار و امپریالیزم ، دریك جبهه نامقدس سیاه بمثابه خصم آشتی ناپذیر خلق قهرمان افغانستان قرار گرفته اند،در هر حال مردم افغانستان در وجود يك جبهه وسیع ملی و دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان به رهبری حزب دموکراتیك خلق افغانستان بطور پیگیر و بی امان دلیرانه بخاطر به پیروزی رساندن نهایی انقلاب دموکراتیك و ملی ضد فیودالیزم و ضد امپریالیزم برای يك افغانستان آزاد مستقل علیه دشمنان داخلی و خارجی شجاعانه به پیش میرود و يك گام به عقب نخواهد رفت .

رفقا! سرو صدای زیان آمیز و خاینانه دشمنان باین معنی است که دیگر دشمنان ما شکست خورده و خلق ما پیروز شده اند، خلق کشور ما تا اکنون به تجربه خوددریافته اند که حزب دموکراتیك خلق افغانستان مدافع پیگیر و سر سخت منافع واقعی ملی مردم افغانستان بوده ودارای پیوند های عمیق خلقی است به سعادت و سر نوشت حال و آینده ، به آزادی ، سربلندی رفاه و ترقی خلقهای ساکن این سر زمین دلبستگی عمیق دارد ، دفاع از تمامیت ارضی واستقلال سیاسی و اقتصادی و حاکمیت ملی کشور را وظیفه مقدس خود میشمرد ، باین جهت اعتقاد عمیق حزب ما به بین المللیت از ماهیت طبقاتی ،جهانبینی و خصلت عمیقا وطنپرستانه آن ناشی میشود ، وطنپرستی و بین المللیت حزب ما با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند .

در پانزدهمین سالگی حزب دموکراتیك خلق افغانستان در برابر خلق ، طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور تجدید پیمان میکنیم که پرچم مبارزه علیه امپریالیزم و ارتجاع و در راه آزادی ، دموکراسی ، استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور را همواره بر افراشته نگهداریم.

زنده باد حزب واحد دموکراتیك خلق افغانستان.

زنده باد آزادی و دموکراسی برای مردم افغانستان .

زنده باد مردم زحمتکش افغانستان .

به پیش در راه حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی وحاکمیت ملی وطن پر افتخار مان افغانستان عزیز . (ب)

بقیه صفحه ۸

پیام هیات رئیسه شورای انقلابی

تحسین مینمایند زیرا بخوبی ملتفت شده‌اند که چه‌کسی در کنار توده های وسیع خلق مسلمان کشور ما و مسلمانان جهان، مسلمانان عرب وعلیه صهیونیزم وامپریالیزم قرار دارند .

امپریالیزم امریکا ومتحدین گوناگون ارتجاعی اش درتلاش بودند که‌ذریعه جاسوس خون آشام خود حفیظ الله امین پلان برده ساختن خلقهای مسلمان افغانستان را عملی کنند ،ولی باپیروزی مرحله نوین انقلاب ثور این نقشه های شوم خنثی گردید واین خودباعث دیوانگی امپریالیستها میگردد .

باپیروزی مرحله نوین انقلاب خلقهای مسلمان وبرادر افغانستان ،ایران وپاکستان دریك صف واحد بر علیه دشمن مشترك وغدار قرار دارند ، امپریالیستها انقلاب افغانستان وانقلاب ایران ونهضت پاکستان را تهدید به‌خفه ساختن مینمایند ودرکوشش هستند این سه‌کشور آزاد ومسلمان رااز جهان اسلام وکشور های روبانکشاف تجرید نمایند ولی کوشش های امپریالیستها ، شوونیست ها ومرتجعینی که لباس مدافعین اسلام را در بر میکشند وبنام اسلام علیه‌اسلام وعلیه منافع بنیادی مشترك عینی مسلمانان توطئه چینی و خیانت میکنند به موفقیت نخواهد انجامید ،وحدت خلق های ماکه براساس دین مقدس اسلام استوار است شکست ناپذیر میباشد .

ما یقین کامل داریم آنهائیکه بوسیله تبلیغات امپریالیستی وچینی فریب‌خورده‌اند‌به‌اشتباه خود پی‌برده ازمسلمانان افغانستان که‌دراین‌مرحله آگنده‌از شور وهیجان پروسه انقلابی رابسوی تکامل آن میبرند پشتیبانی خواهند کرد .

ما از برادران‌مسلمان‌خویش از حکومت های‌کشورهای اسلامی می طلبیم که بدشمنان اسلام،به‌امپریالیستها ودر راس آن‌امپریالیزم جهانخوار امریکا به یاران صهیونیستها این دشمنان آوارگان بیگناه فلسطینی ،باین‌دشمنان‌خلقهای انقلابی تمام جهان اجازه‌ندهید که شمارا فریب بدهند ،از انقلاب ملی ودموکراتیك وضد امپریالیستی ما پشتیبانی نمائید .

پلانهای امپریالیستهای امریکایی وهژمونیستهای پیکن آن سان که‌اکنون‌درایران‌خنثی میشوند در افغانستان نیزدر هم خواهند شکست ،تهدید، توسل بزور ، بکار بردن تحریکات، دروغ‌وافتراء نسبت به خلقهای مسلمان افغانستان وایران به امپریالیستها کمك نخواهدکرد ، چنانکه آیت‌الله امام خمینی رهبر جلیل‌القدر ایران اظهار داشته است .

«بگذار ایالات متحده امریکا سعی وکوشش کند که مارا با اقدامات نظامی واقتصادی بترساند ولی‌مایك قدم به‌عقب نخواهیم رفت»

امر حق مسلمانان پیروز خواهدشد.

ما همه مسلمانان جهان را بدفاع‌از انقلاب های‌افغانستان وایران برضد امپریالیزم، صهیونیزم و ارتجاع بدفاع از امرحق‌وعدالت‌فرا میخوانیم.



دوستان عزیز! با ما مکاتبه نمائید
شعر، داستان و مطالب دلچسپ و خواندنی بفرستید

وطن

وطن امید و هستی زمانم
تویی یگانه بستان جهانم

فدای سنگ وخاك وکوه ودشتت
کنم گل خاره ا ت را تا توانم
تویی ای میهنم روح و روانم

نوای سنگرت درجسم وجانم

توزادگاه سترگ شیرمردان
به‌آزادی وحفظت خون فشا نم

بلرزید از نهیبت سقف گیتی
بجنبد کوه اگروصف توخوانم

قیام خلق توورد زبانهاست
تعالی و شکوهت در بیانم

همه پروردهٔ دامان مهرت
بود همواره نا مت برزبانم

نخواهم جزتومعشوقوپریوش
چوعشق توستدایم درنهانم

نیم همرزم دررزمت همیشه
وطن آرام جانم مهربانم

یوسف همرزم

صلح میخواهیم

صلح میخوا هم بانسا ن زمین
شاد ما ن و قهرما ن پاینده با د
وحدت دنیا ی خلقا ن بشر
آ رزو ی زنده سر شار ما
خود نو ید جا و دانی میدهد
شعر هستی ساز من دنیا شده
پیشه کار و نبرد امتحان
دست به دریا و صحرا می زنیم
تا که دنیا یم شود رخشنده تر
بر شما خلق زمین با دا سلام

بهر خلق نو خرو شان نوین
نو جوا ن و پر توا ن تابنده باد
الفت و پیو ند مر دا ن قمر
غیر ت شو ریده کو هسار ما
ناله شور جوانی میدهد
بر فضای اینجهان بالا شده
بهر تحقیق رمو ز اینجهان
جان باین دنیا و پهنا می ز نیم
عالی ومقبل تر وزیبنده تر
از رهبر صلح جو با دا کلام

(کلیوال)

قسم است

مرا به آبله دست کار گر قسم است
مرا به اشکم خا لی رنجبر قسم ا ست
مرا به کودك بیچاره یتیم که او
زفیض علم و کمال است بی‌خبرقسم‌است

مرا به کوچی بی سر پناه وبی مسکن
که هرزمان، ،به جائی کندسفرقسم‌است
به دست و پنجه پر زور د هقان وطن
که کار می کند ازشام‌تاسحر قسم است
مرا به آنکه شب و روز چوب می‌شکنند
به دست وپاشی بودزخم‌صدتبرقسم‌است
مرا به آنکه شبانی کند به دره و کوه
زوضع زندگی شهر بی خبر قسم است
مرا به بیوه زنانیکه چرخ ودوك‌بدست
زبهر لقمه نا نند در بدر قسم است
مرا به با به پیر ی که بار عایله را
دهد جواب‌به اشکی،چنان گهرقسم‌است
که دژ کهنه غدار سر نگون ساخت
بسوی عالم نو کنم نظر قسم است
زخون ا هل ستم نهر آسیاب سازم
بدینطریق نسازم اگر «سحر»قسم‌است
یعقوب «سحر» رستا قی محصل صنف
سوم پوهنځی طب کابل

دم ، ښرگندوی لیکنه

یو بام او دوه هوا

نه پوهیږم چې څنګه یې ووایم او ولیکم .
څولنډه اوکنډه یې داچې ،درنو لوستو نکو

له ډېری مودې راپه دېخوا پور تنی خبر ی
زما پاملرنه ځانته گر ځولې‌وه، له‌هر چا به
می چې دا خبره اوریدله چې : (یو بام اودوه
هوا) په رنګا رنګ فکر و نو کی به ډوب
پاتی شوم ، دچاخبره کله به یو څه او کله
به‌بل څه‌راته‌مخی ته کیدل.

کله به می چې دچاله خو لې پور تنی
(اصطلاح) و اورید له نو بیا به می د ځان
دپو هید لو له پاره تر ینه پو ښتنه کو له
چې: یاره ! اصله معنی او هدف یې څه
دی ؟

خو هر چابه دخپل ذوق او توان په اندازه
پری د تعبیر او تفسیر خبری اتری کولی ،
په فولکلو ریك اړخ ډېری ښرگند و نی کیدلی
او ډېر وخت به یې دفولکلوری پو هو په
رڼاکی اصل هدف او معنی ته ځیرونکی
ورنږدی کیدل .

رښتیا هم چې دفو لکلور علم خود(خلکو)
درو ایا تو ، نظر یاتو ، او ښر گندو نو
پربنسټ کلك ولاړدی او دټولنودکړو،وړو
له تل څخه یې سر چینه نیولی ده ، هغوی
به ویل چې خبره خو داده چې :

که‌موفکر کړی وی : «خوابنې تل په
زوم ډېره مهر بانه وی» دلور په نسبت
یی ، د (ننګور) سره چندان جوړه نه

وی نودا خو دسوسیولوژی علم هم
ثابته کړی ، ځکه چې خوابنې فکر کوی چې
نگور به په کور کې ددې ځای و نیسی یاپه
بل ډول دهغی دکور خا وندہ به شی
او لور یې دبل دکور میرمنه کیږی نودخپلی
لور په خاطر هم دزوم ډېر لحاظ کوی دا چې
پخپل کورکی دزوی میر من (نګور) خپل
سیال گڼی نو دومره پیرزو ینه او مینه هم
پری نه کوی .

نوځکه وایی چې : داوړی شپې ورځی وی
دبام په یوه گوټ‌کی «زوی او نګور» او په
بل گوټ‌کی یی«لور اوزوم» ویده و په

دغه وخت کی د (زوی اوزوم خاونده) گوری
چې زوی او نگور یې سره نږدې پر ا ته
دی او لور اوزوم یې سره لری ، زوی‌او نگور
ته‌وایی : «داڅه کړی سره لری شی
گرمی ده ! »دبام په‌هغه‌بل گوټ‌کی‌زوم‌اولور
ته وایی :
«بچیانو سره نږدې شی چې ساړه
دی ! » .
خوی غریب سر را پورته کوی وایی چې

مور جانی عجیبه ده چې :
(یو بام او دوه هوا) ، په یوه بام کی
څنگه د مروه تو پیر شته چې څوك سره‌لری
کوی او نورو ته وایی چې سره نږدی
شی ، دا خویی فولکلور یك اړخ وچی په
نکلونو او کورنیو چارو کی د بیلگی په
ډول یی یادونه کیدله .

پو هو ولاړدی نو هرو مرو اصلی ریښه او هو،داچی فولکلور دخلکو پر تجر بو او سر چینه یی هم علمی اړ خونه لری ، هره خبره یی دخلکو له تجر بو او کړو وړو څخه را پورته شوی وی ، دخلکو خبری تل‌طبقاتی اړخ لری نو دپورته اساسی ټکی منبع او سر چینه هم دیو کلك طبقاتی اړخ درلودونکی دی .

که دلو ستو نکو خو ښه وی نو د پو رته اصطلاح پر طبقا تی اړخ به څه ناڅه ووایو، په هغه هیواد کی چی ټو لنه یی په دا سی دوه هو او کی ژوند و کړی چی د چا په کی سا ړه او دچا په کی گر می کیږ ی، په داسی ټولنه کی چی یو یی له لو څوا لی او بربنډ توب څخه دژمـی یخنی اوساړه ژامی ورکړ پـوی او غم لړی کړ سا تـر ینـه پورته کیږی ،بل یی دا سی لوړ قیمته وړین او ډبل کالی اغو ستی وی چی پـه هـماغه یخنـی کـی پـر ی د عیـا شی او مستی خو لی را روانی وی .

په دا سی یوه ټولنه کی چی دیو ترغوږد ډوډی آواز وی، یوته دی وچاو سوړ جـواری او روټی (وربشینه ډوډی) نـه‌رسیږی ، د بل دی له ښو نعمتونو او خورا کو نو څخه زړه را سکیږ ی ، هغه دپښتو ژبی متل دی‌چی «موړدوږی په حال څه خبر دی .»

په داسی یوه ټولنه‌کی‌چی د چا زړه د پلی تللو اوستو ما نیو څخه چاود وی ، پر شا یی دزخمو نو او پولیو شمیر نه و ی معلو م ، غو ږونه یی د شتمنی طبقی دموټرو خاوندانو په‌غر هار اوهار نډونو ورکا نـه کړی وی دیربی وزلی یی دخپلی بی هوښی په و خت کی پر خپلو موټرو ز خمی کړ ی او وژلی ،دایی لاڅه کړی چی نور خـو دشتو خاوند دموټـر وله مودو نـو څخه هم ستو مانه شوی وی او دا خبره چـی : «سپورد پلی په حال څه خبر دی .»

آه ، چی له یاده می ونه وځی یوه ورځ‌می په یوه کتا ب کی ولیدل چی لیکلی یی و ه په یوه رو غتون کی دوه تنه دځنکندن (مړه‌ـ کیدلو) په حالت کی وه هغه ځنکه هغـه داسی :

یوله ډیر ی مستی او عیاشی څخه دوینی دفشا ر دپو رته کیده له امله او بل یـی دکم خو نی او بی وزلی له لاسه .

نوکه‌سترگی پټی نه‌کړو اولـه وا قعیت څخه تیر نه شو په یوه ټولنه کی چـی داپورته لنډ ټکی وویل شول مو جو دو ی‌نو ایا دغه ټولنه به دیو با م او دوه هواو خاونده نه‌وی ؟ **آیا په داسی یوه ټولنه** به دغه ډول نور تو پیرو نه نه وی او کـه ربښتیا ووایو د(یوبام او دوه‌هوا) داصطلاح طبقا تی اړخ به موپه ربښتیا سره پیژ ند لی نه وی ؟ زه خو فکر کو م چی د همد ی‌خبری دطبقا تی اړخ دڅر گندولو له پا ره به‌همدغه پورته بیلگی بسنه و کړی .

راځی نو در نولو ستو نکو چی او س‌په ربښتیا نی ډول هغه با م ته پا ملر نـه وکړو چی هلته په کی یوه هوا وی ، یعنی داچی ساړه او گر می یی په هر گوټ کـی سره تو پیرو نلری ، نو داسی یو با م به کله او چیرته و مینډ ل شی او څوك به یـی منځ ته راوړی ؟

آیینهٔ اعمال

نام توامین بود حقیقت بودی خائن
سفاك و جفاجو وستمگـرو بدایین

از خون شهیدان همه دشت و دمن را
رنگین نمودیش چو کلکت همه‌رنگین

این لاله‌که برخاسته‌است رمزنگاهش
هرکس نتوان دید بجزچشم‌جهان بین

این فطرت پست توازل بودنه امروز
یا شیوهٔ قدرت جفـای تـو معیـن

کردی همه رادربدر و خاك بسر هم
ای وحشی جاهل وای ظالم پر کین

هیچ خانه ئی بی‌گریه وافغان ندیدم
از جور توای خائن پس‌فطرت چرکین

خوبی زتوهیچکس ندیده‌است بکارت
ای جانی بدرگ وای خون خوربدبین

این‌لکه ننگین که برخاك گذاشتی
تا روز قیامت نشود دور بتو نفرین

آئینه ئی اعمال تو این بود که دیدیم
نفرین بتونفرین ـ نفرین بتو نفرین

(کیوان) تو مکن ناله وفریادگریس
عالم همه گردید ز افغان تو غمگین

بیتو

بیتو هرگز نرودپای به کاشانه‌مـن
بیوجودتو همیشـی سرد بودخانه مـن
گر نبا شی تو ، بود کلبه من‌چون شب تار
که تو‌ئی‌مشعـل رخشا ن جا و دانه مـن
تو همچو شمع فرو زا ن مجلس‌آرا ئی
مشوبعیـد خدا را ز آستانه مـن
چنـا ن کینانه بود قلب من‌زتیرفسو ن
مبـادز تیر محبت تهی کنا نـه مـن
خرو ش بلبل طبعـم زنگهت توبـود
تو یی‌الهـام شعر و گرمی ترانه مـن
تا نبا شـد گل رو ی تـو درآئینه دل
بر نخیزددمی گلبا نگ عـا شقا نه مـن
ز لوح رو ی من برد رنگ ز رد«شفق»
چوصبح‌روی تو تابد بر آشیا نـه مـن

شعر از : میر حبیب الله «شفق»

زما شعره

مادزړه حالو نه چا ته
پدی ژبه می ویلی
ما دخلکو دا دردونه
په څه رنگه را پییلی
دکاغذ پرمخ به څنگه
په ژړا ژړا لیکلی
که ته نه وای! که ته نه **وای**
زما شعره ــ زما شعره
ته زما دمینی راز ئی
ته زما دزړه همراز ئی
ته دخلکو یو آواز ئی
ته زما د ژ وندون ساز **ئی**
زه به چاسره په ر از **وای**
یا به چاسره همراز **وای**
که ته نه وای
که ته نه وای
زما شعره‌ــ زما شعره
ما دخلکو د غربت نه
دکلو کلو فرقت نه
پدی خپل کور او کاله کی
دهرڅه له محرو میت نه
ددوی تیت پرك ژوندون نه
ددوی هرډول مشقت نه
ما به څه شی **وای لیکلی**
یا می څرنگه لیکلی
که‌ته نه وای
که‌ته نه وای
زما شعره ــ زماشعره
نن چی خلکو کی اوسیږم
یا چی ساه لرم خو څیږم
دا چی خمه مخ په وړاندی
نه تمیږم ــنه تمیږم
دا چی هر وخت اوهر ځای کی
زه دخلکو نه جاریږم
دا به نه ړای
که ته نه وای
زما شعر ه‌ــ زما شعره
ای زما سره تل مله
ته زما دلاس اسا ئی
ته زما شمع یی بله

که پا ملرنه و شی اوس موږ د یو ی‌داسی ټولنی خا وندا ن گرځو چی هلته یی با م‌یوه هوا لری ، هیڅ لوړ تیا او طبقا تی تو پیربه پکی لوړه اوښکته طبقه نـه‌وی ، هـلته په پکی لوړه او ښکته طبقه نه وی ، هلتـه به د کار گر ، بزگر او مز دور د لا س په تناکو ځـوك به‌دوینو دفشار په‌نارو غی اخته نشی ، هلته به دزیا ر گا لو نکو د لا س محصو ل څوك نه شی استثمار ولی.

هو ، ربښتیا هم موږ دهمدا سی با م په جو ړولو بوخت یو چی سر تر سره بـه دیوی هوا در لو دو نکی وی ، ددی بام زمـوږ د خلکـو دربښتینی بچیانو دخلـکو ددموکراتیك گوند تر مشری لاندی اودثوردڅـ غورنده او نه ماتید ونکی انقلاب د [illegible] بنسټ دثورپه‌شانه‌تلونکی‌انقلاب وړانگو کی‌په په شا نه تلو نکی انقلاب وړا نگو کی په ځلیدو نکی ډول د بشپړ ید لو په لور روان وی .

نوراځی‌چی په‌کلك عزم ،ټینگه اروه، داوزړه غښتلوگامو نو اوپوره‌میړانه دخپلی بی‌وزلی ټـولنی دسو کالی او آرامی په‌خاطردخـپلو وطنپالو وروڼو سره‌څنگ‌په‌څنگ دافغانستان دخلکو ددموکراتیك واحدگوندپه‌هلو ځلو کړ یوی آرامی او سو کا لی ټو لنی خا وندا ن شوچی هلته دسړی څخه دسړی‌استثمارنه‌وی.

هغوی چې ژوندی دي

«ژان لافایت»

(تیر پسی)

زموږ دوست (داکتر پارابلوم) هم ددوی په منځ کی دی. دخپلو ۱ ك اردوگاه(زموږد اردو گاه‌هغه بر خه چی دقرنطین لاندی‌نه‌وه دخپلواك اردوگاه‌په نامه یاداوه او دایوه‌ټوگه وه) ملگری داسی ترتیبات نیولی دی چی دوی ته هره ورځ خودانی ډوډی او یوه کاسه ښوروا ورکړی ، ځکه چی‌ددوی‌د خواړه برخه(سهمیه) سره له دی چی ډیرزیات کارکوی دنوروپه پرتله لږ ده. برسیره پردی دوی‌دهغویهودی بندیانو پاتی بر خه دی کوم چی‌دیوه‌بـــــی ساری وژلو په ترڅ کی له مینځه تللی وو پدغه وژلو کی پنځلس یاشل زره‌یهود یان قربانی شوی و .

یوفرانسوی چی (نیوا)نومیږی مو ږ سره په‌کار گاه کی کار کوی ٠دی په پنځـــم‌نمبر بلوك کی یهودیانو سره یوځای ژوند کوی او دهغوی خبرو نه‌راوړی. پدی وروستیـــو وختوکی دهغوی یوتن بلژیکی چی کمونیست

هم دی ژول ته‌یو پیغام استولی وو چی نور مقاومت نشی کولی او زیاته‌کړی وه چـــی د (کاپو) دورځ په ورځ زیاتیدونکی‌وهلواو ټکو- لوځخه معلومیږی چی ماوژنی خوزه ددی لپاره چی ځان بی غمه کړم غواړم چی اغزی لرونکی مزی باندی ځان واچوم • ژول ورته وویل: یوکمونیست حـــق‌نلری چی خود کشی وکړی دغه یهودی ملگری ځو شیبی سوچ‌کړی وو

او وروسته یی بیاژول ته ویلی وو چی دهغه خبره ربښتیا ده او پس له‌دی‌نه‌به‌دهری‌پیښی

په وړاندی مقاومت وکړی، دغه تصمیم دهغه په ګټه وه‌داځکه چی‌خو ورځی وروسته دپنځم نمبر بلوك رئیس اعلان وکړچی نور به کلیمیان (یهودیان) ونه وژل شی ، دغه خبره په بیړه په ټوله اردوگاه کښی خپور شواو هر څوك

دهغه په‌شاو خواکی غږیږی ، موږ دغه خبری ته ډیر خوشبین نه‌یو ځکه چی دا لوړی ځل ندی چی دغه خبره دجلادانو دخولی نه اورو • خوله تردید ځخه یی پرته باید ومنوچی ددغه خبر څخه پس څ ه‌ناخه زموږ دملگروپه وړاندی ددااردوگاه دار بابانو چال چلند بدل شوی‌دی• دهغوی کومانډو ، اردوگام‌ته دشگوپه وړلو راوړ لو گمارل شوی دی او داکارندی‌ساعت- تیری ده. موږیوه‌ورځ ماسپښین هغوی‌ولیدل چی ډیر آرام یی کار کاوه او کاپوهم هغوی

ته څه نه ویل •

جی‌جی عقیده در لوده چی :

-دنیکمرغی نښه نښانه ده • اوس انکارنشی کیدلی چی آلمانیان خپل‌وروستی ورځی تیروی•

زموږ دملگر و او دوستانو په زړونوکی نوی هیلی ژوندی شوی ،(داکترپارابلوم)چی‌تـــل به یی موږ ته وایه :

(ما یواځنی هیله داده چی ددسا مبر ترمیاشت پوری ژوندی پاتی شو) کله چی‌دلری‌نه‌مو ږ گوری وایی هلکا نو سلام !او دغه سلام‌له‌ډاډ او هیلی ځخه ډك وی .

یوه سبایی (نیوا) په غمجنه بڼه راغـــی او موږته یی وویل :

-نن به‌دوه کسه یهودی بندیان چاښواری کړی • بیګاشپه یی هغوی ته دغه خبرورکړ ترسبا پوری موخوب ونه کړ•

مانبام چی دکار نه بیرته راستنیدو دحاضری په ډگرکی موهغوی ولیدل • دهغوی پیژندنه

دژیړ مثلث دعلامی له مخی چی پرکالیوباندی یی ټومبلی دی، کوم گران کار نـــدی دوی یواځی شل کسه وو • وروسته له هغه نه‌یی یوآرام ژوند تیرکړ • اوبیایی یوه ورځ دهغوی

دری کسه دمخکینی اطلاع ځخه پرته ووژل• دغه کار دساتونکی له خوا اشتبا ها سر ته رسیدلی و ؟! داځکه چی نوی دستور هغه‌ته‌نه وه رسیدلی •

بیاهم تکرار ول چی باید یهود یان ونه‌وژل شی • وروسته بیایوه ورځ زموږ دوست ډاکتر پارابلوم دحاضر ی په وخت کی تری تم و ، وروسته بیایواځی شپاړلس کسه پاتی شول ، بیا یواځی دوولس کسه ، بیا یواځی اته کسه وروسته بیا پنځه کسه ، نوهیڅ‌هیله نده پاتی •

نن سهار مود هغه ځنګل ځخه چی اردوگاه ته څیر مه واقع شوی‌ده ددووډزوغږ واوریـــد مانبام چی‌دکار ځخه بیرته راتلو دواټ په‌مخ کی مویوه سپینه دایره ولیدله • دمخکی‌په‌یوه نقطه‌کی‌یی د چونی خاوری شیندلی وی‌اوسبا بیاکله چی کارته تلو دحاضری په ډګر کی‌اود

یهودیانو په مخصوص ځای کی هیڅ یو یهودی نه ووڅه دهغوی وروستی سړی یواولس کلن

ځوان وچی سهار مړشوی دی ، سر یی په هغه واټ کی چی‌دځنگله‌له څنډی ځخه‌تیریږی

دیون سره ټکولی وواو همدا اوس په هغه نقطه کی دچونی گردد ختو اووینو سره یوځای‌پراته دی •

* * *

اوت - بیدیا ځومره ښکلی ده • زه شارلو اویو تن هسپانوی‌دکارگاه ځخه‌بهر په کارگمارل شوی یو موږ ته دستور راکړ شوی وچـــی دګاونډی کار گاه‌ځخه یوه‌زینه راوړلو• دیونری واټ ځخه تیریظو ددغه واټ په څنډوکی ډیری ونی ا وشنه ،شنی شوی دی‌زموږ په‌سترگوکی هرشی ښکلی اوپر تمین ښکاری هځه کووچی تر ممکنه حده پوری تازه هواتنفس‌کړو موږ

ته داسی ښکاری چی سل فرسخه دکارگاه ځخه لیری شوی یو، بی‌له بیړی‌ځخه‌په‌یولیك

کی او یودبل پسی لار وهو زه په منځ کی‌یم موږ پسی یوز وړ اس - اس دخپل سپك‌ماشین گڼ سره را روان دی دنجیبو خلکو بڼه لری اوموږ باندی بیړه‌نه‌کوی نا ځاپه موستر گی یوناك باندی چی دواټ په ځنډه کی‌زموږپه‌دوه

قد می کی پروت دی،لویږی.اسپانوی‌دساتونکی خواته ځي او د نیمگړی آلما نی ژبی سره‌اجازه

غواړی چی هغه ناك دمخکی ځخه پورته کړی اوو خوری ساتونکی خاندی ، داسی‌ښکاری‌چی

موافقه لری اسپانوی دناك خواته ټوپ وهی خوپه هماغه شیبه کی موږ ته څیرمه دډزغږ پورته کیږی او اسپانوی پرمخ پرمځکه لویږی

لاس یی لاتر اوسه دناك‌خواته اوږ ددی‌خوهغه به ناك ته ونه رسیږی دلاسونوگوتی‌یی‌دتشنج په حال کی مځکه شوکاری کوی • دزوړ جمپر په مخ کی‌یی دوینو رنگ ښکاری •

هلی، هلی ژر، ژرلار و وهی•

اســ اس موږ ټیل وهی دماشین گڼ دمیلی دخولی ځخه یی لوگی پورته کیږی•

همدا اوس به یو صاحب منصب راشی او عکاسی به وکړی •

دا (نورمال کوماندو) (معمولی کوماندو)ده•

* * *

سپتامبر -دانگور ود ټولو لو میاشت • نن په کار گاه کی دماسپیښین دتفریح وخـــت اوږدیږی .هغه نمایش‌چی تراوسه‌می نـــه ولیدلی زمادستر گوپه وړاندی‌روان دی •دیکور

یوه ستره تیږه ده‌دپنځوسو مترو په جگ‌والی چی دځاه په‌ځنډه کی‌پرته ده •داهـــغه‌تیـــږه ده چی تیرکال په زرگونو یهودیان‌دهغه له‌سره لاندی اچول شوی و • ددغه دتیږی نه جوړ شوی دیوال په منځنی برخه کی ددووسوریو

په منځ کـــــی یـــوه ونـــه‌شنه‌شویده‌او ځینی وختو نه هغو کسا نـــــو چی‌ددغی‌تیږی له سره به لاندی گذار کیدل ځانونه به یی دغی ونی سره نښلول او وروسته بیابه هماغته

دمرد کوباران‌وربا‌ندی اوریده تر ځوچی‌دوروستی ژغورنی دوسیلی ځخه لاس واخلی خواوس‌په دغه کار ځوك لاس نه پوری کوی .

دشپیتو تنو په شاوخواکی بندیان دهمدغی تیږی‌ترلاندی تگ راتگ کولـــی • دشوروی

پوځ په ځیر یو ښیفو رمونه یی اغوستی‌دی• دیو نیفورم شاکی د (اس-او) نښه لیکـــل شوی دی • ډیر ورو ورو کار کوی •

موږ په ډیر حیرانتیا سره گوروچی دوی‌یوه ټوټه پنځه کیلویی‌تیږه په زنبیل کـــــی‌اچوی اوپه څلور کسیزه توگه یی وړی چرمی بوټونه په‌پښوکی لری •دښوځخه‌یی‌روغتیا او خوشحالی

اوری • دهغو پتلیوپر مخ چی دباری واگونونو لپاره جوړ شوی دی‌یوه‌اواره باروړونکی‌واگون ښوییږی او پر هغه باندی دفلم اخستلویوه کمره اود ستگاه ایښودل شوی ده ، اویوسړی دکار گاه دبیلو بیلو برخو ځخه فلم نیسی•

ددی لپاره چی دښد یانو حقیقی ژوند ؟! په‌ښه توگه وښیی ، هریوه‌ته‌یی یوه‌دانه سگرټ‌هم ورکړی‌دی چی دکار کو لو په ترځ کی‌یی‌وڅکوی دادی یو تبلیغاتی‌تصویر دنړی‌دیوی وحشتناکی څنډی ځخه د(گوبلز) نوکران دهری پیښی‌نه گټه اخلی •

(دخوشحالی شیبې)

کله چی ځوان هلك وم ، دهغه زندانی کیسه می‌لوستلی وه کوم چی پخپله بند یخانه کی‌یی یواځی ژوندکاوه • دغه بندی داوږدو کلونـــو په‌ترځ کی پرته‌دخپل ساتونکی دځیری‌ځخه‌بل‌هیڅ شی‌نه‌لیده‌اوبیرته‌له هغه‌نه‌به‌یی‌له‌هیڅ‌چا سره لید نه کتنه نشوای کولای ، او هغه چـــی هیڅ نه غږیده په نړی کی بی وزلـــــه او یواځی پاته شوی و. دجیل خانی‌دپنجرودشانه

به‌یی یوستر دیوال هم لیدلی شو• خود دغه دیوال دشته والی له‌کبله بـــه ده آسمان‌نشو لید لای. یوه ورځ معلومه نده چی څرنگه‌یوه وړه گیاه دیوی تیږی له درز ځخه شنه‌شوه ددی لپاره چی دغه گیاه دده اړیکی دبهرنـــی نړی سره ټینگول له هغه سره لکه چی‌دیوه حیوان سره مخامخ وی آموخته‌شو . په ډیره مینه سره به‌یی دهغی‌ودی اولاشنه کیدلو ته

کتل او دهغی دلید لوځخه به‌یی ډیر خونـــد اخیست یوه ورځ ساتونکی دغه گیاه ولیده‌او هغه یی وشکاوه دهغه دا کار دبی وزلی بندی زړه وشکاوه .

زه هره شپه دحاضری به وخت‌کی یداسې
حال کی چی هغه باغچی ته چی‌بلوک‌ته‌څیرمه
واقع شوی ده ، گوم نوددغی‌کیسی په یاد
لویږم په دغه باغچه کی سری راز رازرنگونه
لیدلی شی اوزه دغه رنگونه پخپل یاد کی لرم
اودهغه دلید لونه یوه بی پایه او رښتنی
خوشحالی راپه برخه کیږی اودسهار له مخی
کله چی گلان لاغوړیدلی نه وی زه دهغی‌لمحی
انتظار باسم چی گلان وغوړیږی او ددغه
وحشتناک چاپیر یال په‌مخ‌وخاندی. هغه
شیبه چی سری دیوه گل دښکلاپه شاو خواکی
سوچ کوی ، دژوند دښو شیبو څخه شمیرل
کیږی .

* * *

هرسهار په کار گاه کی دننه یوه غمجنه
چوپه چوپتیا خپریږی . په منظمو لیکونو کی
یوزرو پنځه سوه‌بندیان بی حرکت‌انتظار باسی
تر خوچی (کوماندو فوهرر)راشی او بندیان
وشمیری . دغه کار یواځی خوتانیی اوږدیږی
خوداسی چوپه چوپتیاوی چی سری کولی‌شی
دمچانو وززو غږ واوری . هره ورځ په‌همدغه
شیبه هغه مرغه چی دتیږوپه سرکی بی‌ځاله
جوړ ه کړیده په نغموپیل کوی ، دغه مرغه
دلمردهر کلی لپاره سندری‌وایی .

ماهیځکله ددغه مرغه دغږ په څیر خوږه
نغمه نه‌وه اوریدلی ، خومره خوږه ده کله‌چی
سری دیوه مرغه غږ وپیژنی .

* * *

دنور وور څو یه څیریوه‌ورځ ده دگشافاتو
دبیرلو نود وړلود شاقه کار څخه بیرته راغوږ
مخکی له دی نه چی دروغتون خواته بیرته لاړ
شود غرمی دوډی لپاره یوځه‌تم کیږ و.هغه
اسپانوی (کاپو) چی راسره دی موږ ته اجازه
راکوی چی دلته دواړ په څنډه‌کی لږ څه‌یسم
شو . زه دهغه چمن دلته نږدی ده یوه‌دسته
گلان ټولوم .اندره اوشا رلو پرته له‌دی نه‌چی
څه ووایی همدغه او کارکوی، نور فرانسویان‌په
لوړو ی سرکی موږ ته څیر څیر گوری هو
ورسته بیا هغوی هم‌موږ نه تقلید کوی .
موږ په دیر تاثر سره دفرانسوی دری رنگه
بیرق ته گورو . نن دژونیه څوار لسمه‌نیټه
ده. دوه کاله مخکی دژوییه څوارلسمی نیټی په
شا وخواکی کله چی په پاریس کی وم ،سوچ
کوم . دریو څوانو نجو نو کالی چی څنگ‌تر
څنگ روانی‌وی . دفرانسی دبیرق ښکارندوی
دی . دپاریس په‌هکله سوچ‌کوم چی د(بوشانو)
ترنظر لاندی دفرانسی له رنگونو سره یی‌څان
ښکلی کول ا وهرومرو نن‌بههم همداسی وی
موږ هم دخپل څان لپاره یو بیرغ جوړ کړی
دی .

ـځنگه ده‌چی دغه گلان‌پخپلو ټټر ونو وټومبو
څنگه ده ملگرو ؟
هغه شیبه‌خومره خوندووروسته شیبه‌ده‌چی‌سری
دیو سمبول په ارزښت باندی پوه شی.

د منی یو ما زدیگر آسمان چې
دوریځو دخو ټوټو څخه پټه‌شوی‌وه سوررنگ
شوی دی .

موږ همدااوس دهغو وحشتناکو زینو څخه
ښکته شوی یو، زموږ په وړاندی ددانوپ دښته
دیوه ستر سمندر په‌څیرخپور شوی ده‌اوهلته
ډیر لری دالپ غرونه .لمردمړی شوی سکروټو
په څیر هلته ځوبیږی . غرونه موږ ته ډیر
ستر ښکاری . غرنو څوکی دسپینوزرو په
څیر برلیښی . داسی‌ښکاری‌چی‌وریځی‌اوآسمان
دسرو زرو په اوډکی سوزیږ ی ماهیځکله په
طبیعت کی دو مره ښکلی منظره نه‌وه لیدلی
ورو ورو اوپه یوه‌ځانگړی حالت‌ددغه فوق‌العاده
ښکلاپه وړاندی چی«الپرول» په‌کال‌کی دوه
خلی لیدونکوته وړاندی کوی . لاروهم .پدغه
شیبه کی دری زره کسه بندیان‌خپل ټول غمونه
ددغی منظری‌په‌لیدوسره له‌یاده‌باسی یوسترشی
یو فوق‌العاده احساس چی توصیف یی گران
دی دلامارتین یوشعر راپه یادوی : «دیونارغ
په بسترگوکی ، لمر څومره ښکلی دی.»

* * *

اواوس کوچنی شیان .کله چی دگروونکواو
گرانو کارو نونه وروسته ، ددوړ واو سرو‌په
منځ‌کی ، لمر زموږ خواته خاندی . کله چی
سیوری دستری تیږی خواته ځی ، کله چی
درنایی دمنبعی لوموړیووړ انگودسری‌بدن‌نوازش
کوی ، داسی دنیگمرغی اوآرامی احساس موږ
کی پیدا کیږی چی ته‌به وایی دژوند عصاره
زموږ ځانونو کی تزریق کوی . دغه احساس
ډیر نه اوږ دیږی څوهر څه چی ده دخوشحالی
شیبی دی .

دورځی په نیمایی کی . کله چی دوه‌یادری
کسه دتیږ واویا واگونونو تر شاسره ټولیږو،
کله چی په وارسره یو سگرټ څکوو ، کله
چی ډیر لږ لوگی موسږ وته تیروو سرونه
موجود لیږ ی ، یو دگرځتی حالت لاس راکوی
چی دځوتانیو لپاره موږ بلی دنیاته بیایی
ډیر لږ شی دی څو هر څه چی ده زموږ په
کړیدلی ژوندکی دخوښی شیبی دی .

دشپی کله چی اردوگاه ته راستنیږو، کله
چی حاضر ی تمامیږ ی او سخت کارونه سرته
رسیږی او موږ یوه گوله ډوډۍ په لاس کی
لرو او کولی شوچی دکوټی په مخ کی کښینو
کله چی دغه ډوډۍ غوځوو اودهغه وړی زری
هم ټولوو، کله چی دغه توره ډوډۍ خولی ته
اچوو اوپه ډیره اشتها سره هغه خورو کله
چی کولی شوو وایو :(هیڅ شی دومره خوند
وره نده) دغه شیبی هم زموږ دکړ او ځخه
ډک ژوندکی دخوشی لمحی دی .

خوددی نه هم هغه شیبه خونده ورده کله
چی دغرمی دوډۍ په هکله سوچ کوو .
څو خپل کار پسی . مخ کی له‌دی چی‌بلوک
نه حرکت وکړو خپل بلزیکی ملگری ارنست
گورو . هغه رسمی ژبی سره بلد تیالری او
هره ورځ زیار باسی «ولکشیربئو باختر»(دنازی
دگوند ورځپانه) چی‌یواځی آلمانیان کولی‌شی
هغه ولولی ، لولی اودهغی‌له مخی نوی‌خبرونه
موږته راوړی . کله چی دارد وگاه‌ددروازی‌څخه
وخو بندیان په منډ وپیل کوی فرانسو یان
سره ټولیږی ، دهمیشنی عادت سره سم
«سربر» وایی :

ـخبر شوی یی ؟

ـهوکی وضعه ښه‌ده خارکوف خپلواک
شوی دی .

ـهلکانو خار کوف آزاد شوی ، هلکانو!

دغه خبر خوله‌په خوله گرځی ، کاپوکولی
شی چی موږ باندی چیغی ووهی ، اس ـاس
کولی شی چی پهره وکړی خوخار کوف خپلواک
شوی دی.

شار لوپوښتنه کوی :

ـښایی چی (اوره‌ل) هم خپلواکه شوی‌وی؟

ـهر ومرو خپلواکه شوی ده . اوس نوخته
له مخی نه لری شوی‌دی اوده«دنیپر» لا ر ه
هم خلاصه شوی ده .

ـد(خار کوف) نه تر (کیف) پوری څو کیلو
متره و اټن ده !

دلته دسیمون واردی چی ډیر ژر ځواب
ورکړی :

ـاټکلا دری سوه او پنځوس کیلو متره .
سیمون دتل په‌څیر داعداد واو ارقامو سره
سرو کار لری . هغه پوهیږی چی په شمال
کی سود پوځ دلتوا نی په پنځوس کیلومتری
کی دی‌او سیمون دجبهی ټولی گربښی پخپله
حافظه کی لری اودځگړی نقش دهغه په‌یاد
کی ده .

ـآیا دآلمان خبرسونکی آژانس دخار کوف
سقوط تایید کړی که‌نه ؟

ـهوکی دپرون‌نه راهیسی یی دغه خبر تایید
کړی ده .

ـ په نورو جبهو کی څنگه ؟

ـزه پدی هکله نور څه‌نه پوهیږم .

یوبل بندی پوښتنه کوی :

دلوبدیځی جبهی نه څه خبرده ؟

سیمون دهغه خبره غوځوی اووایی :

په لوید یځ کی گومه جبهه نشته .

وبخښی ایطالیا څنگه ؟

ـایطا لیا ؟ پدی هکله غواړی چی په‌څه
باندی پوه شی ؟ سوچ کوی چی که ایطالیا
تسلیم شی دجگړی سر نوشت به بدل شی.
مخ کی له دی نه‌چی متفقین د(بربر) یا (آن)
څخه تیرشی روسان به له (ویستول) څخه
تیر شی . ترهغه وخته پوری چی آلمانیان
دروسیی په خاوره کی وی ، لوید یځ جبهه
به جوړه نشی .

هوکی ټوله نړی پدغه مساله پوه شوی‌دی
دروسی په هکله هر څوک چی هرراز نظریه
ولری پدغه مسله کی متفق الرای دی چی
اوس یواځی شوروی اتحاد پدغه جگړه کی
غوځ دریځ لری برسیره پردی دآلمانی‌ورځپانو
خبرونه یواځی دختیځی جبهی په هکله دی.
له همدی کبله ددی ځای بندیان داتلانتیک او
یامد یترانی دجگړو په‌سوچ کی نـدی دوی
یواځی د(دنیپر) دجگړی په هکله غږ یږی.

زینوته رسیږو .یو (گولیست) ملگری‌زما
څخه پوښتنه کوی :

ـداد خار کوف کیسه رښتیا ده ؟

ـهوکی رښتیاده .

ـ پدی اساس نور په انگلیسان پلی‌شی .
دو همه جبهه پرانستل کیږی ؟

ـزه لاتر اوسه پوره باور نلرم .

نوپدی اساس داسی وایی چی جگړه به
هیځکله پای ته‌ونه رسیږی ؟

ـاوس پدی هکله څه نشم ویلای .

ـهوکی خودا جگړه ډیره اوږده شوی‌ده ...
ډیره اوږده ....

پتی لوبی چی تر اوسه پوری یی زموږ
خبروته غوږ اینښی ویو خلی په‌قهر کیږی او
وایی :

ـسوچ کوی دهغو کسانو لپاره چی جنگیږی
دغه جگړه اوږده شوی نده ؟

تاسی دځبرو نو دتر لاسه کولو په هکله
دومره بیړه لری‌چی‌سری ته‌خنداورځی که‌یوه
ورځ تاسوته خبرونه ونه رسیږی وارخطاکیږی

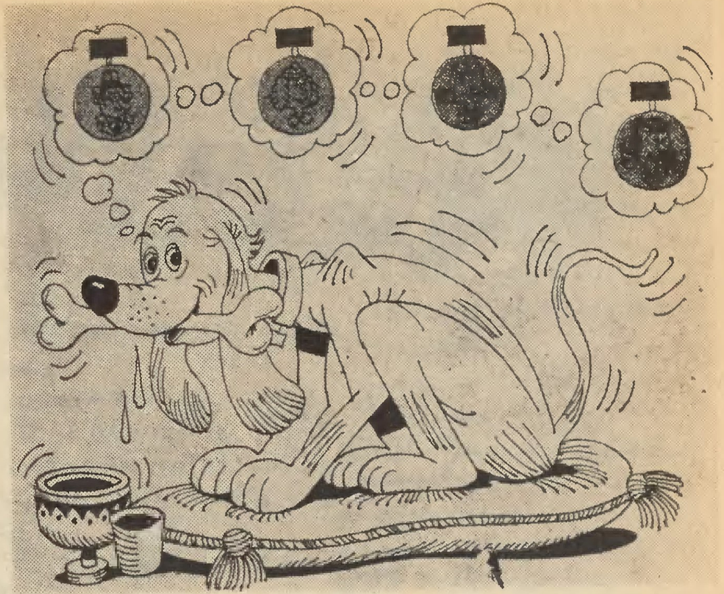
ماته هیڅ شی مهم ندی پرته له دی نه‌چی
دآلمان ماتی حتمی بولم . آلمانیان به ماتی
وخوری .

ـموږ هم همدا سی پتی لوبی جانه اوکه
دغه ډاډ هره ورځ تکرار شی کوم ضرر بـه
ونلری .

په بیړه دزینو نه ښکته کیږو کله چی دځاه
وروستی برخی ته رسیږو ددی لپاره چې
دکاوین څخه بیر ته پاتی نشو په منډه پیل
کوو څود قیقی وروسته به‌په کار پیل کوو.موږ
تراوسه پوری هیڅ شی ندی خوړلی خودسهار
دخوند وروخبرونو څخه مونوی انرژی پیدا کړی
دی. موږ پوهیږ و چی‌هلته په ډیره لیری‌سیمه
کی سر ښند ونکی پوځیان مخ په وړاندی‌زموږ
خواته راځی موږ ت هم ښایی چی مقاومت وکړو
زموږ بریالیتوب زموږ په مقاومت کی دی .

هغه شیبه څومره خونده ورده‌ده چی یوځبر
زموږ قوت نوی کوی .همداسی شیبی داردوگاه
سختی ورځی زغم وړوړځ گرځوی. څو
خوښی که لویه وی اویا کوچنی دیوی شیبی
نه زیات نه اوږ دیږی .

دهماغه افسانوی بندی په څیر چی ساتونکی
یی دهغی هیلی او ارزو گانی له مینځه وړی
اودهغه اړیکی له بهر سره‌غوځوی زموږ هیلی
هم به یوی نړی مزی پوری تړلی شوی دی.
(نوربیا)



از : سپو تنیك

ترجمه از : احمد شاه

من و گروه من

قطعهٔ تفریحی از زبان یك حیوان (سگ)

چندی قبل توجه چار نفر را به خود جلب کردم : اینها صاحبم خا نمش ، پسر و دخترش‌هستند. اینها اشخاص خوب هستند ، فقط نقص آنها این بود که سر گروه یعنی مرا به خود نه پیوسته بودند حال من از آنها وارسی میکنم.شما فکر نکنید که این کار ساده است مردم را قسمی باید تسخیر کرد که آنها ازین نکته آگاه نشوند و فکر کنند که آنها ترا تسخیر میکنند .

قبل از همه ضرور بود تا ازصورت ظاهری آنها پر ستاری کنم ،زیرا آنها به گردش و تفریح و پیاده گردی ضرورت داشتند . قبل ازین پیاده گردی را فرا موش کرده بودند .همه وقت با موتر شهری، تکسی در شهر گردش میکردند اما هوای آزاد رابه‌یاد فراموشی سپرده بودند .

به این تر تیب به گردش شروع کردیم . این کار بسیار مشکل بود و بسیار مقاومت بخرچ میدا دند زیرا در انسانها غریزه حفاظه بدن وجود ندارد . اینجاست که‌ماسگها به کمك آنها شتا فتیم . هرروز ساعت شش صبح به عف عف شروع میکردم و لحاف را از بالای آنها میکشیدم وقسمی نشان میدادم که ضرور است تاهرچه زود تر بیرون روم و تحمل ندارم .

یك مرتبه غرض ایجاد باور آنها در بالکن خانه ... خیر به‌هرصورت به توضیح ضرورت نیست و هدف عمده بدست آمد زیرا هر روزصبح یکی از آنها و یاهمه‌جمعا بامن به گردش صبحانه می پر داختند . در اوایل همینکه همه کار های خودرا انجام میدادم مرا به خانه می کشا نیدند چندی بعد آنها رافریب داده و وقت را طویل میسا ختم و آنها را هر چه بیشتر از خانه دور میسا ختم . بتدریج خود را از جلو رها میکردم تا آنها نیز بتوانند با اشخاصی که در همین او قات باسگهای خود به تفر یح می آمدند ، ملاقات نمایند .

به این تر تیب به گردش عصر نیز آغاز کردند و مرحله دوم کار هایم شروع شد .

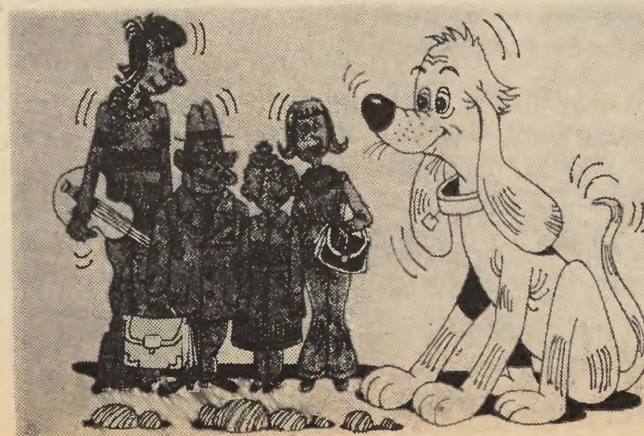
در خانه اینها هیچ وقت نان تیار نمی شد و با هم یکجا طعام صرف نمیکر دند یکی در طعام خانه دومی در رستو ران و سومی درجای دیگر صرف طعام میکردند . آنروز یکی از بهترین روز ها در زندگی‌ام میبود که خانم صاحبه کمی گوشت و یا پنیر برایم میخرید ، اما از اتفاق بد ، پسر و یا دختر آنرا صرف میکر دند . فکر کردم به این ترتیب اگر ادامه یابد مشکل‌میشود و به عملیات جدی آغاز کردم . از خوردن پنیر ، گوشت و حتی کانسرو امتناع می ورزیدم و خود را قسمی نشان میدادم که ازین خوراکه ها خوشم نمی آید اما از دهنم افرازات جاری میبود و به‌یك پارچه استخوان اکتفا میکرد .وقتیکه برای اولین بار خانم صاحبه مرغ پخت من تا آن اندازه خوشی برپا کردم که حتی آنهااشك می ریختند. اما اگر راست بگویم ما سگها استخوان های مرغ را چندان دوست نداریم زیرا ممکن است در گلوی‌مان گیر بماند .

مگر با ریسك صحت وجود خود آنرا میخوردم . بعد از همین قبیل نمایشات غرض پخت وپز سوپ شیر برنج و حتی کاهو که نمی خواهم آنرا ببینم برپا کردم . به این ترتیب بدون اینکه آنها به این نکته متوجه شوند هر روز باهم جمعا نان صرف میکر دند . اما در مقابلم پرابلم های دیگر نیز وجود داشت .

همینکه شام فرا می رسیدصاحبم نزد رفقای خودمیرفت و به شطرنج بازی میپر داخت ، خانم صاحبه‌نزد همسایه میرفت و با آنها به گفتگو شروع میکرد ، پسر در پارك با رفقایش گیتار مینواخت و د ختر ازینکه محصل بود هر روز به کدام محفل خوشی باهم صنفان خود میرفت . خلاصه هر یك به سوی کار خودمیرفت و ادامه این‌کار برایم مشکل تمام میشد . در آنوقت از خود حر کاتی نشان داده و بسیار خود را عصبانی نشان میدادم . وقتیکه یکی از آنها از خانه خارج میشد ، عف عف میکردم بسوی در وازه مید و یدم و لباس آنها را میکرفتم . آنها به بسیار دلسوزی میگفتند : ببین چقدر بخاطر ما از خود ناراحتی نشان میدهد و به این ترتیب به‌خانه دوباره باز میگشتند. رفقای خود را بخانه دعوت میکردند و از من تو صیف میکردند و می گفتند : «ببینید حال یکی از ما بالا پوش را بتن کرده و نشان میدهم که میخواهم بیرون روم و سگ ما از خود نا راحتی نشان میدهد» .

من با خود میگفتم خیر به هر صورت اگر مرا دلقك میسا زند فرقی ندارد هدف یکی است و آن اینکه اینها عادت کنند تا از خانه وقت و بی وقت خارج نشوند به عف عف زدن شروع میکردم وآنها خود را خو شبخت احساس می کردند .

بتدریج آنها در خانه می‌نشستند چای باهم می نو شید ند و مسایل ذیعلاقه خو را مطرح میکردند . من در نزدیکی آنها بالای قالین نشسته و به طرف ساعت دیواری نگاه میکردم . همینکه عقرب ساعت به یازده نزدیك میشد به عف عف شروع میکردم و به طرف چراغ مید یدم و قسمی نشان میدادم که میخواهم بخوابم اما چراغ اخلال میکند .در آنو قت چراغ را خاموش کرده و همه بخواب میر فتند.چندی نگذشته بود که به این رژیم عادت کردند . اما بعد چه ؟



بقیه در صفحه ٦٤

لکه چی تولوته څرګنده ده دزړه دریدل یوه ناوړه پیښه ده چی هر کال په نړی کی یو زیات شمیر خلک د دغه ناوړه پیښی له امله خپل خوږ ژوند له لاسه ورکوی او هم دغه نا روغی په آنی توګه او له پخوانی‌کومی نښی نه پرته په فوری توګه د انسان ژوند ته خاتمه ورکوی ، باید وویل شی چی ددغه ناوړه نا روغی زیاتره پیښی په هغو خلکو کی لیدل کیږی چی د زړه په ناروغی اخته وی .

د زړه د ناروغی خورا مهم فکتورونه له سګرټ څکول، دوینی دلوړ فشارددرلودلو اوبه وینه کی دکوسترولی موادودزیاتوالی څخه عبارت دی .

دیو شمیر هغو احصائیو له مخی چی د نړی په بیلا بیلو هیوادونو کی تر سره شوی ، دغه حقیقت تر لاسه شوی چی په سلو کی څلویښت تنه هغه ځوانان چی له دیارلسو څخه تر نهه لسو کالو پوری عمرونه لری ، پخپلوکی دغه فکتورونه لری .

دطب پوهانو د زړه دناروغی دپیښیدو او ددغه حیاتی غړی ددریدو څخه د مخنیوی



د ساینس دایجست څخه

د بریالی علی زاد ژباړه

دزړه ددریدو څخه دمخنیوی ځینی لازمی لاری چاری



په خاطر د لاندی ټکو مراعات حتمی ګڼی:

لمړی دسګرټ څکولو څخه باید په کلکه ډډه وشی :

هغه خلک چی سګرټ څکوی ، د زړه له نا روغیو ه اخته کیدو او د زړه د دریدو چانس‌یی دهغو خلکو په پرتله‌چی سګرت نه څکوی ، دوه چنده دی . نیکوتین چی د تنباکو یوه اساسی ماده ده ، داوړینا-لین د هورمون افراز تنبه کوی چه دغه اضافی اوړینالین چی د نیکوتین د تنبه په اثر په وینه کی زیات شوی ، د زړه د ضربان (ریدو) شمیر زیاتوی یعنی دزړه ضربان چی په نورمال حالت په یوه دقیقه کی اویا ده ، نوی ته لوړیږی . او حتمی ده چی د زړه د ضربان په زیاتیدو سره د انسان اړتیا آکسیجن ته هم لوړیږی .

لکه څنګه چی د سګرټو په لوګی کی په زیاته پیمانه د کاربن دای اوکساید ګاز شته ، نو دسګرټو په څکولو سره ، دغه ګاز د آکسیجن ځای په وینه کی نیسی، اونه پریږدی چی آکسیجن په آسانه توګه اوپه کافی اندازه دوینی دهموګلوبین سره تعامل وکړی ، چی پدی توګه د بدن غړو ته په کافی اندازه او آکسیجن نه رسیږی . بر سیره پر دی نیکوتین د شریانونو مجرا هم تنګوی اوپدی توګه د وینی فشار د لسو څخه‌ترشلو درجو پوری لوړ وی . زړه د دغه پیښی سره د تطابق او د بدن ټولو غړو ته د هغو د اړتیا وړ اکسیجن او وینی د رسولو په مقصد د خپل پمپولو په شدت کی زیاتوالی راوړی ، چی دغه بدلون پخپله په زړه‌کی د ځینو نورو ناوړو بدلونو او ستونزو درامنځ ته کیدو سبب ګرځی .

همدا رنګه نیکوتین په وینه کی دشحمی تیزابونو د آزادیدو او پدی توګه دوینی دسرینښناکه کیدو باعث ګرځی او په وینه کی ددغه بدلون د رامنځ ته‌کیدوپه صورت کی دوینی په جریان کی د وینی د کروباتو د یو ځای کیدو څخه ځینی ګاټی جوړیږی چی دوینی دګاټو په نامه یادیږی . کله چی ددغو ګاټو څخه یویا خو دانی بی دوینی د ګرځیدوپه نتیجه‌کی د کوم شریان تنګی برخی ته ورسیږی ، شریان بندوی او پدی توګه په شریان کی دوینی دجریان او د هغه غړی دوظایفو خنډ ګرځی ، چی نوموړی شریان ورته وینه رسوی ، کیدای شی دزړه د شریانونو په رابندولو سره دهغه وظایف اخلال او په ځینو مواردو کی دهغو ددریدلو باعث وګرځی .

دوهم ـ دوینی د فشار دلوړیدو څخه مخنیوی وشی:

دوینی ډیر لوړ فشار د شریانونو جدا-رونه تخریبوی ، چی په نتیجه کی ئی دشریانونو جدارونه تنګیږی ، ددی دپاره چی وینه پدغو تخریب شوو شریانونو کی جریان ومومی ، دوینی فشار لالوړیږی که څه هم پدغه وخت کی زړه بیړه کوی چی فشار کنترول اودهغه د لوړیدو مخه ونیسی مګر نشی کولای او ددغو بیړو په نتیجه ناروغ ته ځینی صدری دردونه چی د زړه ددریدلو څرګنده مقدمه بلل شوی ، پیدا کیږی .

دریم ـ دبدن دچاغیدو څخه مخنیوی وشی :

زیاته وینه دوینی دفشار د لوړیدو سبب ګرځی او دفشار په لوړوالی سره دزړه‌دنده‌درندیږی چی‌دوظایفو په‌زیاتیدو سره زړه لویږی مګر زړه د خپل دغه عکس العمل سره سره چی لویږی بیا هم نشی کولای چی زیاته‌وینه زیرمه کړی ، له دی امله چی زړه لوی شوی ، باید د هغه د عضلاتو دپاره په کافی او زیاته اندازه وینه او اکسیجن ورسیږی ، مګر له دی کبله چی دهغه دشریانونو په جدارونو ځینی پتا-لوژیك تحولات‌رامنځ‌ته شوی، دزړه عضلاتوته کافی وینه او اکسیجن نه رسیږی او په نتیجه کی زړه داکسیجن دلږوالی سره مخامخ کیږی . او پدی توګه ناروغ ته صدری دردونه پیدا کیږی.

څلورم ـ دغوړ موادو دزیات خوړلو څخه ډډه وشی :

دطب دپوهانو په عقیده که دکوسترول مقدار چی یوه شحمی ماده ده د وینی په سل ملیمتره‌سیروم کی له یو سلو پنځوس ملی ګرامو څخه ، دوه سوه او پنځوس ملی ګرامو ته لوړ شی ، دزړه دریدو احتمال دری چنده کوی ، مګر سره له دی د دکوسترول ټاکلی‌مقدار په وینه کی نه دزړه دناروغی باعث نه ګرځی .

د کوسترول ټاکلی مقدار په وینه‌کی نه یواځی زیان نه لری بلکی زموږ د پاره حیاتی ارزښت هم لری . دا ځکه چی بر سیره دهغو نورو اړتیاووته چی دغه مادی ته لیدل کیږی ، زموږ دبدن زیاتره هورمونونه دهغی څخه جوړیږی .

دزړه دناروغیو په وخت کی یواځی دری ډوله لیپو پروتینونه دوینی په جریان کی د کوسترول د انتقال دنده سرته رسوی .

په لومړی ګروپ کی هغه لیپو پروتینونه شامل دی چی ډیر سپك وی او شحمی‌مواد له ځګر څخه هغه وخت ټول بدن ته رسوی چی زیات قند لرونکی خواړه اخیستل شوی وی . دوهمه ډله سپك لیپو پروتینونه دی چی له ځګر (ینه) څخه ټولو غړوته دکوسترول دانتقال دنده سرته رسوی او بالاخره درونډ لیپو پروتینونه دی چی غیر ضروری کوسترول له ټول بدن څخه ټول‌او ینی ته‌راوړی.

هر هغه خواړه چی په زیاته پیمانه مشبوع شحمی (غوړ) موادو لری لکه هغه خواړه چی له حیوانی منابعو څخه لاس ته راځی او شحمی مواد لری ، ینه تنبه کوی ، تر څو سپك او ډیر سپك‌لیپو-پروتینونه چی د زړه دناروغیو چانس زیاتوی ، تولید کړی .

مګر دهغو پر خلاف غیر مشبوع شحمی مواد چی په نباتاتو لکه جواری ، لوبیا ، نخود دلمر ګلی د ګل په دانو او نور کی پیدا کیږی ینه تنبه کوی‌چی درونډلیپو پروتینونه چی دزړه دناروغیو دله‌منځه وړلو دپاره خورا ګټوردی تولید کړی ، نود پوهانو څرګندونو پراساس دنباتی خوړوڅخه استفاده دروغتیا ساتنی د پاره ډیر ګټور دی ، نو له همدی کبله باید د نباتی موادو څخه د استفادی ساحی ته پراختیا ورکړ شی .

پنځم ـ دمنظم سپورتی پروګرام لرل او دګټورو سپورتی ما نورو اجرا کول :

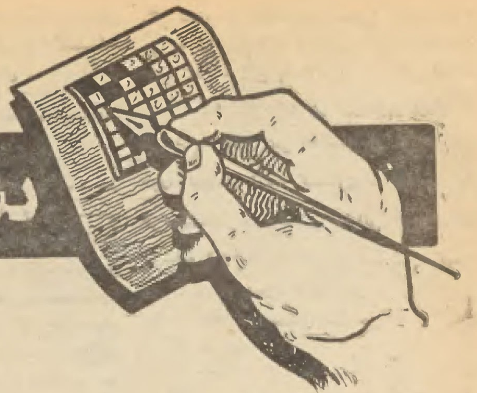
دیو لړ علمی تجربو دتر سره کیدو په نتیجه کی را په ډاګه شوی چی په هغوخلکو کی چی په منځنی توګه جسمی فعالیتونه لری د هغو خلکو په پرتله چی لږ جسمی فعالیتونه لری ، د زړه دناروغیودپیښیدو چانس لږ دی له همدی امله هر ډول سپورتی تمرینات او په هر وخت کی د سپورتی تمریناتو اجرا کول ، ګټور بلل شوی ، مګر که ځینی تمرینات لکه بایسکل ځغلول ، ځغاسته ، لامبو وهل ، رسی کشول ، والیبال ، فوتبال ، پلی ـ تګ او نور که په منظم توګه تر یو ټاکلی پروګرام لاندی عملی شی ، ډیر ګټور ثابتیږی.

هغو خلکو چی تل په دماغی کارونو بوخت وی او دځو کلونو په موده کی هیڅ ډول سپورتی تمرینات او جسمی فعالیتونه نه وی کړی ، که په ډیره چټکتیا تر یو ټاکلی پروګرام لاندی ، په سپورتی تمریناتو پیل وکړی ، امکان لری د ځینو روغتیایی ستونزو سره چی په سر کی یی به د زړه ناروغی وی مخامخ شی . بر سیره پر دی‌که څوك غواړی چی په منظمه توګه سپورتی تمرینات پیل کړی‌او د سپورت په یوځانګړی څانګه بریالیتوبونه هم تر لاسه کړی ، لازمه برېښی چی د تمریناتو د پیل څخه مخکی، لومړی په نوموړی سپورتی خانګه کی خپل استعداد او توان معلوم او بیا دډاکتر د دقیقی معاینی او مشوری څخه وروسته په تمریناتو پیل وکړی .

د طب ډاکترانو د ټولو تمریناتو په پرتله، پلی تګ،روغتیا ته‌ګټور بولی،دانځکه په پلی‌تګ‌سره د بدن کالوری داشتها دزیاتوالی نه پرته په‌مصرف رسیږی .

که څوك د زیاتی مودی د پاره نه کوم سپورتی تمرین اجرا کوی او نه جسمی فعالیت کوی د هغه د بدن پوتاشیم (چی د زړه د منظم ریدو د پاره یوه ضروری ماده او په سلو کی اوه لوی یی دبدن د حجراتو په جوړښت او په سلو کی دری برخه یی په دورانی وینه کی شامل دی) افراز له

پاتی په ٦٥ مخ کی

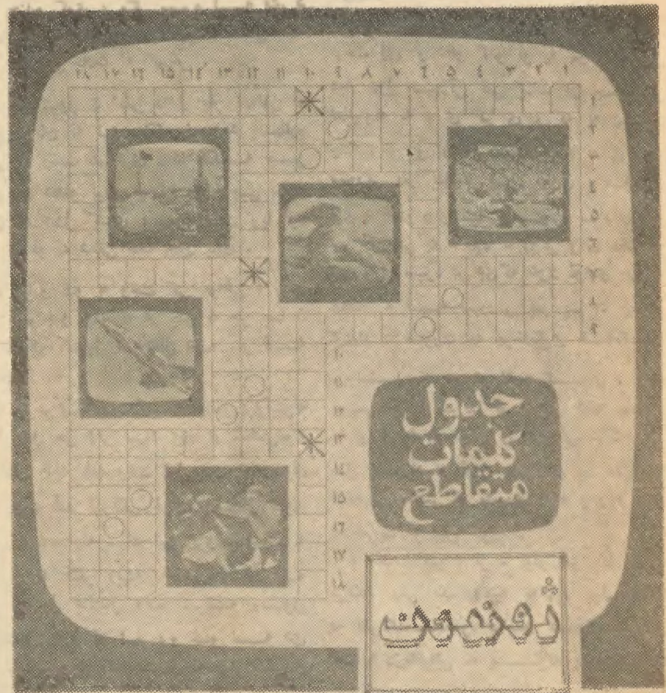


تهیه و تنظیم از صالح محمد کهسار

جدول کلمات متقاطع

افقی :-

۱- این جدول رابه‌آن منسوب‌سازید، یکی‌از کشور های جهان -۲- به پشتوآنرا نوبت هم میگویند، یکی ازماهای سال عیسوی، آغاز یاری -۳- نوعی از بادنجان است ، نل‌خون، اول آغاز، ٤- پایان دری، آغاز لیل، نصف رگ، ٥- حرف بعد از کاف، د ربین مهر ، اول اسد می آید، ٦- شروع الفبا، دربین‌دار، نصف در -۷- بدون حرف اول یکی ازفلمهای هندی به اشتراك سیاره بانو و دلیپ کمار، یکی از براعظم های جهان -۸- روشن نیست، اوم اول، خودم -۹- یکی ازولا‌بان‌کوهستانی کشورما ، از آنطرف از کشور های جها ن ۱۰- رسام مغشوش -۱۱- ضمیر اشاره، آغاز‌نام -۱۲- درستون دوازدهم‌عمودی‌هم میباشد -۱۳- یکی از کشورهای پرنفوس جهان، ازحروف مکتب انتخاب کنید، وظیفه دروگر ، ۱۵- پایان لیل، دروازه -۱٦- آغاز میم ،آغاز شرنه ، **آغاز انجام -۱۷-** اول این ، ضمیر اشاره -۱۸- شروع تمام ، یکی ازلسانهای رسمی کشور ما -



طرح کننده :- شرمیلا (ویسی)

عمومی :-

۱- دربین کتب ، منظم آن به پشتو ازخودمیشود -۲- لوده بود سرش بجا ماند ، نوعی از قلم خودکار -۳- دربین بوم، تیرشکسته-٤- دربین تیر ، خودش رهی است -٥- بایان روز ، آخر الفبا ، دربین جام -٦- با علاوه(رین) اولین فضا نورد جهان میشود -۷- از حروف الفبا ، در بین دور -۸- ضد سخت‌است، دربین اول -۹- اول یك ، مابین لیل شروع دشت -۱۰- خود حرف جیم، راحت ، در بین همین جدول نوشته شده است -۱۱- میازار ..... که دانه کش است ، سبب ، ۱۲- چند جنگل ، از حشرات مضره ، نصف خندق -۱۳- اول اعداد ، انسانیت و ظیفه آن میباشد ، شروع دود -١٤- آغاز روز ، آخر نصف ، دربین سود -١٥- آغاز سواد از حروف کار انتخاب‌کنید ، وسط ماه اسد ، ۱٦- شروع تم خای ، تندمیان نهی ، خوش ومسرور -۱۷- در وسط نان ، سر قلم، گندم ریزه ریزه شده ، پیربود سرش بریده شد، ۱۸- یکی از بزرگترین آبشار های جهان، منسوب به نور میباشد .

این خانم راکه مهما ت جنگی را سر گذاشته‌وآنرابرای اینکه- برای برادران‌مبارز خود بر سا ند هرلحظه و ثانیه او را خطر مرگ نیز تهدید میکند و لی باز هم از راه مبارزه بر نمیگردد خو ب شما ازروی قیافه وی و همچنان معلوماتی که در باره مبارزات آزادیخواهی ملل جهان دارید بگویید که این خانم از کدام کشور جهان میباشد .



برای ما بنویسید ؟

به این تا بلو نگاه کنید ما اسم آنرا نگاه گذاشته ایم ، حا لا شما هم تحت عنوان نگاه برای این تابلو مضمون ، شعر ، اسم تهیه داشته و برای ما ارسال دارید و ما هم آنرا بنام خود شما چاپ مینمایم .

این ستاره سینما کیست ؟

اوبه عنوان زیباترین ستاره سینمای غرب در سر تا سر جهان معروف میباشد و د ر شیکاگو چشم به جهان گشود در خوردی



مانند سو فیا لو ر ن ز شت بو د امااز‌چهار سالگی به بعد زیبا تر شد . آن چنا ن زیبایی او زیاد بود که متخصصین ز یبا یی به این عقیده بودند که سینما هر گز به زیبایی او نخواهد داشت . او ز ما نی به عنوان ملکه ز یبا ئی نیز انخاب گردید بود و بعدا به سینما راه یافت و در فلمهای زیادی رول های مهم ر ا بازی نمود . ما از شما اسم اورا میخواهیم حل آ نر ا برای ما ارسال دارید .

معلومات صحی تانرا آزمایش نمائید

معلومات صحی تانرا آزمایش نمائید

خوانند گان ارجمند !

مابرای‌اینکه‌در بلندبردن‌سویه‌دانش صحی شما کمک نموده باشیم تصمیم گرفتیم تایک بخش از سوالات صحی را برایتان مطرح‌نموده وبرای تشویق بیشتر شما خوانندگان ارجمند به‌کسانیکه جوابات درست یابلند ترین‌باینت راتصاحب کنند به‌حکم قرعه به‌سه نفر از حل کنندگان یک‌یک شماره از لیف لیت ویاپامفلیت بقسم تحفه به شما تقدیم میداریم .

امید که حل جوابات تانرا هر چه زود تر بااین آدرس بما بفر ستید : مدیریت مجله ژوندون مقابل ریاست مطابع دولتی .

همچنان باید تذکر داد که آسمای‌برندگان را در شماره آینده به نشر میسپاریم .

باید یاد آور شویم که خوانندگان محترم از چار جواب صرف یک جواب صحیح راانتخاب نمایند .

سوال اول - کدام یک از منرال های ذیل در نگهداری دندان رول بیشتر دارد.

الف - فاسفورس .

ب-کلسیم .

ج- فلورین .

د- ویتامین آ .

سوال دوم - کدام یک از ویتامین های‌ذیل در سبوس گندم موجود است .

الف - ویتامین بی

ب- ویتامین سی .

ج- ویتامین دی

د - ویتامین ک

سوال سوم - جز عمده ترکیب خون کدام چیز ذیل خواهد بود .

الف - شکر .

ب- فولاد .

ج- آهـــن .

د- ویتامین .

سوال چهارم - کمبود کدام‌ماده‌سبب‌بوجود آمدن جاغورمی‌شود.

الف - آهن

ب - فلورین .

ج- سودیم .

د- ایودین .

سوال پنجم - ارزا نترین ومحفوظ تـرین غذای انرژی ده‌کدام است ؟

الف - نمکیات .

ب- غله جات .

ج- گوشت .

د- لبنیات .

سوال ششم - کدام عضو وجود زیادتربه توبر کلوز مصاب میشود .

الف - شش ها

ب- گرده .

ج- استخوان .

د- دماغ .

سوال هفتم - کدام یک از امراض ذیل‌خیلی ساری است ؟

الف - جزام .

ب- تیتانوس .

ج- فلج اطفال .

د - توبرکلوز.

سوال هشتم - واکسین ضد امـراض‌خطر ناک(دفتر ی، سیاه سرفه وتـیتانوس) کـــدام است ؟

الف- پی تی دی .

ب- دی تی‌پی .

ج- دی پی تی .

د- تی دی پی .

سوال نهم - فشار خـون نارمل یک جوان چند خواهد بود .

الف - ۱۲۰ بر ۸۰

ب- ۱٤٥ بر ۲۰

ج - ۱۰۰ بر ٥۰

د- ۱۷٥ بر ۷۰

سوال دهم - درجه نارمل حرارت وجـــود انسان چنددرجه سانتی‌گرید خواهدبود.

الف - سی درجه‌سا نتی گرید .

ب - ٤۰ درجه سانتی گرید .

ج - ۳۷ درجه سانتی گرید .

د - ٥۰ درجه سانتی گرید .

سوال یازدهم -ازقلت‌یاکمبود کدام ویتامین در وجود شبکوری بوجود می‌آید؟

الف - ویتامین دی .

ب- ویتامین ب

ج- ویتامین ک

د- ویتامین آ .

سوال دوازدهم - غذا هائکه در ساختمان وترمیم انساج بدن بکار میروند عبارت انداز

الف - قندها .

ب- پروتین .

ج- شحمیات

د- منرال ها .

سوال سیزدهم - یک گرام قند چه مقدار کالوری تولید می‌کند ؤ

الف- ٤

ب-٦

ج-۱۰

د- ۹

سوال چهاردهم - واکسین بی سی جی ضد کدام مرض ذیل میباشـــد ؟

الف -سیاه سرفه .

ب-تیتانوس

ج- دفتری .

د- توبرکلوز .

سوال پانزدهم - در وجود انسان چند لیتر خون موجود است ؟

الف - ۹ لیتر

ب- ٥ لیتر .

ج- ۲ لیتر .

د- ۲۰ لیتر .

سوال شانزدهم - اطفال در کدام سن باید اولین دندان شیری خودرا بکشند؟

الف- ۱۲ - ۱٤ ماهگی .

ب- ۳- ٤ ماهگی .

ج- ۱- ٤ ماهگی .

د- ۸- ۱۰ ماهگی .

سوال هفدهم - زردک‌کدام ویتامین رابیشتر در خود دارد ؟

الف- ویتامین آ .

ج - ویتامین ک .

ب-ویتامین سی.

د- هیچکدام .

سوال هجدهم - مرض سرخکان بیشتر در کدام سن دیده میشود ؟

الف- کهولت .

ب- جوانی .

ج- طفولیت .

د- هیچکدام .

سوال نزدهم - مرض پیس یا وتیلگو چه است ؟

الف- ساری است .

ب- ساری نیست .

ج- هردو .

د- هیچکدام .

سوال بیستم - اگر طفل تب داشته‌باشد ووقت تطبیق واکسین او هم باشد آیاشمااورا به واکسین نمودن میبرید .

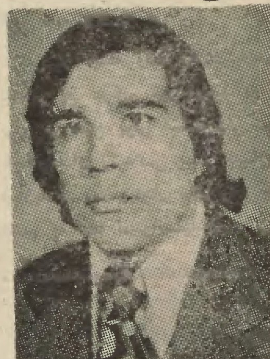
الف - بلی .

ب- نی

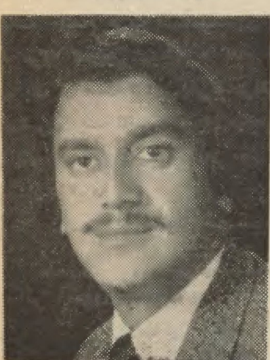
ج- دیگر اورا هیچ واکسین نمی کنید .

د- هیچکدام

حل کننده گان جدول این‌هفته



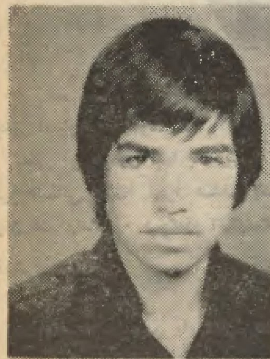
محمد قاسم



عبدالسلام خالقی



عبدالحمید نائبی



الله‌محمد خالق‌زی



عبدالرسول



محمدظریف

شرط

اثر آنتون چخوف

ترجمه زلمی ذاهب

شب تاریک وخزانی بود. بانکدار کهن سال ازاین طرف به‌آن‌طرف اطاق مطالعه قدم میزد وخاطره محفل پانزده‌سال قبل رابخاطر می آورد. در آن شب اشخاص بانفوذوتحصیل کرده ای گرد هم جمع شده ومباحثه دلچسپی‌به راه انداخته بودند .از جمله موضوعات مورد بحث یکی هم موضوع مجازات اقتصادی بود. تعداد زیادی از مدعوین‌مجازات اقتصادی راقبیح نموده و آنرا بدتر از هرمجازاتی می‌شمردند ومعتقد بودند که این عمل یك عمل غیراخلاقی میباشد. بعضی‌ازآنها عقیده‌داشتندکه‌مجازات‌اقتصادی‌قبیح‌تر‌ازحبس‌ابد میباشد . در این اثنا میز بان یعنی‌بانکدار داخل صحبت شده وگفت:

من بااین نظر مخالفم. گرچه‌بنده هیچ‌کدام آنها راندیده ام امااگر آزادانه قضاوت گردد بعقیده من مجازات اقتصادی بهتر و انسانی تر از حبس ابد میباشد .اعدام مرگ لحظوی ولی‌حبس ابد مرگ تدریجی میباشد . کدام قاتل مهربان تر است ؟ این یکی‌که‌عمل‌قتل رادرظرف چند ثانیه انجام میدهد و یا آن یکی که زندگی را در طول چندسال ازانسان میگیرد.

یکی دیگر از مدعوین تبصره نموده‌و چنین اظهارعقیده نمود:

به‌نظر من هردوی آنها به‌یک سویه غیر انسانی است. زیرا هدف یکی است وآن ختم زندگی . هیچکدام آنهازندگی‌راواپس مسترد نمیکند.

درجمله مدعوین یك قانون دان هم حضور داشت. وقتی ازوی خواسته شده در این باره اظهار عقیده نماید گفت: مجازات اقتصادی و حبس ابد هر دو یک عمل غیر انسانی است ولی اگر حق‌انتخاب بمن داده شود حبس ابدرابهتر از مجازات اقتصادی میدانم زیرامن زنده ماندن را نسبت به زنده نماندن ترجیح‌میدهم.

مباحثه ادامه پیدا کرد. بانکدار که درآن وقت جوان وخونگرم بود حوصله اش را ازدست داده درحالیکه مشت هایش رابالای میز کوبید قانون دان رامخاطب قرار داده وفریاد زد این دروغ است من‌با شما درمقابل دو میلیون شرط می بندم که نتوانید پنج سال را در سلول زندان سپری نمائید.

قانون دان گفت :

اگر دراین گفته خود جدی باشید من شرط می‌بندم که از عوض پنج سال، پانزده سال رابگذرانم.

بانکدار فریاد زد:

پانزده سال ! آقامن دومیلیون را به شرط گذاشتم.

قانون دان گفت:

موافقم . شما دو میلیون ومن پانزده سال زندگی ام را به شرط میگذارم

این شرط احمقانه ولعنتی صورت گرفت بانکدار که درآن زمان بسیار متمول بود دو میلیون به‌نظرش هیچ اهمیتی نداشت . در وقت صرف طعام شب ، بانکدار بطور مسخره آمیزی قانون دان‌رامخاطب قرار داده وگفت:

قبل از اینکه وقت بگذرد بازهم بالای تصمیم تان دوباره غور نمایید دو میلیون برای من هیچ پولی نیست ولی شما سه و یاچهار سال زندگی پر بهای تان را میبازید - سه ویاچار سال رابه خاطری گفتیم که شما نمیتوانید زیاد تر از آن زنده بمانید و هم نباید فراموش کرد که‌حبس داوطلبانه مشکل تر ازحبس مجبوری می باشد. نعمت آزادی بهترین نعمات بوده ودر هر لحظه عدم موجودیت آن حکم زهر را برای انسان دارد.

حال که پانزده سال ازآن شرط گذشته وقت آزاد شدن قانون دان و باخت بانکدار نزدیک شده است ، بانکدار صورت مباحثه وخاطرات آن زمان را به یادمی آورد ودر حالیکه به اطراف اطاق بقدم زدن پرداخته از خود میپرسد:

چرا آن شرط لعنتی رابستم ؟ چه‌فایده ای برای من دارد ؟ قانون دان پانزده سال عمر خودرا باخته و من دو میلیون را، آیا این شرط مردم راقانع خواهد ساخت که مجازات اقتصادی بهتر یا بد تر ازحبس ابد میباشد ؟ خیر، به هیچ صورت . تماما ضایع وبیهوده ، بوالهوس و خودنگری من و حرص پولدار شدن قانون دان باعث این‌شرط گردیده.

بانکدار جریانات عقد قرار داد را بخاطر آورد. طبق قرار داد فیصله شده‌بود که‌قانون دان حبس خودرا در یک گوشه باغ‌خانه بانکدار تحت نظارت شدید بگذراند وموافقه شده بود که محبوس نمیتواند از سلول خارج شود ، بامردم ملاقات نماید ، آواز انسان ها را بشنود ومکتوب یا روزنامه از مردم اخذنماید.

به اساس قرار داد موافقه شده بود که محبوس از روزنه کوچکی که به همین منظور ساخته شده بود با مردم خاموشانه گفت وشنود نماید واشیای مورد ضرورت ازقبیل کتاب ، آلات موسیقی ، شراب وغیره رابه هر اندازه که ضرورت داشته بانوشتن یادداشت وسپردن آن از راه همان روزنه به‌نفر مسوول را، تقاضا نماید.

تمام جزئیات دیگر نیز شامل قرار داد بوده محبوس باید از ساعت ۱۲ مورخه ۱۴ نوامبر سال ۱۸۷۰ تا ساعت ۱۲ مورخه ۱۴ نوامبر سال ۱۸۸۵ در زندان باشد وهرعملی از طرف وی که مغایر متن قرار داد باشد باعث فسخ قرارداد میگردد حتی اگر عمل ترک یکدقیقه بیشتر زندان از وقت معینه آن باشد بانکدار ازپرداخت دو میلیون معاف خواهد شد.

درسال اول حبس، تاجائیکه ازلابلای یادداشت های قانون دان‌فهمیده میشد، وی ازتنهایی و خستگی شدیدا رنج میکشید. از سلول وی شب وروز آواز پیانو شنیده میشد. شراب ودخانیات را بکلی رد میکرد ومینوشت:

شراب باعث بروز خواهشات نفسانی گردیده واین خواهشات بدترین چیزی برای یك محبوس میباشد.

استعمال دخانیات باعث خرابی هوای اطاق میگردد.

دراین‌مدت وی تقاضای کتابهای عشقی، کومیدی ، جنائی ، فانتزی وغیره رامینمود.

درسال دوم آواز پیانوشنیده نشده ووی خواستار کتابهای در باره علوم ادبیات‌باستانی را میکرد .درسال‌پنجم دوباره به موسیقی‌روآورده‌وشراب میخواست . کسانیکه ناظر حال او بودند میگفتند که درطول این مدت وی خورده، نوشیده ودر بستر استراحت نموده اکثرا خمیازه کشیده ویا خود در مجادله وگفتگو بوده کتاب مطالعه ننموده.بعضا چیزی مینوشت وبعدا آنرا پاره نموده ودور می انداخت.

- درنیمه دوم سال ششم محبوس مشتاقانه‌به مطالعه ادبیات ، فلسفه وتاریخ‌آغاز نمود. وی آنقدر در این موضوعات دلچسپی پیدا نموده که برای بانکدار تهیه کتب مورد ضرورت وی مشکلات‌بار آورده بود.در مدت چار سال قریب شش صدجلد کتاب به اثر تقاضای محبوس خریداری شده‌بود.

درین وقت بودکه بانکدار مکتوب آتی را از محبوس دریافت کرد:

دوست عزیزم !این خطوط را به شش لسان نوشته ام. آنها را به متخصصین نشان دهید تاآنها بخوانند . هرگاه آنها هیچ‌نوع غلطی در آن پیدا نکردنددر آنصورت خواهانم به رسم اطمینان فیری در گوشهٔ باغ انجام دهی تا من بدانم کوشش هایم به هدررفته‌است انسان های روی زمین به السنهٔ مختلفی مکالمه می نمایند ولی منظور آنها عین چیز بوده وعبارت تفهیم و بیان مطلب است . ای کاش شما خوشی من رادرك میتوانستید. چقدر محظوظم ازاینکه لسان آنها رامیدانم.

خواهش محبوس برآورده شده و دو فیر از طرف بانکدار درگوشه باغ انجام شد.

بعداز سال دهم محبوس دایما پهلوی میز خود نشسته به‌مطالعه مذهب عیسویت پرداخت .

بانکدار در تعجب افتیده بود که این شخص درطول چارسال شش صد جلد کتاب را مطالعه نموده درحالیکه مطالعه یک جلدآن یك سال وقت کار دارد تا عمیقا مطالعه گردیده و کاملا تحلیل و تفسیر گردد چندی بعد مطالعه مذهب عیسویت جای خودرا به‌تاریخ ادیان و عقاید عوض

نموده بود .

در مدت دو سال اخیر حبس ، سرعت مطالعه محبوس بسیار زیاده شده وشدت یافته بود .

به مطالعه علوم طبیعی بر داخت و سپس آثار شکسپیر و بایرون رامطالعه میکرد درعین زمان محبوس تقاضای کتب کیمیا، ادویه سازی ، ناول ، و بعضی آثار فلسفی وعقاید را مینمود . سرعت مطالعه وی مانند کسی بود که در بحری غوطه ور گردیده وجهت رهایی خویش به عقب توته های شکسته کشتی به این طرف و آن طرف سعی وتلاش میورزد .

تمام این خاطرات د رمغز بانکدار مرور نموده وفکر کرد:

فردا ساعت دوازده وی آزاد می گردد . به اساس موافقتنامه من مکلف به پرداخت دو میلیون می باشم . در صورت پرداخت این مبلغ همه دارایی ام تمام شده وورشکست خواهم شد .

پانزده سال قبل بانکدار خیلی ها پولدار بود ولی فعلا به این فکر بود که سرمایه اش زیاد است ویا قر ضداری وی . قمار ، تبادله بیمورد اسعار ، وغیره بوالهوسی ها تجارت وی را تضعیف نموده ومثل سابق یك با نكدار با نفوذ نبوده بلکه یك بانکدار معمولی گردیده بود .

بانکدار در حالیکه سر خود را میا ن دو دستش قرار داده بود با خود زمزمه کنان میگفت :

آنشرط لعنتی ! چرا این مرد نمرد؟ وی فعلا صرف چهل ساله بوده و پول وافری را از من می گیرد ، عروسی میکند، اززندگی لذت میبرد ، پول تبادله میکند و من مثل یك گدا از وی تقاضای معاونت خواهم کرد . برایم خواهد گفت : زندگی من مدیون شما است . ترا کمك می کنم . نه این غیر ممکن است . تنها راه نجات از این فلاکت وور شکستگی این است که محبوس را مخفیانه به قتل برسانم .

ساعت سه شب را اعلام نمود . سکوت همه جارا فرا گرفته بود و تنها آوازی که شنیده میشد ، زوزه درختان یخ زده بود .

تمام ساکنین خانه به خواب عمیق فرو رفته بودند . تنها بانکدار بیدار بوده وبه اطراف اطاق قدم میزد . وی خاموشانه وبا احتیاط زیاد به طرف سیف پول رفته و کلید اطاقی را برداشت که در مدت پانزده سال برای یکدفعه هم باز شده بود . بالا پوش خود را پوشیده و از اطاق خارج گردید . باد مرطوب و شدید میوزید و درختان یخ زده باغ را به استراحت نمی گذاشت . با وجودیکه چشمان خود را تیز نمود ولی نسبت تاریکی زیاد هیچ چیزی رادیده نمی‌توانست نه‌درخت ، نه زمین ونه هم مجسمه سفیدی را که در کنج باغ قرار داشت . به گوشه باغ‌رسید، محافظ را صدا کرد اما جوابی نشنید زیرا محافظ برای نجات خود از سردی هوا به گوشه پناه برده وبه خواب فرو رفته بود . بانکدار با خود فکر کرد .

هرگاه نقشه ام عملی شود مورد سوء ظن قرار نخواهم گرفت و بدرجه اول محافظ مسوول واقعه خواهد شد .

در تاریکی شب با احتیاط تمام به طرف سلول محبوس به حرکت افتاد . به راهرو سلول رسید .

درراهرو گوگردی را روشن نموده وراه خود را به دروازه سلول پیدا نمود هیچ ذیروحی در آنجا نبود . چهرکت محافظ در نزدیکی در ورودی سلول زندان قرار داشت ولی خود محافظ در آن نبود . بخاری آهنی در گوشه دیگری راهرو واقع گردیده ولی حرارتی از آن انتشار نمیکرد .

مهرولاك دروازه محبوس دست نخورده باقیمانده بود . در این اثنا گوگرد خاموش شده و در حالیکه دستان بانکدار از اضطراب و آشفتگی به لرزه افتاده بود کلکین اطاق را تك تك کرد .

در اطاق محبوس یك شمع کم نور و ضعیفی روشن بوده و در پهلوی میزش قرار داشت .

پشت محبوس به طرف کلکین واقع بوده مو های پشت سر و دستانش معلوم میشد . کتابهای باز به این طرف و آن طرف میز پراگنده بود .

پنج دقیقه گذشت ولی محبوس هیچ حرکتی ننمود . با نکدار فکر کرد پانزده سال حبس وی را از حرکت باز مانده است . دو باره کلکین را به انگشت زده ولی باز هم هیچ حرکتی از محبوس ندید . سپس با احتیاط تام کلید را در قفل گذاشت از دوران کلید در داخل قفل ز نگ زده صدای دلخراشی بر خاست . بانکدار منتظر شنیدن ناله وزاری و صدای پا بود . سه دقیقه گذشت ولی در داخل اطاق خاموشی قبلی بر قرار بود . بانکدار مصمم به ورود در داخل اطاق گردید.

درپیشروی میز مردی قرار داشت بر خلاف انسان ها ی دیگر ، یك اسکلیت خالی . پشت خشکیده ، مو های دراز و انبوه ، و ریش در هم و بر هم ، ر نگ چهره اش زرد ، گونه هایش فرو رفته ، تنه باریك و دراز ، و دستان نحیف که حکایت از رنج و محنت زیاد می کرد . مو های خاکستری و نگ مانند کسا نیکه دورهٔ پیری و تقا هت را سپری نمایند . در روی میزش صفحه‌کاغذی که چیزی بالایش نوشته بود قرار داشت . بانکدار با خود فکرد کرد .

بیچاره خوابش برده و ممکن میلیون ها رابه خواب بیند . امامن این نعش نیمه‌جان را بالای بستر گذا شته و با با لشت آنرا خفه خوا هم کرد و این عمل را آنقدر محتاطانه انجام خواهم داد تا هیچ اثری بر جا نگذارم وتماما فکر کنند که وی به مرگ طبیعی خود مرده است اما اول باید این صفحه کاغذ را بخوانم که چه نوشته است .

ورق کاغذ از میز بر داشته و چنین خواند .

فردا ساعت دوازده آزاد خواهم شد وحق خواهم داشت با مردم ببینم ا ما قبل از اینکه این سلول را ترك نموده ومشرف به دیدن آفتاب گردم لازم میدانم چند نکته‌ا ی به شما بگویم . به خداوند که مرا می بیند و به وجدان پاکم اعتراف میکنم که من از زندگی ، آزادی ، صحت و تمام چیز ها بیکه کتابها آنرا نعمت میخوانند بیزارم در مدت پانزده سال ، با جد و جهد ، زندگی روی زمین را دیده ام ونه مردم را . اما در لابلای کتابهای شما شرابهای معطر و خوشبو رانوشیده ، آواز خواننده آهو ان و حشی و پرندگان مقبول را شکار کرده ، با زنها عشق ورزیده ، زنهای مقبول و افسانوی که شعر را در وصف زیبایی آنها شعر ها سروده اند به شبها با من ملاقات کرده و داستان های عاشقانه برایم زمزمه نموده‌اند. به‌قله های البرز ومونت بلان صعود نموده و ز آنجا طلوع و غر و ب خورشید را تماشا نمودم کوه هاوابحار را با ر نگ های بنفش و زرین آ نها در طلوع و غروب ، شگافتن ابر ها را توسط رعد و بر ق ، جنگل ها ، مزرعه های سبز ، دریا ها ، شهر ها ، جهیل هاو مناظر زیبای طبیعت را نظاره نموده ام صدای خوشنوای مرغان صحرایی ر ا شنیده ام .

ازمطالعه کتابهای شمادر گهدال بی‌پایان معجزه ها فرو رفته ام ، شهر ها را سوختانده و به خاك کشانیده ام مذاهب جدیدی ر ا پیروی کرده و فاتح ممالك بیشماری شده ام .

کتابهای شما برایم معرفت و بصیرت بخشید . تمام افکار خستگی نا پذیری که طی قرون متمادی به وجود آ مده با هم یکجا جمع و داخل جمجمه سر م گردیده . من میدانم که نسبت به شما هشیار تر هستم ، من از کتابهای شما بیزارم . بیزارم از آن نعمات و بصیرت های خیالی . همه اشیا بیهوده ، فا نی ، رویایی ، و فریبنده ما نند سراب است گرچه شما هشیار ، مقبول ، متمول ، و مغرور باشید باز هم مرگ آثار شما را از روی زمین خواهد شست .

شما راه غلطی را تعقیب می نمایید ، غلطی ها را اصلاح و زشتی ها را زیبایی میپندارید . تعجب خواهید کرد اگر در در خت سیب و نارنج دفعتا بقه وسنگ‌پشت بروید و گل بجای بوی معطر و خوشبوی عرق مانند بدهد . بهمین تر تیب من هم به شما تعجب می‌کنم که جنت را به زمین عوض می کنید من نمیخواهم شما را درك کنم .

من نفرتم را در عمل نشان میدهم من از آن دو میلیونی که یك زمان آنرا بهشت می خواندم ، منصر ف و از آ ن بیزارم . من خود را از حق خودم محروم مینمایم و پنج دقیقه پیشتر از وقت موعود از این سلول خار ج میشو م تا از ماده موافقتنامه خلاف رفتاری نموده و شما را سند معافیت داده باشم .

و قتی با نکدار کاغذ را تا آخر خوانده و دو باره بالای میز گذاشت بو سه از سراین مرد عجیب برداشته و به گر یه آغاز نمود . از سلو ل خارج شد هیچگاهی حتی در وقت باخت معامله گزافی خود را تا این اندازه خوار و حقیر حس نکرده بود . به خانه آمد و در بستر افتید اما اضطراب و جریان اشکهایش بر ا ی مدت زیادی وی را از خواب باز داشت .

فردای همان شب محافظ به عجله وارد اطاق با نکدار شده و اطلاع داد مر د ی که در سلول زندگی می کرد از راه کلکین به پائین آمده و فرار نموده است . با نکدار ومحافظ فورا به سلول رفته و راه فرار را ملا حظه نمودند . برای ا ینکه از هر گونه سو ظن و شایعه برحذر باشد سند ترك دعوا را از میز برداشته و آنرا در سیف پول خود قفل نمود .

ختم



پرنده زیبایکه برای چوچه هایش غذامیدهد

چگونه پرندگان شکل وخاصیت شانرا تغییر میدهند

از آن روز گار که‌اجداد ما، برای نخستین بارزندگی را، بروی زمین آغاز نمودنـــد بعضی پرندگان نیز در جهان ما به مـــرور زمان شکل وخاصیت شان را تغییرداده انـــد امروز نیز مامیتوانیم‌ایــن‌دگر گـــو نـــی را در شکـــل وخاصیت نســـل‌های بـــعدی همان پرنده ها بنگـــیریم و به حقیقت‌تنازع بقا در طبیعت ، بیش از پیش ملتفت گردیـــم.

اکنون این حقیقت از راه عـــلم‌وتجربه برای بشر روشن گردیده که‌پرندگانی که در زمان حیات نیاکان مـــا، تـــعداد شـــان خیلی کم بوده ویاپدران‌ما اصلاآنها رانـــدیده ونمی شناختند به کثرت وجود دارندوبـــه قدری تکثر کرده انـــد که با وجود مفیدبودن، بعضی ازآنها مضر هم گردیده اند . مـــانند بـــوم کوچك وگنجشك های مهاجـــر و غیره.

بعضی انواع‌دیگر پرندگان، مانندغچـــی‌هـــا تقریبا یك قرن قبل، درجـــهـــان‌خیلی زیاد بودند وامروز تعداد شان محدود گردیده‌است البته نبایدتصور کرد که ایـــن‌عمل باثـــر آزار رسانیدن انسانها به‌آنها بـــوده است، زیرا علت اصلی آن خیلی مرموزات و ممکـــن ارتباط مستقیم به تغییر جوی ، عـــادت‌وشکل آنها داشته باشد.

تحقیقات ومطالعات تازه‌ای که، پیرا مـــون این موضوع صورت گرفته به وضاحت نشان میدهد که مسکن اصلی پرندگان نقش خیلـــی موثر و عمده دارد وپرندگان خـــــودرا ،با محیطی که درآن سکونت اختیار مینمایـــند انطباق میدهند وحتی احتمال میرود کـــه‌در شکل‌وظاهر آنها نیز تغیـــیری رو نـــمـــا گردد.

ماهمین اکنون، دردنیای خود، یـــك تعداد زیاد انواع پرندگان راداریم که در مقابـــل چشمان ما ، به‌مستعمره ساختن بعضی‌حصص روی زمین پرداخته اند مطالعه زنـــدگـــی‌و انکشاف فکر آنها خیلی دلچسپ‌میباشـــد.

یکی ازجمله انواع پرندگان مذکور « کر سید گریبی »نام دارد وطرز زندگی آن خـــیلی‌جالب می‌باشد. تعداد این نوع پرنده ها تا همـــین چند سال قبل‌خیلی محـــدود بودامااکـــنون روز به روزو-به سرعت اضافه شـــده‌میرود پرنده کرسید گر یبی بـــروی قـــطعـــا ت بزرگ آب آشیانه می سازد ، آن هـــم در نقاطیکه ، ده سال قبل ، پرنده ای درآنجـــا پرنمی زد.

تحقیق کنندگان دیده اند کـــه بعـــضی‌این پرنده ها حتی روز ها وهفته ها (هشت‌هفته) به‌روی آب توقف کرده و برخی دیگرشـــان در عین زمان یعنی از ماه مارچ‌تاماه‌اپریـــل، بـــه روی آب به شناوری مصـــروف بوده‌و سایرپرندگان را، به‌نزدیك محلی که بـــرای خود انتخاب نموده نگذاشته اند.

این نـــوع پرنده هارا ، پرنده شناسان‌در بعضی پارك هانیز دیده‌اند که در آب هـــای حوض ها شنامی نمایند.

پرنده کریبی زیبایی خاصی‌دارد وقشنگـــی اووقتی حیرت انگیز مینماید که جسم زورق- مانندش ، با گردن سفید و نقره ئی وبالهاو پرهـــــای زیبایش در میان آب دیده شود

پرنده شناسان عقیده دارند که تقریـــبا تمام فعالیت های این پرندگان ، تـــحت‌تاثیر آشیانه هـــا یشان ، درآب میباشد.هـــیـــچ نـــوع پرنده ، کرسید گـــر گریبی . در زندگی بروی آب مـــو فـــق نمیباشد . امـــا باید بدانیم که‌این پرنده در نـــــواحی‌کـــه برگزیده وآشیا نه ساختـــه ، بـــه روی‌آب پیروز مندانه و به خو شی زندگی‌کرده‌میتواند واگر آنرا از محل مذکور دور سازیم‌وبـــه جای دیگر ،ولوکه جای مذکور شبا هت زیادی به محل‌اولی داشته باشد انتقال بدهـــیم موفقیت وخورسندی خـــویش را از دست میدهد.

اگرما کریبی را با یـــك نوع پرنده‌ای‌کـــه روی شاخچه های درختان می نشیند واشیانه میسازد مقایسه نمائیم باین نتیجه میرسیـــم که یرنده کریبی ، نسبت به آن پـــرنده‌دیگر وقت زیاد برای‌استراحت بـــالای آب دارد زیرا در- عین زمان غـــذایش را نیزبـــدست آورده میتواند در حالیکـــه پـــر ندگـــان که بروی شاخچه های‌درختان آشیان‌می‌سازند مدت از اوان استراحت شـــان را در بدست آوردن غذااز دست میدهند.

همچنان پرنده ای که‌به روی در ختـــان زندگی میکند به‌مشکل میتواند روزانه (١٦) ساعت یـــابیشتر ازآن، در پـــرواز بـــا شد ودر عیـــن زمان غـــذ ای خـــودرا هم حا صل نماید.

گریبـــی به هراندازه ای که قناعت‌داشتـــه باشد که درآب حیات به‌سر ببرد به همـــان اندازه ضرورت بکار انداختن پابرای گـــردش وبال برای پرواز ندارد زیرا ایـــن اعضای مـــذکور بـــرای زندگی آبی آن، بـــدر د ش نمیخورند.

دشمنان گریبی ،در فضا خیـــلی محدود میباشد وگریبی میتواند در هـــنگام حـــملـــه



شاخچه های درختان برای بعضی ازایـــن‌پرندگان بهترین آشیانه بشمار میرود



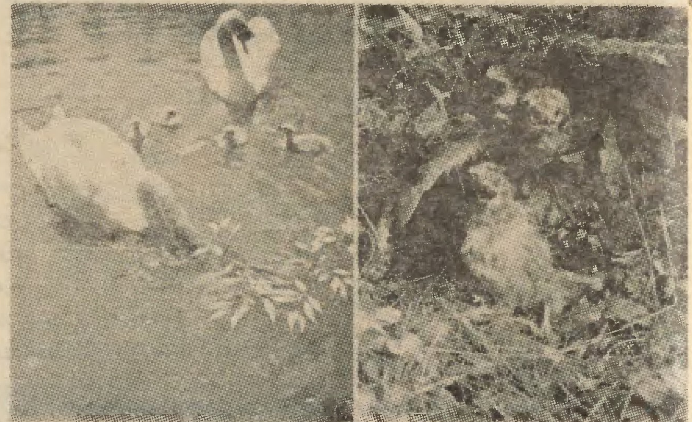
بعضی از پـرندگـان بامحیط شـسان‌سازگاری نداشته به جای دیگری مهاجرت میکنند .

فضایی دشمنانش در بین آب غوطه بزند و خودش را از شرانها نجات بدهد . امـــا دشمنان آبی پرنده موصوف خیلی خطر ناك هستند و حفظ و نگهداری هر گر یبی ، از شر دشمنان آبی آن ، وابسته به بز ر گی ونیرو مندی جسم آن می باشد .

اختیار نمودن سیستم نگهداری چو چــه ها خارج از آب برای گریبی ارزش و اهمیت فراوان دارد و گریبی این عمل را تازمانـی انجام میدهد که چوچه های آن ، شنا وران قوی و ماهر گردند .

همچنان ، گریبی برای حفاظت تخم هـای خود ، ضرورت زیادی به ساختن آشیانــه بزرگ درخارج آب دارد . روی همین منظور است که‌گریبی مانند مرغابی ، تخم ها یش‌را می پوشاند.

چوچه های گریبی همینکه از تخـم جدا شوند میتوانند ، شناوری کنند چون وجـود چوچه های مذکور از موی و پر پو شیـــده میباشد لذا آب به وجودش نفوذ نمـــوده نمیتواند .



پرنده هادر حالت دفاع‌ازخود دیده می‌شوند

البته جای تردید وجود ندارد که در سابق مردم به پرند گان آزادی بیشتر میداد ندو امروز نیز که انجمن های دفاع از پر ند گان در بعضی کشور ها فعالیت دارند با ز هــم پرند گان قادر شده اند که برای شان محل دلخواهی پیدا کنند ودر آنجا سکو نـــت اختیار نمایند .

گنجشك های مهاجر از جمله پر ند گـــان موفق محسوب میشوند ما در بهار و خـــزان دسته های بزرگ آنرا ، دسته های از آنها را که تعداد شان حتی به یك ملیون میرسد می بینیم که‌به پرواز درمی آیند و در حال پرواز ازیك افق تا افق دیگر ، میروند .

این پرنده ها اگر تعداد شان متناســب باشد ، رفیق ومدد گار قوی و خو بی بـرای دهقانان میباشد .

ما دسته های بزرگ آن ، خیلی خطرناك میباشند . زیرا آنها هنگامیکه در جستجوی یافتن کرم هامیشو ند نبا تا ت نـــــازك و نور شدرا ، خراب میکنند . گذشته ازآن مواد غذایی یك تعداد زیاد پرند گـــــان را که خیلی مفید میباشند . از میان مـــی برند .

ضرر دیگریکه این‌پرند گان برای‌دهقانان بار می آورند ، عبارت از آن است کــه در سوراخ های اشجار آشیانه میسا زنــــد و جای سایر پرندگانی را که‌حشره هـــــای مضره را ازبین می برند، میگیرند .

اگر ترتیبی به میان آید که گنجشك ها عادت آشیانه سا ختن خود را تغییر بد هند کار بسیار جالبی صورت خواهد گرفت .

نخستین جفت این پرنده هر گاه در جایی آشیانه بسازند که شگاف در خت نبا شد شایدبه مرورزمان یك نوع‌گنجشك دیگری‌را بوجود آورند که خوی و عادت وشکل‌اجدادو نیاکان خود را نخواهد داشت .

مشروط بر اینکه برای آنها غـذای کا فی پیدا شود و انسانها آنها را آزار ندهند .

در ین مورد نیز پرنده شناسان تجـاربی نموده اند و دیده اند که برخی از جـــوره های گنجشك ها در سوراخ سنگ ها بـرای خود آشیانه ساخته اند .

تکثر این نوع گنجشك ها ، تقر یبا در ظرف پنجاه ، شصت سال قبل صورت گرفته واکنون آنها را میتوان در هر نقطه جها ن پیدا کرد .

چوچوکردن ویا سرائیدن این پرندگان ، بگوش پرنده شناسان ، خیلی خوش آینـد میباشد عـلا وه برآن ایـن پرندگان بـرای خواندن و سرائیدن خود به جای مخصوص ضرورت ندارند بلکه در تمام نقاط از داخـل شهر ها گرفته تا سواحل ابحـار آواز آنها شنیده میشود .

باید اظهار داشت که تعداد گنجشك های مذکور تا قبل از پنجاه شصت سال خیلـی محدود بود اما امروز تعداد آنها بقدری در جهان زیاد است که مقام اول را دارد .

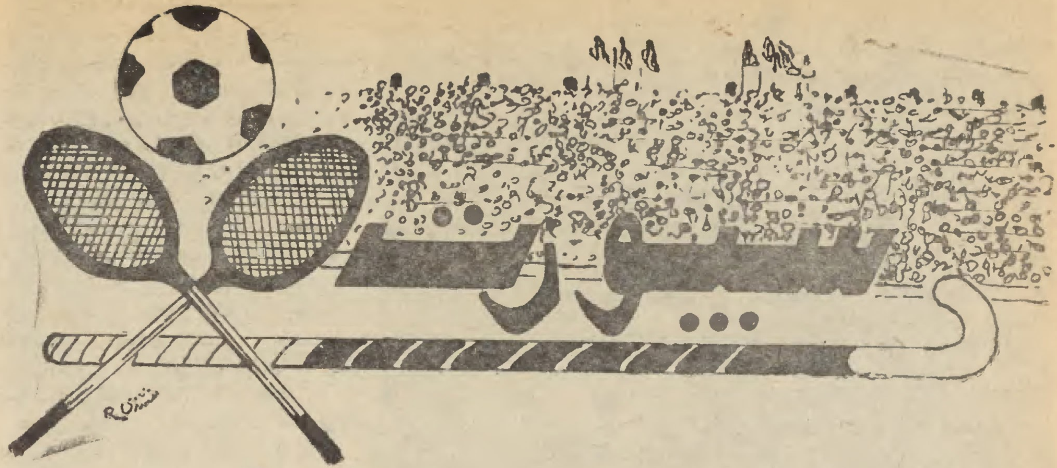
همچنان امروز بوم های کوچك در جهان خیلی با موفقیت زندگی می نمایند و از مدت چهل ، پنجاه سال باینطرف تعـداد شـــان زیاد گردیده است . این نوع بوم هادر ازبین بردن موشها و قانغوزك ها ، عمـل خیلـی ارزشمندی را انجام مید هنـد . بر عـــلاوه خیلی زیاد دیده شده که بوم ها به شکـار کردن پرنده های کوچك نیز میپردازند. لذا موجودیت ایـن بـــوم ها در جا های کـــه چوچه گیری مرغها صورت میگیرد. پاسداری جدی بکار دارد .

شواهدی وجود دارد که آنگـه بو م هـا حملات جسورانه ای را برای خورد ن پرنده های کو چك و چوچه های مر غها انجام میدهند اما علاقه زیادی برای خوردن آنهـــا

بقیه‌درصفحه ۵۹



پرنده بزرگ برای چوچه هایش آشیانه‌مطئنی میسازند .



ترجمه ونگارش ·

عبد الله (محب حیرت)

نگرشی برسوابق تربیت بدنی وتحولات ورزشی در اتحاد شوروی

(قسمت دوم)

(نوویکوف) در بازیـــهای اتلتیك المپیای هلسنکی (پایتخت فنلیند) پیروزیهایی رابدست آورد وبسال ۱۹۵۳ موصوف در رشته پنتاتلون اتلتیك بحیث نخستین قهرمان اتحاد شوروی شناخته شد ودر بازیهای سویدن، آسترالیا، برتانیه ،مکسیکو ، روم وتوکیو به اخذ مدالهای ورزشی نایل آمد · باثر اشتراك وی دربازیهای (لدرشات) و ا قـع بـرتانیـه کـه از خود مهارتهای سپورتی را بخرج داد، مـردم ورزش دوست آنجا به افتخار وی یك کلوب سپورتی رابه اسم اوتحت عنوان (نوویکوف سپـورت کلوب مسمی وافتتاح کردند همچنان وی یك کلوب عصری پنتاتلون اتلتیك رادر (ایریوان) مرکز جمهوریت سوسیالستی ارمنستان تاسیس نموده است ·

چند سال بعد یعنی در ۱۹۶۰ بتعداد (۳۹۹) هیات سپورتی بخارج رفت وبا لمقابل (۴۰۷) هیات ورزشی ازخارج وارد اتحاد شوروی شد· درسال ۱۹۶۱ این معیار متقابله به (۴۵۰) و (۴۹۰) رسید · درسال ۱۹۶۲ این رقم رفت وآمد هیاتهای ورزشی به (۴۴۱) و (۴۳۰) ، در سال ۱۹۶۳ به (۴۰۹) و (۴۵۸)، بسال ۱۹۶۴ به (۱۴۰۵) و۳۱۸)مشخص شد· اتحادشوروی برای اولین بار به سال ۱۹۵۲ در المپـــیای هلسنکی وارد گردید واز آنجا برنده بیست ودومدال طلاشد ، در حالیکه اضـــلاع متحده امریکا از همان المپیا چهل مدال طلا گرفت،در چهار بازی و مسابقه المپیك تابستانی سالهای ۱۹۵۲- ۱۹۵۶و۱۹۶۰و۱۹۶۴جهانی، ورزشکاران شوروی (۳۶۸) مدال را بدست آوردند که شامل ۱۳۲ مدال طلابود · در حالیکه ورزشکاران امریکایی بعین بازیها وتاریخهای مذکورمجموعا (۳۱۳) مدال را حاصل کرده بودند ، ولـــی ورزشکاران شوروی در المپیای زمستانی سال ۱۹۵۲ اوسلو پایتخت ناروی سهمی نگرفتند· در بازیهای المپیای سال۱۹۶۸ مکسیکو ورزشکاران شوروی نیز پیروزیهای چشمگیری را نصیب شدند ، همچنان در المپیای ملبورن آسترالیا روم ، توکیو، انسبروك وغیره · ورزشکاران شوروی ازخود مهارتها وشطارتهای خـارق-العاده را نشان دادندوبرنده مدالهای زیادی شدند مثلا : در بازیهای المپیای ۱۹۶۴ توکیـــو ورزشکاران شوروی مجموعا برنده نودو شش مدال شدند که از آنجمله تنها سی مدال آن (مدال طلا) بود وباثر حصول ششصد وهشت پاینت، تیم اضلاع متحده امریکا را کـــه برنده پنجصد و هشتاد ویك پاینت (امتیاز) بود ، شکست داد · المپیای توکیو در حقیقت چهار مین المپیای جهانی بود که اتحاد شوروی در آن سهم گرفت وقبلا در بازیهای المپیای هلسنگی ،ملبورن ، وروم ورزشکاران شوروی خوب درخشیدندواکثر ریکارد های المپیك وجهان را شکستاند ودر بازی های المپیاربی هلسنگی هفتـــاد ویـــك مدال را حاصل کردندکـــه از آنجمله بیست ودو عدد آن مدال طلایی بود خاصته در جمنا ستیك ، کشتی آزاد، کشتی رومن ، نشانزنی ووزنه برداری جایزه اول تیم را بدست آوردند · در بازیهای ملبورن که همه ورزشکاران شوروی مهارتهای رااز خود بروز دادند ، در آنمیان (ولادیمیر کوتس) خوبتر درخشید وبنام هیرو یا قهرمان بازیهای المپیك مورد شناخت وقدردانی قرار گرفت ·



صحنه جالبی از مسابقه فتبال

بدینترتیب ورزشکاران شوروی بتعدادنودو هشت مدال رااز ملبورن به میهن خویش ارمغان آوردند که از آنجمله سی و هفت عدد آن مدال طلابود ، بنحویکه (۶۲۲ر۵) پاینت رادربرابر (۴۹۷) پاینت تیم امریکا موفقانه حاصل کردند درحاحالیکه تیمهای ورزشی اضلاع متحده امریکا تاآنوقت (درمرور شصت سال) بازیهای خـــود طی المپیا های مختلف غالبا سرآمد ورزشکاران جهان شناخته میشد، لذاشکست شان کـــار آسانی نبود · همچنان موفقیت های ورزشکاران اتحا د شوروی در المپیای ۱۹۶۰ روم بسیار جلب توجه کرد ، بطوریکه شهرت پیروزمندانه آنان در حلقه های ورزشی جهان زبانزد همگان گردید · چنانچه درسال ۱۹۶۲ مقارن تجلیل وبزرگداشت ازدهمین سالگرد المپیك شوروی، روزنامه فرانسوی موسوم به (ل· یو منیـت) موفقیتهای ورزشکاران اتحاد شوروی رادر قطار سایر ورزشکاران جهان منجمله اضلاع متحده امریکا بیمثال خواند وتصریـــح داشت کـــه با درخششی ورزشکاران اتحاد شوروی دربازیهای بین المللی وانکشاف سپورت در کشور شان اتحاد شوروی در اکثر موارد سپورتی خود نسبت به امریکا پیشی جسته و کامیابیهای خارق العاده را همیشه وپیهم حاصل میدارد· بطور مثال :جدول آتی بیانگر یکسلسله حقایقی درمورد پیروزیهای ورزشکاران شوروی وروشنگر بسط وگسترش انواع سپورتها طی دوازده سال در بازیهای المپیك جهانی میباشد که از روی آن معیار کامیابیهای ورزشکاران اتحاد شوروی به تناسب اضلاع متحده امریکا بخوبی معلوم میتواند شد ·

امتیازات (پایینت‌ها)	مقام‌ها و موقعیت‌ها: ۶	مقام‌ها و موقعیت‌ها: ۵	مقام‌ها و موقعیت‌ها: ۴	نوع مدال‌ها: برونز	نوع مدال‌ها: نقره	نوع مدال‌ها: طلا	مجموع مدال‌ها	سال	مملکت
۴۹۴	۱۳	۱۴	۲۵	۱۹	۳۰	۲۲	۷۱	۱۹۵۲	اتحاد شوروی
۶۲۲٫۵	۱۲	۱۹	۱٦	۳۲	۲۹	۳۷	۹۸	۱۹۵٦	
٦۸۴٫۵	۱۲	۲۴	۲۰	۳۱	۲۹	۴۳	۱۰۳	۱۹٦۰	
٦[illegible]٫۳	۱۰	۲۴	۱۸	۳۵	۳۱	۳۰	۹٦	۱۹٦۴	
۴۹۴	۷	۴	۱۳	۱۷	۱۹	۴۰	۷۸	۱۹۵۲	اضلاع متحده امریکا
۴۹۷	۷	۹	۲۱	۱۷	۲۵	۳۲	۷۴	۱۹۵٦	
۴٦۳٫۵	۹	۹	۱۰	۱٦	۲۱	۳۴	۷۱	۱۹٦۰	
۵۸۱٫۸	۱۴	۱۰	۳۰	۲۸	۲٦	۳٦	۹۰	۱۹٦۴	

این ورزشکاران ورزیده غالبا در **بازیهای‌المپیك** . مسابقات جهانی و قاره اروپا اززمرهٔ برندهٔ **مدال‌طلا ازالمپیای‌توکیو)ارکادی‌اوروبیوف**قهرمانان وشامپیونهای‌معروف‌برشمرده شده‌اند که اسمای شان در مقام عالی‌و موقف قهرمانی‌قرار داشته‌است به تفصیل آتی :

والری برومل، ایگورتر اوانسیان ، نیکولای‌اوزولین ، ولادیمیر دیاچکوف، اناتولـــی میخایلوف ،ولادیمیر **کوتس‌ـولیك گونچارنکه‌ـتیوتربلو تنیکوف رینکه، تیوتر بولو تنیکوف،** یوری ولاسوف ، **الکسندر کورینوف ویکتورچاکا** رینك الکساندر میدوید (برنده مدال طلا از المپیای تو کیو) ارکادی روروبیوف لیو نید ز هـــــا بو تینسکـــــی ، واسیلی‌کوژنیتسوف ، روموالد کالیم (قهرمان‌بازی هامردرالمپیای توکیو)، والری پوپنچنکو ، پاول‌کولچین ، ویکتور الیکسیوف ، اندری‌خیمیچ ، ستیپان او سچیپکوف ، ویا چیلا و پوپوف‌اناتولی گریشین ، ولادیمیر موروزوف‌نیکولای **چزهیکوف، یـوری شباروف، هـر ـ** من سویشنکوف یوری سیسیکین ، ویکتورزه دانوویچ ، یاکوف رولسکی ، عمرمولیخانوف ، مارك‌راکیتا ، بوریس میلنیکوف ، ایوگنی‌کوند راتیوف، الکسندر شیبایوف ، الکسندر شاراپوف ، نیکولای کزنیتسوف ، یاکـــوف‌میلینـــکوف ویکعدهٔ زیاد دیگران که ذکر اسمای همهٔ شان سخن را بدرازا میکشاند .در اتحاد شوروی بدهها ملیون نفر در رشتهای مختلف سپورتی مصروف اند .

یك رقم دستداشته مستند بطور مثال‌ازسال ۱۹۳٦ بعد یك تفاوت قابل‌ملاحظه رقمـی رادر افزایش تعداد ورزشکاران تا سال ۱۹٦٤ یعنی در ظرف سالهای متعدد طوری نشـان میدهد که بحیث مشت نمونهٔ خروار طی آن‌مدت تعداد ورزشکاران را هشت برابرارائه کرده است :

سال	شمار ورزشکاران اتلتیك
۱۹۳٦	۳ر۷۰٦ر۰۰۰
۱۹٤۰	۵ر۳۳۲ر۰۰۰
۱۹٤۸	۷ر۷۹۱ر۰۰۰
۱۹۵۲	۱٦ر۸۳۳ر۰۰۰
۱۹۵٦	۱۸ر۵٦۸ر۰۰۰
۱۹٦۰	۲۸ر۷۲۲ر۰۰۰
۱۹٦٤	۳۵ر۸۳۸ر۰۰۰

بعدازسال ۱۹٦٤تا۱۹۷۸ تعداد ورزشکاران‌شوروی نه تنها در رشته اتلتیك ، بلکه در سایر شقوق‌سپورتی به تناسب افزایش نفوس‌کلی کشور چندین بارو چندین برابر دیگر افزایش نموده ، بطوریکه انواع سپورتها وورزشهای ملی وبین المللی میا ن ملیتهای مختلف اتحاد شوروی جز ومصروفیتهای‌عادی‌وسر گرمیهای محیطی باشندگان آن سرزمین قرارگرفته است وبرای فراهم آوری وسایط وتسهیلات بیشتر سپورتی بحیث‌طرق توسعوی وموثر تدابیر واقدامات پیگیر و سودمندی‌اتخاذشده است . مثلا: کنفرانس‌علمی بین‌المللی درباره مسایل وپروبلمهای آموزشی سپورتی‌که بسال ۱۹٦۲ در مسکو دایرشد ، روشهای جدیدی رادر آنموارد پیریزی کرد. از اثرتجاویز موثر درراه بسط وانکشاف مزیدورزش درظرف سال ۱۹٦۲ محصلان انستیتوت‌تربیت‌بدنی بدریافت سه صد جایزه از رهگـذر موفقیتهای‌ورزشی نایل‌گردیدند. علاوتا سال ۱۹٦۲بمثابه کلید سال پیروزیهای مطلوبی برای ورزشکاران شوروی شناخته شد واین‌درحقیقت حد فاصل ونیمه راهی رابین‌المپیای ۱۹٦۰ و ۱۹٦٤ مشخص ساخت‌که‌باموفقیتهای‌قهرمانان اروپایی وجهانی توام بوده ودرآن چهل وپنج قهرمان اروپایی و جهانی تنها درسال ۱۹٦۲ اشتراك ورزیدند . ورزشکاران **اتحادشوروی درین بازیها پنجاه و هفت مدال طلاچهل وسه نقره وبیست وپنج‌مدال‌برونز را** بدست‌آوردند، درحالیکه ورزشکاران‌امریکایی هفت مدال طلا ، پانزده مدال‌نقره وشانزده مدال برونز راحاصل کردند. در۱۹٦۲ یوری‌ـ تیتوف قهرمان جهانی دروزنه برداری شد ، در بازیهای بلگراد(یوگوسلاویا) وستاکهولم (سویدن) تیم اتحاد شوروی به‌اخذسیزده‌مدال طلا، شش مدال نقره وده مدال برونزموفق شدند، دربازیهای هلسنگی (فلیند)، یوری تیوکالوف شامپیون شدو (ویاچیسلاوایوانوف درردیف ورزشکاران ممتاز قرار گرفته و در بازیهای ملبورن، روم وتوکیو غالبا برنـده مدالهای طلایی شده است .

درسال ۱۹٦۲ تنهاورزشکاران‌اتحادشوروی درچهل‌وپنج‌مسابقه‌قهرمانی‌وتورنمنت اروپایی وجهانی اشتراك کردند که از آنجمله در۲٦ مسابقه آن برنده شدند ودربیش از هشت مسابقه دیگر آن مقامهای برازنده‌وچشمگیری رابدست آوردند . همچنان درسال ۱۹٦۳ ورزشکاران شوروی بیست وسه مقام‌قهرمانی جهانی وسی وهشت مسابقه قهرمانی اروپا را در تمام بازیهای المپیك حاصل کرده توانست د ر ســا ل ۱۹٦۳ کــه بـا ز یـها ی قهرمانی و شامپیو نشیپ در ماسکو برگزار شد ا ؛ یك گریگوریف خوب درخشید وسپس در ۵ ۱۹ لقب قهرمانی اروپا را دربوکسنگ بد. ت‌آورد. ولادیمیرینگیباریان قهرمان‌معروف مش ، زنی المپیك وگرانت شاگی‌نیان‌قهرمان جمناستیك المپیك اتحاد شوروی وجهان و ویکتور زخارینکو شاگردنوریکوف برنده‌مدال طلایی در حلقهای سپورتی اتحادشوروی و ممالك ذیعلاقه شهرت زیادی داشته ودارند .

پاول کولچین بسال ۱۹۵٦ در مسابقه ریلی دویدن یك مدال طلا، دو مدال برونزوبسال ۱۹۵۸ در مسابقه قهرمانی(لاختی‌فنلیند) بازهم یك مدال طلا را کمایی کرد. حصول سه‌مدال نقره ازموفقیتهای دیگروی بین بهترین‌سکی‌ـ بازان شوروی است، موصوف به سال ۱۹٦٤ در انسبروك بازهم یك مدال برونزرا بدست آورد. ابراهیم‌حسنوف‌اهل‌تاجیکستان شوروی بسال ۱۹۵۹ درمسابقه دوش (دویدن)بفاصله ده هزارمتر برنده جایزه قبلی المپیك‌وقهرمان اروپا راشکست داد، پیروزی هایش‌در ۱۹۵۷ ثابت تاریخ سپورت است، دربازیهای‌المپیك روم شرکت داشت ودرمسابقات المپیای توکیو یك مدال نقره گرفت .

مراد نیا زاوف اهل عشق آباد ترکمنستان شوروی قهرمان دیرینه نشانزنی وتیراندازی بسال ۱۹۵۸ ضمن مسابقه قهرمانی جهـا ن منعقده ماسکو برنده سه مدال طلاودو مدال نقره شده ودر بازیهای المپیك روم‌مقام دوم را احراز کرد، همچنان بسال ۱۹٦۲ضمن‌اجرای مسابقات قهرمانی گیتی درقاهره دومدال طلا ودومدال نقره را بدست آورد، از جملـــه شاگردان وی نشانزنی ولادیمیر لووف، محمد رضایف ونیکولای گورودنی مقام استادی‌رادر رشته خوداحراز کردند. جانشین‌لوسیس نیزه اندازجوان وقتی قهرمان اروپاشدکه شطارتهای وی در بازیهای بلگراد مورد توجه‌زیادی‌واقع گردید ووی بمسافه ۸۲ر٤ مترنیزه اشرابرتاب کرد، وی یك مدال برونزرااز بازیهای توکیو حاصل کردودرسال ۱۹٦٦ بار دیگر قهرمان اروپا شد.

(ناتمام)



یکی از ورزشکاران اتحاد شوروی حین‌اجرای خیز از مانع .

بقیه صفحه ۱۵

امین و کام امین

کشتار دسته جمعی، بزنجیر کشیدن و ..... دریغ نمی ورزد ، ثانیا اینکه این گونه‌عناصر باز دوبند های خائنانه ی که با ارتجاع وامپریالیزم جهانی برای دوام سلطه‌ی خود برقرار می نمایند در ردیف وطن فروشان نامدار تاریخ قرار می گیرند . چنانچه بعداز آنکه امین فاسد و اجنت به اراده‌ی مردم واردوی آزادیبخش ما معدوم و نا بود شد اولین آواز وندبه از آن طرف اوقیانوس ها از جاییکه در آن علیه خلق قهرمان‌ویتنام دسیسه وتوطئه وپلان جنگ طرح می شد از جاییکه طرح توطئه علیه خلق فلسطین وسایر خلق های آزاده‌ی عرب صورت میگیرد آری قصر سفید و آقای جیمی کارتر از او دفاع کرد وهمه ماشین تبلیغاتی خودرا بکار انداخته تا بازهم خلق ما وسایر خلق های زحمتکش را فریب دهد ولی باید اذعان بداریم‌که امپریالیزم امریکا وشوونیزم پیکنگ درین معامله نیز می بازد زیرا آنها از آدم کش حرفه ای وناموری که بیادآوردن اسمش انسان رابه کراهت و نفرین وا می دارد، دفاع وپشتیبانی کرده و می کنند .

چنانچه بازهم درین مورد می توان سخنان موجز وپر مفهوم وواقعی ببرك کارمل منشی عمومی کمیته‌ی مرکزی حزب واحددموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان را ذکر کرد ایشان در ادامه ی جواب شان به سوال خبرنگار آژانس باختر درین مورد چنین فرمودند : «... او شرف وناموس‌هزار هاخانواده‌ی مردم کشور را غارت کرد جای بسیار تعجب است‌که آقای کارتر اساس شعار پلاتفورم خودرا هیومن رایت یعنی حقوق بشر قرار داده ولی در مقابل تمام این‌فجایع که از طرف ایجنت وی صورت می گرفت ، مهر سکوت بر لب داشت، لیکن امروز که چلو صافش به اصطلاح وطنی ما از آ ب بیرون می آید ، دچار یك روح هستریك گردیده است ...»

امین ودارودسته فاسد وی علی الرغم ندبه ها ودروغ پراگنی های امپریالیزم معدوم گشته وپوزکثیفش به خاك مرگ مالیده شده است ، دیگر وطن ماومردم ما از شر این وحشی خفاش خون خوار و ددمنش نجات و رهایی یافته اند ، دیگر مردم، زحمتکشان ، آزادیخواهان، انقلابیون، وطن پرستان و خلاصه قاطبه ی مردم شریف وطن واحد وپر افتخار مان افغانستان از شنیدن نام امین و «کام» اس-اس مانند ا و از چهره‌ی خونخوار وسفاك او و بالاخره از موجودیت او بخود نمی لرزند . دیگر آن امین‌میرغضب که هر خواست معقول ووطن پرستانه، هرعمل آزاد یخوا هانه و متر قی را با گلوله وغل وزنجیر وتوهین جواب می داد نا بود گشته است . دیگر آن «کام» کامی که‌برای کامگار ساختن امین ودارودسته‌ی فاسد و سیاهش در تکاپو بود وسایه وار وطنپرستان وآزدیخواهان را تعقیب می کرد، در هم شکسته است وبا امین یکجا به کام نیستی ومرگ سپرده شده است .

ما در حالیکه به همه مردم نجیب و شریف هموطن خود از صمیم قلب تسلیت می گوییم وخودرا در ماتم وسوگ همه داغ دیده ها شریك و سهیم می دانیم . (زیرا هیچکس وهیچ فامیلی در کشور نیست‌که از گزنداین خار مغیلان در امان مانده باشد) توام با ین تسلیت بازهم صمیمانه ورود کشور ، جامعه ودولت رابه مرحله‌ی متکا مل انقلاب شکوهمند ثورکه مسیر اصولی و متر قی این انقلاب است وراهی است بسوی روشنائی ها ، بهروزی ها ، بهزیستی ها وبالاخره رها از هر نوع ظلم و ستم واستبداد اعم ازمادی ومعنوی ، ازته‌ی دل‌تبریك وتهنیت می گوئیم خلق آزاده بلا کشیده واستبداد دیده‌ی‌افغا-نستان مژده ، چشم های رنج دیده‌ی تان روشن وتابناك باد که امین این جاسوس سی ، آی ، ای واین ددمنش خون آشام‌با همه بادنجان های دور بشقاب خود از اریکه قدرت بزیر کشیده شدند وحق وحقدار بجای اصلی خود قرار گرفت هموطنان سوگوار در غم عزیزان ، پس از این سوك وغمی نخواهید داشت زیرا منبع غم وسو گواری شما یعنی امین وباندش به گورنیستی سپرده شده‌اند. زنده باد آزادی ، زنده باد انسان زحمتکش وآزاده .

د ۴۲ مخ پاتې

یاشکا

ولاړه ؟ خلکوبه دده پرپوښتنه کټ کټ ، وخندل ، بالاخره په یوه لیری کلی کی دمجهول الهو یه او بی تنـ کری پر دیسی په نامه ونیول شو او بیرته خپل ښار ته وا ستول شو .

یاشکا پخپل ښار کی بیامطبعی ته‌لاړ، تل‌به غمجن ښکاریده،تابه‌ویل چی کوم شی یی ورك کړی دی ،او دژوندانه په ټولوبرخو کی خپلونورو ملګروته ورته شوی و . دهغوی په شان به یی و د کا ښبل ، د هغوی په شان به دبد کاره ښځو کورو ته ورته او ډیری پیسی به یی په قمار کی بایللی تر دی وروسته نو یا شکاد همدی کار-ونو له پاره پر له پسی کار کاوه او کار کاوه . . .

یاشکا او س دیرش کلن دی، که نیمه ورځ په مطبعه کی وی، نیمه نور خو حتما په میخا نو کی تیروی د کار ګرا نو او کار فرما یانو په مینځ کی‌په مستی ،غلاوبی شعوری‌باندی مشهور شوی دی . هر څوك یی چی و و-ینی فکر کوی چی یاشکا یو بنځوس څیری څیری‌او خیر نی‌جامی اغوندی. سترګویی خپل پخوانی حالت‌له‌لاسه ورکړی او تل پړ سید لی وی .

خو په هغه ورځ چی دواړه په میخانه کی ناست وو اوما د ده د ژوند دی دا ستان‌ته‌غوږنیولی وو ستر ګی یی ځلیدی او د خو ښی بڅر کی تر ینه اوریدل . دا ستان یی چی خلاص کړ غلی شو او وی ویل :

-پخپل ټو ل ژوند کی می همغه څو خوږی ورځی در لودی .... ډیری لنډی وی ... هو، اوس مست یم اود هغو ورځو خاطره ډیره راته خوږه ده . یادول یی ماته په‌زړه‌پوری دی . که(دا) نه وی ... هه ... که (دا) می نه وای لیدل ز ماژوند به هرو مرو بله بڼه در لو دای ا و ښه به‌وای . خو ... ارمان لعنت دی‌وی‌پری... شیطان‌دی‌ورته‌گوری آخر مرګ دی چی هر ډو ل ژوند وکړو آخر به مرو!.. ټول یو شی دی . خو اوس چی (هغه) سته ، داسی شی هم شته چی انسان‌یی وریاد کړی .

(پای)

بقیه صفحه ۱۸

صداها...

آماده شد . پس از نیاز محمد و صو فی یاسین عثما ن ریش سفید ده حسا ب می-شد . او رویش را به طرف قبله کرد ودست هارا به دعا بالا نمود . دعای طو لا نی کرده به پدر مارزك شفا خو ا ست و به خو د ش سر خ رویی و کا میا بی و به مردم ده اتفاق و آرامی . د عا کرد که زنان ده همیش با شر ف با شند ، و کودکان با ر گ و پی قوی بار بیایند و نام نیك برای پدران شان کسب کنند .

به معموری کشت ها و سر سبزی چراگاه ها وسلامت مواشی دعا کرد .

و برای مارزك سفر با عا فیت خواست .

زنان با لا ی با مها گریه کردند کودکان شان هم گریه کردند . و مردان با دل پر اندوه دقیقه ها به دشت چشم د و ختند دو سوار آرام آرام به سو ی ا فق دوردست میراندند .

مردم به ده باز گشتند . پیر زنی که هر روز غروب هنگام یك کاسه شیر برای مارزك می آورد مانند هر روز آمد و کا سه را به دهن دروازه خر گاه گذاشت وخود گوشه چادرش را به چشما نش گر فته گر یه کرد . پیر زن گفت : مارزك پسرم بود ... مانند پسرم دوستش د ا شتم .... حیف که با دل غمگین از اینجا رفت . بیچاره پدرش شاید مرده باشد . ازشمابوی مارزك می آید . یا داو به خیر ، شیر را برای شما آوردم .

حلیم گفت : ما در غصه نکن پدر مارزك مریض نیست .

پیرز ن گفت : خط آمده که مر یض است . خط که دروغ نمی گوید .

حلیم گفت : خط ؟ آن خط ازشهر نیامده بود . آنرا من وشیر محمد نوشته به پوسته رسان دادیم که مارزك مجبور شود به خانه اش برود .

پیر زن گفت : هه ؟ ... خط دروغی بود ؟

پدرش نا جور نیست ؟ ای شما !... ا ز سراسیمگی می خواست کا سه شیرش را پس ببرد .

شیرمحمد گفت : مادر ، لحا ظ خدا، شیر را نبر !

پیر زن که نمیدانست گریه کند یاخنده گفت : بینی بریده ها جوان را جگرخون کردید . من همرای تا ن کار دارم خانه تان پر گندم . و چیز های نامفهومی گفته از جایش برخاست .

حلیم گفت : مادر قهر نشو . اگر خانه نمیرفت آن تب لعنتی او را می کشت . ما هم راه دیگری نیافتیم . اما زن کپ کپ به راه افتاد . میر فت و گوشه چا د ر ش را بر زمین می کشید .

شاید ر فت که تمام ده را از آن گپ خبر کند .

-پایان-

بقیه صفحه ۵۵

چگونه پرندگان شکل و ...

ندارند . چنانچه یك نفر مرغدار که ازجهت این گونه بوم هاخیلی در تکلیف بود یك صد بوم را دریك فصل ازبین بردو هنگامیکه شکمهای آنها را پاره کرد نگریست که‌اثری ازگوشت مرغها ی او در شکم آنها وجود ندارد . بعداویك تعداد بوم های دیگررامورد مشاهده قرار داد، دید که بوم ها چوچه های مرغها را گرفته به‌طرف جوی‌آب میروند وآنهارا در یك ردیف کنار هم می گذارند همچنان مرغدار مذکور مشاهده نمود که این بوم هاروز چند بار برای دیدن شکارهای خود می آیند اما از گوشت آنها هرگز نمی خورند ، بلکه از قا نغوزك ها استفاده میکنند . مرغدار با دیدن این صحنه نتیجه گرفت که جسد چوچه های شکار شده توسط بوم هابرای بوم ها، حیثیت‌دامی‌رادارند که قانغوزك هارابه چنگ آورند .

بهر صورت ، یك تغییر ودگرگونی ناچیز در خواص پرنده ها، فرق بزرگی رادربهبود نسل آن به میان می آورد . ازجانب دیگر یك دگرگونی در شرایط ماحول زندگی پرندگان ، ما نند رونما گردیدن دوست و ویا دشمن ، به‌معنی‌زندگی‌ویاازبین‌رفتن‌است.

طوریکه ملاحظه شده بوم ها همیشه خواص شکار خودرا تغییر میدهند بخصوص در موقعی که تعداد زیادی از پرندگان کوچك را بنگرند و بدانند که آنها را به سهولت به چنگ آورده میتوانند، عشق و میلان شدیدی ، برای گرفتن آنها درخویش احساس مینمایند و علاقه کمتری به شکار موشها میگیرند علاوه برآن دلچسپی شدیدی برای شکار کردن در روز پیدا میکنند روی همین منظور است که خودبوم ها مورد شکار واقع میشوند وبدام می افتند .

جای تردید نیست که پرندگان درین اواخر ، در پیدا کردن جای برای ساختن آشیانه به مشکلات شدیدی گرفتار گردیده اند . زیرا طوریکه دیده میشود روزبه روز شهرها وخانه ها عصری و عصری تر شده میروند و جنگلات قطع وساحه باغها را مناطق تجارتی و عمارات بزرگ اشغال میکند و جای مناسبی برای آشیان پرنده‌ها، ازبین میرود .

علمای پرنده شناسی می گویند که اگر پرندگان شیوه آشیانه سازی و خوی وعادت شان را تغییر بدهند خیلی خوب است . خوشبختانه پرندگان ، این موضوع را درك نموده و روز تا بروز ، خصوصیات و عادات شان را دگرگون میسازند .

چنانچه تغییر و دگر گونی عجیبی دربعضی پرندگان جهان رویداده است که دگرگونی پرنده ای بنام «ودپیکر» خیلی دلچسپ و چشمگیر است . زیرا این پرنده با تجارب زیادی می خواهد بسوی زندگی جدیدی پیش برود

پرنده مذکور را میتوان در ساحه های فراخ جنگلات بلوط پیدا کرد . زیرا امروز زندگانی این پرنده منوط به میوه بلوط است که آنرا در سوراخ درختان می گذارند اما اکثرا دیده شده که پرنده های موصوف دانه های بلوط را از آشیانه به سوراخ ها می برند و برای آینده شان ذخیره مینمایند .

همچنان مشاهده شده که این پرنده تنه اشجار خالی شده را تا ارتفاع بیست فت از دانه های بلوط مملو کرده اند ، در حا لیکه خود شان هرگز باین ذخیره گاه شان رسیده نمیتوانند امروز زندگی این پرنده ها بیش از هر زمانی شکل اجتماعی رابه خود گرفته و به صورت دسته جمعی به سر می برند .

پرندگان موصوف بقدری در زندگی خود موفق هستند که از مهاجرت صرف نظر کرده به صورت فامیل های بزرگ یکجا زیست مینمایند .

این نیز روشن است که اگراین پرندگان تغییر عادت نمیدادند طبعا شیوه زندگی تازه و مخصوص آنها منجربه از بین رفتن شان می گردید .

مثال دیگر تنازع برای حیات که شاید منجر به آینده نا معلو می شود عبارت از دگرگونی است که دراسلوب زندگی«برنتك-برد» پرنده ایکه میدود، پدید آمده است .

این پرنده امروز پا های خویش را نسبت به بالهای خویش بیشتر استعمال میکند .

همچنان دو نوع شتر مرغ نیز وجود دارند که در ردیف برنتك برد قرارمیگیرند. کار نگرفتن و یا ضایع کردن بالها برای این پرنده بخصوص برای شتر مرغ خیلی گران تمام شده است و در اکثر حصص آسترلیا ، ازبین رفته اند .

غچی شاید یکی از مشهورترین پرنده‌های باشدکه تغییر عادت داده است . این پرنده در سال ۱۷٦۹ در بعضی کشور ها به نام پرنده دودکش ها یاد میشد زیرا عموما در چنین جا ها خانه میکرد . برعلاوه غچی‌ها عادت داشتند که در اصطبل ها نیز خانه بسازند . تا امروز نیز این پرنده اگر دود ویا اصطبل را مناسب بداند درآن به خانه سازی می پردازد ، زیرا پرنده مذکور این عادت خود را تا امروز حفظ نموده است اما این پرنده مقبول اکنون برای پیدا کردن جای برای ساختن آشیانه به مشکلات زیادی روبرو گردیده ، از ینرو ، ازآن جاکه اجداد این پرنده تغییر عادت داده اند . در زمان های قدیم دود کشی که در آن غچی خانه نکرده باشد خیلی به ندرت پیدا می شد اما امروز تعداد این پرنده نسبت به سابق خیلی کم گردیده است .

همچنان هنگامیکه لین های تیلفون و تلگراف در سراسر کشور ها تمدید شد این پرنده تغییر عادت داد. زیرا تا آن وقت عموما در ایام خزان اجتماع آنها به روی



عده یی از پرندگان در ساحل دیده می شوند .

درختان صورت می گرفت و از آوانی که عادت کردند روی سیم ها خود را محکم‌کنند مجبور شدند عادت سابق را ترك نمایند .

امروز دهاتیان ، از قلت گنجشك ها ، در تشویش بسر می برند و علت آن را قوه مقناطیسی سیم های تیلفون می دانند ، زیرا این قوه مانع مهاجرت آنها به سواحل می گردد . همچنان شاید سیم تلگراف در عادت این پرنده ها تغییری پدید آورده باشد .

توسط کبوتر خانگی نیز تجاربی صورت گرفته واین نتیجه بدست آمده که در جریان یك توفان آنها سمت پرواز شان را تغییر میدهند در تجربه نخست از یك کبوتر نامه رسان ، استفاده بعمل آمد. این‌کبوتر را ازفاصله پنج میلی آشیانه اش‌درنزدیکی یك آنتن رادیو که به امواج مختلف برود-کاست می گردید ، رها کردند. این پرنده جزآنکه پرواز دورانی را انجام بدهدکاردیگر کرده نتوانست . زیرا سمت خانه اش را نسبت آنتن‌رادیوازدست داده بودوبه مجردی که استیشن رادیو از برودکاست باز ماند کبوتر مستقیما به طرف خانه خود در پرواز شد .

در تجربه دیگر چند کبوتر ، از عقب استیشن وآنتن رها شدند تا ازبالای استیشن عبور کرده بخانه برسند . این بار هم کبوتر هابه پرواز دورانی شروع کردند .

علمای که این تحقیقات و تجارب را بعمل آوردند چنین نتیجه‌گرفتند که تاثیرمقناطیسی امواج بالای اعضای مخصوص پرنده ها ، که در سر شان وجود دارد اثر گذاشته و آنها را به پرواز دورانی وا میدارد .

سر انجام باید اظهار داشت که باوجودیکه عادت تحت تاثیر محیط زیست قرار بگیرد بیش از یك ملیون سال بکاراست تا ریشه عمیق یك غریزه را ازبین برداشت .

بقیه صفحه ۱۷

تخنیک معاصر ...

در سا لهای اخیر برای دشت ها ومزارع، اتحاد شوروی وکشورهای دیگر سوسیالستی ماشین ها و مجتمع های مخصوص نظر به پلان همکاری جا معه ای بین المللی در اگرو ماش ، ساخته شده است . درین پلان همکاری بلغاریا ،هنگری، آلمان دموکراتیك ، پولند ، اتحاد-شوروی و چکو سلواکیا سهم‌دارند.

این اجتماع بین المللی کشور ها کامپلکس (مجتمع) های برای جمع آوری پیاز، زردك، مرچ، سبزیجات وانگور نیز تولید نموده است .

در نما یشگا هی که درین زمینه در اتحا دشوروی بر گزار شد در آن بیش از سه صد نمونه از بیست‌و دو کشور جهان به معرض نمایش گذاشته شده‌بوداین نمایشگاه‌صرف بخاطر نمایش تخنیك و تکنا لوژی زراعتی نبوده‌بلکه‌تبادل‌نظرو استفاده از تجارب همدیگر نیز در نظر بوده است تابین سازندگان ، علما و طراحان در مورد انجام یابد .

فعلا در اتحاد شوروی نه تنها تخنیك زراعتی بلکه رشته های مختلف صنعت شوروی در کشور های دیگر سوسیالیستی درمعرض نمایش قرار داده شده و هم چنان تخنیك در آینده ی قریب نیز نمایش داده می شود .



یك اعلان فوق العاده

البر تو منسس مدیر عمو مــی‌شرکت هوا پیمایی پیرو متفکرا نه عقب میز تحریر خود نشسته بود. بعد از اندیشه زیاد ی‌بالا خــره گوشك تیلفون را بر داشت و بــه‌سکرتر خود گفت :

ـفورا آمر اعلانات را نزد مــن‌بفر ستید .

دو دقیقه بعد هردو رو بروی هم‌نشسته بودند . منسس گفت :

ـ من نمیخواهم هم زیادحرف‌بزنم. قراریکه میدا نید شرکت هوایی ما در این ماه های اخیر یك وضعیت‌بحرانی را می گذراند و اگر طیاره های ما چند ماه دیگر نیز تقریبــاخالی همه جا پرواز کنند دیگــر ور شکست خواهیم شد و مجبــورهستیم شرکت را منحل نمائیــم. خلص اینکه من شما را خواستم تادر این مورد مشوره بدهیدوبگوئید که چه می توانیم بکنیم تابه رقبای‌خود فایق آئیم ؟ آمر اعـــلا نات گفت :

ـمن میدانم . بنابر آن یك فکرفوق العاده برای پخش اعــلانات راجع به شرکت دارم .

مدیر عمو می با عصبا نیــــت‌دستش را بالای میز زده گفت :

ـ دیگر اعلا نا ت چا پی و رادیو یــی‌بس است . هیچ کسی آنها را نه می خواند و نه می شنود . مایــك‌فکر تازه و یك ابتکار تازه بکــار داریم . یك چیزی که تا کنون قطعانشده باشد فهمیدید ؟ آمر اعلانات فکری کرده گفت :

ـدر این صورت پیشنهاد می‌کنم‌تا یك متحد المال به تمام تاجـران مو سسات و مد یران شرکت هــای‌مختلف مملکت بفر ستیم و در آن ذیلا تذکر بدهیم :

ـ«اگر شما میخوا هید در سفرتجارتی خود خانم تان را همــراه ببرید ، آنوقت با طیاره های مــاپرواز کنید ، ما بخانم شمایك‌پرواز مید هیم تا او بتوانـــد امتیا زات‌طیاره مارا که در آینده شو هرش با آن پرواز می کند از نزدیـــك‌مشا هده کرده و شخصا شاهــد راحتی های باشد که طیاره ماتقدیم‌می کند .

منسس با شور و شعـــف‌دستا نش را بهم مالیده گفت :

ـفوق العاده ! فوق العاده » این‌یك فکر خوبی است و فورا تاثیــر خود را می کند .

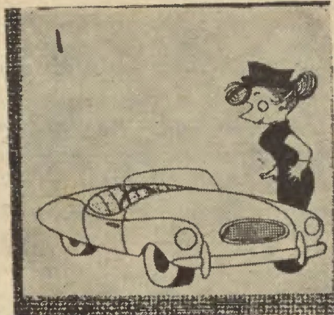
حقیقتا هم بعد از فر ستا دن‌این‌مکتوب متحد المال ، تاثیـــر آن فوق العاده بوده و یك هجوم‌بی‌نظیر بالای طیاره های شرکت آمــــد. «منسس» از خو شحالی درپیراهن‌نمی گنجید . هنگامیکه لست اولین صد جوره زن و شوهر مسافــر راروی میزش گذاشتند یك فکر تازه در مخیله اش پیدا شد و فـــورادستور داد تا به زنان این صدنفر مسافر یك مکتوب صمیما نه نوشته‌و ضمنا سوال نمایند که آیــا از پرواز خوششان آمده است وسفرخوبی نموده اند ؟

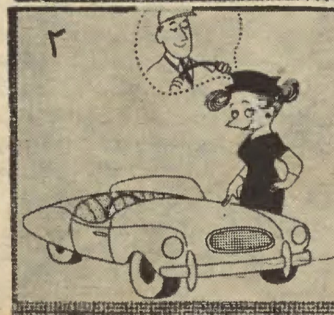
دو روز بعد آن «منسس» نودونه‌تیلگرام از زنان مسا فرین حاصل کرد که در آن تحریر یافته بود :

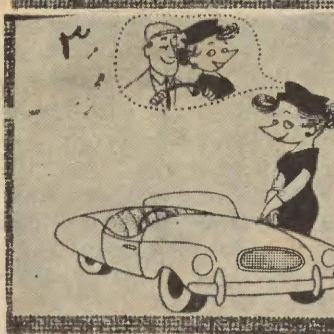
ـ مقصد تان چیست ؟ کدام‌پروازرا می گوئید ؟

باید گفت که نو دو نه فیصد ازمسافرین رفیقه های شانرا با خود برده بودند .

خیال پلو









از بالا به پائین بدون شرح



بدون شرح

د گل «شنیواری» را لیږنه

خاموش ډاکتر

یو ناروغ سړی په داسی حالا کی چی د پاخه عمر خاوند وو په خپل ژوند کی د لومړی ځل له پــاره دور پیښی شوی نارو غتیا دتشخیص په خاطر ډاکتر ته ولاړ .

کله چی نا روغ سړ ی ډا کتر ته ورغی نو ډاکتر پوښتنه ځنی وکړه :

ښه گرانه ! ته باید اوس ماته‌پــــه‌ رښتیا سره ووایه چی څه تکلیف لری ؟

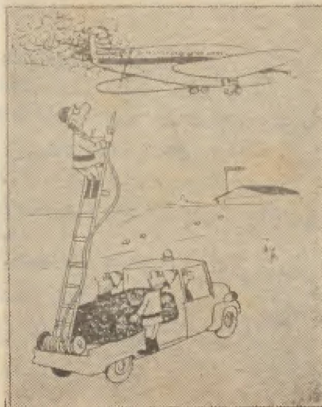
ناروغ ځواب ور کړ : څرنگــه چی تاسی زیاته حق الزحمه اخلی په دی لحاظ باید په ټولو شیانــو باندی هم پخپله و پو هیږی نو زه نه غواړم . چی د خپلی ناروغی په هکله څه درته و وایم .

ډاکتر لږ فکر وکړ او و ویل : ښه اوس نو هغه څه‌چی لازم دی تاسی ته به یی در کړم.

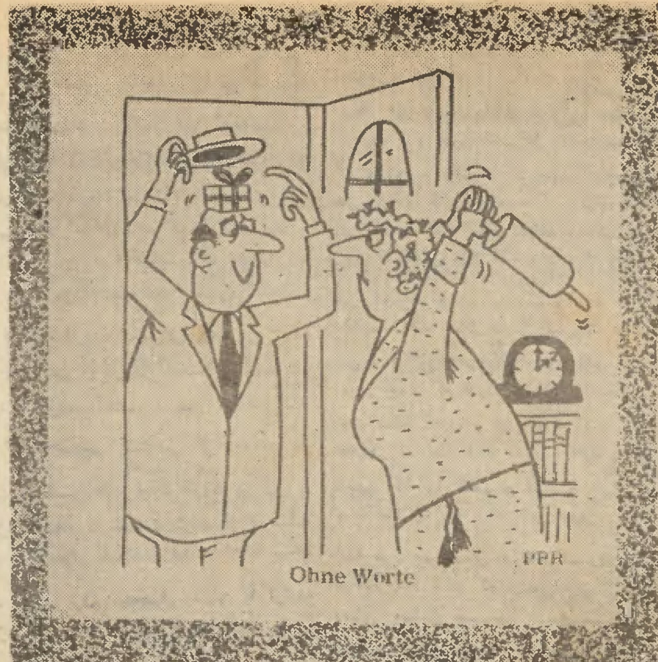
پس له‌دی‌د میزتر شاکښیناست او په لیکلو یی پیل وکړه .

په دی وخت کی ناروغ ســړی پو ښتنه و کړه : ماته دوا لیکی ؟

ډاکتر وویل : نه خیر ! دیــوه خاموش ډاکتر ، آدرس درته لیکم. ځکه چی هماغه خاموش ډاکتر بی‌له دی چی ناروغ د خپلی ناروغی پــه هکله څه ورته ووایی ناروغی یــی تشخیص کوی او سم دلاســـه دوا ورته لیکی .



بدون شرح



دوروز در نقشه

شخصی گزاف گویی نزد دوستان خود به گزاف ولاف میپرداخت • میگفت :

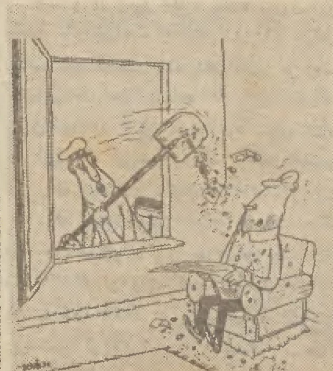
المان رفتم سه هفته خوشگذرانی کـردم درسویس یك هفـته بکلی سر گرم بودم‌که معلومم نشد چطور این هفته گذشت درجاپان مدت دو ماه چنین و چنان کردم •••••

چون گفت‌این شخص خلاف خط لسیر طیاره ها بود بناء دوستش گفت :

ـچه میگویی نقشه را دیده ای ؟

یکبار لافوك سخن راازدهن دوستش‌قاپید وگفت :

بلی ! نقشه راهم دیده ام دو روز در آنجا به بسیار خوشی سپری نمودم •



برادر جان شما نباید همیشه کثافات خوررا بالای سرك بیندازید!

صاحب!

معلمی به شاگرد خودگفت:

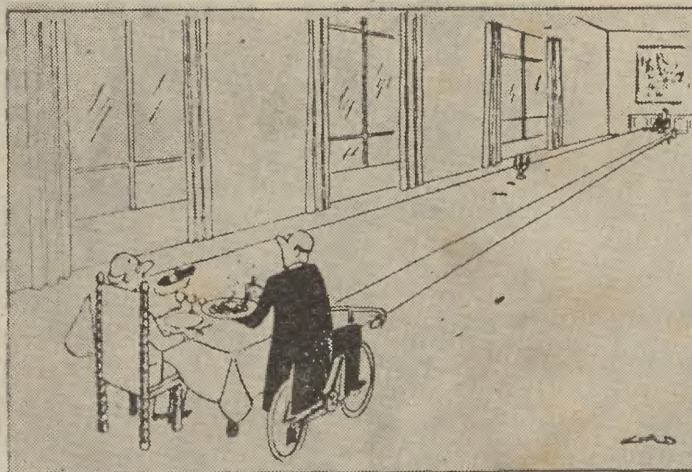
ـپایتخت عراق کجاست ؟

شاگرد- صاحب‌لندن، نی‌صاحب شما نگویید صاحب‌خودم‌میگویم صاحب صاحب برلین نی صاحب صبرکنید صاحب میگویم •••

معلم که‌به اندازه کافی عصبانی شده بود گفت•

اگر دیگر صاحب صاحب گفته بودی‌برت نمرهٔ صفر خواهم داد •

شاگرد به‌چشم صاحب دیگرنمی گو یـیم صاحب •



بدون شرح

خود تان نخورید

شخصی بسیار پـر خور ر و ز ی بـا رفقایش در خانه مهمان شد وقت صرف‌غذاهمه بعداز چند لحظه از سر میز طعام بلند شدند

اما وی هنوزمصروف خوردن غذا بود وهمچنان که میخورد درجواب تعارف صاحب‌خانه‌میگفت: خودتان بخورید ••• خودتان بخورید •••

روز بعدرفقایش‌علت‌این‌حرف‌را ازوی‌پرسیدند او در جواب گفت :

وقتی که غذا میخوردم • حتما صاحب خانه دردل خود میگفت خاك را بخور زار را بخور چقدر خوردی ومن هم به‌جوابش میگفتم خودتان بخورید •••• خود تان بخورید ••••

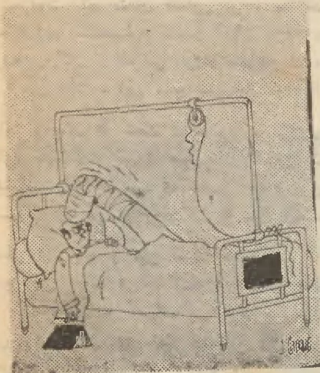


بدون شرح

مامور پرکار

زن- چرا امروز اینقدر دیرازدفتر آمدی ؟

مرد- برای اینکه رفقا یاد شان رفت موقع آمدن مرا از خواب بیدار کنند •



بدون شرح

جواب درست

ترافیك خطاب به راننده گفت :

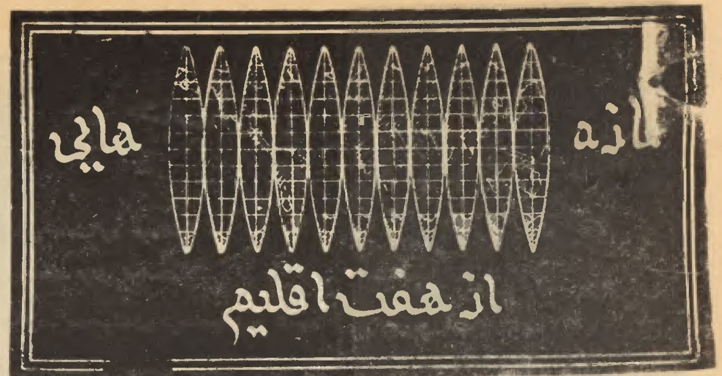
ـآقا مگر چراغ سرخ راندیدی ؟

راننده با خونسردی جوب داد•

ـچرا جناب ، چراغ سرخ رادیدم ولی‌شما راندیدم•



هردفعه آدمك برفی ساختن بسیار کسل کننده‌بود این دفعه من زنك برفی ساختم•



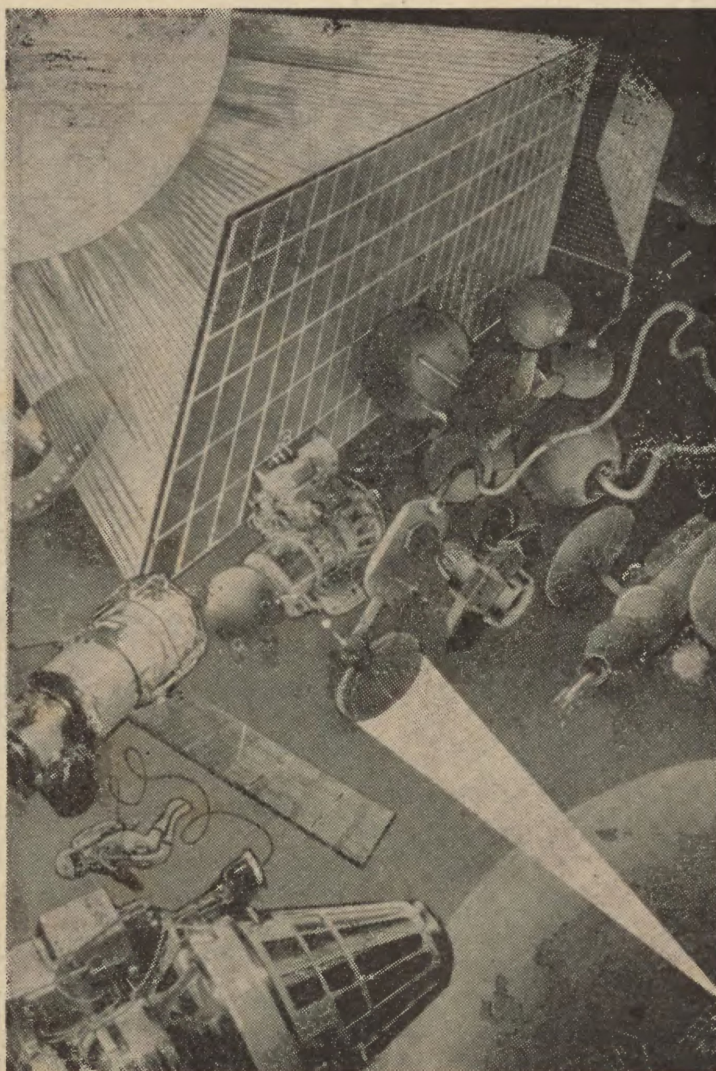
تنظیم وترجمه از : میرحسام الدین برومند

انکشاف سریع ساینس و تکنالوژی در ارتباط با انرژی آفتاب

مطالعات کار مندان فضایی می ر سا ند که انرژی مستحصله اشعه آفتاب (۵۰۰۰) مرتبه بزرگتر از تما می انرژی های مو لد ه در زمین است . این منبع سر شار طوریکه شاید و باید در تحت تسلط وبهره برداری بیاید مشکلست امروز همین نور فروزا ن آفتابیست که در بسیاری نقا ط روی ز مین هستی و زندگی موجودات را تا مین میکند نقاطی در روی ز مین امست که آفتاب در آنجا نمی تا بد در حا لیکه در صحرا های افریقای جنوبی و آسیای مر کزی سا عات تابش آفتاب روزانه بیشتر از ۱۲ سا عت گزارش یا فته . و این شگفت آور و تعجب انگیز نیست که اینك بشر به کسب انرژی آفتاب دست یا فته و آنرا به انرژی بر ق تبد یل مینما ید و در صنایع مورد استفاده قرار میدهد . دانشمندان را عقیده برانیست که آفتاب طبیعتا برای فیض رسانی به کائنات بوجود آمده وناگزیراست انرژی خودرا وقف زمین نماید. برای استفاده مطلوبتر از انرژی آفتاب وتبدیل آن به انرژی الکتریکی متخصصین واولیای امور پیگیرانه کار میکنند ممکنست در آینده نزدیك کشتی ها ی فضایی و اقمار مخصوص بترتیبی تنظیم و عیار سا خته شوند که خود شا نرا در فضا نزدیك کر ۀ آتشین آفتاب ر سا نیده . انرژی را کسب و خود بخود آنرابه انرژی الکتر یکی تبد یـل و به ز مین بفرستند که اینکار ا یجـا ب ز حـما ت بـی پا یا نـی را مینماید . مفکوره کسب انرژی از نزدیك کرۀ آفتاب و تحویل مجدد آن پس از یك عملیه مغلـق تر به ز مین همز ما ن بااعمار پایگاه فضایی «هوربیتال» کـه تو سـط متخصصین فضایی ر و ید ست گرفته شد . ایجاد گردید . این پایگاه که به فا صله (۳۵۸۰۰) کیلو متر ی ز مین در فضا اعمار گردیده و به طور مغلق در فضاء به منظور عملیات فضا یی سا خته شـد ه فضا شنا ـ سائی که با سفا ین به فضا رفته انـد ، اخباری رادر مورد چگونگی فضا ، بعـلاوه در مورد انرژی آفتاب از طریق معلومات های تلگرافی ، تیلفونی و انتقال از طریق شبکه های فرستندهٔ اقمار تلویزیونی از فـواصل بعید گزارش کرده‌اند . گفته شده که درهر متر مکعب تصاویر یا فوتو گرا فی ها ییکه از فضا بسوی ز مین گسیل می گرددمقدارنیم کیلوانرژی بکارمیرود که‌ازانرژی آفتاب به‌انرژی الکتریك به صورت اتوماتیك به ذریعه وسایل تخنیکی که در فضا حرکت میکند مبد ل گردیده . مساله دیگراینست‌که مقدارانرژی که از طریق ماشین های مخصوص آ نهم در فضا به انرژی الکتریکی مبدل می گردد ده چند کمتر از انرژی آفتابست بعباره دیگر همینکه انرژی آفتاب به بـر ق تبد یـل می گردد ده چند کمتر می گردد . در نظر است (کـــارخانه تولید انرژی بر ق ا ز انرژی آفتاب در فضا) بتواند از فا صله پنج کیلومتری پایگاه مزبور (۵۰۰۰) میگا- وات انرژی برق استحصال بدارد؛ با تولید انرژی برق در فضا قسمت عمدهٔ نیاز های ی فضا نوردان در آیندهٔ برآورده خواهد شد انرژی آفتاب بوسیلـه شیشه هـای عدسی میشود به بخار مبدل سا خته شود کـــه اینکار نیز توسط علمای فضا یی عملـــی گردیده . و همین بخار ها ی مولـده است که توربین ها رابه حرکت درمی آورد، توربین هایی راکه با جنراتور ها ی بـرق و صل گردیده که البته انتقال انرژی مـذکور بسوی زمین اشکالاتی رادر خود دارد که مخصوصا غیر اقتصادی بودن این انرژی است . لاکن مطالب ارزنده همانا چنبـن پیشرفت هـا ی سر سام آور وغیر قابل باور بشر عصـر امروز است که قدرت یا فتند که فضا ر ا تحت تسلط آورده و در فضا به کمك وسایل تخنیکی سا خته شده سیار ، خودش انرژی طبیعی آفتا برا کسب و آنرا به انرژی برق مبدل سا زد که واقعا این معجزه است .

البته طرق جدیدی برای انتقال انـرژی مزبور فراهم دیده شده که برای تطبیق اشعهٔ‌لایزر وسایر مسایل مـربوط بـه مـا و راء الطبیعت در کار است . همچنانیکه مقا د یر زیاد انرژی برقی برای اهـداف بخصو ص و بگردش آوردن چر خها ی صنعت ازطریق حفر کا نال ها وشراین زیر زمینی بـرای کشف و انتقال نفت ، گـاز وغیره صور ت میگیرد ، میشود در آینده دانشمندان فضایی و سایر علماء به این موفقیت نیزدست‌یابند که بسیار بسادگی انرژی مولده را راسـا بزمین ویایکی ازاقمار وسیاره های د یگـر بفرستند در قدم اول (پیوتر کاپیزا) یکتـن از فزیکدانا ن اینك بد ین مفکوره د ست یا فته که برای ترانسپورت انتقال‌انرژی برق از کائنات میشود . پلی میان فضا و ز مین کشید اما ا ین بستگی به کثافت هوا و غبار و انقلابات هوا ست که آیا میشوداین‌مفکوره را در عمل پیاده کرد ؟

زیرا زمستان و تا بستا ن و گر ما و سرما ، تولید شب و روز و غیره ممکنست اشکالاتی را در زمینه اعمار پلی که فضـا را بزمین مرتبط سازد بار آورد . لاکن یك مفکوره مغلق تردیگرتوسط یکتن‌ازدانشمندان خبره طرح گردده و آن اینکه انتن ها ی آخذه میتواند انـرژی را بسان امـــواج تلویزیونی و رادیویی ، امواج الکتر یکی را کشف و در زمین ذخیره بدارد . روی این ملحوظ یك‌آنتن‌آخذه که‌دارای (۱۰۰۰) مترقطر میباشد نیز تدارك دیده شده‌است. هر چند دستیابی به این پیروزی ها ظاهرا خـواب وخیال مینماید لاکن علماء خود معتقد نـد که این یك فر ضیه نیست بلکه واقعیتی است که ای ن‌یك طگجته‌ددر، ذخخه وت ت است که بزودی تحقق خواهد پذیرفت.درنظر (۱۰۰۰۰) میگاوات برق را خواهد د ا شت و (۳۵۰۰۰) تن وزن کارخانه‌بشمول جنراتور آن به (۱۰۰۰۰۰) تن بالغ خواهد گـردید روی‌دست گر فته شده و تدابیری حتی برای مونتاژ گرفته شده این کارخانه قراربرو - گرام باید با وسایل خود کار در فضـــا ساخته شود که بتواند خـودش را در فضا



بشر باوسایل تخنیکی مدرن خود برای‌انتقال انرژی الکتریکی از فضا بزمین سخت میکوشد .

لایتناهی نگهدارد . این کارخانه در فاصله (۲۰۰...۳۰۰) کیلو متری زمین تو سط انسان وانسان مصنوعی که به شکل خود کار عیار و بداخل آن ماشین ها یی فعالیت خواهد کرد وضع وتنظیم این امر را به عهده خواهد داشت ، بپیچیدگی ومغلقی این فعالیت بحدیست که شکلست باور کرد که ساینس و تکنالوژی بدان حد بر سد که در فضا کار خانه تولید برق اعمار نماید انرژی آفتاب را به الکتریک تبدیل ویا یکی از سیاره های دیگر گسیل دارد لاکن از نظر پشتکار هیچ چیزی پوشیده نیست وبشر بزودی شاهد این پیروزی ها نیز خواهد بود .

انفجار کتله‌های بشری دربرابر نژادپرستی واپرتاید

راسیزم و اپرتاید به منزله ننگین ترین سلوك در جهان امروز به حساب میرود که نیرو های مترقی کتله های بشریت یکی بی دیگر از آن فاصله میگیرند وبدین شلاق های وحشتبار قرن بیست و هروان آن نفرین بی پایان می فرستند یقینا دیگر انسان پیشرو عصر کنونی درین قرن بیستم که دوران شگوفایی نهضت های مترقی در جهانست ، دیگر تحمل تضاد هـای طبقاتی و برتریت بر نگه جلد ونژاد را ندارد . روی این اصل عمده در کنفرانسی که در باکو پایتخت آذربایجان شوروی منعقده ماه سپتمبر از طرف حقوقدانان بسی از کشور ها که شمار کشـور های شامله به ۳۶ کشور می رسید ، دایـر گردید پیرامون بر طرفی نژاد پرستی و اپرتاید ایـن بـلای بـزرگ آسایش و صلح بشریت بحث صورت گرفت .. درین کنفرانس از نگاه حقـوقدانان راجـع به نـژاد پرستی و اپرتاید در جهان بحث صورت گرفته و بدی های آن برشمرده شد . در افتتاح کنفرانس (لیف زیمبر - نوف) رئیس اتحادیه حقـوقدانان اتحادشوروی و رئیس محاکم عالی آنکشور گفت : راسیزم با تمامی انواع آن و اپرتاید در بسیاری کشور های کاپیتا لیستی به شکـل حـادآن مسلط است . این بازی مهلك باعث گردیده که بیشتر از پیش این سیستم ، منفـور و ضد انسانی ، میلیون ها انسانـرا خاصتا در افریقای جنوبی ، رودیشیا ، نـامیبیا و غیره به مزلت و بد بختی سوق بدهد و رهبران سیاسی و حتی دکتورین صهیـو- نیست اسرائیـل و فلسطین غیر انسانـی ترین شیوه را که بشریت از آن ننـگ فراوان دارد برخلق مذکور تحمیل نما یند وسیاست همچو کشور ها ییکه منحیث چتر راسیزم و اپرتاید در کرهٔ زمین نقش بازی میکنند . بیش از پیش نا آرامی و ظلم و ستم بر خلق ها را در جهان دامن میزنند رهروان این سیاست نه تنها حقوق انسانی را زیر پا می گذارند بلکه با حمایه تخریبی از رژیم هاییکه پایه های آن بر نـژاد پرستی ، تفوق رنگه و پوست و اپرتایـد استوار میباشد، مدنی ترین حقوق بشر را لگد مال نموده وحتی ابتدایی ترین حقوق رابا پیش گرفتن همچو روش ها سلب میدارنـد و آزادی ایشانرا روز تا روز تقلیل میدهند (لیف زیمبر نوف) کـه جز سهمگیرندگان کنفرانس بود پیرامون نتایج کنفـرانس جهانی علیه راسیزم و اپرتاید بحـث بعمل آورده و پیامی را از طرف حکومت اتحاد شوروی با خود همراه آورده بـود در پیام در مورد اتحاد شوروی که همـواره برای محو انواع تبعیض ، نـژاد پرستی و اپرتاید مبارزه کرده است اشاره شـده و تسریع گردیده بود که بـرای گسترش و انسجام یك زندگی بهتر و راههای بسوی جوامع سوسیالیستی که آنجـا هیچگونه استثمار و طبقات وجود نداشته باشد . اتحاد شوروی همیشه نقش مـوثر و فعالی را ایفاء داشته‌است. امروزحقوقدانان اتحادشوروی با اتکاء باهمکاری‌مردم شوروی صمیمانه در جهت تساوی حقوق وتامین صلح گام های سریع به جلو گـذاشته و همیشه سعی شان بر آنست تا علیه اپرتاید ، نژاد پرستی و حتی علیه بقایا و اثـرات کلونیالیزم و راسیزم در جهان مجادله نمایند: (آیادی ستومی) سکرتر حقوقدانان اتحاد شوروی در مورد وظایف بزرگ وسنگین حقوقدانان بخاطر تحقق یافتن دموکراتیك مردم در جهان و مقابله علیه راسیزم واپرتاید صحبت نموده واز حقوقدانـان سهمگیرنده در کنفـرانس خواست تا به طور آشکارا و علنی به طور مجدانه فعالیت وروی این اصل بزرگ فشار آورند که بشرناگزیر است علیه نژاد پرستی ، اپرتاید کلـو- نیالیزم وامپریالیـزم مبارزه نماید تا اندازه‌ایکه کانون بشریت کاملا مبراء از همچـو روش ها گردیده صلح عام و تام و یکرنگی و برابری در تمامی جوامع بشری مسلط گردد . (الیو بلو ندین بیی) وزیر خارجه مالی با اظهار سپاس از تلاشهای ثمر بخش اتحاد شوروی در زمینه تامین صلح همگانی و جهانی و ریشه کن ساختن اپرتا ید و راسیزم ، گفت که وی برای آیندهٔ افریقا زیاد نگرانست لاکن مبارزه آشتی نا پذیر مردم افریقا علیه راسیزم و تمامی اشکال آن روز تا روز در حال گسترش می باشد.

امروز آنعده از کشور های جهـا نی کـه چنین نا برابری ها و سیستم های ضـد بشریت متوجه ایشان بوده او شانـرا در بند کشیده تصمیم گـرفته اند علیه راسیزم پیگیرانه مجادله نموده و طرق و میتود ها یی را طرح و در دست اجـرا بگیرند و تورم های جدید را بـرای حقوق بشر سراغ بدارند .



در افریقای جنوبی سیاهپوستان هنوز از حقوق انسانی شان محروم اند .



صحنه یی از نمایشات تیاتر امروز .

بقیه صفحه ۲۷

چگونه تیاتر راهش را...

را تعقیب نماید همان طوریکه در مکاتب و دانشگاه های دانش پژوهان مصروف تحقیق و مطالعه مفکوره ها و نظریات نوین اند و با آموزش تیوری های نو میخواهند دگرگونی های رادر ساحه زندگی بوجود آورند همین سان در تیاتر تقریبا باید صحنه انتقالی و عروجی ازمدارج پائین به مدارج عالیتر باشد در چنین تیاتر مردم عملا اندیشه های خوب رادر صحنه عمل تماشا نموده واز آن استنتاج نموده بتوانند .

یکی از متخصصین امور تیاتر عقیده دارد که تیاتر باید راهش رادر میان توده مردم باز نماید وکار کنان امور تیاتر باید باخواص و خصوصیات بینندگان خویش آگاهی کافی داشته باشند در چنین صورت است که میتوانند در یابد که چه اندیشه هایی را روی صحنه تیاتر به منظور تغییر سیماو روحیات مردم پیاده نمایند .

کارگران وکار کنان تیاتر باید نهایت تلاش ورزندتا چنان صحنه‌ها را تمثیل نمایند که باپروتیب حادثات توافـــق داشته وبینندگان حین تماشای صحنه خودرا از آن کاملا بدور احساس نه نمایند هرقدر تماشاگر سرنوشت خودرا با حادثه نزدیك ترین یابد همان اندازه نقش ممثل ارزش پیدا خواهد کرد .

تیاتر امروز در جهان نقش مهم تربیتی‌داشته از زمانه های شکسپیر در انگلستان تازمان برتولد برشت این هنر پروسه رشد عروجی اش را پیموده و گفته میشود که هنوز هـــم نقش آن در جمله سایرپدیده های‌هنری پابرجا است .

بقیه صفحه ۴۸

من وگروه‌من

دختر صا حب خانه محصل بود و من برایش جوان بسیار خوش چهره را تحت نظر گرفتم . ایـــن جوان نیز با سگ مشت زن خود به آنجا می آمد .

من با مشت زن جوان مقبول به بازی می پر داختم به این ترتیـب جوان با دختر صاحبم آشنا شد. اما از مشت زن جوان چندان‌خوشم نمی آمد ، زیرا اول اینکه رنـــگ مو هایش مانند مو های پلنـــگ بود و دوم اینکه بسیار بی حیا بود و خود را نزدیك میسا خت . امـا من می دیدم که مالك او به دختر صاحبم نظر عمیق می انداخــت و حوصله میکردم .

حال تقریبا هر روز به خانـــه صاحبم می آید و همرای ما چـــای مینوشد. فکر میکنم درین روز هــــا باهم عروسی خواهند کرد .حـــال کار هایم نسبتا کم شده اســت و وقت بیکار زیاد دارم . وقـــت آن رسیده تا در قسمت زندگی شخصی خود فکر کنم چوچه ها بدنیا بیاورم. آه راستی مشت زن جوان آنقدربی حیا نبود حتی میتوان گفت که جلب توجه‌میکند . بهر صورت خواهیم دید .

اهداف عمده بدست آمد . گروه من حالا یك گروه بسیار متفـــق و تسخیر شده است . همه اوامر مرا به بسیار زودی اجرا میکنند . من برای این نکته را بدون کدام مبالغه گفته میتوانم که اگر نمایـــــشس صا حبان سگ ها بر گزار شـــود صا حبا نم حتما مدال های طـلایی راکسب میکنند .

بقیه صفحه ۲۴

وضع سالخورده‌گان در

مراقبت مجانی صحی میباشند . در ایالات متحده امریکا یك تبعه سالمند برای مصارف مراقبت صحی خویش بیشتر از میزان سا ل گذشته میپردازد .»

دکتور رابرت بتلر از انستیتوت ملـــی سالخوردگان ، میگوید : «احتیاجات مربوط به مراقبت صحی افراد سالخورده، ما نـــد گذشته، ارضا نا شده باقی میماند .» باید گفت که از آنجاییکه هیچگونه خدمات ملی برای مراقبت صحی مالمندان وجود ندارد . آنها با مشکلات صحی وطبی خود تا وقتی دست به گریبان باقی میمانند که به شفاخانه انتقال یابند .

یکی ازسالخوردگان ، در ارتباط با مشکلات عدیده ای که افراد مسن در «طرز زندگی امریکایی» باآن مواجه اند، چنین گفت : «ماسالمندان ، که تعداد مابه ۲۳ ملیـــو ن میرسد، آنقدر زیر بار سنگین زندگی‌روزمره خورد وخمیر شده ایم که وضع رقتبارزندگی خودرا تغییر ناپذیر وابدی تلقی مینماییم : مابه پول کـــافی احتیاج داریم تا بتوانیـــم آبرومندانه زندگی کنیم ، مابه مسکـــــن ضرورت داریم که در خانه ، در شفاخانه، در آسایشگاه ها وغیره مورد احترام قرارگیریم وچانس حفظ حیثیت وعزت‌خ دو ر ا د اشته باشیم ! کسانی از ماکه هنوز مستعد به کار اند ، به دریافت شغلی محتا ج اند که از عهدهٔ انجام آن برآمده بتوانند ! ما ضرورت داریم که هنگام قدم زدن ، تفریح یا در خانه ا زاحساس ترس ودلهره آزاد باشیم !

ومهمتر از همه، مابه مراقبت صحی وادویه مجانی محتاج هستیم ! قانون گذاران ملی، که مابه انتخاب آنان کمك کردیم، از بهترین مراقبت صحی مجانی برخورداراند، چرا ما نمی توانیم ازآن بهره مند گردیم ! وهنگامیکه تمام این حوایج اساسی بشری مرفوع‌گردد، ممکن دست سالخوردگان ما بتوانند گاه‌گاه از مزایای این کشور، که به ساختمان و آبادی آن کمك نموده اند ، تا اندازه ا ی مستفید گردند .»

بقیه صفحه ۳۲

باتاسیس فابریکهٔ توسعوی ...

مدرك بدولت قـــرار ذیـــل مفاد رسیده است :

۱ـ از درك صرفه جویی دو روزه معاش واضافه کاری مامورین وکارگران و عملـهٔ موقتی کمپاین دو صد هزار افغانی .

۲ـ از درك صرفه جویی دو روزه زغـال سنگ ، تیل دیزل ، سنگ چونه، ز غـا ل کوکس وبرق مبلغ ۲۴۷۲۰۰ افغانی .

۳ـ در سال ۱۳۵۷ (۲ر۰ فیصد) ازضایعات شکر درتفاله، آب تفاله چـونه و میـلاس (شربت لبلبو که یکمقدار زیاد قند لبلبو در آن بدون استفاده باقی میماند) نیزجلوگیری شد ه که مقدار ۱۰۴ تن شکرازآن بدست آمده که قیمت تمام شد آن در حـــد و د دونیم ملیون افغانی میشود .

٤ـ روك تفاله لبلبو که مدت طولانی غیر فعال بود در سال ۱۳۵۷ دو باره فعال ساخته شد ، که نظر به ۹۸ روز کمپاین سال ۱۳۵٦ از درك فروش تفاله جهت خوراکه حیوانات مبلغ ۱۹۹۰۸۰ افغانی بـــدولـــت‌عایـد گردیده است .

٥ـ از بابت کار دسته جمعی کار گـران ومامورین موسسه در کانکریت ریزی سقف تعمیر سینمای بغلان صنعتی مبلغ ۳٦۰۰۰۰ افغانی بدولت مـــفاد رسیـــــده است.



دورنمای فابریکه قند بغلان کـــه دربیش روی آن انبار لبلبو بچشم می خورد .

همچنان ناگفته نباید گذاشت که علاوه از استهلاك لبلبوی سال ۱۳۵۷ بیشتر از دوـ صد هزار بوجی شکر خاك مخلوط غیر قابـل استفاده دولت که مربوط بریاست محترم‌بیمه ملی افغان ریاست محترم انکشاف دهات‌وشکر جلال آباد بوده که باثر عدم توجه رژیـم فـرتوت آل یحیی در ستاك هـا بخس وخاشاك مخلوط وغیر صحی گردیده بود دو باره بـه فابریکه رفینری‌گردیده‌که مقدار (۱۱۰٦۷۸ کیلو شکر تصفیه شده را از قرار نرخ روز فی کیلو سی‌افغانی محاسبه نمائیم ازین مدرك مبلغ ۳۳۲۰۳٤۰ افغانـــــی بدولت عایـد گردیده که این هم بذات خود یك کمـك بزرگ به سرمایه‌ملی دولت مـــــحسـوب میشود .

۷ـ درك اجرت رفینری وتصفیه مقـدار ۱۱۰٦۷۸ کیلوشکرفوق مبلغ ـ۰۰ر۵۷۲۲۰۵ افغانی به نفع دولت کار شد .

لهذا بصورت مجموعی کمپایـــــن‌سال۱۳۵۷ نظر به کمپاین سال ۱۳۵٦مبلغ۰۰ر۷۳٦۲۸۲۵ـ افغانی ازمصارف جلو گیری وبه نفع دولت کار شـــــده است . فـــاریـکه‌قندسازی بغلان این همه پیروزی هاوموفقـیت ها راکه نصیب مملکت عزیز گردیده مر هـــون‌سعی ومجاهدت کار گران شریف ونجیب میدانند که در راس آن حزب دموکراتیك خلـــق افغانستان قرار دارد .

د٤٩ مخ پاتی

دزرهٔ دردو ...

بنتور گوښخه زیا تیری ، او پدی توگــه ان را رسره یوڅای اطراح کیږی • مگرپه‌پلی وخیدو سره نه یواځی دغه عارضه له‌منځه‌ځی، بلکی دبدن دحجر اتو ښخه نور پوتاشیم هـم ووینی جریان ته دزړه دحرکاتو دښه‌تنظیم په قصد داخلیږی •

شپږم- دتام استراحت دپاره دیو ټاکلی وخت :

دطب پوهانو له ډیرو تجربو او څیړنوښخه روسته داخبره په ډاگه کړی چی هغو خلکو چی په رقابتونو ، دښمنیو، کینو اویولږ روحی ستو نزو اخته دی، دهغو خلکو په پرتله چی هغو ستو نزو ښخه‌په امان‌کی دی، دزړه‌په رو غیو زیات اخته کیږی •

په‌پای کی دزړه دنارو غیو ښخه دحتمی خلاـ صون‌به خاطر دپور تنیو ټکو دپه‌نظر کی نیولو سره جوخت ، دلاندینو تـــکـــو تـــه هـــم پـــــاملـــرنـــه وشی:

الف :په‌یوه ټاکلی وخت کی باید په یوشی اویا یوموضوع باندی فکر وکړ ونه داچی‌په یوه وخت کی څو مختلفو شیانو ته خپل دماغ متوجه کړو چی پدغه عمل سره ځان ته دماغی ستړیا پیدا کولو نه برسیره خپلی چاری هم په ښه توگه نشو تر سره کولای •

ب: کله چی استراحت کوو باید له بیځایه چرت وهلو ښخه ځان وساتو•

ج:بایدځانله داسی منظم تدریجی پروگرام جوړ کړو چی‌و کولای شود هغی په تطبیق‌سره خپل‌ټولی ستړیا وی چی دور ځنی کارونو په ترسره کولو سره په‌برخه‌شوی له منځه یوسو• همدارنگه دتفریح په‌وخت کی‌دبی ځایه‌فکرکولو ښخه چـــی زموږ دروحـــی نارا مـیو سبب گرځی ، په کلکه ډډه وکړو • او بالاخره‌دورځی یوساعت پلی گرځیدل بیاهم دیادولو وړده ځکه چی دفشار دلوړ یدو مخه نیسی اوپدی توگه دانسان دباره آرامه اوبی ستونزی ژوند تامینوی •

بقیه ص (١٤)

امپریالیزم‌رهزن

تیر امپریالیزم بر خاك نا امیدی اصابـت کرده است . مردم مسلما ن افغانستان‌از دولت خوا ستنی خودبا همه و جود دفا ع می کند و امپریـــالیـــزم امریکـا اراجیـف به خطر افتادن اسلام ؟! و تجا و ز و غیره را زمزمه می کند . این ارا جیف ته مانده همان سرو صدا ها ئیست که یکز ما ن (۱۹۱۹ـ ۱۹۲۸) نیز از امپر یالیزم‌انگریزی زمزمه شد یعنی امپر یالیزم امریکابحیث خلف امپر یالیزم انگلیس تفاله های ایـن متاع بی بازار را نشخوار می کند .

خلق آزاده ومسلمان افغانستان درشگفت اند که دستگاهای پرو پاگندی امپریالیستی، ما ئو ئیستی و صهیو نیستی به همکاری سادات معا مله گر راجع به کدام خطـر حرف می زنند در افغانستان که کدا م خطری متو جه اسلام نیست و بنا برضربـ المثل معر و ف فلکو ر یك خلق ما که می گویند :

«در خا نه ی عروس دهل و سرنانواخته می شود در حا لیکه در خا نه ی دا ماد هیچ موضوعی نیست ».

واما در برابر کنفرانس به اصطلا ح ممالك اسلامی در مورد به اصطلاح وا قعه افغانستان ، بحکم اراده‌ی خلق ما وزار ت امور خارجه دولت جمهور ی دموکرا تیك افغانستان مو قف دولت و خلق ما را قبـلا رو شن سا خته است . در اعلا میه ی منجمله چنین گفته شده است :

«اینکه مو قف افغانستان در مورد چنین کنفرا نس فوق العاده‌ی کشور های اسلامی عین همان مو قف است که در موردجلسه شورای امنیت و جلسه ی اضطراری مجمع عمومی اتخاذ کرد و آن اظهار اعترا ض درین زمینه میبا شد . زیرا بحث بر یـن موضوع دخالت در امور داخلی افغا نستا ن است .» .

لذا به صراحت اعلام می گردد کـــه امپر یا لیزم ودر قدم نخست امپریالیزم امریکا به همکا ری و همنوا ئی شو ینزم عظمت طلبا نه ی پکن و نو کر ا ن زرخرید خویش سادات- بیگین و سایر مر تجعین منطقه و جها ن هر گز نخوا هند توانست خلق ما را و خلق ها ی زحمتکش جها ن منجمله مسلما نا ن شریف جها ن رافریب د هد ز یر ا همه ی آ نها تلخی زهر فریب وغداری امپر یالیزم و مر تجعین را هنو ز هم‌در کام‌خویش احساس می کند .

به پیش بسوی رو شنا ئی ها ئیکه‌چهره‌ی سیاه وواقعی دشمن اصلی اسلام یعنـــی امپر یا لیزم را آشکارتر ورسوا تر مـــی سازد .

پیروزی از آن ما ست از آن خلق‌آزاده شجا ع و مسلما ن‌ا فغانستان است. زنده باد انسان واحترام بمقام شا مخ انسا ن.

امپریالیزم هرگز دامان خون آلود بخون انسانها از جمله مسلمانان جهان را پنها ن کرده نمی تواند .

بقیه صفحه ٤

پلینوم کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ. اتصامیم ...

٢١ـ فیض‌محمد ، دگرمن،
٢٢ـ گل آقا ، دگرمن .
٢٣ـ گل داد .
٢٤ـ محمد اسلم وطنجار، دگرمن.
٢٥ـ محمد اسما عیل دانش ، انجنیر .
٢٦ـ محمد حسن پیما ن.
٢٧ـ محمد رفیع ، دگرمن.
٢٨ـ محمد هاشم ، دگرمن.
٢٩ـ محمود بریالی .
٣٠ـ نجم‌الدین اخگر کاویا نی، انجنیر .
٣١ـ نجیب الله دوکتور .
٣٢ـ نظام الدین تهذ یب.
٣٣ـ نظرمحمد ، دگرمن.
٣٤ـ نظر محمد ، انجنیر .
٣٥ـ نور احمد نور .
٣٦ـ نیاز محمد، دو کتور.

اعضای علی البدل کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ. افغانستان

به‌ترتیب حروف الفبا :
١ـ جمیله پلو شه .
٢ـ دو ست محمد، جگرن،
٣ـ سلیمان لایق .
٤ـ سید امیر شاه ذره، دوکتور .
٥ـ سید اکرام پیگیر .
٦ـ سید طاهر شاه پیکارگر .
٧ـ محمد حسن بارق .
٨ـ هنر غیرت .

شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

هیات رئیسه شورای انقلابی ج.د. افغانستان

به‌ترتیب حروف الفبا :
١ـ ببرک کارمل ، رئیس‌شورای انقلابی .
٢ـ اسد الله سروری معاون شورای انقلابی
٣ـ سلطا نعلی کشتمند معاون شورای انقلابی
٤ـ نور احمد نور .
٥ـ جنرال عبدالقادر .
٦ـ دگرمن محمد اسلم وطنجار .
٧ـ دگرمن گل آقا .

اعضای شورای انقلابی ج.د. افغانستان

به‌ترتیب حروف الفبا :
١ـ ببرک کارمل ، رئیس‌شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان .
٢ـ اسد الله سروری، معاون شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان .
٣ـ سلطا نعلی کشتمند معاون شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان .
٤ـ نور احمد نور .
٥ـ برید جنرال عبدا لقادر.
٦ـ دگرمن محمد اسلم وطنجار .
٧ـ دگرمن گل‌آقا .
٨ـ امتیاز حسن .
٩ـ انا هیتا راتب زاد، دو کتور .
١٠ـ ثریا .
١١ـ جمیله پلو شه .
١٢ـ حبیب منگل ، دوکتور .
١٣ـ خلیل الله، جگرن .
١٤ـ خلیل الله کوهستانی.
١٥ـ دو ست محمد، جگرن،
١٦ـ راز محمد پکتین ، دوکتور .
١٧ـ سید اکرام پیگیر .
١٨ـ سید داود مصباح .
١٩ـ سیدامیرشاه‌ذره، دوکتور.
٢٠ـ سید طاهر شاه ، پیکارگر .
٢١ـ سید محمد گلاب زوی.
٢٢ـ سلیمان لایق .
٢٣ـ شاه محمد دوست .
٢٤ـ شیر جان مزدور یار، دگرمن .
٢٥ـ صالح محمد زیری ، دوکتور .
٢٦ـ عبدالرشید آرین .
٢٧ـ عبدالظهور رز مجو ، انجنیر .
٢٨ـ عبدالصمد اظهر .
٢٩ـ عبدالقیوم نورزی .
٣٠ـ عبدالمجید سر بلند.
٣١ـ عبدالو کیل .
٣٢ـ عزیز الرحمن سعیدی.
٣٣ـ غلام دستگیر پنجشیری .
٣٤ـ غلام سرور یورش .
٣٥ـ غلام فاروق ، دو کتور .
٣٦ـ فضل الرحیم مهمند .
٣٧ـ فدا محمد دهنشین .
٣٨ـ فیض محمد دگرمن.
٣٩ـ گل آقا، دگرمن .
٤٠ـ گل داد .
٤١ـ محمد ابراهیم عظیم، پوهاند .
٤٢ـ محمد اسماعیل‌دانش، انجنیر .
٤٣ـ محمد حسن بارق .
٤٤ـ محمد حسن پیمان .
٤٥ـ محمد خان جلالر .
٤٦ـ محمد رفیع ، دگرمن.
٤٧ـ محمد عیان عیا ن.
٤٨ـ محمد نبی عظیمی ، دگرمن .
٤٩ـ محمد هاشم ، دگرمن .
٥٠ـ مفتاح الدین صافی .
٥١ـ محمود بریالی .
٥٢ـ نجم الدین اخگر کاویانی ، انجنیر .
٥٣ـ نجیب الله ، دوکتور.
٥٤ـ نظام الدین تهذیب .
٥٥ـ نظر محمد، دگرمن .
٥٦ـ نظر محمد، انجنیر .
٥٧ـ نیاز محمد مهمند دوکتور .
٥٨ـ هنر غیرت .

بقیه صفحه ٦٢

پیشگوئی...

ورنون‌که از نظر سیاست بود جوی رهنمائی شده استفاده میکند ودیگری هیات نظار بانك فدرالی امریکا است که در ختم سال ١٩٦٨ از آن در سیاست پولی استفاده کرد.

تفسیرمجدد تیوری کینز:

کلاین که‌هنوز محصل فاکولتهٔ اقتصاد یونورستی کالیفورنیا بود وازآن فاکولته در ١٩٤٢ فارغ شد به مودل سازی مــی پرداخت.

کلاین تیز سی دکتور رای خود را در وقت بسیار کم یعنی در ظرف دو سال در انستیتوت تکنالوژی مساچوست زیر نظر پاول سامتوئیل سان تکمیل کردو بدین وسیله تجربه تیوری کینز را که در اثر کنیز بنام تیوری عمومی استخدام، ربح، و پول در سال ١٩٣٦ انتشار یافت به عهده داشت و آنرا بصورت معادله ریاضی در می آورد. کتاب کلاین تحت عنوان «انقلاب کینز» که یازده سال بعد از تحریر آن نشر شد متن درسی را در اکثر فاکولته های آن وقت تشکیل میداد.

البته عالی ترین موجد مودل در سالهای ١٩٣٠ اکانومتریك ها لیندی بنام جان تینبرگن بود که جایزه نوبل ١٩٦٩ را به اثر تحقیقات در رشته اکانومتری بدست آورد.

کلاین اولین موجد مودل اکانومتری در ایالات متحده امریکاست.

اوبزودی پس ازاخذ دکتورا (در آنوقت کلاین ٢٤ سال عمر داشت) در یونورستی شیکاگو مودل ٢٠ معادله وی اقتصادایالات متحده را ترتیب داد که در زمان بعد از جنگ شهرت زیاد یافت.

موسسات حکومتی پیشگویی های کلاین را جدی نگرفتند طوریکه خودش اظهار میدارد.

«به آستین کهنه کسی توجه ندارد.»اما کلاین خود را ور شکسته فکر نکرد و در سال ١٩٥١ که‌دانشمند یونیورستی مشیگان بود به همراهی یکی از شاگردان که کار دیپلوم خود را تکمیل میکرد مودلی را که از آن وقت به این طرف بنام مودل کلاین گولد برگریاد میشود بوجود آورد که‌بنام مودل اکانومتری نمونه نسل جدید شناخته شد.

پس از آنکه ازین مودل در اجرای یك پیشگوئی استفاده کرد کلاین برای چند سال به آکسفورد رفت. سپس دوباره به ایالات متحده برای اشغال کرسی پروفیسوری فاکولته تجارت یونورستی پنسلوانیا برگشت.

پروژهٔ لینك:

از هفت سال به این طرف کلاین بر آثار اکانومتریك‌ممالك مختلف جهان به‌منظور ایجاد یك مودل اکانومتری‌جهانی تحت عنوان لینك نظارت. نظارت دارد.

تجمع مودلهای‌منعکس‌کننده‌سیستم‌های‌مختلف اقتصادی وظیفه دارد که‌مطالعات «میکانیزم انتقالی» را ممکن سازد. این سیستم ها بر همدیگر موثر اند.

عناصر اساسی پروژه لینك:

(در مراحل آخری فعالیت‌خود در حدود ٣٠٠٠ معادله را احتوا میکند) عبارت از مودلهای اکانومتری بزرگ وو سبع برای جاپان و ١٢ مملکت صنعتی غرب‌و چهار مودل کوچك منطقوی برای ممالك رو به انکشاف است.

پروژه لینك ضرورریات وارداتی هر مملکتی را مد نظر دارد و مبلغ معینی را برای صادرات اموال به ممالك دیگر یاحوزه های دیگر مطابق به نمونه های موجود تخصیص میدهد.

مجموع تقاضاهائی که برای تولیدات یك مملکت موجود است صادرات آن مملکت رامعین میسازد بنابران به مقیاس جهانی ارزش صادرات باید مساوی ارزش واردات باشد.

البته ابراز این حقیقت سبب تعجب خواهد شد که معادلاتی که قدرت صادراتی هر مملکت را بصورت جداگانه نشان میدهد قوس صعودی را می پیماید در حالیکه معادلات بیان کننده احتیاج واردات این ممالك قوس نزولی دارند.

تعداد آنهائی که به پیشگوئی های پروژه لینك‌ضرورت دارند زیاد است.

دردسمبر ١٩٧٣ دیپارتمنت مالیه ایالات متحده امریکا از کلاین خواهش کرد تامودلی راجهت تحلیل فوری اندازه تاثیر ذخایر پترول جهان براقتصاد هر یك از ممالك بدست آنها بگذارد. مطابق به‌پیشگوئی لینك محدود ساختن ذخایر پترول به تدریج آهنگ رشد اقتصادی را کم میسازد.

اولین پیشگوئی که به اساس پروژه لینك (در اخیر سال ١٩٧٤ منتشر شده است)

عملی شدپیشبین شده بود که‌در رشد تولیدات ملی تمام ممالك جهان در سال ١٩٧٥ حد اقل ٤ فیصد خواهد بود و در سال ١٩٧٦ در حدود ٦ فیصد و ضریب انفلاسیون که‌در ١٩٧٤ درحدود ١٠ فیصد بود در ١٩٧٥ به ٧ فیصد ودر ١٩٧٦ به ٦ فیصد تنزیل کرد.

آثاری که‌بر پروژه لینك نوشته شده بود زمینه خوبی را برای مسافرت های کلاین مساعد گردانید که به این ترتیب هر شش ماه بعد به یکی از ممالك جهان به‌ملاقاتهای بین المللی پرداخت که مباحثه ها و مناقشات بر مودل فوق‌صورت گرفت.

کلاین درابتدا گمان می برد که این مودل آنقدر بزرگ نخواهد شد و لی بر عکس در این مودل بیش از ٨٠٠ معادله بکار برده شد و دایما رو به ازدیاد است.

مطابق به پرستیژ و شهرت تجارتی که‌مودل اکانومتری دارد لذا اندکترین شکی دربرتری آن بر میتود های تاکتیکی پیشگوئی وجود ندارد.

پیشگوئی که از اقتصاد ایالات متحده در سال ١٩٧٤ به اساس مودل اکانومتری تنظیم شده بود کمترین برتری ندارد و هیچ وسیله وجود ندارد که برتری آنرا برحدس های آتیه بینان که پیشگوییشان برمشاهدات شخصی استوار است ثابت ساخت.

البته کلاین به‌این ناکامی های خود چندان ارزش قایل نیست. به نظر کلاین هدف واقعی از تحقیقات مطالعات پیشگوئی کردن بهتر نیست بلکه تحلیل ساختمان سیستم ها است. باتذکر اینکه احصائیه ها دقیق نیست میگوید: اندازه تولیدات عمومی ملی را به دقت تاجاییکه ممکن بود سنجیدم.

چون از مودل مذکور در سکتور انفرادی و سکتور دولتی استفاده میشود. این کار موجب شده تا تمام موضوعاتی را که قبلا در باره ان بصورت عمومی‌بحث و مناقشه شده احتوا نماید.

با آنهم عجیب معلوم میشود که مطالعه دقیق «ساختمان سیستم ها» موجب پیشگوئی بهتر نگردد. بصورت عمومی چنین تصور میشود که شناخت بهتر شخصی تیوری وسیاست مملکت باید به قسم یك پیشگوئی با نتیجه ظاهر شود.

کمبود این نوع اتصال از عدم کفایت تفاهم عمیق بین عناصر متشکله تعاملات اقتصادی نماینده‌گی میکند. میتوان به موضوع از نگاه خوشبینی دید. حتمی و ضروری نیست که نسل آینده از نویسنده پیشگوئی اکانومتری از نیمه سال هشتادم قرن بیستم منحیث‌یك مبتکر و دانشمند عالی و روشنفکر یاد کند یا

اینکه مودلهای بزرگ واصلاح شده در آینده پیشگوئی های واقعی تر را انجام خواهد داد.

سختگیری ها ئی‌که امروز ازطرف‌نویسنده‌گان براگانومیست ها ئی که میخواهند انکشاف اقتصادی را پیشگویی کنند وارد میشود تا دقیق باشند آنها را وامید اردتا بیشتر از متودهای عنعنوی استفاده کنند.



عده‌یی از زندانیان سیاسی که از طرفدار ودستهٔ جنایتکار امین در زندان پلچرخی محکوم به حبس بودند.

بقیه صفحه ۳

متن بیانیه ملی و تاریخی ...

صلح ، دوستی خدشه ناپذیر برادرانه خودرا وخلع سلاح عام وتام از حقوق بشر وجنبش که مظهر اراده استقلال طلبانه ووطن پرستانه مردم افغانستان ،طی شصت‌سال بعد ازاستقلال کشور بوده است واکنون بیك اصل اساسی سنن شایسته وعنعنه عالیه ملی ماتبدیل گردیده است با صداقت مطلق که ناشی از خصلت افغانی ، ملی و مترقی ماست در سطح عالیتر وبه طراز نوین ودر تمام ابعاد گسترش میدهد .

دولت افغانستان درحالیکه انقلاب ملی واسلامی ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی توده های عظیم خلقهای برادر ایران راشادباش میگوید، ابتکار نزدیکی و تحکیم دوستی میان دوکشور دوست راکه رشته های مشترك تاریخی بهم بسته دارند ودر ماهییت امر کوچکترین اختلافی دربین نیست در دست خواهد گرفت .

ملل افغانستان و پاکستان با هم رشته‌های جدا ناپذیر برادری دارند . دولت افغانستان از طریق مناکرات دوستانه با زمامداران مسوول پاکستان ، درراه رفع هرگونه اختلافات وسوء تفاهمات ، صادقانه وبرادرانه سعی وتلاش خواهد کرد .

از آنجاییکه مردم صحجوی افغانستان سیاست متعهد، باکشور های اسلامی و عربی وخلقهای زحمتکش آنها ، روابط برادری واسلامی خودرا انکشاف میدهد وازجنبش آزادیبخش، خلقهای قهرمان فلسطین ، قاطعانه پشتیبانی میکند.

هموطنان گرامی !

شالوده قدرت اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان ،ناشی از مردم بوده وبمردم تعلق دارد و قدرت سیاسی آنرا بر اساس قانون اساسی تطبیقی و انسانی دموکراتیک و مترقی کشور که در زود ترین‌زمان ممکن تدوین‌خواهد گردید ، جرگه های نماینده گان مردم یعنی شورا های ملی و محلی تشکیل خواهد داد. انتخاب اعضای جرگه نماینده گان مردم ، براساس حق انتخاب عمومی مساوی مستقیم، آزاد ورای مخفی اعمال میگردد .

جمهوری دموکراتیک افغانستان از لحاظ سازمان دولتی برپایه‌تساوی حقوق واتحادآزاد وداوطلبانه تمام ملیتها ، اقوام برادر که در وطن واحد و مشترك افغانستان ساکن اند، بصورت جمهوری متحده افغانستان تاسیس خواهد گردید .

بصراحت وعزم راسخ‌و تزلزل ناپذیر اعلام میگردد که‌هدف نهایی ماموهر گونه استثمار فرد از فرد،سر کوب‌بی امان مقاومت مرتجعان، ستمگران و استثمار گران، استقرار جامعه

> شالوده قدرت اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان ناشی از مردم بوده و بمردم تعلق دارد

جنگ طلبانه و توسعه طلبانه ، مداخله جویانه وتحریك آمیز رامردود اعلام میدارد ، از لحاظ پرنسیب ، این حق‌واراده خود مردمان‌برادر پښتون و بلوچ ماست که نسبت به سرنوشت وخوشبختی خود تصمیم میگیرند .

رشته های مستحکم ، سر نوشت مشترك و روابط دوستانه ، و برادرانه مردم ، افغانستان با خلق صلح دوست هند ، در اعماق تاریخ منطقه ماریشه های پر توان دارد لذا تاکید میگردد که توسعه وتحکیم بیشتر روابط افغان و هند یکی از عوامل جدی ثبات صلح وامنیت در منطقه بشمار میرود .

مردم افغانستان آرزو مند دوستی بی شایبهٔ با جمهوری توده ای چین یکی دیگر از کشور های همجوار ما میباشد .

جمهوری دموکراتیك افغانستان در حالیکه برمبنای اصل صلح و دوستی ملل در روابط با تمام کشور های جهان دست نجیبانه وصاف صلح دوستی دراز میکند ، باکشور های غیر نوین و مترقی در افغانستان است .

هموطنان عزیز! معلوم‌است که طی ده‌هاسال تاکنون ،از دولت های جابر وبی کفایت افغانستان از زمامداران کاذب دودمان نادریها وامینی ها، حرفهای عوامفر یبانه ووعده های دروغین فراوان شنیده اید ولی بگذار باتواضع اعلام بداریم که «عمل ملاك حقیقت است» پس آنچه ما میگویم ، در عمل زندگی تجربه کنید. مابدین گفته شرافتمند انه وانسانی ، اعتقاد راسخ داریم که «در حقیقت آن سیاست مدارو زمامدار دولتی ، خوشبخت وسعادتمند است که همیشه بتواند چیزی بگوید که واقعا درباره آن میاند یشد چیزی را انجام میدهد ، که حقیقتا آنرا لازم و ضروری میپندا رد ،وبرای هدفی کار وپیکار میکند که واقعا بدان معتقد است» .

سر بازان ، مردم زحمتکش‌واستثمار شونده افغانستان کارگران ، دهقانان ،محصلان جوانان روشنفکران وماموران ! در هر جاییکه هستید، در بار کهای نظامی وسنگر های جهاد ملی، در شهر هاو دهات در کار گاهها ومدارس،در اداره هاو مشاغل آزاد ، در کوهها ودره ها، درد شتهاو غژدی ها ،در جاده هاو بازار ها آگاه باشید ! که دشمنان ملی وطبقاتی شما، میخواهند شما را بخاك وخون بکشند شمارا مختنق سازند ، حقوق وآزادیهای‌شمارا پایمال نمایند وانقلاب رهایی بخش شمارا سرکوب کنند . پس وظیفه مقدس شماست ، که دوش بدوش تحت شعار های (آزادی برای مردم!کار برای بیکاران ! زمین‌برای دهقانان!) ازجمهوری دموکراتیك تان ،از انقلاب رهایی بخش تان، از دهات علاقه داری وشهر های تان ، ازشرف وناموس وطن تان ، در مقابل دشمنان مرتجع وخرابکار در مقابل بقایای ارتجاع سلطنتی، وچاکران انگشت شمار حفیظ الله امین این فاشیست سفاك و حیوان صفت فدا کارانه و متحدانه دفاع نمایید.

روحانیون وطندوست‌ملیون‌کشور، دموکراتها آزادیخواهان ، تحول طلبان ترقیخواهان وطنپر ستان ، جوانان، رو شنفکران خلقی های اصیل و حقیقی ، پیشتازان طبقه کارگر و زحمتکشان افغانستان ! همه تحت پرچم صلح و آزادی ، استقلال وبیطرفی دموکراسی و ترقی برابری و برادری ، عدالت اقتصادی و اجتماعی در یك جبهه وسیع‌پدر وطن واحد مان ، افغانستان‌سر بلند وپرافتخار متحد شوید! وبرای یك لحظه به‌شیادان، به امینی ها، به باندهای ارتجاع سیاه وسیاه به دشمنان داخلی و خارجی فرصت‌ندهید .

مبارزه ما مبارزه مشروع عادلانه وحقیقتا انقلابی است. اتحادووحدت‌ماضامن پیروزیست جمهوری دموکراتیك افغانستان یار ویاور وفادار مردم عذاب دیده افغانستان است .

دوستان و رفقای جانباز! به پیش ، چون‌فولاد آبدیده، فشرده و همبسته باهم ،به پیش !

دوستان ورفقا ! باتواضع وفروتنی انقلابی همه در راه شهیدان قهرمان ما، در راه انقلاب در راه خدمت به خلق‌ووطن ، در راه‌آرمانهای والای زحمتکشان افغانستان به پیش !

بر افراشته باد درفش پر افتخار افغانستان متحد و، مترقی ، آزاد ومستقل !

زنده باد مردم زحمتکش‌و قهرمان افغانستان

زنده وپیروز باد مرحله‌نوین انقلاب کبیر ثور!

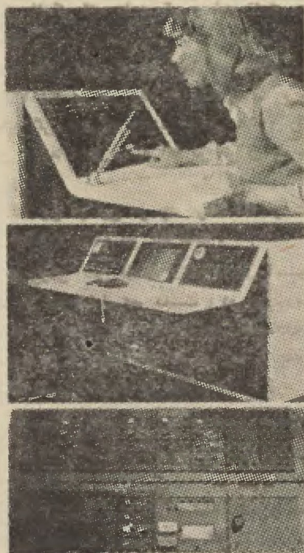
پیروزی نهایی از آن زحمتکشان افغانستان است !

ترجمه : حفیظ الله عمادی

چگونه تغییرات در وضع جوی ایجادمیگردد

تانیمه های اواخر قرن بیستم تغییرات وتحولات وضع‌جوی واقلیم کاملا ازحیطه فعالیت اقتصادی آدمیزاد مستقل تصور میشد ناگهان تغییرات وتحولات سریع در اسلوب چنین تفکر بوجود آمد . احتراق انواع‌مختلف غاز کاربن دای اوکساید در فضا باعث تغییرات وضع جوی درکره ارض می گردد .

محققین ودانشمندان در کشور های مختلف جهان پیوسته تلاش می ورزند تا تاثیر مقدار گاز های کاربن دای اوکساید رادر فعالیت های اجتماعی - اقتصادی آدمیزاد وهم چنان در سطوح مختلف کره ارض دریابند . چنین به نظر می رسد درصورتیکه حجم این گازات اضافه گردد حرارت وسطی قسمت های پایین اتموسفیر‌نیز تاسه‌درجه ازدیاد می یابد چنین آزمایشات کمك میکند که تغییرات وضع جوی رادر روی کره ارض



لابراتوار های هواشناسی با آلات مودرن تخنیکی مجهز است -

به تحقیق دریافت نموده بتوانند .

طبق احصاییه وارقام موجود گفته می شود که یخهای قطب شمال درجه حرارت قسمت های وسطی قطب را پنج درجه در تابستان بیست درجه در زمستان کاهش می‌بخشد.

وضعیت یخها نیز وابسته به شعاع آفاب‌است که چگونه در فصول مختلف سال مستقیما انعکاس می یابد .

دانشمندان عقیده دارند که یخهای قطب شمال در صورتیکه درجه اتمو سفیر به دو درجه ازدیادیابند ذوب میگردند بنابر همین احصائیه وارقام دست داشته گفته می شود در سال های دو هزار کلیه یخهای قطبی در سال دوهزارو بیست و پنج ذوب خواهد شد ..

در صورتیکه در جه حرارت منا طـق قطبی ازدیاد یابد گفته میشود که گرمی وحرارت در نقاط مختلف خطوط طول البلد وعرض البلد نیز همگون نخواهد بود . در صورتیکه د ر طول سالهای دو هزارو بیست وپنج درجـه حد وسطی درنیم کره شمالی در ارتفـاع بلندتری به ۲_۳_۵ درجه ازدیاد یابدبنابرین درجه حرارت در زمان تابستان به ۱۰_۷+ درجه سانتی گرید ازدیاد خواهد یافت و این رقم در زمستان به ۱۰_۵_ درجه سانتی گرید خواهد بودکه این تغییرات تاثیرات عجیب در فعالیت اجتماعی ـ اقتصادی آدمیزاد د ر روی ز مین وارد خواهد نمود .

اکنون این سوال طرح میشود که چگونه ذوب یخچال هادر طول قرن بیست و بیست ویکم صورت خواهد گرفت اما اینقدر گفته میشود که در ابتدا ذوب یخها به تدریج صورت گرفته و بعد ها این مساله سریع تر خواهد شد .

در صورت که اگر شدت گرما و ذ و ب شدن آن متکی به حجم گاز های کاربونی خصوصا کاربن دای اوکساید باشد پروسه ذوب یخچال ها نیز بطی خواهد بود .

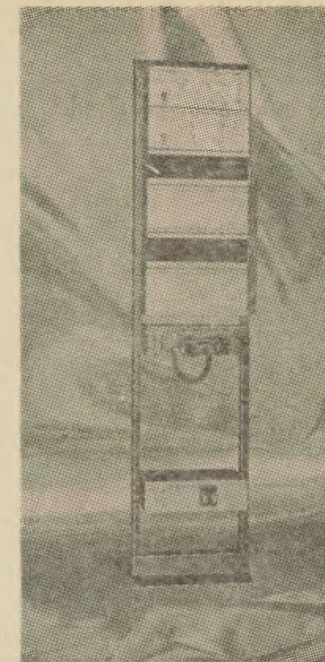
دانشمندان عقیده دارند کـــه تغییرات عمیق وکیفی در سالهای بعدی در وضع جوی رخ خوهد داد ، گرمی هوا منجر به تبخیر شده واین امرباعث باریدن باران د ر روی زمین میگردد وگفته میشود که ازدیادگازات کاربونیك منجمله گاز کاربن دای اوکساید در تبخیر هوا وباریدن باران تاثیر مثبت وزیاد خواهد داشت .

متخصصین عقیده دارند که در صـورت که پروسه ازدیاد حرارت سریعتر پیمـوده شود درجه حرارت در ارتفاعات لمبند تر نسبت **به ارتفاعات پست وپایین به مراتب زیادخواهد** بود . هم چنان عده براین نظر اند که اختلاف **درجه حرارت در ارتفاعات پایین وبلند نیز تاحدی زیادی کاهش خواهد یافت .**

درین جااین حقیقت را نیز باید ناگفته نگذاریم‌که در وحله های نخستین ازدیـاد درجه حرارت مناطق که دارای **اقلیم ورطوبت متغییر ند واین مناطق مانند مناطق آسیـای** مرکزی ـ امریکای شمالـی به خشکسالی **های بی مانند روبرو خواهند شد که ایـن** مصیبت ها ناگزیر به مناطق دگر نیزسرایت خواهدکرد .

پیشگویی ها در مورد تغییرات وضع جوی مربوط به جمع آوری ارقام و احصائیه هـا است که به اساس تجارب عینی بدست آمده وپایه شناخت وقدرت پیش بینی آدمیزاد را تشکیل میدهد وبنابرین گفته این حقیقـت که آینده عصر بدون یخ چگونه خواهد بود کاری است تا حدودی مشکل زیرا جهـان پیوسته در حالت تغییر وتکامل قرار دارد .

دانشمندان اقلیم شناسی معتقدند کـه تغییرات وضع جوی دوران های ماقبل التاریخ از امروز همانا ازدیاد گازات کـاربونیك و کاربن دای اوکساید است چنانچه درگذشته ودر دوران های دور باستانی درجه حـرارت درنیم کره شمالی سه تاچهار درجه از درجه حرارت امروزی زیاد تر بوده است که درجه برودت در آن زمانه ها از منفی پنج درجه پایین نبوده است که این رقم بزرگتریـن رقم را نسبت به درجه حرارت امروزی وانمود



آلات بررسی وضع جغرافیایی واقلیمی جدید

می سازد .

دانشمندان در مورد این که ا ین همـه تغییرات ناگهانی که در اوضاع جوی بوجود می آید چه تاثیرات رادر امر رشد فعا لیت های اقتصادی خواهد داشت کاملامبهم وپیچید تصور نموده اینقدر میگویند کـــه درجـه گرما وشدت آن در امر رطوبت در روی‌زمین زیاد خواهد بود مناطق یخچالی منقبض شده به تدریج مناطق یخبندان ذوب خواهند شد ، بنابرین مناطق طبیعی دچار شکستگی هـای خواهد شد که به تدریج در امر فعالیت های اقتصادی زیان وارد خواهد نمود .

اما این امر مشکل به نظرمی رسد وآن عبارت ازین است که چگونه درجه حـرارت تاثیری درسطـــح ابحار جهـا نـی وارد خـو ا هـد نمـو د امـا د ا نشمنـد ا ن عقیده دارند که تنها ذوب شدن یخچال هـا (درصورتیکه یخبندان های مناطق گرن لند، وسایر مناطق قطبی ذوب نشوند) به تنهایی تاثیر در سطح جهانی ابحار نخواهند داشت.

عده دگر از دانشمندان عقیده دارند کـه مناطق یخ بسته قطب شمال به تدریج درطول همین دهه های آخر ذوب نشده وسطح ابحار رابه‌تدریج تاحدودپنج متربالاخواهد برد. این حقیقت است که تعداد زیاد دانشمندان به آن ایقان داشته و میگویند که تغیرات عمیـق در وضع اقلیمی در جهان بوجود خواهد آمد.

در سال ۱۹۷۷ مقال بنام انرژی واوضاع جوی در ایالات متحده به نشر رسید که درین مقاله گفته شده بود ازدیاد گازات کاربن- دای اکساید به ازدیاد درجه حرارت دروضع جوی تاثیر زیاد داشته واظهار داشته که در اواخر قرن بیست ویکم تاثیرات آن درجهان کاملا مشهود خواهد بود متخصصین عقیده دارند برای اینکه جلو چنین معضله گر فته شود لازم دیده میشود تا از موسسات که بر اساس احتراق فوسیل ونفت استوارند تا حد لازم جلو گیری شده‌ودر عوض از برق وسایر اشکال انرژی استفاده بعمل آید .

دآهنګو نو دجوړولو پیاوړی شخصیت واسیلی سلویوف

د (مسکـو د شا و خوا د ما ښا مو نـو سندره)) چه اوس د شوروی اتحاد د موسیقی که به می څه ورته وویل څواب به یی دسمبو ل په نا مه سره یادیږ ی په خلکو کی د ملی سند ری شهرت ئی ګټلی .مګر ددی سند ری مو لف دشـو روی اتحاد پیاوړی آهنګ جوړ ونکی وا سیلی سلویوف‌سیدوی دی .

دا سړی دروسیی دپتر بورګ په ښار کی چی او س د لیننګراد په نا مه سره‌یادیږ ی زیږ یدلی دی .

پلا رئی له کلی نه ښا رته دیو مړی‌بوډی دلاس تـه راوړلو له پاره راغی او پـــه‌یـو ځای کی د کو ر و نو د پا کو لو څخه خپل دنیمګړی ژوند اړتیا وی یی پوره کو ل.کور- نی یی د پنځو کسو یعنی پلار، موراودروکو- چنیا نو څخه جوړه شوی وه . دمو سیقی‌سره د کو چنیو ا لی څخه یی ز یا ته علا قـه در لوده . پلارئی په ډیر زیار سره ګیتـار ورته تر لاس کړ چی په هغه کی وا سیلی په ډیر شو ق د خپل ګیتار سره دهغه وخت سند ری ویل . په ښو نځی کی د شو را ګا نو ددولت په و خت کی شا مـــــل شو د شو روی حکو مت په ټینګیدو سر ه ددوی ژوند هم ښه شو . دی په هغه ښوونځی کی درس ویل چی پخوا هلته خلك د پیسو په بدل خپل هلکا ن ئی په ښو و نځی کی دا خلو ل . ټول هلکان او ددوی په منځ کی و اسیلی هم دا ما توری دهنر سره ئی ډیره مینه درلوده . دښو نځی دمو سیقی ستو ری په هغه وخت کی وا سیلی ملګری الکساندر باریسوف وو . هغـه به سنـدری ویل او واسیلی دهغه سره ملګر تیا کو ل الکسا ندر باریسو ف څو موده ورو ستـــه دسینما او تیاتر پیاوړی لو بغاړی شـو او واسیلی دآهنګونو جوړونکی .

پوهنی واسیلی غوښتل چی دبیـړیـو د جو ړولو انجنیر شی مګر د هغه دکا نکور په از مو ینه کی بریالی نشو .

پدی وخت کی واسیلی سلو یو ف دډیرو کور نیو ستو نزو سره مخامخ شو او مجبوره وه چی خپله کار و کړی او دټول د ژوند اړ تیا وی برابر کړی ځکه چی مو ر یـی مړه شو ه‌او پلاریی ډیر سخت ناروغ شـو په او لوو وختو نو کی واسیلی دپیا نو په واسطه دفلمو نو ملګر تیا یی کو ل . د ی په خپله وایی : «پوهنی دا کار زما دو مره ښو و نکی نه ښکاریده اما ورو سته ثابته شوه چی دا کا ر د آهنګو نو د جو ړولو مړنی درسونه یی راته راکړ . »

وختو نه تیر یدل او واسیلی نشـو کو لای چی خپله اصلی لاره و ټا کی مګر یو ه خبره ور ته ښکاره او څر ګنده وه چـــی باید لو ست زده کړی نو دا چی د څــه شی لو ست ورو ستی پریکړ ه ورسره نه وترځی چی یوه ور ځ دمو سیقی دښوو نځی پوزی زد کو نکی دهغه آهنګو نه یی وا وریده او ور ته سلا کړچی دمو سیقـی دتخنیکم دآهنګ جوړولو پـــه رشتـه‌کی باید زده کړه و کړی .واسیلی دا خبره ومنله او از موینه یی په بریا لیتو بسره ورکړ.

په ۱۹۳٦ کال کی خپله زده کړه پا ی ته ور ساوه او ورو سته دسمفو نی ارکستر ونو با لت ، او پرا او دفیلمو نو لپاره یـی موسیقی لیکل . واسیلی پخپله وا یـــی «هغه و خت چی د خپل آهنګونو د جوړولو

فعا لیت می پیل کړ داسی آهنګو نه مـــی جوړکړ چی په ډیرو کنسر تونو کی اوریدل کیده مګر تر څو هغه پړاوته نه وه رسیدلی چی خلك ئی دملی سندری په شان زده‌کړی‌په ۱۹٤۱ کـــال کـــی د فا شیستـا نـو سره د شو روی دخلکو جګړه پیل شو ه واسیلی او دلیننګراد ټول آهنګ لیکونکی هـــم خپل ونده دجګړی شاته مخکی وړل دلیننګراد دمحاصری په وخت کی واسیلی دچلیا ښك ښا رته ولاړ او دهغه ځای څخه دار کستر سره دجګړی جبهی ته تلـــر او هلته یی دعسکر واو بار تیزانا نو لپاره کنسر تونو ور کو ل .

دجنګ دتما میدو نه وروسته وا سیلـی سلو یوف دډ یرو شا عرانو سره همکار ی کوله او هغو ی ته آهنګو نه جو ړو ل واسیلی سلو یو ف وایـی : « کـلـه چـی دراډیو له څپو نه دمسکو دشـا و خـــوا د مابښامونو» سندره اورم مـا تــه د هغــه تاریخچه را په یا دیږی ځکه چی لو مړ ی داآهنګ دیو مستند فلم لپاره په ۱۹۵٦کال کی لیکل شو ی و ه کله چی دراډ یو نه څو ځلی خپره شوه ډیر ویاړلی نوم یـــی وګاټه او اوس ټول خلك دملی سنـدری په نامه بولی .»

د واسیلی سلو یوف په عقیده د آهنـګ جو ړو نکو او نورو کسا نو تر منـځ هیڅ کوم توپیر نشته ، دی وایی : « ما نه ډیری پو ښتنی کیږی دهغوی دپو ښتنو نـه دا احسا س کیږی چی ګویا د آهنګ جوړ- ونکو او نور و تر منځ توپیر باید موجود وی

او د هغوی پیو ګرافی دنورو سره با یـد یو شا ن نه وی . مګر پیاوړی اکا ډ میسن او فز یولو جست پاو لوف ویل چی. دآهنګ جوړونکو او نورو تر منځ هیڅ تفا و ت موجود ند ی . مګر یو شی دی چی آهنګ جوړونکی د نورو څخـه جلا کوی او هغـه داچی آهنګ جوړو نکی دکار په وخت کی

یوازی وی هیڅ څوك ورسره مر سته نـه کوی یوازی کو لای شی چی خپل نظریات ورته ووایی . مګر دامسلك بله خوا هـــم لری او هغه دا چی که داسی آهنګ جوړشو چی دخلکو خوښ شی هغه وخت به‌په ملیونو خلك در سره وی او دا هغه وخت دی چی ته یوازی نه یی .



همکاران عزیز سلام !

به امید سلامتی وصحتمندی شما مـــی پردازیم بجواب نامه ها ، ولی دعا بـداریـد که جوابیه یی پوهاند محمدفاضل ، تمـــام صفحه را نگیرد و حدیث حکایت ما و شما بجایش نماند ... بهر حال صفحه دیگـــری را نیز به جواب نامه ها اختصاص داد یـم که آرزو میبریم در پایان ، به جواب نـامه های شما بپر دازیم .. در غیر دست ما کوتاه ودست شما برنخیل! •••

به مجله محترم وزین وخواندنی ژوندون !

بجواب نامه بنـاغلی عبدالمجید «ایشچـــی» منشی کمیته ولایتی ومدیر تعلیم و تــربیه بامیان که در صفحه جواب به نامه هـــا در شماره ۳۸ مجله بچاپ رسیده است یـــاد داشت ذیل را تقدیم میدارم . بـــرای فهم بهتر موضوع یاد داشت متذکره را بســـه حصه تقسیم مینمایم :

۱ـ تمجید از عقیده راسخ انتقاد کننده .

۲ـ مقام علما در جهان و شخصیـــت بین المللی آنها .

۳ـ تحلیل تعریف روان شناسی وآثاریکه براساس آن انتقاد وارد شده است•

قبل از آنکه داخل اصل مو ضو ع شوم بطور مقدمه باید تذکر دهم که سپـــاس ـ گزارم نویسنده وانتقاد کننده محتـــرم از مقام ارجمند استادی و معلمی به احترام یاد آور شده است واسم مرا به اعزازواکـــرام یاد کرده است . ما از جوانان و فـــارغ التحصیلان معارف و پوهنتون هـــا همیـــن توقع را داریم چه معلم واستاد است کـــه

همچو تحرك ، تشبت وابتکار را بـار آورد .

از آنجا که انتقاد کننده محترم موضوع‌را بمراجع مربوط ارسال کرده بــــــودند من هم با شعبه روان شناسی اکـــادمی تربیه معلم بتماس آمده بمشوره آنها این جواب را تهیه دیده ام که در آن افکـــار متخصصان روان شناسی و تعلیم و تــربیه شوروی وفارغ التحصیلان آن دیار شـامـــل است .

۱ـ برحسب پلان مطرو حـه ، نخست از عقیده راسخ انتقاد کننده محترم تمجیـــد می کنم . آنچه به نظر و احساس پر شور او تضاد باشد و حتی اگر بوی ضد یـــت ازآن شمیده شود باید عکس العمل از خود ابراز دارد امـــا دقت وتامـــل امیختـــه ، چه زبان زد دیرینه ملی وثقافی ماست که صد بار بیندیش یکبار بینداز ، من ازیـــن احساسات گرم وپر شور این جوان بحیـــث یك معلمیکه او وامثال او را چنان بـــار آورده است بر خود میبالم . چه او وامثـــال او که با همچو ابتکار ونوآوری بـــار آمده اند محصول فکر من وامثال من هستند امـــا ایکاش تادر قضا و تنها وحکم هـــا عجلـه نکنند و شخصیت ها را بشناسند و بعـــد از آن تصمیم گیرند که چه کنند ایکاش

تا این جوان هم مسلك من بصورت مستقیم در صنف سمت شا گردی مرا میداشتنـــد تا خوبتر همدیگر را می شناختیم و بـــــه نظریات هم آشنا می بودیم آنگاه خـــــود را به نوشتن این سوال و جواب زحمـــت نمیدادیم چه من خود را در تبارز تحو لا ت مثبت شریك میدانم وافتخار سمت یکی از منشیان اتحادیه محصلان پوهنتون کـــابـل رادروقت بیدادگری سلطنتی داشتم • ازآنجـــا که عقیده راسخ هرچه باشد نزد من مقـــام ارجمند و خاصی دارد بران احتـــرام مـــی گذارم و آنرا می ستایم .

۲ـ همچنان باید متـذکـــر شد که د ر پهلوی عقیده محکم و راسـخ حوصله جهان بینی علمی و حتی گاه حوصلـه شنیـــد ن تضاد هارا جوان مبارز وحزبی داشته باشد• افـق نظر و سیع و تحمل شنیدن نظریات ازهر قبیلیکه باشد کلید مو فقیت را بدست نسل جوان میدهد •

عده کثیر ی از علما ـو نوابغ جز از یـــن ابتکار و تعمیم علم دیگر چه هدفی خواهند داشت . واقعا آنها زمینه های تنویر اذهان عامه وسعت نظر ذهنیت های مثبت ومطلو ب و آسایش خلق خدا را فراهم می آورند و برای علم در خدمت خلـق و پیاده کـــردن آن در عمل و بهبود حیات کافه مـــر د م مبارزه و مجادله می کنند . ما باید در پی آن نرویم که کی و از کدام سر زمین گفته است بلکه به بینیم که چه گفته است .

از آنجا است که پیشوای کارگـــران جهان می گوید آنکه کار می کند اشتباه می کند پس میتوان گفت که هر کار و عملی صد در صد درست نیست از آنجا است که علما در صدد و جستجوی حقایق در هر کجای کـــه باشند در تـــلا ش و تپش ا نـــد و باهم روابط معنوی دارند .

ومنحصر بیك سر زمین و ا حد ابداع و ابتکار آنها باقی نمی ماند بنابران آ نهـــا شخصیت بین المللی دارند .

برعلاوه باید متذکر شد که عده زیادی از پیشوایان ، نـــویسندگان وعلمای جهـــان مترقی محصول و مو لو د تضـــا د ها ی محیط های امپریالیستی و بورژوازی اند . اگـــر از هر یك از آنها نام بگیـــریم و به شرح حیات هر کدام بپردازیم سخن بدرازا مـــی کشد و باید رساله یی نوشت . امـــا این

امر یك حقیقت انکـــار ناپذیر است کـــه مثال های مشهود و محسوس آن در سایر ممالك خورد و بزرگ دیـــده می شـود .

غرض از تذکر این مد عا نفی عقیده ایست که محیط به تنهایی خـــود انسان مبتکـــر فعال ، متحر ك و متشبث ر ا تـــا بـــع اقتضا آت خو د می سازد بلکه برای اثبات آن است که عنصر استعداد ذاتی و نبـــوغ انسان هم نقش بزرگی را در تحقق شخصیت شخص و تحول محیطش دارد که نمی تـــوان از ین حقیقت مبرم انکار کرد و انســـان را چون بـــــرد گان در یـن عـــصر آ ز ا دی محـض تـــا بـــع محیط دا نست ز یـــرا اگر چنان پنداریم که انسان امروز بدون قید و شرط مقید بفرمان انقـلابات بـــزرگ تکنا لو ژ ی و ما شین با شد گویا ازقدرت ابتکار و ابداع انسان انکـار نمـــوده ایـــم بلکه حقیقت او چنان است کـــه به درجـــه اول انقلاب تکنالوژی و ماشین زاده د ما غ انسان مبتکر و مخترع است . به در جه دوم این اختراعات و اکتشافات برای بهبـــو د و آسایش ز ند گا نی همه افراد و جوامع بشری و فراهم آوردن تسهیـــلات در ر ا ه انجام کار و زندگی انسان است تا انسان دمی براحت کشد و فرصت مـز ید فکـــر کـــردن را بیابد و مصـــدر ابتکـــارات و اختراعات مزید بشود . پس اختـــر ا عا ت و تکنا لو ژ ی و ما شین ها تا بع اراده بشر و برای بهبود حیـــا ت و تا مین صلح و سلام مردم گیتی اند نه آنکه انسان تابع وغلام آن (محیط ماشینی خود) بدون قید و شرط بشود . بحث تاثیر محیط واستعداد از سالیان متمادی و عصر های دور و درازی بما میراث مانده اســـت کـــه بـــا لا خر ه علمای شر ق و غرب به نقش هر دو صلح کرده اند وبه این حقیقت گـــرانیده اند که هر دو ، هم محیط و هم استعداد ارثی د ر تثبیت شخصیت فرد انسان و بوجـــود آوردن ابتکـــارات و اختراعات وکشف حقایق و تعمیم آن نقش تعیین کننده دارنـــد که نمیتوان یکی از آن را بر دیگری رجحان

داد . به این شکل بین مکتب پیـــروان اصالت محیط و وراثت صلح و آشتی بـــر قرار شده است . از آنجا است که علمای جید و مبتکر جهان را نمی توان محض مربوط

به کشور خاص ویك محیط بخصوص محدود دانست بلکه خدمت بزرگ و جهان شمول آنها به آنها شخصیت بین المللی داده‌است چنانکه شخصیت علمـــی پا و لو ف فزیولوژی دان معـــروف شـــوروی و فروید اطـــریشی و امثال آن محدود و منحصر بیك‌کشورخاص

نمی ماند بلکه بسراسر جهان تعلـــق میگیرد چنانکه در کشور های بـــورژوازی از پاولوف پیروی می کنند و نظـــریات او را واتسن و سیکز بحد ا علی آ ن انکشاف داد .

همچنان جان دیوی در تعلیم و تـــر بیه و روان شناسی یکی از شخصیـــت هـــا ی برازنده است کـــه پیـــرو اصالت تطبیـــق نظر در عمل است و روز گار ا نی علمای اتحاد شوروی نظـــریـــات او را و خاصتـــا آموزش از طریق عمل او را مـــورد تطبیـــق قرار داده ومیدهند .

۳ـ اکنـــون می پردازیم به تحلیل تعریف روان شنا سی و آثـاریکه بر اساس آ ن بمقالات من انتقاد شده است .

انتقاد کننده محتـــرم اگر مـــقالات نگا رنـــده را که در شماره هـــا ی (۱۵ـ۱٦ و ۱۷) مجله وزین ژوندون نشر شده است بغـــور مطا لعه می نمودند در مـــی یا فتند کـــه محض در آن مقـــالات تعـــریف روان شناسی با کم وکیف آن در شرایط عینی و تجربی بحیث علم سلوك جا نداران و خا صتاً بشر برای تنویـــر اذهـــان جـــوانان متـــر قـــی ووطـــن خـــواه و خانواده ها ی محتـــر م معرفی گردیده است . من کجا از روان ـ شنـــا ســـی ا جتمـــا عـــی و شعبات آ ن به تفصیل بحث کرده ام تا فـــر ما یشا ت انتقاد کننده محتـــرم مـــد نظر گـــرفتـــه مـــی شد . مرا با آنکه از افکار مترقی زیکمند ـ فروید اطریشـــی بنفـــع بورژوازی استفـــاده شده است چه کار و غرض ا ســـت . من هم آنرا به نوبه خود نادرست و نا شایست می پندارم که نظـــر عـــا لمـــی را بر اساس اغراض شوم و پلید خود بر غلـــط تو جیه کنند .

از آنجا که انتقاد کننـد ه محتـــر م مقا له مرا که تحت عنوان « روان شناسی از چا بحث می کند » انتقاد کرده نو شته اند . «... استاد محترم فا ضل بدون آنکـــه این اصل وانحصار اقتصاد ی باانحصار علـــمی همـــراه شده هست ، آ شفتگـــی ا جتما عی به پریشانی جا معه شناسی (روان شناسی) کشیده است ... را مد نظر بگیرند » وحتی به مقام بسیار اعلای خطو ط اساسی وظایف انقلابی ج.د.ا. استناد کرده‌اند وازایجاد یك سیستم متر قی فرهنگ ملی و تجد ید نظر بر کلیه پروگرام های د ر سی یاد آورشده ونوشته مرا ارتجـــاعی خوانده اند نخســـت گله مند م زیرا من خو د را در نهضت های کشور عزیز خود ودر تر بیـــت جـــوانان سالم و و طن دوست و بوجود آمدن فرهنگ ملی وورود تحول درنظام تربیتی بـــر حسب احتیاج ونیاز مند یهای اطفـــال ، جـــوانـــان ووطـــن ماسهیم میدانم وبه‌کسی حق نمید هم تا بر من همچو تهمتی را وارد کنند .

دوم بعبارات ر نگین و پر کیفی که ناقد محترم جا معه شنا سی را عین روان شناسی دانسته است نه من ونه آنکه روان شناسی می داند موافق خواهد بود .

از همین جا ست که تحلیل انتقادکننده در باره مقالات من نا درست است . زیـــرا آنچه بر آن استناد شده و مسایل اقتصادی

واجتماعی را که جز جامعه شناسی خوانده اند نیز روان شناسی نیست. البته روان شناسی اجتماعی از تماس به آن برکنار مانده نمیتوانند، اما جامعه شناسی علم مستقل وجداگانه و روان شناسی علم جداگانه است. همه تحلیل رفیق گرامی که درباره روان شناسی اجتماعی و جامعه شناسی ارتباطی دارد به تعریف روان شناسی ارتباطی نمی گیرد وزحمت ناحق را بر خود هموار داشته اند.

سوم اجازه بدهید بپرسم که کجای مقالات من مخالف خطوط اساسی و ظایف انقلابی وایجاد یک سیستم وفرهنگ ملی بوده است بلکه من پیوسته سعی نموده ام تا فرهنگ ملی غنی ترو معمورتر گردد چنانکه آثار وتالیفات من شاهد مدعا است. در زمانه های پیشین چنان معمول بودکه نویسندگان مترقی، علما ومنورین را تهدید بکفر می‌کردند اما اکنون انتقاد کننده محترم مرا وامثال مرا که در تربیت شان اگر بصورت مستقیم دستی نداشته باشیم بدون شک و شبه معلمان شان، شاگردان و یا رفقای من بوده اند تهدید به ارتجاع نفرمایند. اما اینکار مجاهدات خستگی ناپذیری را ایجاب مینماید تا تحقیقات عینی در هر گوشه وکنار کشور ما براه انداخته شود و من آرزو دارم در انجام همچو تحقیقات سهم فعال داشته باشم زیرا تا اکنون دو تحقیقی را در انکشاف رشد اخلاقی ورشد ذهنی اطفال افغانستان انجام داده ام وکتبی را که در اثر این تحقیقات علمی نوشته ام به‌مراجع مربوط وزارت تعلیم و تربیه و کتابخانه پوهنتون تقدیم داشته ام واکنون نیز در براه‌انداختن و طرح تحقیق جدیدی با وزارت تعلیم و تربیه و مشاورین خارجی آن مشغول هستم بایدمتذکر شدکه‌ازتالیفات من درپوهنتون بحیث کتب درسی و ممد درسی استفاده میشود.

اصل انتقاد ازجایی منشاء می گیرد که من برای تعریف روان شناسی بحیث سلوک جانداران و خاصتا سلوک بشر محض از جان دیوی نام برده ام و همچنان از مولفان کتاب روان شناسی بحیث سلوک بشر نام گرفته ام. اگر حق این علما رادر تعمیم این علم ادا نمی‌کردم حق اعتراض داشتید ومن نمیتوانستم از علمای که در تعلیم و تربیه شهرت بین المللی داشته باشند و موجد فکر و عمل باشند حق ایشان را از هر کجای که باشند ادا ء نکنم.

زیرا جان دیوی شخصیتی چون جارج‌برونر را تربیه کرده است که درجمله علمای پیرو اصالت ماده در صف اول قرار دارد و در اتحاد جماهیر شوروی‌شهرت بسزا دارد. همچنان بگفته دکتور شلوخی متخصص تعلیم و تربیه در اکادمی تربیه معلم افکار دیوی را بحیث‌پیرو اصالت عمل و پراگماتیک ستوده است ودر سالیان ۱۹۳۰ نظریات عملی وتربیتی دیوی را در اتحاد جماهیر شوروی، مورد تطبیق وتجربه قرار داده اند واز آن استفاده های زیادی بعمل اورده اند. این دوکتور جوان شوروی جان دیوی را از لحاظ ترجیح‌دادن جهات عمل در تدریس و اموزش ستوده وبرای او مقام ارجمندی را در تعلیم و تربیه در جمله علمای مترقی جهان قایل شده است. بهمین اساس عده از مولفان به کتاب روان شناسی بحیث علم سلوک بشر، سمت استادی را در پوهنتون کلنیفورنیا دارند.

این موسسه علمی وتربیتی از جمله پوهنتون های است که با پوهنتون ماسکو توامیت دارد.

ازینکه روان شناسی را علم سلوک خوانده و سلوک را فعالیت های روانی و تپ و تلاش های با اراده، با هدف وبا مقصد معرفی کرده امو هنوزهم به این تعریف خود پایدار واستوارم زیرا من این تعریف علمی روان شناسی را ضد ارتقا وارتجاعی نمیدانم. بفرمایش انتقاد کننده محترم اگر پروفیسرک‌پلاتوف مولف کتاب روان‌شناسی درشوروی بحیث‌طبیب و روان شناس معروف روان شناسی را بررسی فکر تعریف کند و چنین‌بنویسد «روان شناسی در تفسیر ما دیون علم‌جدیدی است که فکر را بررسی میکندیعنی توانایی مغز رادر انعکاس حقیقت مورد نظر» به یقین کامل این عالم مدقق وطبیب حاذق روان شناسی را محض منحصر بفکر نمیداند چه فکرجزءاز روان شناسی ویکی ازجملهٔ سلوک انسان است که من انرا برای فهم بهتر سلوک ذهنی یاادراکی خوانده ام. ازلحاظ منطق هم نمیتوان کل را بنام جز نامید. بر علاوه چون موضوع بحث روان شناسی سلوک انسان‌و حیوان است و فکر محض از صفات بارز ومشخصه انسان است، اگر تنها موضوع روان شناسی رابررسی فکر بدانیم پس حیوانات را از ساحه علم روان شناسی بیرون می کنیم. امایقین دارم سهوی در ترجمه ان بعمل آمده‌است واصل مراد و مقصد دوکتور پلاتوف از فکر کلمه «ماینِد» است نه «تات» که «ماینِد» در تفسیر کلی خود روان است که‌پدیده ها وفعالیت های آن در سلوک انسان و حیوان نمودار می شود و انسان را بحیث یک کل دارای سلوک ذهنی‌هیجانی اجتماعی و حرکی می شناسد که این چهار عنصر باهم امتزاج وترکیب یافته سلوک انسان راتشکیل میدهد که برای فهم بهتر آن طوریکه در مقالات متذکره به تفصیل از آن بحث شده تصنیف گردیده است.

من در اصل و کنه موضوع مغایرتی بین تالیف خود که انتقاد کننده محترم آن را ارتجاعی خوانده است و تعریف دکتور پالاتوف و روان شناسان دیگر شوروی که با آنها تماس حاصل شده است نمی بینم. چنانکه دوکتور یوری واویلوف استاد روان شناسی آکادمی تربیه معلم درباره موضوع علم روان شناسی و خاصیت روانی آن با من وحدت نظر دارد.

واقعا دسته از روان شناسان چه از کشور های امپریالستی و چه عیسوی اسپریتیستی از جنبه ادراکی اموزش [illegible] سود [illegible] سد [illegible] سدن است [illegible] دادن به [illegible] انگیزه و پاسخ است [illegible] بین انگیزه و پاسخ [illegible] و [illegible] در بین [illegible] بصورت خود بخود و ماشینی ظاهر گردد. این نوع اموزش [illegible] ده بیست و من از ان پیوسته [illegible] کرده و از اموزش ادراکی و ارادی ستایش نموده ام بنیان [illegible] اصلی این نوع اموزش پیروان مذهب [illegible]. ازینکه این نوع اموزش بطبعه بو رزوا تعلق دارد یا ندارد بمن چه ارتباط دارد که بروی من تسمید ه می شود.

ازینکه انتقاد کننده محترم امیرحسین آریان پور وبرتراند رسل را شاهد قول آورده اند واز کتاب زمینه جامعه شناسی نقل قول می کنند که:

«اوضاع هر جامعه بطور مستقیم وغیر مستقیم در ذهن اعضای جامعه و ازآنجمله دانشمندان منعکس میشود ... دانشمندان بی آنکه خود بدانند. مشاهدات وتجارب علمی خود را در قالب مقولاتی که در جریان زندگی از جامعه خویش گرفته است می ریزد و راه ورسم واقعیت راموافق زمینه فکری خود تعین می کند.»

در ینصورت باید پرسید که خود انها اصلا ازکجا اند؟ آیایکتن ایرانی و دیگری برتانوی نیستند بر اساس استدلال انتقاد کننده محترم کسانیکه زاده محیط بورژوازی اند نقل قول از انها ارتجاعی است. من بحیث یک شاگرد علم روان شناسی تربیتی واستاد سابقه دار پوهنتون کابل که بر قدرت ابتکار و ابداع ونیروی تحرک و تحول انسان عقیده دارم ابدا چنین اعتراض را وارد نمیدانم چه اگراین امر درست می بود از تربیه یافتگان جوامع بورژوازی بزرگترین انقلابیون و ترقی خواهان ظهور نمی کردند که مثال آنرا در هر جامعه و کشور میتوان بچشم سر مشاهده کرد. اما درباره اصل متن نقل قول میتوان گفت که محض به جنبه تاثیرات و تعاملات محیطی وزن وارزش زیاد داده شده‌است و جهت عوامل ارثی واستعداد های ذاتی انسان که تاثیر عظیمی در تحول جامعه دارد چندان تماس بارز گرفته نشده است.

علاوه بران این مطلب‌اززمینه جامعه‌شناسی نقل قول شده است که بروان شناسی چندان ارتباطی ندارد مگر انکه روان شناسی وجامعه‌شناسی رایکسان تلقی کرد که ممکن نیست.

در نتیجه باید بعرض رساند که دانشمندان نباید در قضاوت خود عجله کنند و بکمال شتاب زدگی بدون تحلیل درست بر شخصیت اشخاص بیمورد انگشت اعتراض بگذارند و خاصتا کسانی را که عقیده دارند، آموزش از مهد تالحد جریان دارد و انسانیکه بحیث معلم پیوسته فریفته تحول و تجدد می باشد وآنچه را که میدانند از گذاردن در خدمت خلق دریغ نمی کنند و ازین لحاظ بجامعه نسل نوین وخانواده های محترم خدماتی را انجام میدهند ودر طول حیات جز مجاهده ومبارزه درراه تعمیم علم ودانش وازطریق زبان و قلم و تدریس و نگارش جهت ارتقای وطن وابنای وطن کار دیگری نکرده باشد نمی سزد که مایوس سازند و در نتیجه‌این همه خدمات، به آنها لطمه ارتجاع را وارد کنند و مشرب این و آن را به آنها نسبت دهند، چه من وامثال من خود راباایمان وعقیدت کامل بحیث افغان زحمت کش ووطن دوست و شیفته و مترقی وطن میدانیم و من شخصا یقین دارم آنهایی که مرا بحیث همکار و شاگرد واستاد می شناسند گفته مرا تائید می کنند.

همچنان خواهشمندم تا مدیریت محترم مجله و مقامات نشراتی در اثر همچو انتقادات عجولانه و تنگ نظرانه مقالات مرا ازنشر باز ندارند احترام. پیروز باشند.

پوهاند محمد فاضل

انیس
ژوندون

مدیر مسوول : شیر محمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
مهتمم : نوریه
آدرس : انصاری وات، مقابل ریاست مطابع دولتی
تیلفون دفتر : ۲۶۸۴۹

مطبعهٔ دولتی

سال نو، بهار نو، جهان نو

…خرمی ساز کن — گل آمد در باغ را باز کن

…ستند برطرف باغ — برافروخته هر گلی چون چراغ

…چون سکه نو بهار — درم ریز کن بر لب جویبار

…ر بال برکش فراخ — بقمری خبر ده که سبز است شاخ

…سبزه فروشوی گرد — که روشن بشستن شود لاجورد

سال ۱۳۵۹ هدیه ژوندون

۱۴۰۰ — 1980

۵۹ حمل ۱۳

1980 MARCH مارچ APRIL اپریل — ۱۴۰۰ جمادی الاولی جمادی الاخری

جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه
۱ (21 / ۵)	۲ (22 / ۶)	۳ (23 / ۷)	۴ (24 / ۸)	۵ (25 / ۹)	۶ (26 / ۱۰)	۷ (27 / ۱۱)
۸ (28 / ۱۲)	۹ (29 / ۱۳)	۱۰ (30 / ۱۴)	۱۱ (31 / ۱۵)	۱۲ (APR / ۱۶)	۱۳ (2 / ۱۷)	۱۴ (3 / ۱۸)
۱۵ (4 / ۱۹)	۱۶ (5 / ۲۰)	۱۷ (6 / ۲۱)	۱۸ (7 / ۲۲)	۱۹ (8 / ۲۳)	۲۰ (9 / ۲۴)	۲۱ (10 / ۲۵)
۲۲ (11 / ۲۶)	۲۳ (12 / ۲۷)	۲۴ (13 / ۲۸)	۲۵ (14 / ۲۹)	۲۶ (15 / ۳۰)	۲۷ (16 / جمادی الاخری)	۲۸ (17 / ۲)
۲۹ (18 / ۳)	۳۰ (19 / ۴)	۳۱ (20 / ۵)				

(۱) حمل نوروز (رخصتی)

۵۹ ثور ۱۳

1980 APRIL اپریل MAY می — ۱۴۰۰ جمادی الاخری رجب المرجب

دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه
۱ (21 / ۶)	۲ (22 / ۷)	۳ (23 / ۸)	۴ (24 / ۹)	۵ (25 / ۱۰)	۶ (26 / ۱۱)	۷ (27 / ۱۲)
۸ (28 / ۱۳)	۹ (29 / ۱۴)	۱۰ (30 / ۱۵)	۱۱ (MAY / ۱۶)	۱۲ (2 / ۱۷)	۱۳ (3 / ۱۸)	۱۴ (4 / ۱۹)
۱۵ (5 / ۲۰)	۱۶ (6 / ۲۱)	۱۷ (7 / ۲۲)	۱۸ (8 / ۲۳)	۱۹ (9 / ۲۴)	۲۰ (10 / ۲۵)	۲۱ (11 / ۲۶)
۲۲ (12 / ۲۷)	۲۳ (13 / ۲۸)	۲۴ (14 / ۲۹)	۲۵ (15 / رجب)	۲۶ (16 / ۲)	۲۷ (17 / ۳)	۲۸ (18 / ۴)
۲۹ (19 / ۵)	۳۰ (20 / ۶)	۳۱ (21 / ۷)				

(۷) ثور جشن انقلاب شکوهمند ثور (رخصتی) (۱۱) ثور روز بین‌المللی کارگر (رخصتی)

۵۹ جوزا ۱۳

1980 MAY می JUNE جون — ۱۴۰۰ رجب المرجب شعبان المعظم

پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه
۱ (22 / ۸)	۲ (23 / ۹)	۳ (24 / ۱۰)	۴ (25 / ۱۱)	۵ (26 / ۱۲)	۶ (27 / ۱۳)	۷ (28 / ۱۴)
۸ (29 / ۱۵)	۹ (30 / ۱۶)	۱۰ (31 / ۱۷)	۱۱ (JUN / ۱۸)	۱۲ (2 / ۱۹)	۱۳ (3 / ۲۰)	۱۴ (4 / ۲۱)
۱۵ (5 / ۲۲)	۱۶ (6 / ۲۳)	۱۷ (7 / ۲۴)	۱۸ (8 / ۲۵)	۱۹ (9 / ۲۶)	۲۰ (10 / ۲۷)	۲۱ (11 / ۲۸)
۲۲ (12 / ۲۹)	۲۳ (13 / ۳۰)	۲۴ (14 / شعبان)	۲۵ (15 / ۲)	۲۶ (16 / ۳)	۲۷ (17 / ۴)	۲۸ (18 / ۵)
۲۹ (19 / ۶)	۳۰ (20 / ۷)	۳۱ (21 / ۸)				

(۱) جوزا روز بین‌المللی طفل

۵۹ سرطان ۱۳

1980 JUNE جون JULY جولائی — ۱۴۰۰ شعبان المعظم رمضان المبارک

یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه
۱ (22 / ۹)	۲ (23 / ۱۰)	۳ (24 / ۱۱)	۴ (25 / ۱۲)	۵ (26 / ۱۳)	۶ (27 / ۱۴)	۷ (28 / ۱۵)
۸ (29 / ۱۶)	۹ (30 / ۱۷)	۱۰ (JULY / ۱۸)	۱۱ (2 / ۱۹)	۱۲ (3 / ۲۰)	۱۳ (4 / ۲۱)	۱۴ (5 / ۲۲)
۱۵ (6 / ۲۳)	۱۶ (7 / ۲۴)	۱۷ (8 / ۲۵)	۱۸ (9 / ۲۶)	۱۹ (10 / ۲۷)	۲۰ (11 / ۲۸)	۲۱ (12 / ۲۹)
۲۲ (13 / رمضان)	۲۳ (14 / ۲)	۲۴ (15 / ۳)	۲۵ (16 / ۴)	۲۶ (17 / ۵)	۲۷ (18 / ۶)	۲۸ (19 / ۷)
۲۹ (20 / ۸)	۳۰ (21 / ۹)	۳۱ (22 / ۱۰)				

(۲۲) سرطان اول رمضان المبارک (رخصتی)

۱۳۵۹ اسد

1980 JULY جولائی AUGUST اگست — ۱۴۰۰ رمضان المبارک شوال المکرم

چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه
۱ (23 / ۱۱)	۲ (24 / ۱۲)	۳ (25 / ۱۳)	۴ (26 / ۱۴)	۵ (27 / ۱۵)	۶ (28 / ۱۶)	۷ (29 / ۱۷)
۸ (30 / ۱۸)	۹ (31 / ۱۹)	۱۰ (AUG / ۲۰)	۱۱ (2 / ۲۱)	۱۲ (3 / ۲۲)	۱۳ (4 / ۲۳)	۱۴ (5 / ۲۴)
۱۵ (6 / ۲۵)	۱۶ (7 / ۲۶)	۱۷ (8 / ۲۷)	۱۸ (9 / ۲۸)	۱۹ (10 / ۲۹)	۲۰ (11 / ۳۰)	۲۱ (12 / شوال)
۲۲ (13 / ۲)	۲۳ (14 / ۳)	۲۴ (15 / ۴)	۲۵ (16 / ۵)	۲۶ (17 / ۶)	۲۷ (18 / ۷)	۲۸ (19 / ۸)
۲۹ (20 / ۹)	۳۰ (21 / ۱۰)	۳۱ (22 / ۱۱)				

(۲۱-۲۳) اسد عید سعید فطر (رخصتی) (۲۸) اسد روز استرداد استقلال کشور (رخصتی)

۵۹ سنبله ۱۳

1980 AUGUST اگست SEPTEMBER سپتمبر — ۱۴۰۰ شوال المکرم ذیقعدة الحرام

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
۱ (23 / ۱۲)	۲ (24 / ۱۳)	۳ (25 / ۱۴)	۴ (26 / ۱۵)	۵ (27 / ۱۶)	۶ (28 / ۱۷)	۷ (29 / ۱۸)
۸ (30 / ۱۹)	۹ (31 / ۲۰)	۱۰ (SEP / ۲۱)	۱۱ (2 / ۲۲)	۱۲ (3 / ۲۳)	۱۳ (4 / ۲۴)	۱۴ (5 / ۲۵)
۱۵ (6 / ۲۶)	۱۶ (7 / ۲۷)	۱۷ (8 / ۲۸)	۱۸ (9 / ۲۹)	۱۹ (10 / ذیقعده)	۲۰ (11 / ۲)	۲۱ (12 / ۳)
۲۲ (13 / ۴)	۲۳ (14 / ۵)	۲۴ (15 / ۶)	۲۵ (16 / ۷)	۲۶ (17 / ۸)	۲۷ (18 / ۹)	۲۸ (19 / ۱۰)
۲۹ (20 / ۱۱)	۳۰ (21 / ۱۲)	۳۱ (22 / ۱۳)				

(۹) سنبله جشن پشتونستان (رخصتی)

۵۹ میزان ۱۳

1980 SEPTEMBER سپتمبر OCTOBER اکتوبر — ۱۴۰۰ ذیقعدة الحرام ذیحجة الحرام

سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه
۱ (23 / ۱۴)	۲ (24 / ۱۵)	۳ (25 / ۱۶)	۴ (26 / ۱۷)	۵ (27 / ۱۸)	۶ (28 / ۱۹)	۷ (29 / ۲۰)
۸ (30 / ۲۱)	۹ (OCT / ۲۲)	۱۰ (2 / ۲۳)	۱۱ (3 / ۲۴)	۱۲ (4 / ۲۵)	۱۳ (5 / ۲۶)	۱۴ (6 / ۲۷)
۱۵ (7 / ۲۸)	۱۶ (8 / ۲۹)	۱۷ (9 / ۳۰)	۱۸ (10 / ذیحجه)	۱۹ (11 / ۲)	۲۰ (12 / ۳)	۲۱ (13 / ۴)
۲۲ (14 / ۵)	۲۳ (15 / ۶)	۲۴ (16 / ۷)	۲۵ (17 / ۸)	۲۶ عرفه (18 / ۹)	۲۷ (19 / ۱۰)	۲۸ (20 / ۱۱)
۲۹ (21 / ۱۲)	۳۰ (22 / ۱۳)					

(۲۶-۲۹) میزان عید سعید اضحی (رخصتی)

۱۳۵۹ عقرب

1980 OCTOBER اکتوبر NOVEMBER نومبر — ۱۴۰۰ ذیحجة الحرام محرم الحرام

پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه
۱ (23 / ۱۴)	۲ (24 / ۱۵)	۳ (25 / ۱۶)	۴ (26 / ۱۷)	۵ (27 / ۱۸)	۶ (28 / ۱۹)	۷ (29 / ۲۰)
۸ (30 / ۲۱)	۹ (31 / ۲۲)	۱۰ (NOV / ۲۳)	۱۱ (2 / ۲۴)	۱۲ (3 / ۲۵)	۱۳ (4 / ۲۶)	۱۴ (5 / ۲۷)
۱۵ (6 / ۲۸)	۱۶ (7 / ۲۹)	۱۷ (8 / محرم ۱۴۰۱)	۱۸ (9 / ۲)	۱۹ (10 / ۳)	۲۰ (11 / ۴)	۲۱ (12 / ۵)
۲۲ (13 / ۶)	۲۳ (14 / ۷)	۲۴ (15 / ۸)	۲۵ (16 / ۹)	۲۶ (17 / ۱۰)	۲۷ (18 / ۱۱)	۲۸ (19 / ۱۲)
۲۹ (20 / ۱۳)	۳۰ (21 / ۱۴)					

(۲) عقرب روز ملل متحد (۳) عقرب روز شهدای عقرب (۲۶) عقرب روز عاشورا (رخصتی)

۵۹ قوس

۱۴۰۱ محرم الحرام صفر المظفر

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه
۱ (22 / ۱۵)	۲ (23 / ۱۶)	۳ (24 / ۱۷)	۴ (25 / ۱۸)
۸ (29 / ۲۲)	۹ (30 / ۲۳)	۱۰ (DEC / ۲۴)	۱۱ (2 / ۲۵)
۱۵ (6 / ۲۹)	۱۶ (7 / ۳۰)	۱۷ (8 / صفر)	۱۸ (9 / ۲)
۲۲ (13 / ۶)	۲۳ (14 / ۷)	۲۴ (15 / ۸)	۲۵ (16 / ۹)
۲۹ (20 / ۱۳)	۳۰ (21 / ۱۴)		

۵۹ جدی

۱۴۰۱ صفر المظفر ربیع الاول

دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه
۱ (22 / ۱۵)	۲ (23 / ۱۶)	۳ (24 / ۱۷)	۴ (25 / ۱۸)
۸ (29 / ۲۲)	۹ (30 / ۲۳)	۱۰ (31 / ۲۴)	۱۱ (1981 JAN / ۲۵)
۱۵ (5 / ۲۹)	۱۶ (6 / ربیع الاول)	۱۷ (7 / ۲)	۱۸ (8 / ۳)
۲۲ (12 / ۷)	۲۳ (13 / ۸)	۲۴ (14 / ۹)	۲۵ (15 / ۱۰)
۲۹ (19 / ۱۴)	۳۰ (20 / ۱۵)		

(۶) جدی مرحله نوین انقلاب شکوهمند ثور (۲۳) جدی روز عرفان … (۲۷) جدی …

۵۹ دلو

۱۴۰۱ ربیع الاول ربیع الاخر

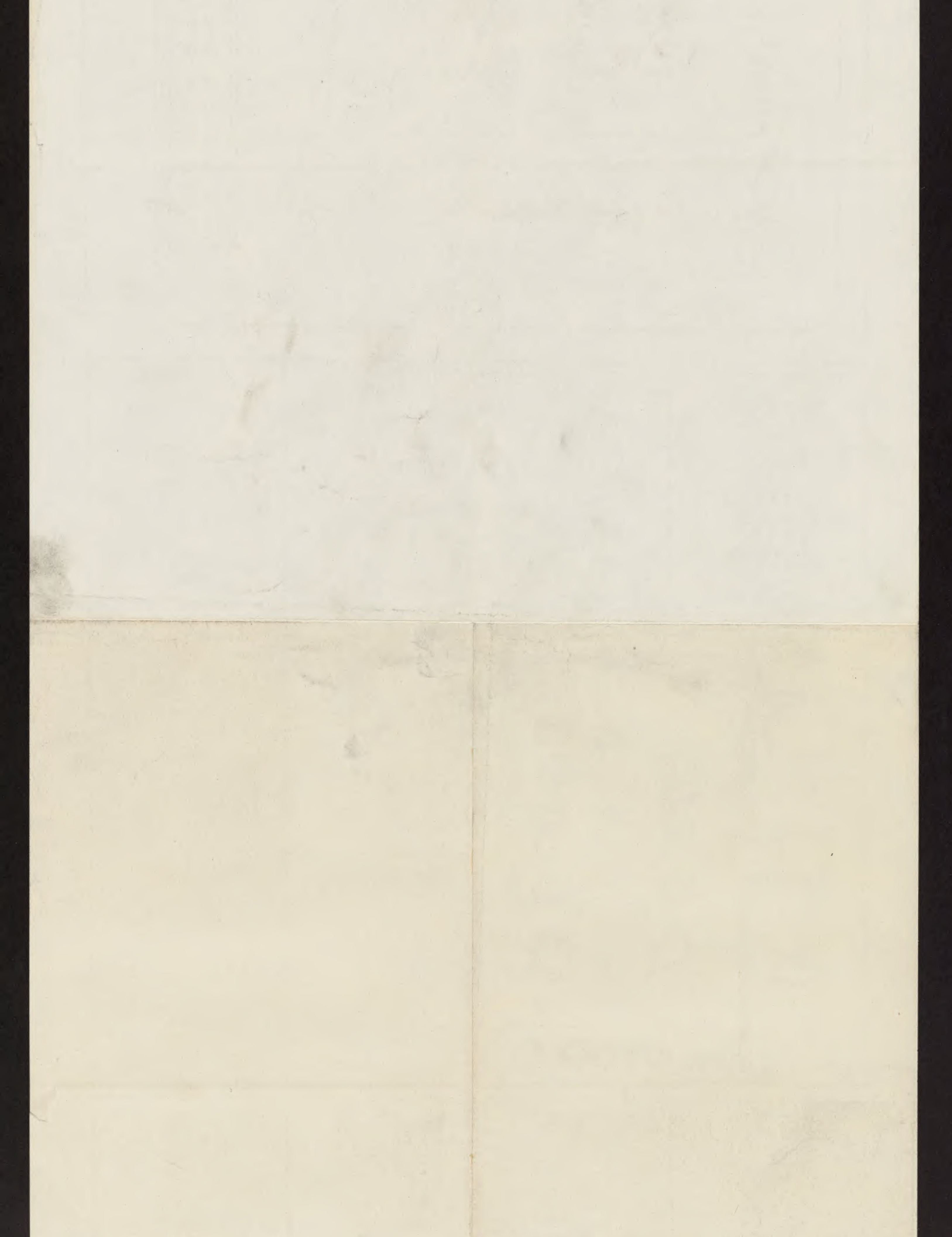
چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه
۱ (21 / ۱۶)	۲ (22 / ۱۷)	۳ (23 / ۱۸)	۴ (24 / ۱۹)
۸ (28 / ۲۳)	۹ (29 / ۲۴)	۱۰ (30 / ۲۵)	۱۱ (31 / ۲۶)
۱۵ (4 / ۳۰)	۱۶ (5 / ربیع الاخر)	۱۷ (6 / ۲)	۱۸ (7 / ۳)
۲۲ (11 / ۷)	۲۳ (12 / ۸)	۲۴ (13 / ۹)	۲۵ (14 / ۱۰)
۲۹ (18 / ۱۴)	۳۰ (19 / ۱۵)		

۵۹ حوت

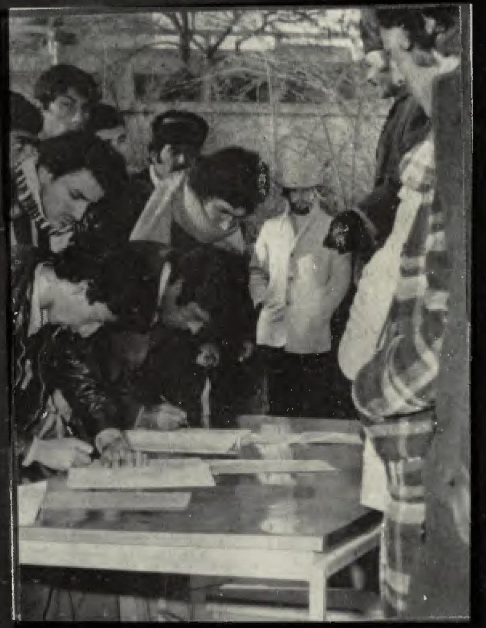
۱۴۰۱ ربیع الاخر جمادی الاولی

جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه
۱ (20 / ۱۶)	۲ (21 / ۱۷)	۳ (22 / ۱۸)	۴ (23 / ۱۹)
۸ (27 / ۲۳)	۹ (28 / ۲۴)	۱۰ (MAR / ۲۵)	۱۱ (2 / ۲۶)
۱۵ (6 / جمادی الاولی)	۱۶ (7 / ۲)	۱۷ (8 / ۳)	۱۸ (9 / ۴)
۲۲ (13 / ۸)	۲۳ (14 / ۹)	۲۴ (15 / ۱۰)	۲۵ (16 / ۱۱)
۲۹ (20 / ۱۵)			

(۱۷) حوت روز بین‌المللی زن (رخصتی)











چند صحنهٔ از مراسم عزاداری
پدران ، مادران ، خواهران و
برادران داغدیدهٔ کشور ستمدیدهٔ
ما که عزیزان خود را در دوران دیکتاتوری
امین جلاد و باند جنایتکار وی
از دست داده و در روز
عزای ملی که از طرف جمهوری
دموکراتیک افغانستان
اعلان گردیده شرکت ورزیده‌اند.